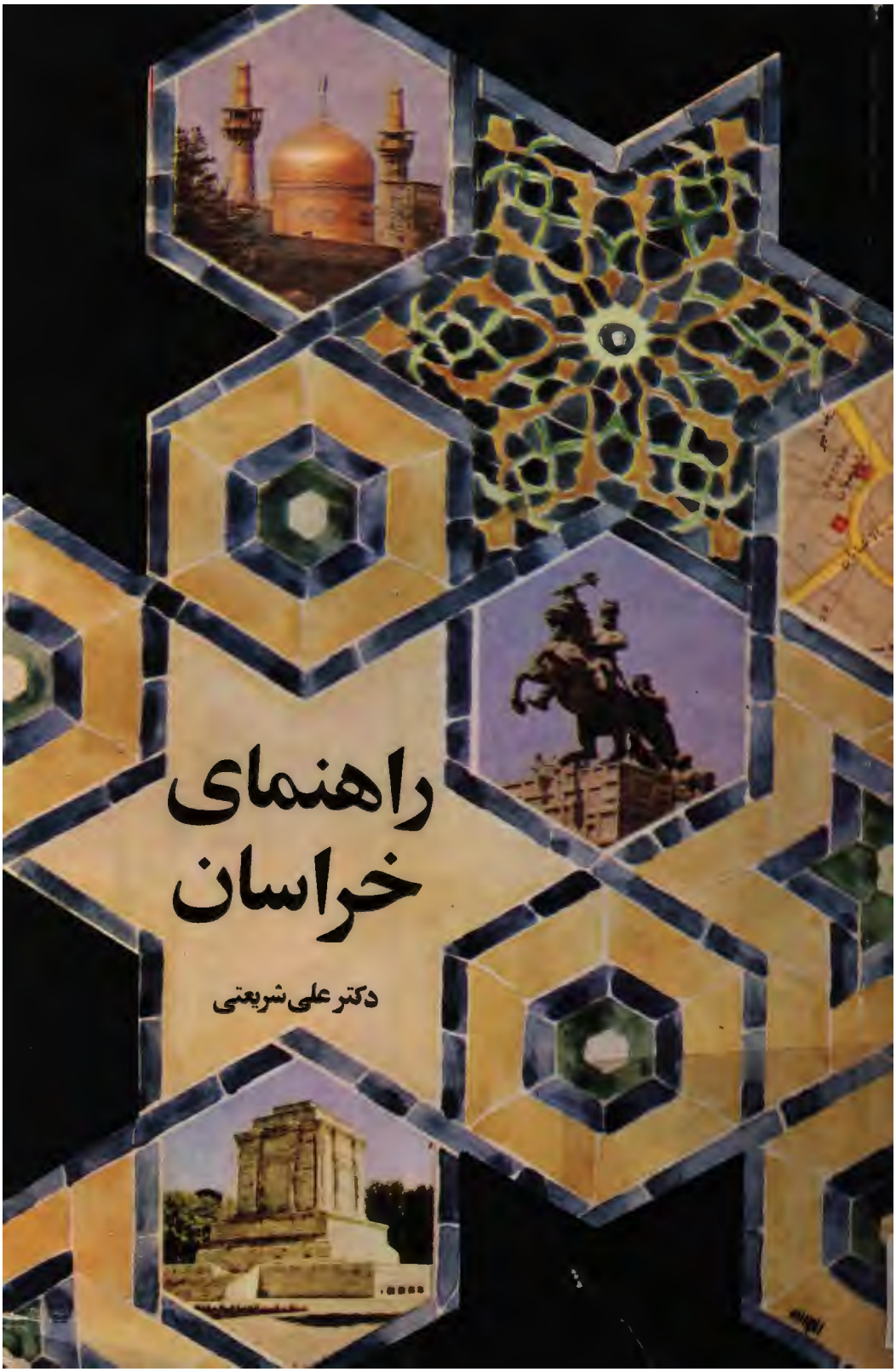
راهنمای
خراسان
دکتر علی شریعتی

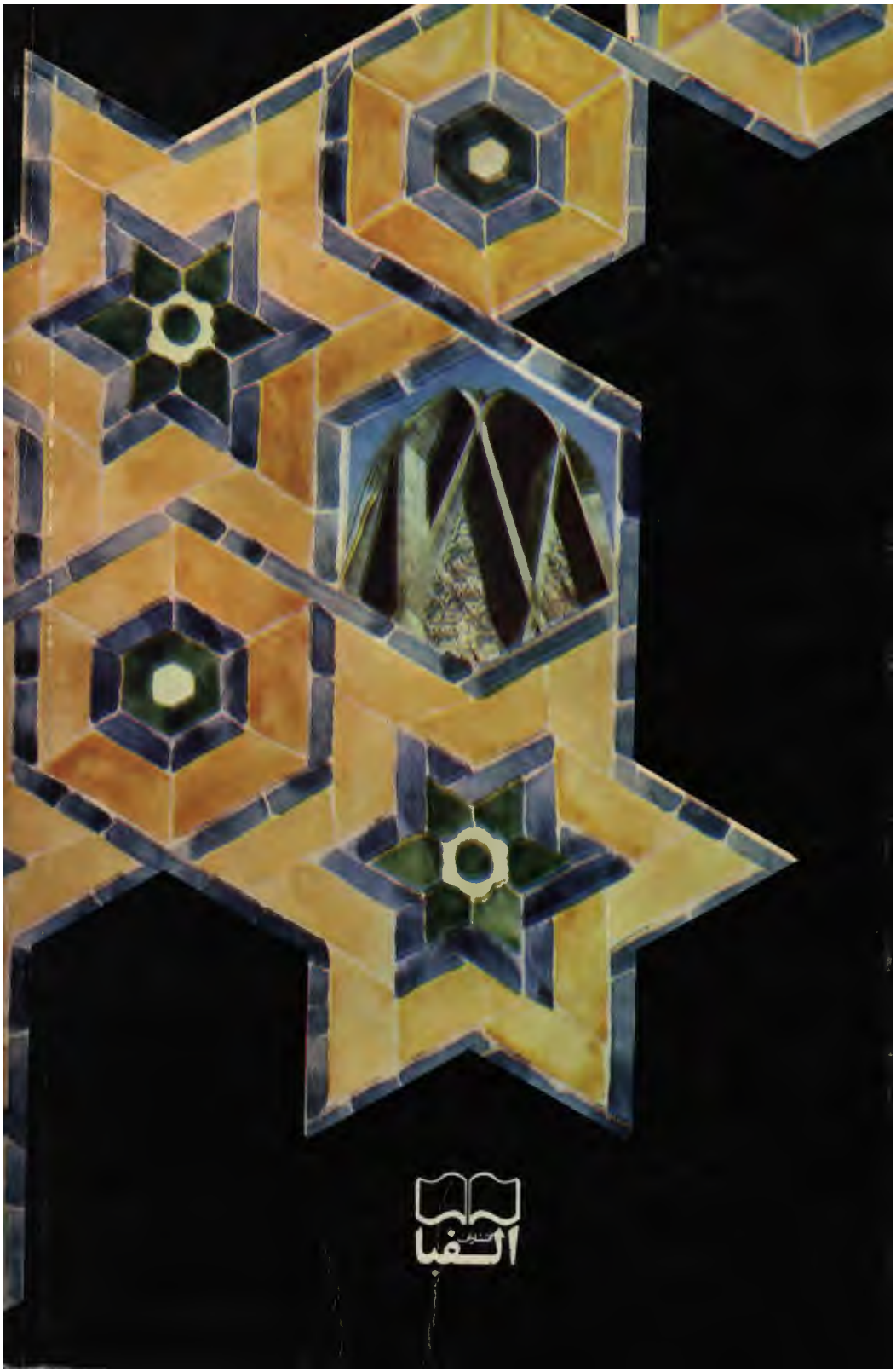
الصفا

راهنمای خراسان

دکتر علی شریعتی

۲/۶۳۰ ن ر
۲۷/۳

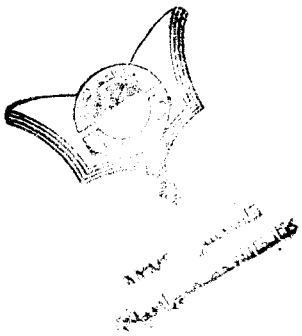

راهنمای خراسان

۲۶۵۲۹

راهنمای خراسان

دکتر علی شریعتی

دکتر علی شریعتی
راهنمای خراسان
چاپ اول: سازمان جلب سیاحان، ۱۳۴۵
چاپ دوم: زمستان ۱۳۶۳
چاپ پژمان
تعداد ۵۰۰۰
حق چاپ محفوظ است

بنام خدا

مقدمه ناشر ـ چاپ دوم

کتاب راهنمای خراسان تألیف دکتر علی شریعتی در سال ۱۳۴۵ از سوی سازمان جلب سیاحان چاپ و منتشر شد.

مطالب کتاب، اشارهٔ مجمل و در عین حال مفیدی دارد به رویدادهای تاریخی خراسان، اوضاع جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این استان، خاصه شهر مشهد.

در تألیف کتاب، مطالب مربوط به آستان قدس رضوی، مساجد، مدارس، مقابر وسایر بناهای مذهبی و تاریخی، مقام ویژه‌ای دارد و نویسنده در شرح سوابق تاریخی و مذهبی این بناها اطلاعات خواندنی و بدیعی به‌دست می‌دهد.

همانگونه که در پیشگفتار چاپ اول آمده، کتاب راهنمای خراسان برای آشنایی بیشتر ایرانیان و فارسی زبانان تهیه و منتشر شده است.

تذکر این نکته نیز ضروری است که گسترش شهرها، افزایش جمعیت، تغییر نام مکانها، انحلال برخی مؤسسات و ایجاد بعضی دیگر، موجد تغییراتی در اینگونه اطلاعات شده که به جهت احتراز از دخل وتصرف در متن کتاب ورعایت امانت، تغییرات مزبور را جداگانه چاپ و در دسترس علاقمندان قرار داده‌ایم. درمطالب متن اصلی کتاب کمتر تغییری پدید آمده، لیکن بخش «اطاعات و نیازمندیها» (صفحات ۲۰۰ ـ ۲۲۳) تقریباً بطور کل تغییر کرده است.

تغییرات به شرح زیر است:

صفحه ۱۷

در مورد جمعیت خراسان (آمار استانهای دیگر که در این صفحه آمده است تصحیح شود).

جمعیت شهرهای استان خراسان: (آمار سال ۶۰)

مشهد: نقاط شهری ۹۶۲۷۲۵ نقاط روستایی ۳۷۹۲۰۱ شهرستان ۱۳۴۱۹۲۶

نیشابور :	۹۲۵۳۵	۲۰۶۵۰۱	۲۹۹۰۳۶
قوچان :	۴۷۲۲۱	۱۶۹۰۷۴	۲۱۶۲۹۵
درگز :			
کاشمر :			
بجنورد :	۶۳۸۶۳	۲۰۱۳۴۸	۲۶۵۲۱۱
سبزوار :	۸۸۱۴۹	۱۹۴۱۶۶	۲۸۲۳۱۵
تربت جام			
تربت حیدریه	۶۵۶۴۵	۲۲۸۶۰۸	۲۹۴۲۵۳
گناباد	۱۸۴۰۸	۵۸۴۷۱	۷۶۸۷۹
فردوس			
قاین			
بیرجند	۷۰۱۶۷	۲۲۸۲۲۷	۲۹۸۳۲۴
طبس			

ص ۴۵

محلات نامبرده‌شده کمافی‌السابق باهمان‌نام قبلی، اکنون جزو قدیمی‌ترین محلات بشمار می‌آیند ـ با توجه به اینکه امروزه نقاطی که به شهر افزوده شده است ؛ « شهر»و«شهرك» [آزاد شهـر ـ شهر جدیـد ـ زیبا شهر ـ رضا شهر] نامیده می‌شوند، نه محله از محلات‌قدیم تنها نامی مانده است، بعضی آنها دراثر نوسازی هـا ازبین رفته و خیابانها وکوچه‌های جدید با نـامهای مختلف درهمان محل احـداث شده است، مثل عیدگاه که بخشی‌از آن به هنگام ساختن خیابانی که‌بعداً بازار رضا برروی‌آن‌احداث شد، از بین رفت یاکوچه‌سیاوون که بهنگام تعریض فلکه حرم قسمتی از کوچه‌های فرعی آن (نه‌کوچه اصلی) خراب شد.

صفحه ۴۶ دو سطرآخر(تصحیح نام خیابانها)

تهران ← خیابان امام رضا

طبرسی ← طبرسی

بالا خیابان ← خیابان آیت‌الله شیرازی

پائین خیابان ← خیابان نواب صفوی

صفحه ۴۷ سطرچهارم

خیابان پهلوی ← خیابان امام خمینی

توضیح صفحه ۴۷

در مورد گاراژها واتوسرویس‌ها، اوراق فروشیهاو...
گاراژها اغلب به خیابان حافظ منتقل شده‌اند.

اتوسرویس‌ها ازسه نقطه‌انتهای‌خیابان‌شهید همافرحسن آذرمنش (نخریسی سابق) بلوار سپهبد قرنی (دروازه قوچان و استخر شهرداری سابق) و خیابان ۱۷ شهریور(۲۵ شهریور سابق) تجمع یافته‌اند.درمورد خیابان تهران باید یاد آورشد که مغازه‌های این خیابان را اکنون بیشتر تریکو فروشی‌ها، زعفران و چای فروشی‌ها و تعدادی لوازم اتومبیل فروش‌هاو تعدادی‌کارگاه فنی اشغال کرده اند.

غسالخانه‌مشهدکه‌در ص۴۸ درخیابان طبرسی ذکر شده، اکنون در بهشت رضا و در خارج از شهر قرار دارد ...

ص ۴۹

خیابان نادری ← خیابان‌آیت‌الله شیرازی

خیابان شاهرضا ← خیابان آزادی

خیابان خسروی‌نو ← خیابان شهید اندرزگو

خیابان خسروی کهنه ← خیابان شهید دیالمه

ص ۵۰

خیابان‌پهلوی ← خیابان امام خمینی

میدان شاه ← میدان شهدا

صفحه ۵۰ سطرآخر وسطر اول تا... ص ۵۱

خیابان بهار (سی‌متری) ← خیابان بهار

خیابان رازی ← خیابان رازی

احمدآباد (فرح) ← خیابان فیضیه

کوهسنگی ← خیابان دکترعلی شریعتی

ص ۵۶ سطرآخر

شاهرضانو ← خیابان‌آزادی

صفحات ۵۵ تا ۵۹

هیچکدام از انجمنها و محافل ادبی و دینی بشکل سابق تشکیل نمی‌شوند.

مجلات ونامه فرهنگ ـ هیرمند وتعداد زیادی‌از روزنامه‌های نامبرده شده، سالهاست‌که منتشر نمی‌شوند.

ص ۶۷-۶۸-۶۹

بنای بست‌ها همه نوسازی شده‌اند.

محل مهمانخانه حضرتی به بست پائین (بطرف خیابان نواب صفوی فعلی) انتقال داده شده است.

نام صحن‌کهنه ← صحن‌عتیق

نام صحن نو ← صحن جدید

ص ۸۰ـ **عمارت موزه**

اکنون در سمت راست صحن‌نو قرار دارد

ص ۱۳۲ـ میدان سوم اسفند ← میدان ده دی

ص ۱۳۳ سطر ۷ـ

باغ‌رضوان درجریان نوسازی اطراف حرم‌تخریب‌ودر محل‌کنونی آن فضای سبز ایجاد شده است.

ص ۱۳۳

خیابان خاکی ← خیابان آخوند خراسانی

صفحه ۲۰۰

نرخ تاکسی داخل شهر ۱۰ ریال

فرودگاه ۳۰۰ ریال

راه‌آهن ۱۰۰ ریال

تردد تاکسی به نقاط نامبرده شده‌وکیل‌آباد، عنبران،... زشك اکنون ممنوع است.

ص ۲۰۱

حومه شهر عبور ومرور تنها بوسیله اتوبوس یا وسایل شخصی مقدور است.

ص ۲۰۲

باشگاههای نامبرده شده اغلب‌تعطیل‌اند.

باشگاه پهلوی (ورزشی) درخیابان‌کوهسنگی‌وفردوسی درخیان‌کفائی تعطیل شده است.

مؤسسات فرهنگی ص ۲۰۱

دانشکده ادبیات	خیابان مطهری (نام فعلی)
« پزشکی	« دانشگاه
« علوم	« اسرار
« الهیات	بلوار هفتم تیر

دبیرستان کشاورزی طرق

دانشسرا پسران بزرگراه آسیایی

« دختران بین ابن‌سینا وسناباد (درمحل تقاطع)

هنرستان‌صنعتی درسه محل بلوار هفتم تیر

میدان دکترشریعتی

خیابان همافرآذرمنش

ص ۲۰۳

سطر۷ ـ خیابان تهران ← خیابان‌امام رضا

پمپ‌های بنزین

۱ـ اکنون در خیابان شهید هاشمی نژاد

۲ـ انتهای طبرسی

۳ـ خیابان امام رضا

۴ـ بلوار جمهوری اسلامی

۵ـ خیابان صاحب الزمان

و تعداد زیاد دیگری که نام آنها در کتاب دکتر نیامده است

«گرمابه‌ها»

۱ـ گرمابه پارس میدان سعدی

۲ـ گرمابه ویلا خیابان فیضیه

۳ـ گرمابه توس خیابان امام‌خمینی

۴ـ گرمابه زیبا خیابان دانش

۵ـ گرمابه صدف خیابان آیت‌الله‌مطهری
۶ـ گرمابه مرمر خیابان صاحب‌الزمان
ص ۲۰۴

بانک‌ها

بخش‌مرکزی بانکها اغلب‌تغییرمکان‌داده‌شده‌اند بجز تعداد محدودی مثل بانک ملی در خیابان امام خمینی فعلی یا رهنی درخیابان‌پاسداران.

شعبات هرکـدام بیش از سی مکـان را اشغال کرده‌اند که ذکر نام و شماره تلفن آنها مقدور نیست

شعب مرکزی بانکها

بانک استان(مرکزی)	خیابان امام خمینی	تلفن ۵۷۰۲۳
بانک تجارت	« «	۲۰۴۷۰
بانک رفاه	بازرگان‌نو	۲۲۸۱۲
بانک سپه	میدان شهدا	۲۱۸۰۵
بانک کشاورزی	خیابان چمران	۲۱۵۳۰
بانک مسکن	خیابان پاسداران	۴۰۰۲۰
بانک ملت	خیابان مدرس	۲۱۱۵۷
بانک ملی	خیابان خمینی	۵۳۰۲۵

ص۲۰۴

شرکت بیمه ایران	خیابان مدرس
شرکت بیمه ملی	خیابان خسروی نو(اندرزگو)

ص ۲۰۵

ص ۲۰۷

کنسولگریها درمشهد

		تلفن
کنسولگری پاکستان	خ خمینی	۲۹۸۴۵
« شوروی	خ امام رضا	۴۲۸۹۱
« افغانستان	خ خمینی	۴۹۴۴۵

ص ۲۰۹ خطوط اتوبوسرانی کلا تغییر کرده است.

ص ۲۱۱

دوائر دولتی

اداره‌آمار	خ قائم مقامی
« آماروثبت احوال	خ سناباد
« آموزش وپرورش	خ خمینی خ آبکوه
« ارشاد اسلامی	خ بهار
« اقتصاد و دارائی	خ خمینی
« استاندارد	خ سناباد
« استانداری	خ بهار

« اوقاف	خ آبکوه (صاحب الزمان)
« بازرگانی	خ خاکی و خ خمینی
« بهداری و بهزیستی	خ دانشگاه
« اداره پست	خ خمینی
« ثبت اسناد	خ خمینی
« دادگستری	خ مدرس
« دخانیات	خ خمینی
« راه وترابری	خ فدائیان
« راهنمائی ورانندگی	خ آبکوه
« غله وشکر	خ سیلو وتوحید
« فرهنگ وهنر	خ بهار
« کار	خ عدل خمینی
« کشاورزی وعمران‌روستایی	خ شهید اندرزگو
« گمرك	خ طبرسی
« مخابرات	خ عدل خمینی

ص ۲۱۳

کلانتری‌ها

کلانتری ۱	عدل خمینی
« ۲	نواب صفوی
« ۳	عشرت‌آباد

«	۴	طلاب
«	۵	راهنمایی
«	۶	رضا
«	۸	بازار رضا

مؤسسات خارجی وصرافیها

منحل اعلام شده‌اند

ص ۲۱۸

سینماها

سینما آفریقا		میدان شریعتی
« آسیا		کوچه آسیا خ خمینی
« ارشاد	خ	خمینی
« قدس	خ	پاسداران
« هویزه	خ	دانشگاه
« فردوسی	خ	خمینی
« سانترال	خ	خمینی

ص۲۱۹ و ۲۲۰

ص ۲۲۱

فرودگاه فعلی مشهد ازفرودگاههای درجه یك‌خاورمیانه است ودر سه‌کیلو متری محل قدیم‌آن واقع است

هواپیمایی

هواپیمایی	خ سناباد	۸۳۰۵۱
		۳۲۰۹۶
		۳۰۰۳۰
فرودگاه		۴۵۰۰۱ـ۴
راه‌آهن اطلاعات		۲۴۶۷۵

بهای بلیطها نیز کلاً تغییر کرده است.

کتاب

راهنمای خراسان

تألیف :

دکتر علی شریعتی

عکسها :

اسد بهروزان

طرح :

جمشید نرسی

چاپ :

صبح امروز

پیش گفتار

سازمان جلب سیاحان برای توسعه و ترویج سیاحت و جهانگردی و بمنظور شناساندن شهرهای ایران و آشنا کردن عموم به اوضاع کلی شهرهای ایران ومناطق سیاحتی ودیدنی آنها و تشویق ایرانیان و فارسی زبانان به ایران گردی ، اقدام بانتشار کتب راهنما بزبان فارسی برای شهرهای ایران نموده است .

هدف از تهیه وانتشار این کتب آشنا ساختن علاقمندان به آثار تاریخی، اماکن مذهبی، گردشگاهها، امکانات و تسهیلات ، نقاط دیدنی ، نیازمندی‌های عمومی وسایر نکاتی است که مورد احتیاج مسافرین وسیاحان وتازه واردین میباشد .

درتهیه این کتب کوشش بعمل میآید تامطالب مندرج حتی المقدور و تا سرحد امکان پاسخگوی نیازمندی کلی وعمومی یك مسافر درشهرموردنظر باشد .

کتاب راهنمای خراسان نیز با توجه به نکات فوق وبرای آشنائی بیشتر ایرانیان وفارسی زبانان با این استان بزرگ و تاریخی تهیه شده و انتشار یافته است .

سازمان جلب سیاحان امیدوار است که این راهنما موردتوجه علاقمندان بویژه مسافران وزائران وسیاحان که به خراسان سفرمیکنند قرارگیرد . در پایان انتظاردارد که صاحب نظران باارائه هرگونه نظر اصلاحی که ممکن است در تکمیل چاپهای بعدی راهنمای خراسان مؤثر باشد این سازمان را یاری کنند .

آبان ماه ۱۳۴۵

فهرست مندرجات

فصل اول ـ سرزمین خراسان و مردم آن ۲ـ۳۵

۱ ـ جغرافیای تاریخی خراسان

خراسان پیش از اسلام ۳

خراسان پس از اسلام ۶

۲ ـ جغرافیای طبیعی خراسان کنونی

چهره طبیعی ۱۲

سرزمین خراسان ۱۴

مرزهای خراسان کنونی ۱۶

۳ ـ جغرافیای سیاسی خراسان ۱۷

ایلات خراسان ۱۸

۴ ـ جغرافیای اقتصادی ـ محصولات خراسان ۱۹

معادن ۲۰

جنگلها ۲۰

۵ ـ فرهنگ خراسان ـ دین ۲۱

ادبیات و هنر و علوم ۲۴

آثار تاریخی ۲۸

آتشکده‌ها ۲۹

صنایع دستی و هنرهای تزیینی ۳۱

فصل دوم ـ شهر مشهد ۳۶ـ۱۳۳

مشهد شهر دین و هنر ۳۷

حصاربندی شهر مشهد ۴۲

خیابانهای مشهد ۴۷

تفریحگاهها وگردشگاهها	۵۳
انجمنهای مذهبی وادبی	۵۵
مطبوعات	۵۷
کتابخانه‌ها	۵۹
عزاداری	۵۹
آستان قدس رضوی	**۶۲**
تاریخ	۶۳
آستانه درزیرضربات تاریخ	۶۴
بست‌ها	۶۷
صحن کهنه	۶۹
صحن نو	۷۸
موزه	۸۰
کتابخانه	۸۴
مقبره شیخ بهائی	۸۴
تالار تشریفات	۸۵
مهمانسرا	۸۶
مناره‌ها	۸۶
درهای آستانه	۸۷
رواقهای آستان‌قدس- دارالسیاده	**۹۲**
دارالحفاظ	۹۵
دارالعماره	۹۷
دارالضیافه	۹۷
توحیدخانه	۹۷
رواقهای جدید	۹۹
حرم	۱۰۰
گنبد	۱۰۶
ضریح	۱۰۸
صندوق مطهر	۱۱۱
مراسم‌وتشریفات دربارآستانه	۱۱۳
مساجد	**۱۱۷**

مسجد گوهرشاد ۱۱۸
مسجدشاه ۱۲۱
مسجد امام‌رضا ۱۲۱
مسجد آب‌انبار ۱۲۲
مسجد نائب ۱۲۲
مسجد بالاسر ۱۲۲
مدارس قدیمه ۱۲۲
مدرسه بالاسر ۱۲۳
مدرسه پریزاد ۱۲۳
مدرسه دودر ۱۲۴
مدرسه خیرات خان ۱۲۴
مدرسه میرزا جعفر ۱۲۴
مدرسه نواب ۱۲۵
مدرسه سعدالدین ۱۲۵
مدرسه فاضلخان ۱۲۶
مدرسه عباسقلی خان ۱۲۷
مدرسه باقریه ۱۲۷
مدرسه بهزادیه ۱۲۷
مدرسه سلیمان‌خان ۱۲۷
دیدنیهای مشهد ۱۲۸
آرامگاه نادر ۱۲۸
پیرپالاندوز ۱۲۹
ارک ـ باغ ملی ۱۳۰
شیخ طبرسی ۱۳۳
گنبد سبز ۱۳۳
فصل سوم ـ حومه مشهد و مناطق ییلاقی آن ۱۳۵ـ۱۵۶
کوهسنگی ۱۳۶
ایوان کوهسنگی ۱۳۷

کشف‌رود ۱۳۷
آنچه‌درحوزه مشهدبرساحل کشف‌روداست ۱۳۸
چمن‌قهقهه ۱۳۹
آرامگاه‌فردوسی ۱۳۹
بقعهٔ‌هارونیه ۱۴۰
خواجه‌ربیع ۱۴۲
مصلی ۱۴۳
تپه‌نادری ۱۴۴
خواجه‌اباصلت ۱۴۵
خواجه‌مراد ۱۴۶
سنگ‌بست ۱۴۷
چشمه‌گیلاس ۱۴۸
ییلاقات مشهد ۱۴۹
سدها ۱۵۱
شاهان‌گرماب ۱۵۳
چشمه‌سبز ۱۵۴
غارمغان ۱۵۴
رادکان ۱۵۵

فصل چهارم. شهرهای خراسان ۱۵۷-۱۹۸

سبزوار ۱۵۸
بیهق ۱۶۳
فرومد ۱۶۵
کلات‌نادری ۱۶۶
قوچان ۱۷۳
نیشابور ۱۷۸
بجنورد ۱۸۶
جلیان ۱۸۸
جاجرم ۱۸۹
کاشمر (ترشیز) ۱۹۱

خواف‌وزوزن ۱۹۲
تربت‌جام ۱۹۲
تربت حیدریه ۱۹۴
سرخس ۱۹۵

فصل پنجم - اطلاعات و نیازمندیها ۱۹۹-۲۲۶

وسایط نقلیه ۲۰۰
موسسات فرهنگی ۲۰۱
باشگاهها ۲۰۲
پمپ‌های بنزین ۲۰۳
گرمابه‌ها ۲۰۳
بانکها ۲۰۴
شرکتهای بیمه ۲۰۴
هتلها ۲۰۵
کنسولگریها ۲۰۷
مسافرخانه‌ها ۲۰۷
رستورانها ۲۰۸
خطوط اتوبوسرانی ۲۰۹
دوائر دولتی ۲۱۱
کلانتریها ۲۱۳
برزنهای شهرداری ۲۱۳
موسسات خارجی ۲۱۳
صرافیها ۲۱۴
بنگاههای خیریه ۲۱۴
مراکز غیرمسلمان ۲۱۴
بیمارستان‌های بیمه ۲۱۴
آزمایشگاهها ۲۱۵
داروخانه‌ها ۲۱۵
بخشهای تزریقات ۲۱۷

درمانگاهها ۲۱۷
سینماها ۲۱۸
جاهای دیدنی شهر مشهد ۲۱۹
راه آهن ۲۲۰
فرودگاهها ۲۲۱
بهای بلیط مسافرت ۲۲۲
فاصله‌ها از مشهد ۲۲۳
کتاب شناسی خراسان ۲۲۴

فصل اول

سرزمین خراسان ومردم آن

۱ـ جغرافیای تاریخی خراسان
۲ ـ جغرافیای طبیعی خراسان
۳ـ جغرافیای سیاسی خراسان
۴ـ جغرافیای اقتصادی خراسان
۵ـ فرهنگ خراسان

۱ـ جغرافیای تاریخی خراسان

خراسان پیش از اسلام : چنین بر می‌آید که طوایف گوناگون آریائی از راه خراسان به فلات ایران وارد شده و بطرف جنوب تا سیستان سرازیر شده‌اند و چون به نواحی خشک رسیده‌اند بسوی غرب متوجه شده فلات ایران را اشغال کرده‌اند. در دوران ماقبل تاریخ، بنا بحکایت اساطیر، خراسان بزرگ کانون مشتعل حوادث زندگی نژاد آریا بوده است، چه در دوران جمشیدیها و فریدونیها که هنوز طوایف هندواروپائی از یکدیگر جدا نشده بودند و چه در دوران سلسله منوچهریها و زابیها که آریائیهای شمال شرقی فلات برای اولین بار بعنوان «ایرانیان» در برابر حملات مداوم سکاها از شمال، در خراسان بزرگ، سازمان سیاسی و نظامی بزرگی تشکیل دادند و بدین ترتیب ابتداء در خراسان است که ملت ایران از میان اقوام آریائی شکل میگیرد.

خراسان دردوران ماقبل‌تاریخ، بزرگترین‌اهمیت رادر طول‌حیات آریائی‌نژادهای فلات‌ایران داشته‌است،حساس‌ترین داستان‌های تاریخی واساطیر قومی وملی ما درخراسان بزرك جای دارند.

درآستانهٔ ورود ایران بدوران تاریخی با تشکیل دولت ماد(درغرب ۸۰۰ق.م)وپس‌ازآن‌هخامنشی (درجنوب ۶۰۰ق.م) کانون‌حوادث به غرب وجنوب‌ایران منتقل‌می‌شود ولی‌ناگهان باحمله اسکندر مقدونی سراسر ایران‌درزیر گام های سربازان یونانی ساکت‌میگردد وپس‌ازاو هرتکه ازکشور بدست یکی از جانشینان وی‌میافتدوبرای‌اولین بارایران‌استقلال خودراازدست میدهد ودرچنگال بیگانگان تسلیم‌میگردد.

دراین دوران خراسان دربرابر تسلط یونانیان طغیان می‌کند .

پارت هایکی ازطوایف آریائی‌بودند که به خراسان آمدند ودرجنگاوری وتیراندازی وعادت‌بزندگی سخت وخشن دردنیای قدیم شهرت‌داشتندوحتی درآثار**ویرژیل** شاعررومی و دیگران ازآنان‌بعنوان ضرب‌المثل شهامت وجنك یاد می‌شود. اینان که‌دردوران ماقبل‌تاریخ ایران محور اساطیر قومی و موضوع غالب‌داستان های حماسی‌ایران‌بودند درقرن‌های اولیه تاریخی‌چنانکه گفتیم‌درسایه‌قدرتهای‌پرشکوه‌مادیها وهخامنشیهای غرب وجنوب میزیستند ولی‌پس‌از تسلط اسکندر وجانشینان او پارتها اولین‌بار علیه‌سلوکیها شوریدند.

پارتها ، پیش‌ازاین بامردم‌خزر که آریائی‌نبودند ازنظر نژادی درآمیخته بودند و پایتختشان شهرمعروف صد دروازه (هکاتم‌پیلوس) درسرحدغربی خراسان درنزدیکی‌دامغان‌کنونی

وبگفته **ایزیدور خاراکسی** استاکایا ارساکادر محل قوچان فعلی بود.

پارت‌ها از شعب آریائی پارنی parni هستند واجداد آنها را Dahae مینامیده‌اند ودرمشرق بحرخزر زندگی میکردند.

درزمان سلطنت **آنطیوکوس** (۲۶۱ - ۲۴۲ق.م.) ساتراپ خراسان که یکی از روسای پارت بود بعات‌اهانتی که از پادشاه سلوکی دید تصمیم گرفت برای همیشه بتسلط بیگانگان بر ایران خاتمه دهد. وی که **تیرداد** نام داشت بکمك برادرش **اشك** علیه رژیم غاصب طغیان کرد و اشك بنام اولین پادشاه ایرانی پس‌ازحمله‌اسکندر انتخاب‌شد (۲۴۷ق.م). پس‌از اشك تیرداد جانشین وی گردید وخراسان راازسلطه بیگانه‌رها کرد. طغیان موفق وی‌علیه سلوکی‌ها مردم‌باکتریا و سغدرانیز که پس‌از مقاومت‌های مردانه، ولی بی‌ثمر، دربرابر **اسکندر** ناامیدشده‌بودند تشجیع کرد وآنان نیز بپاخاستند. تیرداد که اولین‌شورش راعلیه بیگانه‌بپاکرده بوداز موقع استفاده کرده بجنوب حمله‌ورشد و ناحیه‌پارثیارا آزاد کرد وایران استقلال‌خودرا بازیافت. قهرمان پارت دشمن‌را رهانکرد و با **سلوکوس** دوم‌درانسیرا(انکارا) جنگیدودر ۲۴۰ق.م. اورا بزانودرآورد. درشمال‌شرقی با **سکاها** که‌همواره‌خطر بزرگی بودنددرآویخت‌ودراین‌هنگام **دمتریوس نیکاتور** از سرگرمی وی درشمال شرقی استفاده کرد و به پادگان‌های بین‌النهرین حمله‌آورد ولی‌قدرت **اشکانیان** تاآنجا رفته بود که بی‌حضورشاه واشتغال سپاه‌درجبهه‌ای‌دوردست‌پادشاه یونانی اسیرشدولی قهرمان پارتی‌اسیرخود رانواخت ودخترش رابزنی بوی داد. تیرداد، شوش‌پایتخت عیلام وهمدان پایتخت مادهاوبابل‌وآشوررا‌ضمیمه‌ایران‌ساخت‌وبسیاری‌ازشهرهای‌یونانی

درامپراطوری او قرار گرفتند.

امپراطوری اشکانی که ازخراسان پدیدار گشت وتامرز روم ویونان رفت موجب اتصال دودنیای شرق وغرب گردید. ایرانیان دراثر تماسی که باشهرهای یونانی نشین ایران یافتند با تمدن یونانی آشنا شدند. **سورن** قهرمان بزرگ تاریخ ایران **کراسوس** رومی را، که انقلاب بزرگ اسپارتاکوس بدست وی درهم کوبیده شد، شکست داد وموجب شد که زمینه برای آشنائی بیشتر رومیان باتمدن ایرانی فراهم آید. استقرار **اشکانیان** با تحولات تازه وعمیقی درسیاست، مذهب، ادبیات وجامعه وتمدن ایرانی همراه بود ـ مهرپرستی، باگرویدن **مهرداد** به این دین، دربرابر دین زردشت رواج فراوان یافت. تمدن و فلسفهٔ چینی ـ هندی ـ با تمدن وفلسفه یونانی ـ رومی درایران درآمیخت، دراثر آمیزش **پارتها، مادها، پارسیها** زبان فارسی باستان تحول اساسی یافت وزبان پهلوی بوجود آمد وپایه های اساسی تمدن بزرگ ساسانی دراین زمان ریخته شد.

خراسان پس ازاسلام

فتح خراسان بوسیله **اعراب** بسال ۲۹ هجری در خلافت **عثمان** آغاز شد. **احنف بن قیس** که ازطرف **عبدالله بن عامر** به سرداری سپاه عرب منصوب شده بود نیشابور را مقر حکومت ساخت وطبس ومرو وقهستان را گرفت.

حمله دوم اعراب بخراسان درسال ۵۲ بوسیله **عبدالله بن زیاد** شروع شد وپس ازاو **سعید بن عاص** جنگ را ادامه داد وسپس دوسردار بیرحم وخشن بنی امیه **مهلب بن ابی صفره** و **قتیبه بن مسلم باهلی** ازجیحون نیز گذشته وتا ۸۷ هجری درآن سرزمین

بجنك و کشتار پرداختند . برخی ازشهرهامانندبخارا چندین بار فتح‌شدوهرگاه سپاه عرب آن‌را ترك‌میکرد مردم بر ماموران خلیفه می‌شوریدند ودم‌از استقلال میزدند. **قتیبه** هرکه راسواد داشت کشت وجنایاتی کرد که‌در تاریخ‌فتوحات عرب کم نظیراست. قیام‌های خراسانیان یکی‌پس‌از دیگری بدست **بنی‌امیه** سرکوب شدومردم خراسان رفته‌رفته برای‌انتقام ازفاتحان بجناح‌مخالف سیاسی‌آنان یعنی آل‌علی‌وبنی عباس گرایش پیدا کردند. قهرمان این‌نهضت **ابومسلم‌خراسانی** است که سپاه‌خراسان‌را بعراق‌برد وخلافت بنی‌امیه‌را برچیدوبنی‌عباس را روی‌کارآورد. در این هنگام **بنی‌عباس** یکسره دراختیارمردان‌خراسانی‌بودندودتکیه آنان‌برسپاه خراسان بود» . **ابراهیم‌امام** درنامه‌ای‌محرمانه به‌ابومسلم‌می‌نویسد «توجه داشته‌باش که‌درخراسان حتی‌یکنفررا که زبان‌عربی میداند زنده نگذاری وبایدعربی زبانان را تمام بقتل رسانی .»

درخلافت منصورعباسی‌سازمان های سیاسی واداری،همه‌از ایران تقلید گردید.

ولی تناقض میان‌دوروح خراسانی‌وعباسی سرانجام پیوند سیاسی میان‌آنان رابزودی بریدوابومسلم پس‌از۵سال که‌ازآغاز قیامش‌میگذشت بدست **منصوردوانیقی** دومین خلیفه عباسی‌بطرز ناجوانمردانه وخدعه‌آمیزی‌قطعه‌قطعه گردید. ازین‌پس‌بازخراسان دست‌بکارقیام‌هاونهضت‌های‌دیگری‌شدواین‌بارگرایش‌ازنظرمذهبی بسوی **خاندان‌علی** که‌دراقلیت‌بودندوشکنجه‌های بسیارمی‌دیدند بود وازنظرسیاسی‌بسوی‌احیای ملیت‌وتجدیدخاطرات‌افتخار آمیز کهن. این زمینه‌های مساعد موجب طغیان‌ها و قیـام‌های سیاسی و نظامی بسیاری درشمال شرقی و مشرق ایـــران گردید که

بزرگترین آنها یکی طغیان **رافع بن لیث بن نصر سیار** است درشمال خراسان و دیگری قیام **حمزة بن عبدالله خارجی** (حمزه بن آندك شماری) در سیستان که خطر بزرگی را برای امپراطوری عباسی بوجود آورده بود. خطر خراسان موجب شد که **هارون** باهمه کراهتی که بآمدن خراسان داشت ناچار خود بجنك آمد تا خراسان ازدست رفته رارام کند ودرین سفر فرزندش **مامون** راکه ازمادری ایرانی ومردی هوشیارو ایران دوست بود بهمراه آورد ولی بطوس که رسید درنوقان وفات یافت. (۱۹۳ هجری).

پس از مرگ او میان **مامون** (متمایل بایرانیان) **وامین** (متمایل به عرب) برسر خلافت جنك در گرفت. این جنك از نظر فردی جنك میان دوبرادر قدرت طلب برسرمقام بودولی ازنظر اجتماعی دونهضت ایرانی وعربی درخلافت اسلامی با یکدیگر بستیز برخاسته بودند.

دراینجا نیز **طاهر ذوالیمینین** (وفات در ۲۰۵) قهرمان ایرانی درنزدیکی ری سپاه عرب را شکست داد و خودبه بغداد رفت و امین را کشت (۱۹۸ هجری قمری) وخلافت مامون را مستقر ساخت و بپاس آن حکومت خراسان و فرماندهی سپاه عرب ایران باو واگذار گردید وبدین ترتیب سلسله **طاهریان** در خراسان روی کارآمد وخراسان ازمراکزسیاسی مهم خلافت اسلامی گردید.

طاهر ذوالیمینین پس از یکسال ونیم حکومت خراسان سرازاطاعت خلیفه پیچید ونام مامون رااز خطبه حذف کرد و خطبه بنام یکی از فرزندان **امام موسی کاظم** امام هفتم شیعیان خواند. میگویند وی در همان هنگام که در دستگاه

مامون نفوذ شدیدی داشت **بامام‌رضا(ع)** ارادت می‌ورزید و بااو بیعت کردو گفت‌دست راست من‌در بیعت مامون‌است‌بدست چپ باتو بیعت میکنم و یساری راکه دربیعت امام باشد یمین نیز توان گفت‌و ازاینجا به طاهر ذوالیمینین شهرت گرفت.

سوءظن اعراب نسبت به‌مامون ازطرفی و پیوند معنوی مردم ایران بخاندان‌علی‌ونفرت‌آنان نسبت به‌عنصرعرب‌موجب شدکه مامون بارهبر جناح مخالف یعنی‌حضرت رضا کناربیاید وبرخلاف خلفای عباسی نه‌تنها بتجلیل‌وتکریم‌امام‌بپردازدبلکه ولایت‌عهد راباو واگذار کند.

ولی امام بطرز مرموزی وفـات یافت . خاندان **سهل سرخسی** برافتاد و**فضل** درحمام سرخس‌کشته شد و باز هم داستان **برمکیان** تجدید گردید . طغیان طاهر سردار شیعی مذهب در ۲۰۵ یعنی‌دویاسه‌سال پس از وفات امام‌و اضمحلال عناصر ایرانی دردستگاه خلافت اسلامی رخداد و چنانکه گفتیم خطبه بنام یکی از برادران امام‌هشتم خواند وامکان‌استقرار یك حکومت مستقل ایرانی را دردوران خلافت بخراسانیان نشان داد وبدینوسیله پس ازحمله عرب نیز مانند ایران‌ازحمله **اسکندر** میهن‌ما رهائی خودرا از خراسان آغاز کرد.

یعقوب لیث ، عیاری از مردم سیستان ، بصراحت میگوید که:

«دولت عباسیان‌را برغدرومکربنا کرده‌اند . نه بینی که **بابوسلمه و بومسلم و آل‌برمك و فضل‌سهل** با چندان نیکوئی‌که ایشان را اندرآن‌دولت بود چـه کردند؟.. کسی مبادکه برایشان اعتماد کند.» (تاریخ سیستان‌بتصحیح **ملك ـ الشعرای‌بهار**). زمینه انقلابی مساعدی که‌در خراسان علیه

خلافت عرب وجودداشت وتوفیق طاهر ذوالیمینین در تشکیل یك حکومت مستقل. سی سال بعد ازطغیان طاهر، **یعقوب** رابر آن داشت که ایران رایکسره رها سازد و کارش چنان بالا گرفت که بسوی بغداد عزیمت کرد تاپایتخت زورو تجاوز را برسر خلافت فرو کوبد ولی اجل مهلت نداد (۲٦٥ هجری) و چهل سال بعد، سامانیان موفق شدند یك حکومت مستقل ومستقری درخراسان بوجود آورند که کاملا رنك ایرانی داشت وبقومیت و تاریخ و ادب ایرانی بشدت دلبسته بود.

در ۳۵۷ هجری **ترکان غزنوی** برخراسان می تازند و اگرچه ازنظر نظامی وسیاسی ایران باز دردام تسلط یك عنصر کاملا بیگانه می افتد ولی روح زنده و دگرگون کننده ایرانی دشمن را درخود چنان هضم میکند که پایتخت غزنویان درغزنین یکی از شهرهای معروف خراسان بزرك مرکز ادب وفرهنك ایرانی می گردد.

درسال ٤۳۸ **ترکان سلجوقی** ظهور کردند . اینان نیز همچون غزنویان تحت تاثیر تمدن ایرانی بترویج ادب و علم پرداختند بخصوص **خواجه نظام الملك طوسی** بااستفاده ازقدرت وسیع سلجوقیان به بسط تمدن وتقویت علما وعرفا پرداخت واولین کسی بود که درنیشابور وبغدادو خرگرد و چند نقطه دیگر دانشگاههای معتبری که بنام او درتاریخ به نظامیه معروف است بنیاد کرد .

خونین ترین واقعه این ایام حمله ترکان غز بخراسان بود که تاریخ ازآن داستان فجیع و غم انگیزی نقل میکند. شهرهای مهم خراسان راویران کردند، قتل عام کردند، هرچه یافتند بغارت بردند. منظره هولناك خراسان را **انوری** درقصیدهٔ

معروفی مجسم کرده است و در این یك بیت وضع مردم خراسان رانشان می‌دهد :

شاد الابدم مرك نبینی مردم بکر جز در شکم مام نیابی دختر

هنوز ویرانی‌های غزان ترمیم نیافته بود که در ۶۱۷ هجری سیل **مغول‌ها** بخراسان سرازیر شد وجملهٔ « آمدند و سوختند و کشتند و ویران کردند ورفتند» دربارهٔ حمله بخراسان مشهور شده است.

نیشابور را که یکی از بزرگترین مراکز تمدن دنیای عصر خود بود بآب بستند و هر جنبنده‌ای را به تیر زدند و سر بریدند.

پس از آن یورش **هولاکو** در ۶۵۱ هجری بود و پس از آن باز یورش **امیر تیمور** در ۷۸۱ هجری ، از آن ببعد خراسان همواره میدان تاخت و تاز حکام مغولی و تیموری بخصوص خونخواران **ازبك** همچون **شیبك‌خان** و **عبدالمومن‌خان** گردید و کشمکشها و ستیزه جوئیهای ترکمانان و افغانها نیز خراسان بزرك را در آتش کشتارها و ویرانیها گرفتار کرده بود .

تا اینکه سلسله صفویه بر سراسر ایران استقرار یافت و باتوجه فراوانی که پادشاهان **صفوی** بخراسان داشتند این سرزمین روی آرامش وترقی وآبادی دید ولی پس از انقراض این سلسله باز خراسان طعمه هوسها و هجوم‌های گوناگون گشت. قیام **نادر** در ۱۱۴۵ بعنوان بزرگترین واقعه تاریخی قرون اخیر درخراسان رخ داد وباردیگر این استان مرکز سیاسی ایران و کانون بزرگترین قدرت نظامی مشرق زمین گردید ولی پس از مرك وی شاهزادگان نادری بجان هم افتادند

وبازار کور کردن و سرزدن وپوست کندن رواج یافت.

آخرین قیامی که درخراسان علیه حکومت مرکزی رخ داد قیام **کلنل محمدتقی خان پسیان** فرمانده جوان، روشنفکر وترقیخواه ارتش خراسان بود.

۲) جغرافیای طبیعی خراسان کنونی

الف : چهره طبیعی

بین کوههای آلاداغ و بینالود در خراسان وسلسله کوههای مکران دربلوچستان سه واحد کوهستانی بزرگ وجود دارد : یکی کوههای باخرز در شمال که مانند کوههای مکران عظیمترین ساختمان کوهستانی ایران بشمار میرود و امتدادی شرقی- غربی دارد، درجنوب آن کوههای شرقی خراسان است که ازشمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده وبرخی رشته‌های آن شمالی- جنوبی است. این کوهستانها تقریبا هزار کیلومتر بسمت جنوب تابم ادامه دارد. این کوهها درنقطه‌ای که مقابل حوزهٔ سیستان واقع است بدو نیمهٔ تقریبا مساوی تقسیم میشود: یکی شمالی که جلگه بیرجند رادرخود گرفته و دیگری جنوبی (کوههای سرحدی درجنوب) که ارتفاع بیشتری دارد. درمرکز این قسمت کره تفتان واقع است که آتشفشانی خاموش است و ۴۰۳۰ متر ارتفاع دارد و بلندترین قله جنوب شرقی ایران بشمار میرود .

رودها دراین کوهستانهای شرقی همه بسوی کویرهای داخلی سرازیر میشود.. این کوهستانها عریان و بایر ندومراکز

زراعتی ونقاط آباد آن دردامنه‌های کوچك‌وآغوش تنك‌دره‌ها قرار گرفته‌است.

رشته‌های شمالی خراسان ازمشرق خورکوه‌شروع‌میشود زیرا ازین نقطه امتداد کوهها بصورت شمال غربی ـ جنوب شرقی درآمده بتدریج بر ارتفاع آنها افزوده میشود وکم کم‌رشته باریك‌آلاداغ را بوجود میآورد .

آلاداغ بوسیلهٔ گردنهٔ کوتاهی برشته مرتفع‌تر بینالود مـی‌پیوندد ودرحقیقت قسمت جنوبی ازدورشته کـوه‌معتبرشمال شرقی‌ایران بشمار میرود که‌رشته‌دوم آن هزار مسجددرشمال‌و مجاور مرزشوروی است. این دومنطقه‌کوهستانی‌پرجمعیت‌ترین وثروتمندترین جلگه‌های خـراسان را درطول دره بحنورد ـ قوچاق ـ مشهد دربر گرفته است. درجنوب بینالود و جغتای شهرهای نیشابورو سبزوار مهمترین مراکز جمعیت در بیرون دره مذکور میباشد.

حوضه‌های شرقی رودخانه‌هائی که‌در حاشیه‌مرزافغانستان وپاکستان‌قرار گرفته‌است بطورکلی همه‌جا ازدامنه‌های‌شرقی کوهها آغازشده‌وکویرهائی‌بطول ۲۰ تا ۳۰۰ کیلومتررابوجود میآورد که‌تاافغانستان وپاکستان پیش میرود. این‌فرورفتگی‌های شرقی ازشمال بجنوب‌عبارتست‌از:

۱ ـ دره هریـرودوکـویرسرخس ۲ ـ دشت نمکزار (کویر) ۳ ـ کویردق تندی ۴ ـ ناحیه سیستان ۵ ـ فرورفتگی ماشکل.

هریرود یا رودخانهٔ هرات یکی‌ازدو رودمهمی است‌که ازمغرب افغانستان میـآیـد وبه‌کشف رودمی‌پیوندد وصحرای سرخس را می‌پیماید وخط هـای مرزی ایران ـ افغـانستان (بطول ۱۰۰ کیلومتردرشمال شرقی) وایران ـ شوروی (بطول

۱۰۰ کیلومتر درشمال) را بوجود میآورد .

دشت نمکزار و کویر دق تندی شامل دریاچه‌های نمکزار نسبتاً وسیعی است که رودخانهٔ مهمی از آن نمیگذرد اما سیستان دریاچه های آب شیرین متعددی دارد که همه ازهیرمند مشروب میشود.

درجنوب سیستان یعنی نقطه سرحدی ایران وافغانستان و پاکستان قلهٔ آتشفشانی بنام «ملك سیاه کوه» وجوددارد بارتفاع ۱۵۰۰ متر

رودخانهٔ اترك که درشمال جلگه گرگان جاری است و قسمتی ازمرزایران ـ شوروی را تعیین میکند ازدرهٔ شمال غربی قوچان ودامنه‌های شمالی هزارمسجد آب میگیرد.

کشف رود که ازشمال مشهد میگذرد ازقوچان تاسرخس رفته باهریرود یکی میشود مسیری دارد که امروز از نظر کشاورزی ودر گذشته ازنظر تاریخی ومدنی بسیارمعتبر بود وهست، خط سیر کشف رود در گذشته راه بازرگانی بسیار بزرگی بود که مرو وهندوستان وچین را به بین النهرین متصل میساخته وآثار تاریخی معتبری که برحاشیهٔ کشف رود هنوز برجاست اهمیت این رهگذر بزرك را گواهی میدهد.

دامنه‌های جنوبی کوههای خراسان که بکویر میرود فاقد رودخانه‌های معتبر دائمی است. جنس کوههای خراسان عموماً آهکی است ودر بعضی نواحی مرتفع که بارندگی زیادتر است جنگلهای بلوط وسرو کوهی وجوددارد.

ب : سرزمین خراسان

شاهنشاهان اشکانی ایران را به چهار بخش بزرك تقسیم کرده بودند وبرهریك ازاین چهار استان، حاکمی می گماشتند

بنام مرزبان. اپاختر یعنی شمال، خراسان یعنی مشرق ، نیمروز یعنی جنوب و خاوران یعنی مغرب. این تقسیم بندی را در زمان ساسانیان نیز حفظ کردند و هر بخش را یك کوست نام نهادند.

ارنست هرتسفلد (Ernest Hertzfeld) در آنجا که ازشاهنشاهی ساسانی پس از کشورگشائی های بهرام دوم در ۲۸٤ سخن می گوید، مشرق ایران را شامل نواحی خوارزم، سند، سگستان (سیستان)، مکران، طوران و نواحی رود سند و مصبهای آن و کچه وکاثیا وار ومالوا ونواحی دور دست آن دانسته است، تنها نقاطی که ازخراسان بیرون بود کابل وپنجاب است که پادشاهان کوشانی آنرا اشغال کرده بوده‌اند. این مورخ حدود خراسان دورهٔ ساسانیان را بدینگونه معرفی میکند: گردنه‌های خزر نزدیك شهرری، کوهستان البرز، گوشهٔ جنوب شرقی دریای خزر، درهٔ اترك، خطی درمحاذات راه‌آهن کنونی ماوراء قفقاز تا لطف‌آباد، خطی ازمیان کویرشامل تجند ومرو تا کناررود جیحون درپائین کرکی. چنانکه ازکشف سکه های سکاها وساسانیان برمیاید این خط درقلهٔ کوه حصار تا پامیر امتداد داشته وسپس بسوی جنوب پایین میآمده ودرکناررود جیحون تا بدخشان میرفته وآنرا دورمیزده وبقلهٔ هندوکش میرسیده است. ازاینجا مرزخراسان هرات ازمیان قهستان در جنوب ترشیز (کاشمر) وخواف میگذشته‌ودوباره بسوی گردنه‌های خزر بالامیآمده است.

میزان مالیاتی که ازشهرهای خراسان درصدراسلام گرفته می‌شده نموداری ازبزرگی واهمیت هریك ازآنهاست. درحکومت **عبدالله بن طاهر** امیرمعروف طاهری درسال ۲۱۱ و۲۱۲ هجری مالیات شهرهای خراسان را بدینگونه تعیین کردند؛

طبسین (طبس گیلك وطبس مسینان) ۱۱۳۸۸۰ درهم. کهستان (قاین وبیرجند) ۷۸۷۸۸۰ درهم، نیشابور ۴۱۰۸۹۰۰ درهم طوس ۷۴۰۸۶۰ درهم، نسا ۸۹۳۴۰۰ درهم، ابیورد ۷۰۰۰۰۰ درهم، سرخس ۳۰۷۴۰۰ درهم ، مروشاهجهـان ۱۱۴۷۰۰۰ درهم، مرورود ۴۲۰۴۰۰ درهم بادغیس ۴۴۰۰۰۰ درهم، هرات و اسفزار و گنج روستا ۱۱۵۹۰۰۰ درهم. جمع کل مالیات خراسان درزمان عبدالله بن طاهر ۴۴۸۴۶۰۰۰ درهم بوده است.

در دوران خلفای اسلامی ، استان خراسان مهمترین و حساس ترین استان های ایران بشمارمیآمده وهمه نواحی شمال شرقی کشوررا شامل می‌شده ودامنه‌اش تامرزچین پیش میرفته است دراین دوره خراسان این نواحی را دربرمیگرفته است: بست، رخج (رخد) کابل، زابلستان، طبس، هرات، طالقان، قهستان، بادغیس، فوشنك، تخارستان، طارقان، بلـخ، خلـم، مرورود، چغانیان، واشگرد، بخارا، طوس، فاراب ، ابرشهر (نیشابور) سمرقند، چاچ، فرغانه، اسروشنه، سغد، خجند، خوارزم، اسبیجاب ترند، نسا، ابیورد، مرو، کش، نوشجـان، بتم، اخرون، نخشب (نسف). جمع کل درآمد خراسان درسال ۲۲۱ هجری که **عبدالله بن طاهر** باید هرسال بدربار بفرستد نقد وجنس ازغلام وکنیز وگوسفند وپارچه مبلغ ۳۸ میلیون درهم بوده است.

ج : مرزهای خراسان کنونی

خراسان ازسوی شمال باروسیه وازمشرق باافغانستان هم مرزاست.

مرزشمال که مجاورترکمنستان شوروی است طبق پیمـان میان روسیه تزاری وایران قاجاری درتاریخ ۹ دسامبر ۱۸۸۱ (۱۲۹۹ قمری) ومعاهده ۲۷ مه ۱۸۹۳ (۱۳۱۰ قمری) ونظر

کمیسیونهای مشترك رفع اختلاف مشخص گردیده

مرزشرقی خراسان با روسیه وافغانستان باحکمیت مامورین انگلیسی حکومت سابق هند به ایران تحمیل شده. ایران باافغانستان ۸۵۵ کیلومتر مرز مشترك دارد. درحدود ۱۷۰ کیلو متر از قسمت شمالی این مرز (خراسان ـ افغانستان) را ژنرال ماکلین انگلیسی درژوئیه ۱۸۹۱ تعیین کرد.

۳) جغرافیای سیاسی خراسان

جمعیت خراسان (طبق آمارسال ۱۳۳۵) ۲۰۰۷۵۸۱ نفراست. بعداز مرکز (۲۷۱۷۳۰۹) وآذربایجان شرقی وغربی (۲۸۶۳۴۰۶) پرجمعیت ترین استان هـای ایران است. کمی بیشتر ازخوزستان (۲۰۶۸۵۰۳) داردولی مساحت آن ۳۱۴۲۸۶ کیلومتراست یعنی ازاصفهان که بزرگترین استان ایران (غیراز خراسان) است و ۱۹۷۴۰۳ کیلو مترمربـع وسعت دارد ۱۱۷ هزار کیلومتر وسیع تراست. کمی بیش از $\frac{1}{8}$ مساحت کشور (۶۴۸۰۰۰ کیلومترمربـع) متعلق بخراسان است. جمعیت نسبی خراسان ۶ در هر کیلومترمربع وتعداد شهرنشین آن ۴۲۹۲۳۲ نفر یعنی ۲۱/۳ ٪ ازمردم.

گروه سنی بزرگتراز ۱۰ سال ۳۹۳/۱۳۵ با سوادها (که بتوانند بنویسند وبخوانند) ۱۵۲۸۶۸ = ۱۰/۹۷ درصد

جمعیت مهمترین شهرهای استان خراسان بقرارذیل است:

(آمار سال ۱۳۳۵)

	شهرستان	شهرمرکزی	مساحت	جمعیت نسبی
مشهد	۵۲۸/۳۰۳	۲۴۱/۹۸۹	۲۶/۹۴۰	۱۸/۶
نیشابور	۱۸۱/۷۹۳	۲۵/۸۲۰	۸/۹۲۷	۲۰/۴
قوچان	۱۷۱/۸۵۶	۲۱/۲۵۰	—	۱۵/۵
درگز	۴۲/۱۱۷	۸/۵۴۱	۳/۹۰۹	۱۰/۸
کاشمر	۹۳۶۴۵	۱۳/۲۹۹	۹/۴ ۵	۹/۹
بجنورد	۱۷۸/۰۲۶	۱۹٫۲۵۳	۱۹/۴۳۹	۹/۲
سبزوار	۱۸۹/۸۶۶	۳۰/۵۴۵	۲۱/۲۸۸	۸/۹
تربت جام	۹۹/۴۶۴	۶/۷۵۶	۱۲/۶۷۷	۷/۸
تربت حیدریه	۱۹۴/۶۱۹	۱۹/۸۳۰	۲۵٫۳۵۵	۷٫۷
گناباد	۵۵٫۵۲۰	۷٫۵۵۵	۱۰٫۰۳۶	۶٫۵
فردوس	۲۷٫۱۲۲	۷٫۶۳۴	۵٫۴۹۴	۴٫۹
قاین	۶۳٫۸۲۶	۴٫۴۱۴	۱۷٫۳۰۷	۳٫۳
بیرجند	۱۴۴٫۱۱۲	۱۳٫۹۳۴	۷۳٫۰۹۳	۱٫۷
طبس	۲۷٫۳۱۲	۸٫۴۱۳	۹٫۲۶۹	۵٫۶

ایلات خراسان

ایلات هزاره ، تیمنی ، تیموری و جمشیدی از خواف و باخرز تا کوهستانهای بامیان درافغانستان پراکنده‌اند . طوایفی ازازبکها و ترکمان‌ها درنواحی سرخس، بادغیس تامرو وبلخ زندگی می کنند.

شاملوهارا امیرتیمور ازسوریه (شام) به خراسان کوچ داده واسم شاملو نیز این داستان را تایید می کند. کردهای زعفرانلوو شادلو که درقوچان وبجنورد ساکنند، بوسیله شاه

عباس برای جلوگیری ازحمله ازبکها بخراسان، باین سرزمین آمدند .

گرایلی‌ها طایفه‌ای‌ازنژادمغولند که باامیر تیمور به‌خراسان آمدند ودر سرزمینهائی که درزمان ضعف‌وانقراض صفویه بوسیله کردهای زعفرانلو اشغال شد ساکن شدند .

ایل زند راکه در نواحی درگز زندگی میکنند نادرشاه افشار از ملایر بخراسان کوچ داده‌است. طوایف‌مختلف ترکمن درشمال خراسان تا دشت‌گرگان زندگی میکنند.

چهل‌و دو طایفه از ترکمن‌هاازقبیل جعفربای ، اتابای، جاروار‌دوجی، قان‌یوخماز-پول گای-دازو. . .درمشرق گرگان‌و شمال خراسان و نواحی مرزی که همجواربا ترکمنستان‌شوروی است زندگی میکنند. جمعیت ترکمن خراسان را بطور تقریب ۱۳۳۸۰ خانوار دانسته‌اند.

٤) جغرافیای اقتصادی

محصولات خراسان

قالی ، پوست، پوستین ، غلات‌و میوه ، کمپوت ، چوب‌و الوار ، پشم ، روده ، پنبه ، خشکبار ، فیروزه ، کتیرا . کبریت انغوزه ، زیره ، زعفران، تنباکوی ارداك، مواد چربی، گیلاس و سیب سرخ زشك ، سیب گلشاهی‌جا غرق وعنبران (انبران) ،

سیب و گلابی اخلومد ، خیارو گوجه و هلوی طرقبه و گلستان، شلیل و «آلو بخارا» و زردآلوی نغندر (نوغان دره) ، گیلاس و گلابی‌هائی که پیوند آنرا از تاشکندآورده‌اند، خربوزه معروف شخته و خاقانی مشهد ، پنیر کردی طایفهٔ برمانلوولاین کلات و کرهٔ بقمج .

کرك بز که ازشهرستانهای بیرجند وزابل‌وتربت حیدریه وکاشمر بمرکز استان حمل میشودومحصول بیرجند از نظر نرمی و مرغوبیت بهترین کرك ایران است و همچنین موی بز و پشم شتر که محصول بیرجند آن مرغوبتر است و نیز زرشك باغی و زرشك کوهی .

معادن

کرومیت- آهن- فیروزه- مس و سرب- منیزیت- نمك معادن‌مهم‌زغال‌سنك آق‌دربند سرراه زورآباد وچشمه گل‌درچهل کیلومتری تربت‌جام و گل سفید.

جنگل‌ها

جنگل پسته‌سرخس درکوه‌هزارمسجد و کته‌شمشیرجام که درختان ارس فراوان دارد و از نظر صنعت چوب ارزش بسیار دارد و جنگل خوجهٔ کلات که جنگل پسته‌است وسالی بیش ازصد خروار پسته میدهد.

بزرگترین منطقهٔ جنگلی خراسان حاشیه شمالی آن‌است که‌ازشمال شرقی‌قوچان بطرف بجنورد کشیده شده‌وبر روی‌نقشهٔ طبیعی ایران بصورت قطعه بسیار بزرگی که از جنگلهای شمالی ایران جداافتاده خودنمائی میکند.

۵ ـ فرهنگ خراسان

الف ـ دین

خراسان ازدیرباز محل تلاقی مذاهب گوناگون بوده است. خراسان بادوتمدن بزرگ چین وهند همسایه است وجریانات مذهبی این دو ملت بزرگ غالبا این سرزمین را تحت تاثیر فراوان خود قرار میداد.

بودا ـ دین **بودائی** قبل از اسلام نواحی بلخ وتخارستان و حتی بسیاری از نواحی خراسان کنونی را فراگرفته بود بتخانه‌های مشهوری مثل بتخانه نوبهار وخنك بت وسرخ بت، نشانهٔ نفوذ فراوان دین بودائی درخراسان بود.

دین زرتشت نیز طبق عقیدهٔ بسیاری از مورخان ابتداءدر قرن ششم قبل ازمیلاد درشمال شرقی ایران انتشاریافت.

مزدك، مرد انقلابی ایران در نیشابور متولد شده و **قباد** پدر **انوشیروان** بدین او گروید.

مذهب مزدك به‌چهار فرقه تقسیم‌شد و سه‌فرقهٔ آن یعنی **ابومسلمیان، ماهانیان وسپیدجامگان** (مبیضه) پس‌از اسلام درخراسان وترکستان پراکنده بودند ودر دوران خلفا نهضتهای مذهبی وسیاسی مهمی پدید آوردند. مسیلمه (ابومسلمیان) که مزدکیان طرفدار **ابومسلم خراسانی**، منقرض کنندهٔ سلسله **خلفای اموی** بودند، بالوهیت ورجعت وی معتقد شدند.

بهافرید ـ دردوران ابومسلم خراسانی مردی بنام **بهافرید** پسر **ماه فروزین** ادعای نبوت کرد. وی باآشنائی بعقاید چینی واسلامی، خود را موعود دین زردشت خواند واصلاحات

اساسی دراحکام این دین بعمل آورد وهفت نماز وضع کرد.

ابومسلم که به نیشابور آمد ازکار بهافرید که بالا گرفته بود باخبر شد و گروهی را بجنك وی فرستاد تا او را در کوهستان بادغیس دستگیر کردند وبا همه پیروانش، که با او دستگیر شده بود، بقتل رسانیدند ولی طرفداران وی معتقد شدند که بهافرید بآسمان رفته وباز دوباره فرود خواهد آمد.

وجود مذاهب و فرق مذهبی مختلف در خراسان موجب پیدایش اضطرابات وگاه کشتارها و سیاست های بیرحمانه‌ای در دوران خلفا دراین سرزمین میشده این فرقه ها که غالبا پس از تسلط اسلام رنك دین جدید را بخود میگرفتند بخصوص در دوران تعصب یعنی موقعی که ابتدا حکام عرب برخراسان چیره بودند و بعد که ترکان غزنوی و سلجوقی رژیم احتناق مذهبی را بوجود آوردند طعمه کینه توزیها و وحشی گریهای بیشمار شدند .

* **تشیع** ـ قراین تاریخی بسیاری نشان میدهد که مذهب شیعه ازدیرباز درخراسان پیروان بسیاری داشته است . ورود **امام رضا** بخراسان واستقبال‌های دسته جمعی مردم شهرهای نیشابورومرو و دیگر نقاط وشورش‌های علویان درشمال‌وشمال شرقی ایران بخصوص در زمان **هارون الرشید** که **مامون** را وادار کرد که با امام هشتم شیعیان از درسازگاری درآید و ولایتعهدی را به رهبر جناح مخالف تفویض نماید نشانه بارز قدرت ونفوذ تشیع درخراسان قرن دوم وسوم است.

وجود قبرامام رضا در مشهد یکی ازدلایل عقلی تمرکز شیعیان دراین نقطه است.

توجه فراوانی که پادشاهانی مانند **سلطان سنجر**

سلجوقی و سلطان محمود غزنوی به تجدید ساختمان و ترمیم وتزیین آستان قدس وتجلیل از مقام امام داشتند ، دلایل عینی است که این قدرتهای سیاسی غیرشیعی برای جلب افکار شیعیان ویا طرفداران وعلاقه مندان کثیر ائمهٔ اطهار که شاید هم همگی بمعنی مشخص امروز شیعی نبودند باین کارها دست میزدند.

از روزگار قدیم یعنی از قرن های پنجم وششم اطلاع داریم که سبزوار شهر شیعیان بود.

همین زمینهٔ بسیار مساعد موجب شد که در ۷۳۷ **امیر عبدالرزاق** درقریه باشتین سبزوار علیه حکام مغولی خراسان قیام کرد واولین سلسله سلطنتی شیعی (سربداریه) را درنیمهٔ اول قرن هشتم درخراسان تشکیل داد وتا یورش **امیر تیمور** بخراسان سربداریه سبزوار ونیشابور وگاه گرگان ودیگر نواحی را زیر نفوذ داشتند و درترویج تشیع کوشیدند.

خواجه نصیرطوسی فیلسوف ودانشمند و سیاستمدار شیعی هلاکوخان مغول را برانگیخت تا به بغداد حمله برد .

وی دربزرگداشت علماء وعرفا وعقاید شیعی وتعظیم ائمه اثنی عشری بسیار کوشید. ارادت وی بامامان شیعه بحدی بود که درهنگام مرگ وصیت کرد اورا درپای مرقد امام موسی بن جعفر دفن کنند وبرسنگ قبرش بنویسند « و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید» ! (« وسگشان، درآستانهٔ در، دودستش را پهن نهاده » آیه قرآن اشاره است به داستان اصحاب کهف که سگشان درکنار غار پاس میداد)

این پایه گذاری موجب شد که چهل سال پس از هلاکو سلطان مغول **الجایتو** خود را سلطان محمد خدابنده بنامد و شیع اختیار کند و درترویج مذهب شیعی بکوشد .

آثارارادت وی بمقام امام هشتم در بناهای آستانه هنوز نمایان‌است . پس‌از **امیر تیمور** که سلسله شیعی‌سر **بداریه** را از خراسان برانداخت بخصوص‌درزمان **سلطان میرزا شاهرخ** پسرش‌مذهب تشیع بازبالاگرفت و قدرت و نفوذ این مذهب در خراسان بجائی‌رسید که پادشاه تیموری (شاهرخ) بخصوص زن باهنش **گوهرشاد خانم** و فرزندش بایسنقر و حتی کنیزان گوهرشاد پریزاد وفرنگیس، همه درتعظیم شعائرمذهبی‌و شیعی بسیار کوشیدندو آثار برجسته آنهادرمشهدازقبیل‌مسجد گوهرشاد، دارالحفاظ ، مدرسه پریزاد ... نمایان است.

در حال‌حاضرخراسان‌هنوزازنظرمذهب کاملا یکدست نیست. گرچه بیش‌از ۹۰ در صد ساکنان شهرهای بزرك شیعی مذهبند ولی‌مردم خواف ، وتربت جام مذهب اهل‌تسنن‌دارند وغالبا از ابوحنیفه تبعیت میکنند. اسماعیلیه نیزدردهات نیشابوربخصوص نواحی‌دیزباد میان مشهد ونیشابورسکونت دارند. ارامنه ویهود نیز بخصوص‌درشهرمشهداقلیتهای‌مذهبی‌راتشکیل‌میدهند واگرچه شهرکاملامذهبی است ولی این اقلیتها تاکنون درکمال آزادی بزندگی‌اجتماعی‌ومذهبی‌خود ادامه داده‌اند.

ب ـ ادبیات وهنروعلوم

خراسان تنها ازنظرحماسی، سیاسی‌ونظامی‌دارای اهمیت تاریخی‌نیست بلکه درادب، هنروعلوم وتمدن اسلامی و ایرانی مقامی‌بسیاربرجسته دارد ودرکنار**ابومسلم خراسانی**،و**نادر شاه افشار و خواجه نظام‌الملك وخواجه نصیرطوسی** که دردلاوری‌وسیاست شهرت جهانی‌دارندنام**فردوسی وخیام و غزالی‌و ابن‌سینا و فارابی** درردیف نام مفاخر علمی و ادبی‌ومدنی بشریت ورد زبان همه مردم دانشمند جهان است و

مبالغه‌آمیز نخواهد بود اگر بگوئیم که استان خراسان بیش‌از هر استان دیگری درسراسر کشورهای آسیائی‌وافریقائی‌درتکوین تمدن عظیم اسلام سهم‌دارد .

ادبیات

« هرمتکلم بلغت اهل‌خراسان را بفارسی نسبت دهند و فارسی گویند هرچند اصطلاح این‌دیار خراسان عبارة از این بعضی‌اماکن‌معینه وفارس اشاره بآن بعضی‌بلاد معلومه است »
(تاریخ نیشابور، ابوعبدالله طهمانی‌قرن پنجم).

ازنظرمعنوی خراسان درایجاد وتکامل‌ادبیات‌فارسی‌وغنی ساختن‌ثروتهای معنوی‌وعاطفی‌ایران‌بیشترازهمهٔ‌نقاط این‌سرزمین کوشش‌کرده است. تاریخ ادب، خراسانی را بانی زبان و ادبیات فارسی‌میداند وشاید کمتر کسی‌ازمردمی که‌باتاریخ‌ادبیات آشنائی کافی ندارند بداند که فارسی دری‌که اکنون زبان ملی ایرانیان است لهجه مردم خراسان بوده است که از مرزهای زادگاه خویش‌فراتر رفته ودرسراسرسرزمین های فارسی زبان جایگیرشده‌است .

اولین‌باردرتاریخ ایران پس‌ازاسلام‌سلسله های **صفاری و سامانی‌و طاهری** نخستین‌پادشاهان‌ایران پس‌ازتسلط‌عرب در خراسان بزرگ پدید آمدند و اگرچه همواره نتوانستند استقلال خود را دربرابرحکومت بغداد کاملا حفظ کنند ولی‌از نظرسیاست داخلی‌مستقل‌بودند و درراه احیاء زبان ملی وتضعیف زبان عربی بعنوان زبان رسمی ایران اولین گام های بزرگ را برداشتند. شاعری‌که قصیده‌ای برسم زمان بزبان‌عربی در مدح **یعقوب لیث** سروده بود دربرابرش‌خواند. یعقوب اورا منع‌کرد و با خشم‌گفت «چرا باید چیزی گفتن که من اندر

نیابم؟» پادشاه بزرگ سامانی علما و بزرگان را جمع کرد تا به ترجمه قران بزبان فارسی رأی دهند و بدین ترتیب ترجمهٔ تفسیر بزرگ طبری پدید آمد. شاهنامه ابو منصوری به نثر گردآوری شد. زمامداران ایرانی بخصوص سامانیان در تقویت روح وطن‌پرستی و احیاء مفاخر گذشته بجد میکوشیدند و در همین کششها و کوششهای جامعهٔ رها شدهٔ خراسان برای کسب استقلال بود که دهقانی از طوس پس از گردآوری گفته‌ها و نوشته‌هایی که از ایران بزرگ هنوز در میان بود دست بکار ساختمان کاخی جاوید شد و سی سال یکسره در آن کار کرد:

بناهای آباد گردد خراب ز باران وازتابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند که‌ازبادوباران نیابد گزند
بسی رنج بردم‌دراین‌سال‌سی عجم‌زنده کردم بدین‌پارسی

شاهنامه بوجود آمد و بقای زبان فارسی و تشخص و تعین قوم ایرانی را دربرابر سیل دامنگیر عرب تضمین کرد.

ایجاد دربارهای ایرانی در خراسان و پیدایش شعرای بزرگ و استاد در این سرزمین موجب شد که لهجهٔ خراسانی رفته رفته جای خالی‌زبان‌پهلوی رادرجامعه ایرانی بگیرد وبه صورت زبان‌رسمی‌وملی‌ایران‌درآیدوهمه گویندگان، نویسندگان وسیاستمداران ومردان بزرگ روزگاربازبان رایج دربارهای خراسان بگویندوبنویسند وشاید بهمین علت لهجه خراسانی را زبان فارسی‌دری (درباری) خواندند.

اکنون درمیان‌مردمیکه درخراسان‌ازدگرگونیهای‌زمانه بدور مانده‌اند هنوز زبان کهن‌فارسی قرن‌های چهارم‌وپنجم‌زنده است وهنگامیکه توده‌مردم طبس، فردوس، گناباد، بیرجند وقاین وسرخس و کاشمر سخن‌میگویند گوئی‌سخن‌بیهقی‌وبلعمی

است که میشنویم .

گذشته از آن تاسیس دانشکده ادبیات درمشهد از سال ۱۳۳۵ موجب پیدایش روح ادبی تازه وآشنائی با آثار ادبی بیگانه شده است .

علوم

پس از اسلام اواخر قرن سوم وطول قرن چهارم تا پنجم را اوج تمدن اسلامی بشمار میآورند. این دوره ازآن رو چنین بارآور وپر برکت بود که اسلام دوران لشکرکشی ها و کشمکشهای نظامی وسیاسی خودرا طی کرده بود وچون اسلام بعنوان یک مکتب مشترك اداری زبان ، نفوذ وجذبهٔ بین المللی بود وحدتی معنوی و تمدنی بزرك درمیان ملل مختلف پدید آورد.

درتکوین این تمدن بزرك خراسان نسبت بخاك و جمعیت خود بزرگترین سهم را دارد **خوارزمی** اولین دائرة المعارف علمی را تالیف میکند، **ابوعلی سینا** کشورهای اسلامی را با مکتب **ارسطو و افلاطون** آشنا می سازد و فلسفه عقلی را در اسلام بنیان مینهد و کتاب شفای اوحتی تاقرن شانزدهم بزرگترین کتاب درسی دانشگاه های اروپا می شود. **فارابی** فلسفه را رنك تازه ای می بخشد. **بیرونی** در علم. فلسفه، تاریخ وجامعه شناسی دیدی تازه ارائه می دهد.

خواجه نصیر طوسی فلسفه را با رنك شدید اسلامی و شیعی میامیزد **وخیام** که امروز بنام مشهورترین شاعر مشرق زمین در اروپا شناخته شده است درریاضی وهیئت بکشفیات و ابتکارات شگفت انگیزی نائل میآید ودرعرفان وتصوف بزرگانی چون **ابراهیم ادهم ابوسعید ابی الخیر، عطار، امام احمد غزالی، جامی** بوجود میآیند

با این ترتیب چنانکه می‌بینیم خراسان پرورشگاه استعدادهای مختلف وحتی متضاداست. روح سلحشوری‌ونظامی‌و حماسی، اندیشه دقیق فلسفی وعلمی، احساس و عاطفهٔ رقیق و حساس شعری وعرفانی‌را همه‌باهم‌دارد.

ج- آثار تاریخی

رباطهای معروف‌خراسان - راه ابریشم که‌چین‌را به اروپامتصل‌می‌کرده‌است، درتاریخ اهمیت بسیاردارد واز نظر تاثیری که‌در ارتباط واثر پذیری تمدنهای بزرگ قدیم داشته، شاید بزرگترین شاهراه تاریخی جهان باشد. این راه ازشمال ایران می‌گذشته وازشرق به غرب خراسان میرفته است. این شاهراه اهمیت خودرا حتی تااوایل قرن‌اخیر حفظ‌کرده بوده است وراه کاروانروئی بوده که‌نواحی‌مختلف‌ایران‌را به‌خراسان می‌پیوسته است وقبل ازاحداث جاده اتومبیل‌رو تهران - مشهد که ازسبزواروسمنان و دامغان می‌گذرد ، بزرگترین شاهراه غربی مشهد بوده است. رباطهائی‌که اکنون‌ازگرگان تامشهد پابرجاست اهمیت فراوان‌این‌راه راتایید می‌کند:

۱-رباط‌شهر گرگان ۲- رباط‌فرس۳- دهنه گرگان۴- دهنه‌دشت۵- قره‌پیل . ۶-عشق۷- قلی(ازسنگ‌خارا درنزدیکی جاجرم)۸- قره‌جه۹-نصیرآباد-۱۰-سلطانمیدان۱۱- حسن‌آباد چکنه۱۲- چنبر غربال ۱۳- سیدآباد - ۱۴- شانقله که‌آخرین منزل‌کاروانهایی‌بود که‌بمشهدمیرفته‌اند.

این رباطها بر خلاف رباطهای معمول ایران یادگار شاه‌عباس صفوی نیست. بانی بیشترآنها امیرنظام‌الدین معروف به‌امیر علیشیرنوائی (وفات ۹۰۶هجری) وزیر دانشمندسلطان حسین بایقراء است که درخراسان وبخصوص مشهدیادگارهائی

برجسته ازخود بجای گذاشته‌است.

وی درمدت حکومت خود ۴۰۰ بنای‌خیر در خراسان‌و هرات وگرگان ازخودبجای‌گذاشت.

رشته دوم رباطهادرمسیرشاهراه بسیارمهم نیشابوربه‌مرو قرار دارد که‌بخصوص پس‌از اسلام دوشهر بزرك مشرق زمین‌را بیکدیگر وصل میکرده‌است.

ازنیشابور اولین منزل قدمگاه است ورباط آن درجنوب قدمگاه کنونی برجاست ،پس‌ازآن دیزباد وبعدرباط‌سنك‌بست است درجنوب مشهد برسرراه نیشابور- مرو- غزنین ومشهد . رباط ومقبره تاریخی ارسلان جاذب(که بغلط به ایاز منسوب است) بعداز سنك‌بست رباط چاهك‌ساخته سلطان‌محمود غزنوی بود که‌اکنون اثری ازآن‌نیست.

پس‌از چاهك به‌منزل ماهی میرسیم وبعد به‌رباط شرق که بوسیلهٔ شرف‌الدین ابوطاهر قمی حاکم مرو در زمان سلطان سنجر ساخته شده است. درین منزل دورباط پهلوی هم قرار گرفته است وخطوط وگچ‌بریها ونقاشی‌های بسیارنفیسی آنرا تزیین کرده‌اند. تاریخ بنای این‌رباط سال۵۴۹ هجری‌قمری است .دوغرفه آن‌را به‌مسجد اختصاص داده‌اند ودومحراب در آنجا دیده می‌شود . درایوان اخیر کتیبه‌ای است با خط ثلث بسیارزیبا. این‌آخرین رباط قبل‌ازسرخس است.

باید یادآوری کرد که این‌رباطهاغیرازرباطهای‌معروف شاه‌عباسی است که‌درخراسان وجوددارد.

آتشکده ها

بازهٔ هور

درصد کیلومتری جنوب مشهد برسرراه تربت حیدریه

قریه‌ایست بنام« بازهٔ هور» وبفاصلهٔ شش کیلو متری آن بنای بسیار کهن ومعبدمانندی است که به‌پیش از اسلام تعلق‌دارد.

بازه در فارسی خراسان قسمتی ازدیوار کوه‌را گویند که‌باز است. خورشید ازمیانه این‌شکاف بطرز بسیار پرشکوه و زیبائی طلوع میکند ونام بازهٔهور شاید ازهمین جاآمده‌باشد.

درپای کوه معبدی‌است ودرقله‌آن دوبنا وجوددارد بنام قلعه پسر وقلعه‌دختر واین‌دوبنا دهنه‌دره‌راتشکیل میدهند. این دوبنا که بربالای کوه واقع است به‌معبد پائین تعلق دارد.

بازه‌هور از آثار دوره ساسانی است و چند سال‌پیش سکه‌هائی دردامنه آن پیداشده است که تعلق آنرا به‌این‌دوره اثبات میکند. بازه‌هور چنانکه ازشکل ساختمانی آن‌پیدااست ومورخان بزرك معتقدند آتشکده‌ای بودکه‌قبل ازاسلام و حتی تامدتی پس از اسلام دائربود.

تعمیرات اخیری که درآتشکده بازه‌هورصورت گرفته‌از ویرانی آن تاحدی جلوگیری میکند. این تعمیرات‌در۱۳۴۴ پایان یافت .

آتشکده برزین‌مهر

درمیان آتشکده‌های بسیاری‌که در ایران بوده است‌سه آتشکده اهمیت خاصی داشته است که سه آتش معروف‌رادرآن فروزان میداشته‌اند. این سه‌آتش عبارت بوده‌اند ازآذرفرنبغ، آذرگشسب‌و آذربرزین‌مهر. دربند هشن داستان این سه‌آتش چنین‌آمده است که این سه بر پشت گاو فروزان بود و شبی باد آنها رادردریا می‌اندازد ولی این سه آتش چون سه روح زنده دوباره بازگشته بر پشت گاو می‌نشینند و هوارا‌روشن می‌سازند وپس ازآن‌جم‌بر کوه خورومند درخوارزم آتشکده‌ای

می‌سازد وآتش فرنبغ رادرآن جای می‌دهد .

هریك ازین‌سه‌آتش ازآن یکی‌از طبقات اجتماعی بوده است. آذرفرنبغ‌آتش‌موبدان وآذرگشسب‌ازشاهان ولشگریان‌و آذربرزین مهرآتش کشاورزان ایران‌زمین بوده است. ارنست هرتسفلد آلمانی میگوید از متن کتـاب‌بندهش چنین‌برمی‌آید که آتشکده برزین مهر درناحیه کنارنگان بوده‌است وکنارنگان لقب حکام موروث منطقه نیشابور است .

جای دقیق این آتشکده بزرك‌و نامی کوهستان‌ریونددر شمال غربی نیشابور است . جاکسن مستشرق معروف میگوید ریوند همان دهی است‌که آنراامروز مهرمینامند ومیان‌سبزوار ونیشابور واقع است ولی باید توضیح‌دادکه‌در چندکیلومتری مهر اکنون دهی است‌بنام ریودکه‌بظن‌قوی‌ریونداست. یکی‌ازسه آتشکده بزرك تاریخ‌ایران دراین‌نقطه واقع‌بوده‌است.

د ـ صنایع دستی وهنرهای تزیینی

۱ ـ قالی

قالی خراسان درایران بسیارمعروف است. رنك، نقش‌و بافت‌قالی خراسانی کاملا مشخص‌است و ازنظر مرغوبیت جنس نیز جزءبهترین انواع قالی‌ایران محسوب‌میشود.

درمشهد، بیرجند، کاشمر وسبزوارکارخانه‌های‌قالیبافی متعددی وجوددارد . قالیچه‌های بلوچی‌وترکمنی در خراسان بسیار معروف است.

۲ ـ فیروزه

فیروزه کوههای نیشابوربهترین نوع‌فیروزه‌ای است که درجهان وجود دارد، شناخت انواع مختلف فیروزه وبخصوص سبك‌های‌مختلف‌تراش‌آن یکی اززیباترین‌هنرهایی است کـه در

خراسان میتوان دید.

۳ ـ پازر

در کوههای فروندوعباس آباد (منتهی الیه غربی خراسان) سنگی وجوددارد بنام پازر که سبز رنك است وازآن سرمه‌دان ، تسبیح، ماهی تسبیحی ، چوب سیگار، پیپ واشیاء زینتی میسازند این سنك پس ازآنکه مدتی درروغن کرچك میماند شفافیت بسیار می‌یابد وباصطلاح «نخ نما» میشود.

۴ ـ صنایع سنگی

در کوههای جنوبی خراسان کوهی است بنام «خلج» که سنك نرم وخاکستری رنگی دارد وبعلت نرمی آن در سنگتراشی مورداستفاده بسیار است. این سنك بعلت آنکه ازقدیم غالبا درساخت هرکاره (دیزی‌های بزرگی که برای آشپزی های مختلف بکار میرود) بکارمیرفته به‌سنك هرکاره مشهوراست. صرفنظرازدیك سنگی، دیزی وهرکاره که‌ازقدیم معمول بوده‌است امروز باآن مجسمه‌های مختلف، اشیاء زینتی گوناگون وحتی میز یاروکش میز کار، پشقابهای منقش وظروف مختلف میسازند. مردم معتقدند که امام رضا درورود بطوس درخلج منزل کرده ودرموقع استراحت بسنك خلج تکیه داده‌است . وبهمین علت امروز غذا و بخصوص آبگوشتی که درهرکاره‌های سنگی که‌ازسنك خلج ساخته‌شده درست میشود بسیارخوشمزه است.

۵ ـ کاشیکاری ، معرق‌سازی، مقرنس کاری

معرق‌سازی که ازسبکهای ممتاز وزیبای کاشیکاری است درزمان صفویه باوج کمال خود رسید ولی در دوران قاجاریه فراموش شد ودرآثاراین دوران (صحن نومشهد ، ونیزدرتهران. مسجدشاه، شمس العماره ودرقم صحن مطهر حضرت معصومه) کاشی

معرق دیده نمیشود واین‌هنرجای خودرا به‌تخمیل سازی که‌سبك دیگری درکاشیکاری است‌سپرد. درسال های‌اخیرمجددا معرق سازی ومقرنس‌بندی وتخمیل ریزی ودیگرسبکهای این‌هنراحیا شده ودرمشهد نمونه های‌بسیار جالب‌آن‌را درسردر ایوان زیر نقارخانه درصحن‌کهنه وبنای ساعت ونقاره خانه و داخله حرم ودیوارهای شرقی وغربی‌موزه می‌توان دیدکه بابهترین معرق سازیهای زمان صفوی قابل‌مقایسه‌است.

۵ ـ قلاب دوزی ، بردری دوزی وگلدوزی،

هنرهای تزیینی برروی‌پارچه درمشهد بسیار رایج است. برروی پرچمهای مذهبی (دردسته های عزاداری، مجالس‌تعزیه‌و...)، پرده‌ها،سجاده‌ها وتابلوهای مختلف قلاب‌دوزی، بردری‌دوزی و گلدوزی‌های زیبائی‌بچشم میخوردکه از نظرهنری‌گاه بسیار جالب است. برای بردری دوزی برروی یك قطعه پارچه‌گاه زن هنرمندوگمنامی‌چشم خودرا ازدست میدهد.

۷ـ پوستین ....

پوستین دوزی، تزیین ونقش دوزیهای روی پوستین وفن پرورش ونمك زنی وتراش وخورش دادن وآماده‌کردن پوست برای تهیه پوستین وجلیقه پوستین وغیره در حدود هزارسال است‌که در خراسان سابقه دارد . غیراز پوستین های خراسان پوستین‌های‌کارافغانستان نیزکه بسیارمرغوب است دربازارهای مشهدفراوان است.

۸ـ هنرهای زواری

شاید ازین تعبیرتعجب‌کنید ولی‌کسی‌که بمشهد میآید در اولین نظرآثارهنری وصنایع دستی خاصی را می‌بیندکه بهترین تعبیر برای بیان آنها همین است . ورود زوار(بطور

متوسط هزار نفر درهرروز) موجب پیدایش هنرخاصی شده است که بایدآنرا هنرزواری دانست.

زوارمشهد غالباً ازمیان توده مردم ایرانند. غرب زدگی ذوق وهنردرزندگی آنان راه نیافته است. پیوند دوذوق مذهبی وملی(فلکلریك) خصوصیتهای روح هنری وزیبائی پرستی زواررا تعیین کرده است. اینها هنرهای زواری است:

تسبیح سازی (سی وسه دانه وصددانه) ازسنگهای شاه‌مقصود، علیمرادی، پازر... ویکنوع تسبیح سیاه رنگی ازیسر. تازگی پلاستیك درساختن تسبیح نیزرواج یافته است. تراش دانه‌های تسبیح، بندکش ومنگله تسبیح بمهارت خاصی نیازدارد.

شمع ریزی ـ هنرشمع ریزی دراثراحتیاج مذهبی در مشهد رواج فراوان داردو شمع ازدیرباز سمبل احساس شعری، زیبائی، عرفانی ومذهبی بوده است.

شمعدانهای بزرك درآستانه همواره بوسیله زوار روشن است. زوارهریك نذری ونیتی دارند وبرای برآوردن آن شمعی یاشمعهائی روشن میکنند. پیش ازآنکه آستانه بابرق روشن شود شمع برای روشنائی حرم ورواقها نیزبکار میرفت.

مطبوعات زواری

کتابها، جزوه‌ها وحتی اعلامیه‌های زواری ازنظرموضوع چاپ وتزیین کاملا مشخص است. کتابهای زواری همه مذهبی نیست، کتابهائی که توده ایرانی باآن دلبستگی دارد فراوان است. شاهنامه که کتاب همه طبقات ایرانی است، قصه‌های عامیانه مانند حسین کرد، سبزپری، امیرارسلان نامدار، چهل طوطی. یوسف

وزلیخا، لیلی ومجنون.

کتابهای دعا درصدر کتب مذهبی است. زیارت نامه‌ها، علائم ظهور، رساله‌های عملیه، مصیبت‌نامه ها، دیوان‌های نوحه واشعار مربوط به‌سینه زنی، کتابهای روضه.

بزرگترین شاخص این کتابها ونشریه‌ها مصور بودن آنهاست غالباً صحنه‌های مربوط بداستانهای ملی یا مذهبی نقاشی شده است.

فصل دوم

شهر مشهد

۱ــ مشهد ، شهر دین و هنر
۲ــ حصار بندی مشهد
۳ــ محلات قدیم
۴ــ مردم مشهد
۵ــ گردشگاهها
۶ــ خیابانهای مشهد
۷ــ انجمنهای مذهبی و ادبی
۸ــ مطبوعات و کتابخانه‌ها
۹ــ چگونگی مراسم عزاداری
۱۰ــ آستان قدس رضوی
۱۱ــ حرم
۱۲ــ مسجدها
۱۳ــ دیدنیهای مشهد

مشهد

شهردین و هنر

جلگهٔ طوس

در معجم‌البلدان **یاقوت حموی** جغرافی‌دان معروف عرب جلگه طوس به‌دشت سرسبزی گفته میشود که از مشرق‌و مغرب میان کوههای نیشابور و کوههای هزارمسجدواقع‌است. این‌کوهها ازشمال غربی بجنوب شرقی کشیده‌شده‌است.دراین جلگه چهار شهروجود داشته‌دوتابزرك‌ونامی. طابران ونوقان ودوشهر کوچکتر: رادکان‌وترغوذ یا تروغبذ که اکنون بنام طرتبه معروف واز ییلاقات مشهداست. طوس نامی است‌که در قدیم برهردو شهر طابران و نوقان اطلاق میشدولی امروز مقصود ازشهر طوس همان طابران است که آرامگاه فردوسی بزرك درآن قرار دارد.

طوس

«طوس ناحیتی‌است و اندروی شهرکهاست چون **توران**

(تلفظ کهن طابران یاطبران =شهر طوس کنونی) ونوقان و بروغون ورادکان بنوازنده(؟) واندرمیان کوههاست و اندر- کوههای وی‌معدن پیروزه‌است ومعدن مس‌است وسرب‌و سرمه و شبه‌و دیك‌سنگین وسنك فسان وشلواربند وجوراب ازآن‌خیزد» (حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب ، کتابی کوچك‌درجغرافیا ازمؤلفی مجهول که قدیمترین متن‌فارسی است،۲۷۲قمری)

درروایات آمده‌است که شهر توس‌را پسر **نوذر** که ۹۰۰ سال سپهبدبود بنا کرد (شهرستانهای ایران ترجمهٔ‌صادق‌هدایت ص۴۱۸). سلطان‌محمود از فردوسی میپرسد طوس راکه بنا کرده‌است؟فردوسی درپاسخ‌میگوید**طوس**پسر **نوذرمنوچهر** وسبب آن بود که هنگامی که **کیخسرو** اورا به‌رزم **افراسیاب** بتوران فرستاد باوگفته بود که‌زنهار از راه **کلات** نروی که برادرم **فرود** که از دختر **ویسه** است در آنجاست وجوانی سودائی‌مزاج است. مبادا اندیشهٔ‌جنك آرد و بردست توضایع شود . چون طوس به سرحد توران رسید بسخن کیخسرو کار نکرد و براه کلات رفت و میان ایشان جنك‌قایم‌گشت وسرانجام فرود کشته‌شد. کیخسرو ازاین حرکت طوس‌غمناك شد. چه اورا فرستاده بود که خون پدر باز خواهد برادرش رانیز بکشت. القصه چون طوس‌ازتوران بازگشت نتوانست‌که نزد کیخسرو رود. درخراسان رحل اقامت انداخت و درآن موضع شهری طرح کرد وبنام خود موسوم ساخت . (مجالس المومنین ج۲ص۵۹۰)

اما داستان بنای طوس ازین نیزکهن‌تراست . صاحب مطلع‌الشمس آورده است که «طوس‌را جمشید پیشدادی ساخته ، سپس خراب شد وطوس‌بن‌نوذر تجدید عمارت کرد و بنام او

مشهور شده است.»

وجود این اساطیر تاریخی که حتی بنای طوس را به دوران ماقبل تاریخ ایران میکشاند نشانه قطعی قدمت بسیار شهر است ومینمایاند که طوس باهمه شهرت و عظمتش آنچنان کهن است که حتی تاریخ بروشنی زمان تولدش را بخاطر نمیآورد.

پس ازاسلام نیز طوس قرنها عظمت ونفوذ خودرا نگاه داشته بود، بخصوص تازمان **طاهریان** که مرکز خراسان بوده است وازاین پس نیشابور جانشین آن میگردد.

اهمیت طوس درتاریخ اسلام بیشتر بعلت مردان بزرگ و ناموری است که بایران و حتی بـدنیای اسلامی داده است. **فردوسی** حماسه‌سرای بزرگ جهان، **خواجه نظام الملك** وزیر مدبر و مقتدر امپراطوری سلجوقی بانـی دانشگاه‌های نظامیه، **ابوجعفر محمدبن حسن طوسی** معروف بشیخ طوسی و ملقب به شیخ الطایفه فقیه ومفسر نامی شیعه متوفی ٤٦٠ نویسندهٔ تفسیر التبیان و تهذیب واستبصار که با کافی **کلینی** ومن لایحضره الفقیه کتب اربعه شیعه را تشکیل میدهد . امام **محمد غزالی** فیلسوف اسلامی ، **احمد غزالی** عارف متفکر متوفی بسال ٥١٧، **خواجه نصیر طوسی** سیاستمدار و فیلسوف شیعی که وزارت **هلاکو** راداشت وو و ....

درسال ٥٤٨ **غزها** بخراسان سرازیرشدند و طوس را نیز مانند شهرهای دیگر خراسان درهم کوفتند وبقتل عام و غارت شهر پرداختند. هنوز آثار ویرانی ازچهره شهر پاك نشده بود که طوفان زرد **مغول** در ٦١٧ شهر را در لجه‌های خون غرقه کرد وباز طوس داشت ازاین فتنه کمر راست میکرد که **میرانشاه** پسر **تیمورلنك** در ٧٩١ برای شکست **حاجی بك**

که‌طغیان کرده ودرطوس حصاری شده بود بشهر در آمد و درمحلات شهر، بجای مساجد بلند ومدارس بزرك، کله‌منارها بالا رفت. طوس بزانو درآمد آنچنان که دیگر رمقی برای برخاستن نداشت. گروهی که ازاین آتش بسلامت‌جسته‌بودند، داغدار ونومید، شهرشوم‌راترك کردند وبه‌سناباد، دهی‌درکنار نوقان که امام و **هارون** درآن‌مدفونند، پناه آوردند و بدین ترتیب نطفه شهر مشهد در ۷۹۱ منعقد گردید.

در ۸۰۸ **شاهرخ‌میرزا**دستورداد‌تاطوس‌رابرای‌چندمین بار بناکنندومردم رابرگردانند ولی دیگر مهاجران طوس بزادگاه بدخاطرهٔ خویش بازنگشتندو طوس‌پس ازاین تجدید عمارت بی‌ثمر فراموش شد وبرای‌همیشه‌متروك‌ماند.

امروزازآن‌شهربزرك تنهاآرامگاه فردوسی‌بزرك‌نمودار است وبقعه‌ای بنام بقعهٔ هارونیه وآثاری مبهم‌ازبرج‌وباروی‌شهر وتپه‌ها وسفالها و آجرهائی...

درسال ۱۸۲۱ **دکترجوکس** که‌ازطرف کمپانی هند شرقی همراه مسیو **فرزر**بایران آمد دریادداشتهای‌سفرخویش بانگلیسی آثارطوس راکه‌روشن‌تر از حال دیده است چنین بیان میکند :

«در ۲۳ ماه فوریه ۱۸۲۱ بطرف‌طوس‌رفتم که‌ویرانه‌های آنرا تماشا کنم، دیواره‌های شهر از گل است بابرجهائی که باهم فاصله دارد. این دیواره‌ها مربعی‌را پدید آورده است به پیرامون‌سه تاچهارمیل. دهقانان قریه‌های اطراف وسط‌شهررا زراعت‌میکنند وبرروی‌آثار کهن گندم‌وجو میکارند!

مشهد(۱)

در داستان طوس دیدیم که با ضربهٔقتاله **میرانشاه**

۱ــ یعنی جایگاه شهادت .در اصل مشهدالرضا است .

شهر ازپای درآمدودیگر بر نخاست و گروهی که‌ازدم‌شمشیرهای جلادان تیموری گریخته بودندبسناباد که‌درچهار فرسنگی‌جنوب شرقی طوس قرار داشت کوچ کردند تادرکنار امام‌هشتم‌شیعیان ازبد حادثه درپناه مانند. بنابر این‌میتوان ۷۹۱ راسال‌تولـد مشهد بشمارآورد ولی‌با مطالعهٔ تاریخ‌این‌نکته روشن‌میگردد که پیش ازاین‌نیز سناباد دیگرقریه‌ای دورافتاده‌نبوده‌است وپس‌از دفن امام رفته‌رفته مردم، که منطقاً باید شیعیان‌باشند، این‌مکان را برای اقامت برمیگزیدند وبنابراین مشهد درقرنهای پنجم‌و ششم شهرکی بوده‌است. **روی‌گونزدوکلاویو** declavijo که‌بعنوان سفیر ازطرف دربار **کاستیل** در۱۴۰۵ میلادی‌نزد **امیرتیمور** آمده است درسفرنامهٔ خود، که«انجمن هکلویت» انتشار داده است، دربارهٔ مشهد میگوید: «وبواسطهٔ وجودهمین قبر است که‌شهر مملواززواری است‌که هرسال‌عدهٔ زیادی‌بآنجا روی میآورند» و با مطالعهٔ چگونگی پیدایش شهرها مسلـم مینماید که در چنین شرایطی مشهد نمیتوانسته است بـصورت روستائی راکد وساده‌باقی‌بماند.

صاحب مطلع‌الشمس تصریح میکندکه «درسنهٔ ۵۴۸ طایفهٔ **مغول** برسلطان **سنجر** یاغی شدند... وبطوس که‌مرکزعلماء وزهادبود واردشدند، قتل‌و غارت کردند، مساجد را خـراب کردند وفقط قبهٔ‌مبارکهٔ **حضرت‌رضا(ع)** ازاین خطـرات محفوظ‌ماند وسناباد ونوقان‌درآن‌تاریخ شهری‌بوده‌است‌وببرکت قبهٔ مبارکه ازحملهٔ‌مغول محفوظ مانده‌است».

نوقان، چنانکه درتاریخ طوس گفتیم، یکی‌از چهار شهر طوس‌بود وباطابران دوشهرمعروف جلگهٔ‌طوس راتشکیل میداده است. غالباً محل این‌شهررا همانجامیدانند که‌امروزمحله‌ایست

بهمین نام درمشهد.

هرچه طوس درزیر ضربات تاریخ شکسته‌تر میشدسناباد بیشترجان میگرفت.

سناباد

«سناباد قریه‌ایست درجلگهٔ طوس ودوشهری که‌باین نام مشهور بوده‌اند: طابران‌و نوقان که‌قبر امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا وقبر امیرالمومنین هرون‌الرشید درآن‌است ومیـان‌آن و شهر طوس (نوقان) قریب یك‌میل فاصله است» (یاقوت حموی)

اکنون جای‌دقیق قریهٔ سناباد معلوم‌نیست وبا این همـه هنوز قنات سناباد بهمین‌نام درمحلهٔ سعدآباد مشهد بـرجاست. مظهرقنات دربیرون دروازهٔ سراب مشهد دیده میشود، آب‌کمی دارد وازموقوفات آستان‌قدس است.

بنابراین میتوان گفت که‌مشهد یعنی‌سنابـاد و نوقان و شهیانی که ازقرن سوم ببعد بتدریج درجوار قبرامام اقامـت گزیده‌اند وطوسیانی که‌در حادثه **هیرانشاه** (۷۹۱) یکجـا باینجا کوچ کرده‌اند و اقوام وطوایفی از ترك‌و ترکمن و کرد ومغول ویهودی که‌در طول تاریخ پس ازمغول به‌این‌شهر آمده‌اند.

حصاربندی شهر مشهد

تاریخ حصاربندی شهرمشهد انعکاسی‌ازرژیمها و تحولات سیاسی‌و فکری این مملکت است وگذشته ازآن میرساند که‌از

چه وقت مشهدرا بصورت شهری ، هر چند کوچك ، میتـوان تلقی کرد.

قدیمیترین حصاری که درپیرامون مشهد بنا کردند حصار **سوری بن معتز** است که بدستور **سلطان محمود غزنوی** بجبران ویرانیهائی که پدرمتعصبش درآستان قدس ببارآورد درسال ۴۲۸ هجری ساخته شد. نام این سوری بن معتز را که درآن هنگام حاکم نیشابور بود نباید فراموش کرد زیرا اولین کسی است که نه تنها دربنای شهرمشهد بلکـه درتجدید بنـای آستان قدس وتوسعهٔ ساختمانهای آن بیحد کوشیده وچنین مینماید که خود شخصاً نیز بدین کارایمان داشته است. این نام درداستان زندگی فردوسی نیز آمده است. میگویند **ابوالقاسم فردوسی** وپدرش هردو باغبان وی بوده اند ولقب فردوسی ازهمین جاست.

در ۵۱۱ **امیرعلاءالدین** ملقب **به عضدالدین** حصار دیگری کشید واین میرساند که دراین مدت شهرتوسعه بیشتری یافته بوده است.

پس ازکوچ مردم طوس بمشهد، حصارشهرتنك مینمود و چون **شاهرخ** ازبازگشت مهاجران طوس بزادگاهشان ناامید شده **امیرسید خواجه** رافرمان دادکه حصاری بزرگتر برگرد مشهد بکشند واین حصار در ۸۰۸ کشیده شده است . بـرخی احتمال میدهند که حصارشاهرخ میرزا ازپائین خیابان درحدود کوچهٔ ساربانها واز بالاخیابان در حدود باغ تـولیت میگذشته است .

حافظ ابرو میگویددراین وقت مشهد دارای این محلات بوده است: «محلهٔ کاریز، شاه آباد، دستجرد، چاه نو، منصوریه وابوبکرآباد»

آخرین حصاری که امروزمیتوان دربعضی نقاط پراکنده آثاری ازآنرا دید در ۹۵۰ بدست **شاه طهماسب** ساخته‌شده که درحدود ۱۸۰۰ مترپیرامون‌آن بوده و۱۴۱ برج وشش دروازه داشته است.

مشهدی

مشهد درزمان سلطنت **صفویه** که تشیع را بعنوان مذهب رسمی پذیرفتند مورد توجه شدید واقع شد و**شاه عباس** بزرگ که درسفری چکمه‌هایش را بردوش انداخت وپیاده ازاصفهان بزیارت‌آمد برای تجلیل ازامام دستور دادکه هرکس بزیارت توفیق یابد میتواند عنوان «مشهدی» را براسم خودرسماً بیفزاید وبدین ترتیب، دربرابرعناوین حاجی وکربلائی، مشهدی نیز درمیان اسامی رواج یافت .

ولی اوج قدرت مشهد راباید درزمان **نادرشاه** جست درین زمان مشهد پایتخت شد ونادرباآنکه از اختلافات مذهبی دراسلام ناخشنود بود ازتوسعه شهرمشهد وتجلیل ازامام غافل نبود ویادگارهای بسیارزیبای زمان وی هنوزدرمیان عمارات آستان‌قدس دیده میشود.

پادشاهان **قاجار** نیزبآستان قدس‌وشهرمشهدتوجه‌فراوان داشتندوآثاراین فکردرچهرهٔ شهروآستان قدس‌کاملانموداراست.

پس‌ازقاجاریه دردوران اعلیحضرت فقید توجه بمشهد و آستان قدس با تحولی اساسی در سازمان اداری‌آستان قدس و مصرف موقوفات توأم بود واین تحول درچهرهٔ ظاهری‌شهرنیز منعکس شد و غیر از خیابانکشی‌های نووتعریض معابروکوشش برای نزدیک‌کردن شهربا اصول‌شهرسازی‌جدید، محلات‌نوینی نیزبرشهرافزوده شد.

محلات جدیدی که دردوران بیست‌ساله پدیدآمد عبارتست از : الندشت. بهار(سی‌متری) ، عشرت‌آباد وسعدآباد . سعدآباد دراراضی آبکوه ، موقوفهٔ مسجد گوهرشاد واقع است که از آستان‌قدس جداست این‌محله ازنظرزیبائی‌وپاکیزگی وخیابان کشی‌های منظم ازمدرن ترین‌محلات شهراست .

محلات قدیم

بالاخیابان، پائین‌خیابان،سراب، نوقان،سرشور،عیدگاه ارك، پاچنار،سه‌سوق. مرویها. سرحوضان(سرحوضو)تپ‌المحله (ته‌پل‌محله) . سیاوون(سیاهان؟) کشمیریها، چه‌نو، وچهار باغ. دومحلهٔ نوقان وعیدگاه ازقدیمی‌ترین‌محلات‌شهرمحسوب میشود . زندگی جدید کمترین نفوذی درآن‌نکرده وکوچه‌هاو گذرگاهها ومغازه‌ها وزنها ومردها ولهجه‌ورسوم و عادات همه بهمان مهرونشان‌است که بودوکاملا مشهدقدیم‌را بیاد میآورد . لهجه‌خاص دست‌نخورده مشهدی دراینجا ازهجوم لهجه‌تهرانی محفوظ مانده است .

مردم مشهد

مشهد، بدوعلت، محل‌زندگی مردمی ازریشه‌های قومی، زبانی ومحلی‌مختلف‌شده است. یکی‌باین علت که شهربزرك خراسان است یعنی‌سرزمینی که‌درطول تاریخ همواره میدان کشمکش ولشکرکشیهای اقوام وطوائف گوناگون بوده است. **ترکمن‌ها،مغولها، ازبکها،** روسها، افغانها، بلوچها همه درپیرامون آن‌زندگی میکنند وجلگه طوس‌رهگذر حرکت‌این اقوام وطوایف‌ایرانی وغیرایرانی بوده‌است. دست سیاست نیز گاهی گروههای بسیاری‌از طوایف دوردست راازاقصانقاط‌ایران وحتی‌خارج ازایران بمشهد وپیرامون‌مشهدکشانده است‌چنانکه

شاه‌طهماسب و شاه‌عباس صفوی و نیز نادرشاه افشار طوایفی از **کردها** و **ارامنه** را باین‌شهر انتقال دادند و پیش از آن قبایلی از **عرب** نیز بخراسان کوچ کرده بودند و در همینجا ماندند وهنوز برخی‌از این‌طوایف عرب، زبان‌و رسوم خود را همچنان حفظ کرده‌اند.

انقلاب‌شوروی نیزموجب شد که گروه بسیاری‌ازمسلمانان عشق‌آباد وبخارا بعلت پیوندتاریخی ومذهبی که باایران‌داشتند بخراسان وبخصوص‌مشهد مهاجرت کنند واین‌عده گروه کاملا مشخص‌ومتمایزی رادرشهر تشکیل میدهند وهنوز بنام«**مهاجر**» خوانده میشوند.

دومین‌علت‌وجود مرقدامام‌هشتم شیعیان‌است و شهر مشهد همچون دیگر شهرهای‌مذهبی یاتوریستی ازهمه‌جا مردمی راکه باآن پیوندی دارند بسوی‌خود میکشاند وبسیاری‌از زوار بعلت وجود همین پیونددراین شهر مسکن میکنند. **ارامنه** در شهر پراکنده‌اند ولی**یهودیان** گرچه‌دربازارومحیط‌کار باتوده‌مردم کاملا درآمیخته‌اند ازنظرمسکن تقریبا محله متمایزی دارند. خیابان جنت‌وقسمتی از عیدگاه محله‌های یهودی‌نشین شهراست یهودیان محله‌عیدگاه پس‌ازخاتمه جنك جهانی رفته رفته محلهٔ خودرا ترك‌کردند و غالبا به‌خارج ازکشور هجرت نمودند. **بربری‌ها** که با**مغول‌وتیمور** بخراسان‌آمده‌اند وبعدها نیزدر طی‌لشکر کشیهاومهاجرتهای طوایف مغول **وازبك**... بمشهد کشیده شدند بااینکه ازنظرخصائص‌بدنی کاملامتمایزند درمردم بومی‌مشهدحل شده‌اند.

چهار خیابان: تهران-طبرسی‌وبالاخیابان - پائین‌خیابان که آستان‌قدس درمحل‌تلاقی آنهاقرار دارد، شکل یك بعلاوه

(+) رابرروی حوزه‌اصلی وقدیمی‌مشهد رسم میکنند.دراینجا «مشهدی‌ترین مردم‌شهر» بازواری که غالباچند روزه میآیند مجموعه‌ای را تشکیل‌میدهند که محتوای‌کامل‌مشهدرادربردارد.

خیابان پهلوی (ارك)خطی است‌که ناحیه‌سکونت‌اشراف ومتجددین وطبقه حاکمه شهررا ازمتن مردم جدامیسازد .

خیابانهای مشهد

چهار خیابان اصلی کـه به فلکه آستانه مـی‌پیوندد عبارتست از :

۱) خیابان تهران .

این خیابان ازآن‌جهت که‌به‌جاده‌تهران متصل می‌گردد باین نام خوانده می‌شود .

اکنون نیز زواری که از تهران‌ـشاهرودبه‌مشهدمی‌آیند ازاین خیابان وارد شهر می‌شوند. ابتدای ایـن خیابان‌فلکه گل ختمی نام داشته است کـه اکنون بیشتـر به فلکـه برق معروف‌است.زیراکارخانه‌برق خسروی که‌بشهرداری متعلق است دراینجا واقع است . در میانه ابتدا و انتهای خیابان تهران که بـه فلکه جنوبی آستانه متصل میشـود فلکه دیگری است مشهور به‌فلکه آب که‌قبل ازلوله‌کشی‌شهردروسط آن‌چاه عمیقی حفر کرده بودند. گاراژها، اتوسرویسها، اوراق‌فروشی‌ها و جوشکاری وآهنگری مربوط باتومبیل در مشهد بیشتر درنیمه اول خیابان تهران جمع شده است زیرا چنانکه گفتیم این

خیابان اولین وآخرین خیابان ورود بمشهد و خروج ازآن بوده است. هرچه از گلکاری آب بطرف صحن میرویم محیط مذهبی‌تر میشود.

۲- خیابان طبرسی

ازفلکه منشعب شده بطرف شمال بالا میرود ودرانتهای شهر بانبارهای نفت وگمرك وبرخی‌ازتاسیسات راه‌آهن‌تهران‌مشهد میرسد. درابتدای خیابان، دست‌چپ؛ مقبره‌شیخ‌طبرسی که بتازگی تجدید عمارت شده، قرار دارد و خیابان بنام وی است. بعداز مقبرهٔ طبرسی غسالخانه مشهد است که‌درسالهای اخیر ساخته‌شده وجزئی ازباغ بزرك رضوان محسوب میشود. روبروی آن درسمت راست خیابان « چهارشنبه بازار» مشهد واقع بوده است که امروز بصورت کوچکتری‌هنوزوجوددارد. گنبد خشتی که از مزارهای دیدنی مشهد است دراواسط همین خیابان است.

۳-خیابان‌صفوی (پائین خیابان)

این خیابان‌را **شاه عباس‌صفوی** احداث کرده است وازفلکه بسمت مشرق‌رفته ازشهر خارج‌میشود وبجاده سرخس می‌پیوندد. خیابان‌صفوی که به‌پائین خیابان‌مشهورتراست از پرجمعیت‌ترین خیابانهای شهراست. بیشترمردم قدیمی‌مشهد، پیشه‌وران وسوداگران خرده‌پا دراینجا زندگی میکنند . در انتهای خیابان قبرستان قدیمی شهر که امروز دفن‌جنازه‌درآن ممنوع است واقع‌شده. مصلای شهر درپائین‌دروازه پائین‌خیابان قرار دارد . کاروانسراهای بزرك تجارتی بسبك قدیم‌هنوز در این‌خیابان‌دایر است .

۴ـ خیابان نادری (بالا خیابان)

این خیابان را نیز بهمراه پائین خیابان، شاه **عباس صفوی** احداث کرده است ولی چون مقبره **نادر شاه افشار** در انتهای آن قرار دارد بنام وی خوانده میشود. مدارس نواب و باقریه که از مدارس معمولی قدیمی هستند در قسمت راست این خیابان قرار گرفته اند.

در سمت چپ کاروانسرای بزرك تجارتی ملك است که از نظر سبك ساختمان بسیار جالب توجه است محلهٔ چهار باغ پس از کاروانسرای ملك است. انتهای خیابان بچهارراهی میرسد بنام چهارراه نادری که مقبره نادرورو بروی آن باغ تولیت واقع است.

۵ ـ خیابان شاهرضا

که بر خیابان نادری عمود است از شمال بایستگاه راه‌آهن تهران ـ مشهد و از جنوب به گنبد سبز و امتداد تازهٔ آن بخانهٔ پیشاهنك محدود است. این خیابان خط استوای مشهد است که مشهد قدیم را از مشهد جدید جدا میکند.

۶ـ خیابان خسروی

که بر شاهرضا عمود است و ادامهٔ جدید آن بخیابان تهران متصل میشود خیابان شاهرضا را بخیابان بزرك پهلوی یا ارك متصل میکند.

خیابان خسروی نو بازار سرشور را از بازار بزرك مشهد جدا کرده است. پیش از دوران بیست ساله سه بازار سرشور، بازار بزرك و بازار زنجیر بهم متصل بود ولی در این زمان بازار زنجیر و بازار بزرك بوسیله فلکه از یکدیگر جدا افتادند و در چند سال اخیر بر اثر احداث خیابان خسروی نو بازار سرشور و بازار بزرك نیز ازهم جدا شدند.

خسروی کهنه خیابانی است جدید با مغازه‌های نسبتاً لوکس و فروشگاههای معتبر.

۷- خیابان پهلوی

که بیشتر به «خیابان ارك» شهرت دارد مهمترین و بزرگترین خیابانهای شهر است. این خیابان که از شمال بجنوب کشیده شده از میدان شاه (میدان مجسمه) آغاز میشود و بکنارهٔ جنوبی شهر میرسد. ارك و میدان و باغ متصل بآن در نقطه‌ای بوده که امروز باغ ملی و بانك و ستاد ارتش قرار گرفته است. از میدان مجسمه که بزرگترین میدان شهر است، شش خیابان بزرك منشعب میشود. در محل تلاقی خیابان خسروی و خیابان پهلوی ساختمان بلند و قدیمی دیده میشود که محل ادارهٔ کل آموزش و پرورش خراسان است.

ادارهٔ دادگستری و غالب سینما های شهر در این خیابان است.

پس از گذشتن از چند سینما به باغ ملی میرسیم که پارك شهر است و از باغهای متصل به ارك مشهد بوده است و در کنار آن ادارهٔ پست و تلگراف و ستاد ارتش و مقابل آن ساختمان بانك ملی قرار دارد و بعد از آن میرسیم بمیدان ارك که بمیدان سوم اسفند نامگذاری شده و نزدیك آن عمارت بزرك و زیبای شیر و خورشید بچشم میخورد.

خیابان پهلوی خطی است که مشهد را از ناحیهٔ مدرن و حاشیهٔ اشراف نشین و خیابانهای نوساز و منظم و زیبای آن جدا میسازد.

در قسمت جنوبی خیابان پهلوی از خیابانهای غربی که از آن منشعب میشود: خیابان بهار (سی‌متری) خیابان رازی-

حافظ ـ باغ‌ملی و خیابانهای غربی پشت آن بخیابانهای‌زیبای احمدآباد (فرح) ، کوهسنگی، بیمارستان شاهرضا و کوی‌های کفائی، پزشکان، افسران... و در قسمت شمالی خیابان‌پهلوی از خیابان غربی متصل‌بآن بمحلهٔ بسیار نو و با صفای‌سعدآباد ومیدان ورزش سعدآباد و خیابان گوهرشاد وکارخانه قندآبکوه میرسیم که بجادهٔ شهر طوس‌وقوچان می‌پیوندد.

۸ـ خیابان‌سی‌متری (بهار)

که‌درحاشیه جنوبی مشهد از مشرق بمغرب میرود ادامهٔ جاده تهران مشهد است که ازمیدان برق‌خیابـان‌تهران‌شروع میشود وبه‌فلکه تقی‌آباد که محل تلاقی خیابانهای احمـدآباد (فرح) کوهسنگی (اسدی) و دانشگاه است ختـم میگردد . خیابان ضدهوائی ـ که ازفلکه برق برخیابان‌بهار عمودمیشود ودر حقیقت ادامه خیابان تهران است وبطرف‌جنوب وتادامنه کوههای جنوبی مشهد کشیده شده است ـ ازخیابانهائی است که در پانزده سال اخیر ساخته شده ومیدانهای قرینه‌ویکنواخت‌و منظمی که ازدوطرف خیابان‌منشعب میشود محلات‌کاملاجدیدی رابوجودآورده‌است.

اینجا غالبا محل زندگی طبقهٔ دو، کارگر جـدید و یا کارمندان متوسط وپیشه‌وران خرده‌پااست. دوخیابان کوهسنگی (اسدی) ودنباله خیابان پهلوی که‌از خیابان سی‌متری بطرف جنوب پائین میآیند منطقه نظامی شهر را در میان میگیرند . بیمارستان لشگر چهارراه لشگر، ودیدگاه لشگر درنیمه‌غربی خیابان سی‌متری قرار دارند ، درکناره شمالی خیـابان باغ بزرك استانداری و قسمت جنوبی بیمارستان معظم‌شاهرضاواقع شده است، انتهای خیابان سی‌متری فلکه تقی‌آباد است که از

زیباترین فلکه‌های شهر مشهد محسوب میشود. در گوشه‌شمال شرقی فلکه بیمارستان شاهرضا ودرنقطه مقابل آن هنرستان صنعتی مشهد واقع است. فلکه‌تقی‌آباد ، بافواره‌های بلندیکه بخصوص‌شبها باچراغهای رنگین‌روشن میشود، زیبائی‌تندوچشم گیری‌دارد.

۹ـ خیابان کوهسنگی

که بنام **اسدی** نایب التولیه معروف دوران بیست‌ساله نامگذاری‌شده است اززیباترین‌بولوارهای شهرمقدس‌مشهداست این‌خیابان از فلکه تقی‌آباد بطرف کوهسنگی بالا میرود در هرسو دارای دوپیاده‌روعریض است وجویهای آبی‌که از میانه صفوف درختان تناور وسربهم‌آوردهٔ خیابان بسوی‌پائین‌میآیند زیبائی شرقی خیابان رابخصوص شبها خیال‌انگیزتر میکنند. باغها ومنازل بسیار وسیع ومشجر وباغ‌بزرك‌الندشت برصفای این خیابان افزوده‌اند.

۱۰ـ خیابان دانشگاه

خیابان بسیار زیبا و مدرنی که در امتداد خیابان کوهسنگی بطرف‌شمال‌شرقی شهر میرود خیابان دانشگاه است که ازفلکه تقی‌آباد شروع‌میشودوپس ازگذشتن‌از فلکهٔ‌سراب بمیدان شاه (مجسمه) میرسد. دانشکده پزشکی مشهد دراین خیابان قرار گرفته است . در فلکه سرآب ابتدای خیابان سعدآباد دانشکده الهیات است. ازسمت غربی‌این خیابان بین خیابان سعدآباد وابن‌سینا ازطریق خیابانهای بسیارکوتاهی‌به دانشکده علوم وچاپخانه دانشگاه و بلافاصله بدانشگاه ادبیات مشهدمیرسیم.

دردو سوی این خیابان زیباترین ومدرن‌ترین محلات

شهر قرار گرفته است درسمت‌شرقی مثلثی است که از تقاطع خیابانهای دانشگاه- پهلوی- بهار - تشکیل شده و خیابانهای مشجر وآرام وباصفائی درمیان آن ازیکدیگر میگذرندو بهترین نقاط مسکونی شهررا بوجود میآورند. در سمت شرقی خیابان محله معروف سعدآباد است که درزمان تولیت سابق‌مسجد گوهرشاد برروی اراضی موقوفه مسجد طرح ریزی‌شده‌است‌ه استادیوم بزرك ورزشی مشهد دراین محله‌واقع‌است.

۱۱- ازمیدان‌شاه (مجسمه) دوخیابان بزرك یکی‌بطرف شمال شرقی ودیگری بطرف شمال غربی منشعب میشود. اولی خیابان عشرت آباد (خیابان خواجه‌نصیر طوسی) که بطرف شاهرضا نزدیك میشود ودرمیدان ایستگاه‌راه‌آهن‌تهران- مشهد بآن‌می‌پیوندد ودومی خیابان‌خواجه‌ربیع است که‌بمقبره‌خواجه ربیع صحابی‌بزرك حضرت علی علیه‌السلام میرود . در انتهای این‌خیابان قبل ازآرامگاه خواجه‌ربیع‌باغ‌وحش مشهد قرار گرفته است. اینجاگردشگاه توده مردم شهر است.

۱۲- جاده فرودگاه- جاده‌تهران‌پس ازگذشتن ازطرق که آخرین آبادی قبل ازشهر است واردجاده‌ای میشود که‌از هردوسوی آن نزدیك شدن به‌شهر احساس میشود. این‌جاده ازکنار مرکز کشاورزی، دبیرستان شبانه روزی کشاورزی ؛ مخازن بنزین‌وفرودگاه مشهدمیگذرد ووارد خیابان‌فرودگاه میشود. کارخانه نخریسی- کارخانه سنگتراشی و پرورشگاه شیروخورشید در این‌خیابان‌قرار دارند.

تفریحگاهها و گردشگاهها

گردشگاههای مشهد عبارتست‌از: وکیل‌آباد- کوهسنگی

خواجه‌ربیع- شهرطوس.

۱- وکیل آباد

درهٔ بسیار باصفائی است درمغرب مشهد بفاصله۸ کیلومتر که سرآغاز ییلاقات مشهد است وچون شهر بآن سوکشیده میشود وراه اسفالته وباصفائی داردبصورت یکی ازگردشگاهها وتفریحگاههای شهر درآمده‌است. استخرآب‌ومناظر کوهستانی و سرسبز آن بخصوص در ایام تابستان مردم شهر را بـخود جلب میکند.

۲-کوهسنگی

نزدیکترین تفریحگاه شهراست ،در حاشیهٔجنوب غربی مشهد .استخر بزرك، ساختمان ییلاقی کنار آن، گلکاریهاو محیط بازو درختان سرسبز وبلند وجویهای آب‌و منظرهٔ کوهستانـی زیبا و اشرافی که بر شهر دارد آن را بصورت زیباترین تفریحگاهها درآورده است . وسایل تفریح برای کودکان و قایق‌رانی دراستخر وباغ‌وحشی که‌بتازگی درآنجا تاسیس شده موجبات سرگرمی مردم‌را فراهم‌میکند. یك هتل مدرن‌نیز در کوهسنگی برای‌اقامت توریست‌ها ساخته شده‌است.

۴-خواجه‌ربیع

درسه کیلومتری شمال‌غربی مشهداست. باغ‌بزرك**خواجه ربیع** وباغ وحشی که چندسالی است درنزدیکی‌آن بوجـود آورده‌اند غالبا توده مردم وافراد طبقهٔ متوسط شهررا بخصوص درروزهای‌تعطیل‌بخودجلب میکند. دراین‌جا معمولامعرکه‌گیری وفال‌بینی ورمالی‌و نمایشهای پهلوانی‌وچشم‌بندی وغیره‌نیزمردم راسرگرم میدارد.

۵-شهرطوس

که امروز تنها بقعه‌ای وباغی از آن مـانده که مقبرهٔ **فردوسی** در آن است یکی از گردشگاههای مردم روشن و تحصیلکردهٔ شهر و توریستها وزواراست. غیراز جاذبه مرقد فردوسی مناظر بسیار زیبا وچشم‌اندازهای وسیع و کششی که‌در آثار قدمت‌وعظمت دیرینه شهرطوس وجوددارد مردم‌را بآن‌سو میکشاند. باغ آرامگاه فردوسی ازنظر تزئین‌و گلکاری یکی‌از باغهای زیبای ایران است .

انجمنهای مذهبی وادبی

انجمن های مذهبی

تشکیل انجمن مذهبی درایران بخصوص شهرهای مذهبی کاری است که بسختی میتواند موفقیتهای بزرگی بدنبال داشته باشد زیرا وجود تکیه‌ها ومساجدواماکن دیگرمذهبی بخصوص مجالس روضه خوانی‌وقرائت قرآن که تقریبا درطول‌سال‌تشکیل میشود ازاحتیاج توده مردم متدین بتشکیل انجمنهـای خاصی بسبك جدید میکاهد.

بنابراین انجمن مذهبی جزدرمیان گروهی از دینداران که هدفهای مذهبی واجتماعی روشن ومعینی‌دارند ایجادنمیشود وشمارهٔ این عده گـرچه روبفزونی است ولی هنوزنسبت بتوده کثیرمردم مذهبی‌کاملا دراقلیتند.

انجمنهای بسیارمعروف مذهبی درمشهد عبارتست از:

ا ف ـ کانون نشرحقایق اسلامی

که درسال ۱۳۲۳ تاسیس شده بیشترافراد نواندیش و متجددشهر(فرهنگیان، دانشجویان وگروههائی ازطبقات‌متوسط بازار) درآن شرکت می‌جویند.

سبك برگزاری مجالس آن بسیارتازه‌است. جلسات آن عبارت است ازیك کنفرانس مذهبی ویك جلسه تفسیرقرآن در هفته. کانون نشرحقایق اسلامی دارای نشریات مذهبی بسبك جدیداست.

ب ـ انجمن پیروان قرآن

این انجمن که غالبا ازکسبه بازاروتودهٔ بسیار فعـال و معتقد مذهبی تشکیل شده است دارای‌اعضاء زیادی است. انجمن دارای شعبه های متعددی‌درهرمحله میباشد. تاکنون بنام‌هریك ازچهارده معصوم بنائی‌ساخته‌اند ومهمترین‌آن بنای مهدیه‌است که درپشت‌آرامگاه نادرشاه قرارداد. دیدنی‌ترین مراسم‌مذهبی که درمهدیه انجام میشود درنیمه شعبان روزتولدحضرت‌صاحب الزمان امام دوازدهم علیه‌السلام است‌که جشن بسیار بـزرگی برپا میشود ومجلس باگل‌ها ـ قالیها ـ قناری‌های بسیارتزئین میگردد وبلندگوههای متعددآوازها وسرودهای مذهبی‌خاص‌این روزرا پخش میکنند وازهمه مردم شهربا شیرینی وچای ومیوه پذیرائی‌میگردد.

انجمن تبلیغات اسلامی

کـه شعبه‌ای از انجمن تبلیغات اسلامی ایران است و **جامعه تعلیمات اسلامی** که دارای‌چند مؤسسه تعلیمی‌ومدرسه است ونیز**انجمن بحث وانتقاد دینی** که محل آن در ابتدای شاهرضای‌نوقرار دارد. ازانجمنهای‌فعال‌شهرمشهدمحسوب‌میشوند.

انجمن های ادبی

درمشهد اززمانهای پیش انجمنهای ادبی متعددی تشکیل میشده است. درزمان استانداری **قوام‌السلطنه** درخراسان با حضوراو که بادبیات علاقه مند بود وخودنیزشعرمیسرودانجمنی تشکیل‌میشدکه درآن‌مرحوم **ادیب نیشابوری** شرکت میکرد مرحوم ادیب نیشابوری مردی دانشمند وپاکدامن بودوتاآخر عمردریکی ازحجره های‌مدرسه قدیمه فقط باکتاب‌زندگی کرد وتنها مرد.

دردوران بعدازمشروطه، زمانی‌که **ایرج میرزا**پیشکار دارائی مشهدبود و**ملك‌الشعرا بهار**روزنامه نگار،ازبهترین ایام رواج ادبیات درمشهدبود.

اکنون مشهورترین انجمن ادبی‌خراسان صبحهای جمعه درمنزل‌آقای **محمود فرخ** که ازاستادان سبك خراسانی است تشکیل میشود ودرآن جمعی‌ازشعرا وادبا شرکت می‌جویند.

انجمن دیگری نیزهرهفته درمنزل آقای **عبدالعلی نگارنده** که ازشعرای مورد احترام خراسان است تشکیل میشودکه غالبا جوانان ونوپردازان درآن شرکت دارند.

مطبوعات

روزنامه‌ها

مشهددارای سه‌روزنامه یومیه‌است: آفتاب‌شرق‌ـخراسان

ونور ایران .

آفتاب‌شرق وخراسان‌هریك ضمیمه‌ای‌داردیکی بنام‌آفتاب شرق بانوان که‌ارگان‌کانون بانوان و دوشیزگان وابسته به آفتاب‌شرق است ودیگری خراسان بانوان که بطور هفتگی منتشرمی‌شود.

روزنامه های‌نوای خراسان- نبردما- رستاخیز عدل - ناطق‌خراسان- نورخراسان وایران‌نما بطورهفتگی ویاگاه‌گاه منتشرمی‌شود . تهیه‌کنندگان وخوانندگان روزنامه «هیرمند» که بطورمرتب هفته‌ای‌یکبار انتشارمی‌یابد غالبا ازمیان گروه تحصیلکرده‌اند قطب(تربت) ، صدای‌نیشابور (نیشابور)، بیهق (سبزوار) درشهرستانها منتشرمی‌میشود .

مجلات

فعلا چهارمجله درمشهد انتشار مییابد. مجله آستانقدس ارگان‌استان قدس‌حاوی مطالب‌مذهبی وتحقیقاتی درآثارهنری اسلامی‌است. مجله«نامه‌فرهنك» که‌ارگان اداره آموزش‌وپرورش خراسان استوغالبانویسندگان، دبیران‌فرهنك وشعرامقالات‌و آثاری ازخود درآن‌درج میکنند.

مجله هیرمند که ضمیمه روزنامه هفتگی‌هیرمند است‌بطور ماهانه نشرمییابد. نویسندگان آن‌غالباجوانان تحصیلکرده‌اند ومقالات آن رنك‌وبوئی تازه‌دارد.

بتازگی از طرف دانشکده ادبیات نیز مجله‌ای انتشار یافته‌است. درسبزوار نیزمجله‌ای‌بنام«پیك سبزوار»منتشرمیشود .

کتابخانه‌ها

غیراز کتابخانه آستانه که از بزرگترین کتابخانه های اسلامی محسوب میشود و در بخش مربوط به آستانه از آن یاد خواهیم کرد . کتابخانه فرهنگ که متعلق باداره کل آموزش و پرورش است درخیابان پهلوی جنب دبیرستان شاهرضا قراردارد و بتازگی ساختمانی برای آن ساخته اند.

«کتابخانه مسجد» متعلق به مسجد گوهرشاد و در کناردر ورودی مسجد گوهرشاد قراردارد و بیشتر شامل کتابهای مذهبی وفقهی است. کتابخانه دانشکده ادبیات نیز باعمر کمی که دارد از نظر ارزش معنوی درمشهد اهمیت دارد.

از کتابخانه های خصوصی بزرگترین کتابخانه متعلق بآقای محمود فرخ شاعر خراسانی است که بخصوص از نظر کیفیت دارای اهمیت است و کتابخانه آقای عبدالحمید مولوی و آقای عبدالله کشاورز. دبیرستانهای فردوسی و شاهرضا ـ دانشکده معقول و منقول و دانشکده پزشکی هریك کتابخانه‌ای خاص خود دارد .

عزاداری

بزرگترین مراسمی که در خراسان و بخصوص در مشهد برگزار میشود مراسم عزاداری محرم و صفر است. دراین دو

ماه قیافه‌شهر بکلی دگرگون‌میشود.

لباسها، چهره‌ها، رفت‌وآمدها، کوچه‌ها و خیابانها، بازار وصحنین، مسجد گوهرشاد، رواقها و حرم‌مطهر بکلی‌وضع تازه‌ای بخودمیگیرند.

ماه محرم و بخصوص دهۀ اول و روز یازدهم ماه و روز اربعین و چهل‌وهشتم و شب‌های احیاء در ماه رمضان تقریباً همۀ مردم شهر در مراسم عزاداری شرکت میکنندو دسته‌های متعدد عزاداری ازدهات‌وشهرهای اطراف خراسان وحتی‌از دیگر نقاط ایران وارد شهر میشوند وچون غالب‌زواراین ایام را برای زیارت امام انتخاب میکنند جمعیت شهر ناگهان‌بطرز غیرعادی رو بافزایش میرود.

۱- دسته‌های سینه‌زنی

در هر محله‌ای یك یا چند دسته سینه‌زنی وجود دارد که در این‌ایام‌پیراهن‌های یکنواخت سینه‌باز سیاه‌رنك‌میپوشند وبطورمنظم و باآهنگهای خاصی سینه میزنند واشعاری‌راتکرار میکنند.

هر دسته‌غالباً بدوگروه تقسیم‌میشوند وپشت‌سرهم‌حرکت میکنند و بطور متناوب میخوانند و سینه میزنند. عده‌ای هم پیشاپیش دسته حرکت میکنند. جریده بزرگی که غالباً باچرخ های متعدد و پارچه‌های سبز و مشکی و سنگها و اشیاء قیمتی تزئین‌شده استدر جلو هردسته‌حمل‌میشوند.

پرچمها و علمهاوعماری‌های متعددی نیز این جریده را همراهی میکنند. در مشهد بیش ازکلیه شهرهای مذهبی در کشورهای اسلامی دسته سینه‌زنی وجود داردکه «هیئت متحده متوسلین» به‌یکی از ائمه یا شهدای کربلا معروفند، شماره‌این

دسته‌ها به بیش‌از صد میرسد که از نظر تعداد عضو وتجهیزات باهم اختلاف بسیار دارند. این دسته‌ها یا متعلق به محله‌های مختلف شهر نه یا دسته هایی که موقتا از شهرستانها آمده‌اند و یا اقلیتهای محلی که در مشهد ساکنند مثل دستهٔ ترکها ، دستهٔ کرمانیها و...

۲ـ دسته‌های زنجیرزنی

این دسته‌ها از نظر تعداد محدودند. پیراهن‌های سیاه رنك میپوشند ولی برعکس سینه زنها پشت پیراهن باز است . اینان زنجیرهای خاصی بدست دارند که‌از یکدسته زنجیرریز تشکیل شده وباآهنك خاصی آنرا بترتیب بردوسوی‌پشت‌برهنهٔ خود مینوازند.

۳ـ نعش‌سازی

یکی از مراسمی که در عزاداری دارد متروك میشودنعش سازی است. درقدیم مراسم آن‌بسیار دقیق‌وپیچیده‌بودولی‌امروز بصورت مختصری انجام میشود. غالباً در برخی از منازلی که روضه خوانیهای مهم برگزار میشود در روز عاشورا چندنعش که سمبل شهدای کربلااست وارد مجلس میشود و این‌درهنگامی است که روضه‌خوانها خاطرات روز غم‌انگیز را در اذهان بیدار کرده‌اند و حالت روحی مناسبی را در مردم بوجود آورده‌اند.

۴ـ شبیه‌خوانی

مراسم شبیه‌خوانی یا تعزیه غالباً صحنه‌هایی ازقیام امام حسین و یارانش و انتقام مختار رااز جنایتکاران عاشووانشان میدهد. امروز این مراسم‌رو بفراموشی است ولی‌هنوز هم در برخی از منازل ویا حومهٔ شهر برگزار میشود .

آستان قدس رضوی

آستان قدس کانون معنوی شیعیان جهان وقبله گاه زائرانی است که از اکناف عالم اسلام هرماه و هر سال بدان روی میآورند از نظر توده شیعی آستان قدس مقامی دارد که برای کسانیکه از نزدیك با آنان آشنا نیستند غیرقابل تصور است.

سلاطین بزرك صفوی خودرا «کلب آستان رضا» میخواندند و ناصرالدین شاه، حضرت موسی کلیم خدا را کفشدار آستانه میدانست:

در کفشکن حریم پور موسی　　موسی کلیم با عصامی بینم

از نظر یك توریست کف حرم و رواقهای متصل بآن با مرمرهای شفاف یاقالی‌های نفیس فرش است اما چشم یك زائر مومن می بیند که جبرئیل امین است که بالهای خویش را درزیر گامهای زوار گسترده است. شاه عباس ایستاده بود وسر شمعهارا باقیچی میزد. شیخ بهائی که طبع شعری هم داشت بااشاره بهمین اعتقاد گفت:

پیوسته بود ملایك علیین　　پروانه شمع روضه خلد برین
مقراض باحتیاط زن ای خادم　　ترسم ببری شهپر جبریل امین

در نظر تودهٔ زائر امام رضا تنها پناهگاه شیعیان نیست بلکه درزیر سایه لطف وی حیوانات نیز آسوده‌اند او نه تنها «باب الحوائج» است بلکه «ضامن آهو» نیز هست. جاذبه او تنها دردلهای انسانها وحیوانات نیست ـ سنگها نیز مکرر بزیارت بارگاه او آمده‌اند و بر گنبد آن «از خشت طلا گل سفیدی سرزده» است.

آستان قدس گنجینه‌ای ازهنر وزیبائی نیز هست. که نسلها

پس از نسلها آمده‌اند وهریك بر آن تصویری ازخویش بیادگار گذاشته‌اند. چه بساکه هنرمندی عمری‌را بر سرمناره‌ای یا محرابی بپایان‌رسانده وکارش بپایان نرسیده‌است.

تاریخ

حمیدبن قحطبه‌طائی سردار معروف جنگهای بنی‌عباس علیه‌بنی‌امیه ازطرف‌منصورومهدی‌عباسی بامارت‌خراسان‌منصوب شد ودر این‌زمان میان شهرنوغان وروستای سناباد باغی بزرك برای خویش ساخت ودرآن کاخی مجلل بناکرد که‌تا آغاز قرن چهارم بر جای بود و بنقل تواریخ‌مساحت این باغ یك میل دریك میل‌بوده است .هارون که برای رام‌کردن‌شورشهای خراسان بطوس‌آمده بودبیمار شد وبرای استراحت وگذراندن دوران بیماریش همین باغ‌راکه هم‌شایسته مقام‌خلیفه بودوهم‌در نقطه خوش‌آب‌و هوائی قرارداشت برگزید ولی‌ازهمین‌بیماری برنخاست ودر۱۹۳ چشم فروبست ودر درون همین کاخ بخاك سپرده شد وبرروی گورش بقعه‌ای برافراشتند.

درسال ۲۰۲ یا۲۰۳ که‌امام بطرز مرموزی‌در بحرانی‌ترین شرایط سیاسی زمان مامون درمیگذرد برای تجلیل‌وتعظیم وی بدستور خلیفه درکنار قبرهارون جای‌میگیرد.

ازاین رو تاچندی پیش قبر امام دروسط چهار دیواری حرم نبودبلکه درکنارقرارداشت واین‌وضع طواف‌زواررامشکل میساخت زیرا گذرگاه بین ضریح‌وضلع حرم تنك شده بود و ازدحام زوار دراین‌گذرگاه تنك موجب ناراحتی آنان‌میشد.

آستانه درزیرضربات تاریخ

خراسان ازآغاز تاریخ اسلام تااوج‌قدرت صفویه‌همواره در تلاطم و اضطراب بسربرده یا عرب وغز و مغول و تیمورو ازبك... بدان میریختند ویامردم خراسان خود همواره برای مبارزه باحکومتهای بیگانه قیام‌میکردند و بجنك برمیخاستند. پس ازصفویه نیز لشکرکشیهای نادر و درهوران اخیر حملات روسهای تزاری وآشوبهای سیاسی متعدد آرامش خراسان را کرارا بآشفتگی کشانده است. در اینجا به‌بزرگترین حوادث تاریخ که برپیکر شهر و آستان قدس‌رضوی آثار محو نشدنی بجای گذاشته‌است‌اشاره میکنیم.

۱- **سبکتکین**-سرسلسله غزنویان آستانه‌راویران کرد و این شاید نسبت بتعصب شدید مذهبی وی بود ولی سلطان محمود فرزند وی به‌سوری بن‌معتزبن مسعودکه از طرف وی حاکم نیشابور بوددستور میدهدکه بقعه ترمیم گردد و عمارت آستان‌قدس توسعه‌یابد واین بسال ۴۲۸ رخ داد.

۲- **غزها**- غزها بارها خراسان بخصوص مرو وبلخ‌و طوس‌و مشهد راتاراج کردند وبقتل وجنانت پرداختند.

در ۵۴۸ سلطان سنجر وزنش‌را گرفتارکردند و اورا شهربشهر بسته میگرداندند ودربرابر چشمانش مردم شهرهای وی‌را بخون میکشاندند.

انوری شاعر مشهور زمان دراین فتنه از خاقان سمرقند

خواهرزاده سنجر بااین قصیده معروف تقاضای کمك میکند:

بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر
نامهٔ اهل خراسان ببر خاقان بر
خبرت هست کزین زیرو برشوم غزان
نیست یك پی ز خراسان که نشد زیروزبر
شاد الا بدم مرك نبینی مردم
بکر جز در شکم مام نیابی دختر
مسجد جامع هر شهر ستورانشان را
پایگاهی شده نه سقفش پیدا ونه در...

دراین حوادث گنبد وبارگاه امام نیز محفوظ نمانده و در ۵۵۰ هجری بقعه وحرم ویران بوده است تاشرف‌الدین ابوطاهر ملقب بهوجیه‌الملك ازعمال سلجوقیان در ۵۵۶ آنرا تجدید بنا کرده است.

۳- **درحمله چنگیز** وپسرش تولی بسال ۶۱۷ برای سومین مرتبه تولی پس‌ازحمله بطوس ونیشابور وقتل‌عام آنجا بمشهد آمده وبقعه‌و عمارات آستانه را ویران ساخت و برای چهارمین‌بار بدست‌سلطان محمد خدابنده پادشاه شیعی مذهب مغولی (الجایتو) که‌از ۷۰۳ تا ۷۱۶ سلطنت میکرد آستانه تجدید عمارت شد .

۴- **دراوائل دوره صفویه** چون‌پادشاهان‌این‌سلسله‌هنوز برسراسر ایران‌تسلط کامل نیافته بودند چندین‌بار مشهد طعمه غارتگران و امیران‌وخانهای ایلات‌شد ازجمله‌هجوم‌محمدخان وعبیدالله‌خان ومحمدسلطان وبخصوص عبدالمومن‌خان ازبك‌در تاریخ منعکس است. این عبدالمومن خان‌هرچه یافت برد واز آن میان میل طلای گنبد وتخم‌طاووس از الماس است که قطب

شاه دکنی آنرا تقدیم کرده بود .. این حوادث تا سال ۹۹۶ یعنی زمان سلطنت شاه عباس بزرگ رخ داده است .

۵ـ **درزمان شاه سلیمان صفوی** (۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) زلزله شدیدی درمشهد پدید آمد که براثر آن گنبدشکافی بزرگ برداشت وخرابیهای دیگر نیز بعمارات آستانه ودیگر بناهای مذهبی و مدارس وارد میشد که همه مرمت گردیدواز این رواست که می بینیم در میان کتیبه‌های این عمارات نام شاه سلیمان بیش ازهمه سلاطین بچشم میخورد.

۶ـ **دردهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری** روسهای تزاری گنبد وابنیه آستانه‌را بتوپ بستند وچندین جای گنبدمورد اصابت توپها واقع شد.

سربازان روسی رواقهارا اشغال کردندو گروه کثیری را کشتندو این حادثه هنوز بصورت یك خاطره بسیارشوم در اذهان مردم بیدار است. وآقای هروی در کتاب «انقلاب طوس» بتفصیل ازآن یادکرده اند این حادثه معلول توطئه ای بودکه دو سیاست فعال خارجی آن روزگار در ایران طرح کرده بودند وبهانه آن خواباندن شورش یوسفخان هراتی ومحمد نیشابوری و طالب الحق یزدی بود . خرابیها در ۱۳۳۱ بدست شاهزاده نیرالدوله (سلطان حسین میرزا) والی خراسان ترمیم گردید .

۷ ـ **در ۱۳۱۴ شمسی** برای درهم شکستن مقاومت مردم در برابر اجرای دستور کشف حجاب مسجد گوهرشاد و رواقهای آستانه که مقاومت کنندگان درآن متحصن شده بودند مورد اصابت گلوله های سربازان دولتی قرار گرفت ومتعاقب آن ولی الله اسدی نایب التولیه وقت محاکمه وتیرباران گردید.

بست ها

بست و بست نشینی در تاریخ مذهبی و سیاسی ایران داستان بسیار شنیدنی و مهمی دارد. خشونت سیاسی و عدم امنیت حقوقی و جانی مردم احتیاج به پیدایش مکانهائی امن را که در آن بتوان ولو برای مدتی از چنگال حکام و زورمندان آسود، بوجود آورده است. در ایران غیر از اماکن بزرگ مذهبی. خانه برخی از روحانیون بسیار با نفوذ نیز برای رعایائی که تحت تعقیب حکام جسور بوده اند بست تلقی میشده است و گذشته از آن مردی که مورد تعقیب دیگری یا دیگران بوده است با پناهنده شدن باین بستها فرصتی بوجود میآورد که در آن احتمال عفو، سازش و رفع کینه و آرامش خشم بسیار میرفته است .

در آستان قدس نیز اکنون دو محوطه بزرگ در دو طرف صحن کهنه وجود دارد بنام بست پائین خیابان و بست بالا خیابان یا بست سفلی و بست علیا که اگر چه امروز دیگر معنی تاریخی خود را از دست داده اند ولی بصورت دو مقدمه ای هستند بر حرم که زوار از غوغای شهر و کشش های زندگی شلوغ و درهم امروز با گذر از آن برای کسب حالت صفا و آرامش روحی لازم که شرط اساسی زیارت است آماده میشوند.

بنای بست ها

این بستها قبلا بوسیله یکرشته زنجیر مشخص میشد که امروز اثری از آن نیست . ابتدا دیوار بست سفلی از آجرهای ساده بوده مرکب از سه دهنه هم اندازه بدون هیچگونه تزئینی. درزمان

احمد شاه‌قاجار که‌تجدید بناشدنوشته‌هائی درفضایل امام‌برآن نقش گردید . بست‌بالاخیابان ازآثار متاخر است که بتقلیدبست پائین برای‌ایجاد قرینه‌ای‌درزمان نیابت‌تولیت‌اسدی ساخته‌شد.

بنای جدید

در ۱۳٤۱ شمسی تصمیم گرفته‌شد که بست‌ها برچیده‌شود وتجدیدعمارت گردد. باین‌منظورطرحی تهیه‌شده‌وپس‌ازاصلاحاتی برطبق‌آن بستها بصورتی که‌امروز دیده‌میشود ساخته‌شد.

شکل کلی‌بنا همانست که بود: دیواری باسه دهنه. ولی تزئینات وکاشیکاریها وکتیبه ها همه جدید است. بنابطول ۳۰ متر،قطر۱۲۵سانتی متروارتفاع ۸٫۷۰ متراست‌که روی‌آن ردیف مقرنس بندی شده است. مقرنسهاروی سردربزرك از ۴٦ طاسه تشکیل‌شده ودروسط هرکدام یکی ازنامهای خدابخط‌ثلث کوفی نوشته شده‌است ودرزیر آن‌کتیبه‌ای است بطول ٤ مترو عرض ۸۵سانتیمتربخط ثلث.

دولچك زیرکتیبه تصویرسیمرغی است درحال نشستن بزمین وپرهای دم‌آن مانند اسلیمی دراطراف پراکنده وخلال آن بند خطائی‌باگلهای بزرك‌شاه عباسی‌آنرا زینت داده‌اند پایه‌های سردربعرض ۸۰ سانتیمتروطرح‌آن نیز بندخطائی‌است. این سردرازداخل بست طرح دیگری دارد. روی پایه‌های‌طرح ترنج بندی است. دولچك بزرك‌طرفین سردرکه بازمینه‌قهوه‌ای است ازبهترین طرحها است‌که بطرح اسلیم بندی مشهوراست. طرحهای خطائی‌وگلهای‌بدیع که‌ازلابلای‌آن گذشته طرح‌معروف زمان صفوی را بوجودآورده است.

زیرطاق‌این دوسردرنیز نقشه گره بنام بخاری‌درآن‌تنظیم شده‌که دارای ده شمسه است‌که درهرکدام سوره‌ای از قرآن

بشکل دایره‌ای گنجانیده شده. درفاصله میان دوسوره بزرك ودر دهنه کوچك نیز دوطاق نما است که دراصطلاح اسپر نامیده‌میشود درطرفین بست نیز قرینه همان اسپردوپنجره آهنین ساخته‌شده که بسیارزیبا است. درزیرطاق پنجره نوعی ترنج بندی اسلیمی طرح شده است. کتیبه‌ها بخط های‌محمدحسن رضوان کتیبه نویس هنرمندآستان قدس میباشد .

برای اطلاع بدنیست بدانید که فاصله میان دوبست ۳۴۰ ذرع است که درنقطه‌مقابل‌پنجره فولادی که محاذی ضریح‌است نصف میگردد.

مهمانخانه حضرتی

از بست بالا خیابان که وارد میشویم در دست راست مهمانخانه حضرت است که هرروز درآن برنج میپزند وغیراز مصرف‌مستمرخدام وکشیکهاعده‌ای زوار نیز میتوانندبا گرفتن‌بلیط ازآن رایگان استفاده کنند. زواربیشتر ازنظر تبرك بخوردن این‌غذا علاقه نشان میدهند مهمانخانه درزمان تولیت‌اسدی مرمت گردیده است.

صحن کهنه

صحن کهنه یکی‌اززیباترین وباشکوه‌ترین اماکن متعلق بآستان قدس‌رضوی‌است. این صحن در شمال حرم مطهر بین دوبست علیا و سفلی قرار دارد و آب نهر خیابان از وسط آن میگذرد.

صاحب«عالم آرای‌عباسی» ضمن‌وقایع سال ۲۶ سلطنت شاه‌عباس مینویسد: «چون‌صحن سابق وایوان میرعلیشیر درنظر همت والاتنك‌و حقیر نمود طبع‌سلیم‌آن حضرت(شاه‌عباس) اقتضا

کرد که‌عمارات سابق‌جانب ترقی را که انهدام پذیرفته بود برداشته اضافه‌صحن نمایندبنوعی که‌ایوان دروسط‌حقیقی واقع شود وایوان دیگراز طرف شرقی‌وغربی عمارت کنندو خیابانی از دروازه غربی‌شهر تاشرقی طرح فرموده‌اند که‌ازهردوطرف بصحن مبارک‌رسیده ازمیان ایوان‌ها بگذردو چون‌ساکنان‌مشهد وزوار از قلت آب‌درعذاب بودند آب از آنـها وچشمه گنسب (گیلاس) وقنوات بشهر آورده نهری درمیان خیابان وحوضی بزرك دروسط صحن احداث‌فرمودند که‌آب از حوض گذشته بخیابان شرقی پائین‌پای مبارك جاری گردد.

بنابراین متن‌بالا خیابان (خیابان نادری)وپائین‌خیابان (خیابان صفوی) ونهر خیابان‌نیز ازآثار شاه‌عباس صفوی است که ابتدا امیر علیشیر باین‌کار همت گماشت ونقشه‌اوراشاه‌عباس تکمیل کرد ونیز معلوم میگردد که صحن کهنه قبل‌از شاه‌عباس یعنی درزمان امیرعلیشیرنوائی وزیر دانشمند وادب‌پرورو بلند-همت سلطان بایقرا آخرین‌پادشاه تیموری(درحدودسال ۷۶۲) ساخته شده‌و درزمان شاه‌عباس تعریض‌و ترمیم گردیده‌است.

روی‌نهر خیابان که ازوسط دوبست وصحن کهنه میگذرد ازسال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ بتدریج پوشیده‌شد وقبل‌از آن که‌روی نهر بازبود برای شستشووگرفتن وضو مورد استفـاده اشخاص قرار میگرفت وچون این‌آب که ازبحبوحه شهرمیگذردهمواره کثیف است ازنظر بهداشتی پوشش آن‌قدم مفیدی‌بوده که‌دراین اواخر برداشته شده‌است.

صحن‌کهنه قبل ازشاه‌عباس عبـارت بوده است از نیمـه جنوبی(متصل بحرم) صحن کنونی‌ولی‌دیواره‌شمالی‌واضلاع‌شرقی وغربی آن‌ساخته شاه‌عباس است.

طول صحن که‌شرقی غربی‌است ۱۰۴٫۵ متراست وعرض آن ٦٤ متر. کف‌صحن ازسنگهای معروف خلج(کوه‌معروفی‌در جنوب‌شهرمشهد) بشکلهای چهارگوش وشش‌گوش وهشت‌گوش مفروش شده است .شاه‌عباس دوم‌از ۱۰۵۹ صحن کهنه را بـا کاشیهای‌بسیارظریف وکتیبه‌های‌مختلف تزئین‌کرده است.صحن دارای ٦۰ اطاق‌فوقانی‌و تحتانی است.

راههای ورودو خروج

راههای عبورومرور صحن‌متعدد است. یکی‌ازایوان‌بزرك غربی ونیزصفهٔ جنب‌آن بازارچه مانندا‌ست که به‌بست‌علیامیرود دیگری از ایوان بزرك‌شرقی ودوصفهٔ طرفین‌آن که این‌دونیز بصورت بـازارچه‌ایست که‌به‌بست‌سفلی می‌پیوندد.درطرف جنوب غربی صحن‌نیز دری‌است که‌به‌بازار بزرك متصل میشود.درضلع شمالی‌نیز دوصفه است‌که ازراه بازارچه بفلکه شمالی میرسد. درضلع جنوبی‌نیز ازطریق کفشکن‌ها وایوان‌بزرك‌طلا بدرون رواقها وحرم‌مطهر میروند.

ایوان‌ها

صحن‌کهنه دارای چهار ایوان بزرك‌است که هریك از نظرعظمت هنر معماری‌وتزئینات بسیارنفیس وزیباودارای‌اهمیت فراوانی است.

۱-ایوان‌شمالی

این ایوان‌به «ایوان‌عباسی» مشهور است زیرا چنـانکه گذشت ساخته شاه‌عباس کبیراست .اهمیت فراوان این‌ایوان در این است که‌از آغاز ساختمانش بترمیم وتعمیرنیازی‌پیدانکرده وکاشیها و کتیبه‌ها همه‌همچنان که‌بوده تاکنون دست نخورده محفوظ مانده‌است. تنها مناره‌ای برآن افزوده شده است کـه

یادگار نادرشاه است وبسال ۱۱٤٦ ساخته شده و طلاکوب گردیده است . این مناره بر بالای محراب ایوان بارتفاع ۳۵ متر بالا رفته است . تزئینات این ایوان از روزگار شاه‌عباس ثانی است بسال ۱۰۵۹. درحاشیهٔ این‌رواق مقبره‌امیر علیشیر نوائی قراردارد که وزارت سلطان حسین‌بایقرارداشته و آثار بسیاری ازاو در آستانقدس بیادگار مانده‌است. سلطان حسین‌از ۸۷۸ تا ۹۱۲ بر خراسان‌حکومت‌داشته‌است.

رواق شاه‌عباس دوم ازکاشیهای نفیس‌پوشیده شده که‌دارای سبک‌عربی است.

ایوان‌عباسی که بطول۱٤/۸متر و عرض ۸/۲۰وارتفاع ۲۲/۵ متر است از ازاره‌ببالا تا سقف مقرنس باکاشیهای‌معرق بسیار ممتازپوشیده‌شده‌است.

ایوان دارای چهار غرفه فوقانی است باکاشیکاریهای معرق. دور صفحه بزرك بخط ثلث کتیبه‌ای است ازمحمد رضا امامی خطاط زمان شاه عباس ثانی که در ۱۰۵۹ نوشته است .

۲ـ ایوان جنوبی

ایوان جنوبی به «ایوان‌طلا» یا «ایوان نادری» معروف است. این ایوان چنانکه گفتیم از ساخته‌های‌علیشیر نوائی است و قدیمیترین ایوانی است که‌درصحن کهنه وجوددارد. طول‌این ایوان ۱۰متر وعرض‌آن۸ وارتفاعش۲٦/۲۵متر است.

ابتدا شاه‌طهماسب صفوی ایوان راتذهیب‌کرده ودر طول زمان ازمیان رفته‌بود و طلاکاری‌حاضر بدستور نادر شاه بسال ۱۱٤٦صورت گرفته است.

کتیبهٔ ایوان که بخط محمدرضای امامی درسال ۱۰۸۵

نوشته شده به‌بنای ایوان بدستور امیرعلیشیر اشاره‌داردوتاریخ ۱۰۸۵ حکایت ازآن داردکه در زمـان شاه عباس ثـانی نیـز که‌کاشیکاریهای صحن‌کهنه ازوست در ایـوان تـزئیناتی شده است .

سنگهای مرمر سفیدکه ایوان را فرش‌کرده ازکوههای مراغه و مرمر دیوارها ازغرب ایران‌حمـل شده است. بـالای دیوارهاباآجرهای مسی که‌پوششی ازطلادارد پوشیده‌شده. آیات قرآن بخط ثلث با حروف سفید برروی زمینه آبی‌نـوشته شده است. اشعاری نیز درمدح‌نادرشاه که‌ترمیم‌وتذهیب ایوان‌ازوست بر ایوان نمودار است.

ایوان دارای‌چهار درنقره‌ایست‌کتیبه سردرایوان یکی‌از زیباترین‌کتیبه‌هاست. دربیرون طاق که بمنزله‌دیوار صحن‌است کتیبه‌ایست‌ازکاشی‌بخط ثلث‌بسیار ممتازبرنك‌سفیدکه‌بر آن‌سوره «کهیعص» نوشته‌شده. در پیشانی‌کتیبهٔ دیگری‌است‌برنك زردکه بنای‌ایوان‌رادر زمان‌سلطان‌حسین‌میرزابایقراحکایت‌میکند.

منـاره ایوان طلاکه‌کنارگنبد بربالای محراب ایوان قرارگرفته است‌در زمان شاه‌طهماسب اول طلاپوش شده‌وپس از دستبرد عبدالمؤمن‌خان بآستانه در سال۱۱۴۲ نـادرشاه آنـرا مجدداً طلاپوشی‌کرده است.

۳ـ ایوان‌شرقی

به «ایوان‌نقاره‌خـانه» معروف‌است‌زیراساختمان‌نقاره‌خانه برروی آن‌قرارگرفته وازآنجااست‌که هرصبح‌وشام‌نقاره‌میزنند این ایوان از زیباترین‌ایوانهای آستانقدس‌است. طول‌آن۱۸/۲ وعرض‌آن ۷/۸ و ارتفاعش۲۶ متراست.

بموجب‌کتیبه‌ای‌که بنام عضدالملك‌تولیت‌آستانه‌برسر در

ایوان دیده میشود شاه‌عباس صفوی که بتعریض و ترمیم اساسی صحن کهنه اقدام کرده است این ایوان را نیز ساخته است. بر پیشانی سر در ایوان «بسم‌الله ...» با خط ثلث زیبائی بر نك زرد بر روی کاشی لاجوردی در ترنجی نوشته شده و کتیبهٔ عضدالملك مستوفی باشی زمان ناصرالدینشاه قاجار که از ساختمان ایوان و مرمت آن در ۱۲۷۶ یادمیکند بچشم میخورد.

در ۱۳۴۰ قمری مرتضی قلیخان طباطبائی نائینی این قسمت را مجدداً مرمت کرده است و در پایان کتیبهٔ عضدالملك تاریخ این ترمیم را افزوده است.

در سال ۱۳۳۷ شمسی سنگهای سیاه ایوان و سردر برچیده شد و بجای آن سنگهای مرمر نقشدار نصب گردید. کتیبه داخل ایوان که با خط ثلث بر نك زرد و زمینه لاجوردی حدیث «عن علی بن مهریار...» معرق‌سازی شده و در ۱۲۶۱ ترمیم یافته بود فرسوده و ریخته بود در ۱۳۳۷ تمام کتیبه را بهمان اسلوب و خط سابق کپیه (گروه) کردند و کاشیهای معرق دیگر را که ریخته شده بود مرمت نمودند. کتیبهٔ میرزا مرتضی قلیخان برداشته شد و در ۱۳۴۲ کاشیهای معرق ظریفی جای کاشیهای قدیم را گرفت و برای حفظ آثار گذشته عین مطلب کتیبه عضدالملك از معرق تهیه و نصب گردید وفقط نام نویسنده آن که میرزا محمد حسین حسینی بود حذف و نام «رضوان» کتیبه نویس کنونی آستانه ثبت شد.

سنك مرمر ـ از آثار بسیار نفیس این ایوان یکی سنك مرمر یکپارچه‌ایست بعرض دهنه درورودی بشکل هلال (سه گوش نیزه دار) که درسال ۱۰۴۴ قمری یعنی زمان شاه صفی بالای چهارچوب درنصب شده و برروی آن بخط نستعلیق زیبائی قطعه شعری که ماده تاریخ بنای درزا شامل است کنده کاری برجسته

شده است. درپائین سنك بخط ثلث بسیار خوشی دوحدیث را کنده کاری کرده‌اند. کاشیهای معرق بشکل مسدس ومخمس ومثلث تراشیده وروی هم سوارشده است.

۴ - ایوان غربی

ایوان غربی به «ایوان ساعت» معروف است زیرا ساعت بزرك آستانه برروی آن قرار گرفته است. این ایوان باتعریض وترمیم صحن کهنه بوسیله شاه عباس صفوی بوجود آمده است عرض دهنهٔ ایوان ۹ر۶ وارتفاعش ۱۰ر۲۴ متراست کتیبه دوره ایوان بخط ثلث ازخطاط معروف زمان صفوی علیرضای عباسی است. برروی کاشی معرق بسیارممتازدرزمینه لاجوردی که بسیاری ازقسمتهایش ریخته وبعدها باکاشیهای معمولی وصله کاری شده است.

طاق ایوان مقرنس بندی است وکاشیهای روی مقرنس از شاهکارهای صنعت کاشیکاری دوران صفویه بشمار میآید کاشیهای برجسته دوطرف ایوان نیزازآثاربسیارنفیس است ولی متاسفانه هرجا ریخته است رویش رانقاشی کرده‌اند !. درحاشیه داخلی سردرباخط سفید ثلث روی زمینه لاجوردی روایت «من جابربن عبدالله...» ازکاشیهای معرق صفوی است. در اثرضربات گلوله توپ روسهای تزاری در ۱۳۳۰ قمری کتیبه حاشیه داخلی سردر که باخط سفید برروی زمینه‌لاجوردی بقلم محمد حسین شهیدی به ثلث نوشته شده است صدمات فراوانی دیده است. جای این گلوله‌ها را ترمیم نکرده‌اند بلکه برای آنکه‌جالب ترباقی‌بماند درسال ۴۱ - ۱۳۴۰ قمری‌بخط مرحوم اعتضاد پوروباکاشیهای حاجی یوسف قدس ترمیم یافت وروی دونقطه‌ای که گلوله بآن اصابت کرده است دایره‌ای کوچك بخط زرد رسم کردندودرآن نوشتند: «جای گلوله».

دربالای درچوبی‌ایوان روی سنك مرمر کتیبه‌ای است که باخط برجسته کنده‌کاری شده ونوشته است که شاه عباس ثانی در ۱۰۷۷ امر بتجدید بنای آن کرده است. این درچوبی سیصدواند سال است که کاملا سالم مانده است. برخی معتقدند این سردراز بناهای امیرعلیشیر نوائی است درحدود سال ۸۷۰ .

جزئیبائیهای تزئینی این ایوان آنچه موجب اعجاب پرفسورپوپ نیزشده است هنرمعماری آن است، سردری با این ارتفاع درحالیکه دربستری ازسنگپاره که بیش ازسه قرن است اززیرآن میگذرد همچنان استواروپا برجاست، پایه‌های آن را ازچه گلی ساخته‌اند؟

مدرسه میرزا جعفر

درشمال شرقی صحن مدرسه بزرك وباشکوه میرزا جعفر واقع است که درشمارمدارس ازآن یادکرده‌ایم.

مقبره شیخ حرعاملی

درکنارمدرسه میرزا جعفرداخل غرفه‌ای مقبره شیخ حر عاملی قراردارد باضریحی کوچك وشمعهائی که همواره برروی آن میسوزد. شیخ حرعاملی ازدانشمندان بزرك شیعه است که در ۱۱۰٤ وفات یافته.

نقاره خانه

درسال ۸٦۰ بابرپسر بایسنقربن شاهرخ ازهرات بزیارت امام آمد ودرباغ حرم (صحنین کنونی) نقاره‌ای برپا کردتا نوبت زنند (برای تجلیل ازامام یا برای اعلام حضوری دراین شهر که بروایتی بیمارشده بود وبرای شفایافتن درآستانه معتکف شده بود؟) ازاین هنگام برسم دربارهای سلاطین نوبت زدن (نقاره زدن) درودربارولایتمدارسلطان خراسان» مرسوم گردید

وهنوزپیش ازطلوع وغروب آفتاب واعیاد مذهبی وشبهای ماه رمضان‌جزایام سوگواری نقاره میزنند .
بنای کنونی نقاره‌خانه که برروی ایوان شرقی‌صحن کهنه‌قرار دارد یکی‌از آثاربسیار زیبای آستانه است‌که درسالهای اخیر ساخته شده است.

سقاخانه‌طلا یاحوض اسمعیل طلائی

دروسط صحن‌کهنه سقاخانه ایست‌باکتیبه‌ای طلا پوش از یادگارهای نادرشاه افشار وبهمین‌علت آنرا «سقاخانه نادری» نیزمیگویند . سنگاب مرمرمسدس‌آن‌بدستور نادرشاه ازهرات آورده شده‌است . نادرحمل‌این سنگاب بزرك راازهرات بمشهد بمسابقه گذاشت وحداکثرمدت را ۱۲ روز تعیین کرد ولی داوطلب آن‌نه روزه این‌مسافت ۳۶۰ کیلومتری را باسنگابی بدین بزرگی‌طی‌کرد .درآغازآب بارانی راکه درحوض «بابا قدرت»درشش‌کیلومتری‌مشهدجمع‌میشده‌است‌بدین‌جامیآورده‌اند.

آجرهای طلائی که باآن کتیبه سقاخانه پوشیده شده است ساخته اسمعیل‌نامی است‌که سقاخانه‌امروز بحق بنام این هنرمند گمنام شهرت‌یافته نه‌بنام نادربانی مشهور آن.

ساعت

در ۱۳۱۹ قمری(۱۲۷۸شمسی) بدستور مظفرالدینشاه ساعتی‌که هرچهارطرفش دارای‌صفحه‌ساعت نمابود برروی‌ایوان غربی صحن‌که بهمین‌علت‌به «ایوان‌زیر ساعت» معروف است نصب شد. این ساعت‌بسیارسنگین بود وزنگی‌داشت که طنین‌آن درسراسر شهرمی‌پیچید. درسال۱۳۳۶ ساعت مدرن الکتریکی فعلی‌که در۱۳۲۷ ازانگلستان خریداری شده‌بود بجای‌آن‌نصب گردید ودرجایگاه زیباوظریفی که بابهترین کاشی‌های معرق

سبك‌صفوی پوشیده است قرار گرفت : ساعت قبلی را بر روی سردری که میان صحن نو وموزه قراردارد نصب کردند.

سرداب

قرنها پیش برای تقرب به‌امام مردم‌ثروتمند میکوشیدند تا باپرداخت وجهی «جاقبر» هر چه نزدیکتر بمرقد امام بدست آرند. ازاین‌رو صحن کهنه نیزیکی‌ازاماکنی بود که در آن اموات راازدیرزمان دفن‌میکرده‌اند درسالهای اخیر برای این که نظم‌وترتیبی باین‌وضع بدهند در زیر کف صحن سردابهای وسیعی برای دفن‌اجساد بوجود آوردند وامروز با ایجاد این سردابها ازاینکه صحن‌بصورت قبرستانی‌نمودار گرددجلوگیری شده است وهم‌مراسم‌تدفین‌باسرعت واختفای‌بیشتری‌انجام‌مییابد.

صحن نو

درمشرق حرم‌مطهر قرار گرفته و حوض آب وگلکاری زیبائی که دارد صفاوطراوتی بصحن‌بخشیده‌است. صحن‌نوازآثار **قاجاریه**است و باوجود چشم‌انداززیبا وخوش‌آیندی که‌داردبر خلاف صحن کهنه ازظرافتهای هنری عاری است .

ساختمان این‌صحن در زمان**فتحعلیشاه‌قاجار** ۱۲۲۳ قمری شروع شده است . **حاج میرزا موسی‌خان دشتی** متصدی ساختمان **وشاهزاده‌علینقی‌میرزا** سرکاردارساختمان آن بوده‌اند. طول‌صحن ۸۵متروعرض آن ٥٤ متراست وچنین مینماید که کوشیده‌اند قرینه‌ای برای صحن‌کهنه که ازمفاخر صفویه است بوجودبیاورند ولی، چنانکه پیداست، دراین‌کوشش توفیقی بدست‌نیامده است. صحن‌نو همچون صحن‌کهنه دارای چهار دیواراست .

ایوان غربی یا ایوان طلا که متصل بحرم است در زمان **حسام السلطنه** والی خراسان و **عضدالملك** تولیت آستانه بسال ۱۲۷۸ بدستور **ناصرالدین شاه قاجار** طلا کاری شده است. طول ایوان طلا ۱۵٫۳۰ و عرض آن ۷٫۲۵ و ارتفاعش ۲۰٫۱۰ متر است. این ایوان از در نقره‌ای و راهروی کوچك به دارالسعاده متصل میشود. کف ایوان از سنك مرمر فرش است و جلو آن نرده‌ای از سنك قرار دارد. ازاره ایوان با سنگهای رنگین بسیار نفیس پوشیده شده. ازازاره ببالا در زمان ناصرالدینشاه طلاپوش شده و بهمین علت، بقرینه ایوان عباسی و ایوان طلای نادری در صحن کهنه، به ایوان طلای ناصری شهرت یافته است. در دو ایوان ناصری دو کفشداری است معروف به **کفشداری قاینی ها** و **کفشداری هندیها**. در پایان کتیبه دوره ایوان که به خط ثلث و به رنك سفید است نوشته شده:

«قدتم فی سبعین ومائتین بعدالالف من الهجرة النبویة کتبه محمدحسین الشهیدالمشهدی فی ۱۲۷۰ عمل استادمحمدتقی»

ایوان جنوبی

سابقا در پشت این ایوان آشپزخانه خدام قرارداشت که امروز خراب شده وجزء موزه گردیده. طول ایوان ۱۸٫۳۰ عرض ایوان ۷٫۳۰ وارتفاعش ۲۰ متر است. ایوان دارای کتیبه‌ها وکاشیهای معمولی است.

ایوان شمالی

این ایوان صحن نورا به بست پائین خیابان می‌پیوندد عرض آن ۷٫۲۰ طول آن ۱۷٫۲۰ وارتفاعش ۲۰ متر است. برجبهه ایوان بخط ثلث وبرنك زرد نوشته‌شده که تزیین این عمارت عالیه درایام **ناصرالدین شاه** و تولیت **موتمن الملك**

باتمام رسیده است.

کتیبه‌ها بخط **رجبعلی خادم** درسال ۱۲۹۵ قمری نوشته شده است.

دروسط صحن قبلا سقاخانه‌ای هم بوده است (بازبتقلید صحن کهنه) این سقاخانه رادردورهٔ بیست ساله برداشته‌اند و بجای آن حوض کنونی را ساخته و اطـراف آنـرا گلکاری کرده‌اند.

دور تا دور صحن نو نیز اطاقهای دو طبقه‌ای است که طبقهٔ دوم آن بادارهٔ خزانه و موزه برخی از امور اداری آستانه تعلق دارد وحجره‌های تحتانی آن برای مقبرهٔ خانوادگی باشخاص واگذار شده‌است.

موزه

عمارت موزه

ساختمان و صحن وسیع موزهٔ آستـان قدس بین مسجد گوهرشاد و صحن نو قرار گرفته است. ساختمان این بنا در ۱۳۱۶ شمسی آغاز شده و در ۱۳۲۳ پایان یافته است. نمای موزه از سنگهای سماق تربت حیدریه و سنگهـای ابـری سفید نقشدار کوه خلج (در شـش کیلومتری جنوب مشهد) و کف قسمتی ازاطاقها بامرمر لیموئی تربت حیدریه‌و سنگهای سماق مفروش است.

صحن مـوزه بمساحت ۷۷۷٤ متر مـربع است دارای

گلکاریهای زیبا وحوض آب‌های مدرن وفواره‌های‌متعدد. سبك ساختمان موزه وآرایش صحن آن‌کاملا مدرن است‌وهیچگونه تشابهی باگذشته وتناسبی باسبك هنری دیگر عمارات آستانه ندارد .

از کارهای جدید موزه ساختن دیواره‌های‌شرقی‌وغربی موزه است که بـا بهترین کاشیهای معرق سبك صفوی پوشیده شده و میزان پیشرفت این هنر را درزمان ما نشان‌میدهد.

آثار نفیس موزه

موزهٔ آستانه از نظر آثار نفیس هنر اسلامی‌و بخصوص شاهکارهای‌زیبای‌دوران **سلجوقی‌ونادری‌وصفوی‌وقاجاری** درنوع خود کم‌نظیر است. اهمیت خاصی که موزه آستان‌قدس داراست ازاینجهت است که درآن میتوان سهم تشیع رادرعالم هنر، بخصوص هنراسلامی‌بدقت مطالعه کرد.

موزه دارای کتاب راهنمائی است که‌برای معرفی‌اشیاء نفیس موزه بکار میآیدو دراینجا فقطاز چنداثر بسیار گرانبها یاد میکنیم:

قرآن حضرت‌امیر

این جزوه بخط کوفی است. واقف آن‌شاه عبـاس‌صفوی ووقفنامه‌آن را شیخ‌بهائی بخط‌خود نوشته است. نسخه‌اینچنین امضاء شده:

«کتبه علی‌بن‌ابیطالب»دارای ۱۰۲ ورق است‌باندازه‌های ۲۷ × ۳۷ سانتی‌متری. خـطشنـاسان آنرااز‌آثار نیمهٔ‌قرن‌اول هجـری‌میدانند.

قرآن بایسنقری

بایسنقرمیرزا فرزند **شاهرخ** پسر **امیرتیمور** است

متوفی بسال ۸۳۷ این شاهزاده هنرمند ازاستادان مسلم خط ثلث بوده‌و خوشنویسان و تذهیب‌کاران و جلدسازان را بسیار تشویق میکرده است. کتیبه‌هائی که بخط او درمسجد گوهرشاد هست ازشاهکارهای هنرخط در تاریخ اسلام است.

میگویند درآغاز قرآنی باخط ریزنوشت ونیایش او را سرزنش کرد که« چرا قرآن را کوچك نمودی؟». برای جبران آن این قرآن راکه شاهکار هنرخط است نوشت که ازاوراق باقیمانده برمیآید که‌دارای چندین هزار ورق بوده است. **نادرشاه‌افشار** این‌قرآن بزرك‌راهمواره پیشاپیش اردوی‌خود درلشکرکشیها حمل میکرد.

پس‌ازقتل‌وی‌در نزدیکی‌قوچان‌یکی‌ازخانها آنرا بیغما میبرد واوراق قرآن‌رادرخرجین اسب‌خود میفشرد تاازانظار پنهان بماند وهمین موجب پارگی و چروکیدگی اوراق نفیس قرآن میشود. **شاهزادهٔ افسر** در سفرخود بقوچان بوجود این‌اوراق در امامزادهٔ قوچان پی‌میبرد و بسردارسپه **(رضاشاه فقید)** تلگرافی اطلاع میدهد ودستورحمل آنرا بآستانه‌میگیرد. آنچه درامامزاده بوده‌است عبارتست ازصدقطعه کوچك وبزرك که‌در ده‌ورق صحافی‌شده وچند ورق آنراقاب گرفته ودر غرفهٔ نفائس گذاشته‌اند. پنج ورق‌ازین قرآن ازدیرزمانی که معلوم نیست درخود آستانه موجودبوده‌است. طول‌هرصفحه ازقرآن‌بایسنقری ۱۸۰ سانتی‌متر وعرض آن۱۰۵ سانتی‌متر است، اندازه متن ۹۶ × ۱۵۹ وارتفاع خط۱۲ تا ۱۳ و دانك‌قلم٤ سانتیمتراست.

قرآن امام‌حسن

این‌قرآن بشکل‌بیاض است دارای۱۲۲ ورق از پوست. خط قرآن منسوب‌بامام **حسن(ع)** است، تاریخ‌تحریر آن۴۱ هجری، اندازهٔ آن۱۲ × ۱۶٫۵ ومتن‌آن۸ × ۱۳ سانتیمتراست،

واقف آن شاه‌عباس ووقفنامه بخط شیخ بهائی است.

قرآن بابری

این قرآن‌را **سلطان حسین صفوی** بآستان قدس وقف کرده است. درپشت آن نوشته‌اند «مصحف مجید، قطع کوچك، کاغذ کشمیری، مجدول ، مذهب، جلد تیماج، کنجو ترنج‌دار، بخط کوفی... دولتخانهٔ مبارکه که بتاریخ ۵ شهرجمادی‌الاولی سنه ۱۱۱٤ درکتابخانه ضبطی جمع شده».

خط این قرآن، برخلاف نوشتهٔ پشت آن کوفی نیست ویك خط اختراعی مجهول است. دروقفنامه **سلطان حسین** قرآن را بخط یکی از ائمه منسوب کرده است در صورتیکه قرآن بخط ظهیرالدین محمدبابر فرزند بایسنقرین شاهرخ بن امیرتیمور است . محمد بابر در ۸۸۸ متولد شده و در ۸۹۹ بسلطنت رسیده است . وی از دانشمندان و هنرمندان نیز بوده‌است از کارهای اویکی‌هم اختراع خطی‌است که‌رواج نیافته واین‌قرآن را باین‌خط نوشته‌است.

سنك مزار امام

سنك مزاری که‌اکنون درموزه است اولین سنك مزار امام رضا (ع) است که از مرمر ساخته‌شده است و اندازه آن ٦ × ۳۰ × ٤۰ سانتی مترو متعلق بسال ۵۱٦ قمری‌است . در حاشیهٔ داخلی سنك بر کتیبه ای نوشته شده « امر بعمارة مشهد الرضوی علی‌بن‌موسی علیه‌السلام العبدالمذنب الفقیرالی‌رحمته **ابوالقاسم احمدبن علی‌بن احمدالعلوی‌الحسینی** تقبل‌الله منه»

سنگاب سلجوقی

دروسط تالار اول‌در ورودی سنگاب بسیار جالبی‌است که

بنام **سلطان‌محمدخوارزمشاه** ووزیرش نظام‌الملک در۵۹۷ ساخته شده‌است. درنزدیکی درطلانیز نام‌سنجر بسال۶۰۲ دیده میشود که سلطان سنجر سلجوقی معروف‌نیست بلکه لقب همین سلطان‌محمد خوارزمشاه است که چون ترکستان را فتح کرد سنجر لقب گرفت.

غیراز اینها صدها اثر نفیس‌وزیبای قلمزنی، کنده‌کاری، طراحی، گلابتون دوزی طلائی، میناکاری، منبت‌کاری، قالیهای نفیس، سلاحها، ظروف، درهای منبت‌کاری، تذهیبات و دیگر رشته‌های هنری‌موزه آستان‌قدس رابصورت گنجینهٔ گرانبها و ارزنده‌ای درجهان هنروزیبائی درآورده است.

کتابخانه

دردرون صحن موزه متصل‌بساختمان موزه کتابخانه‌ای همزمان باموزه ساخته‌شده است. مخزن کتابخانه درطبقه‌فوقانی قسمت شرقی عمارت وقرائت خانه که گنجایش بیش‌از۶۰۴ نفررا دارد در طبقه زیرین مخزن قرار دارد. غرفه‌نفائس کتابخانه درطبقه بالا طرف‌مغرب روی مقبرهٔشیخ‌بهائی‌است.

معلوم‌نیست ازچه‌تاریخی آستانه‌دارای کتابخانه‌ای‌مستقل ومنظم بوده است‌ولی ازتاریخ‌وقفها چنین‌برمیآید که‌در نیمهٔقرن نهم آستانه کتابخانهٔ نسبتاً مهمی‌داشته‌است.

طبق‌آخرین آمار (شهریور۴۴) ۳۹۰۷۷ کتاب چاپی و ۹۳۷۱ کتاب خطی یعنی مجموعاً ۴۸۴۴۸ جلدکتاب درآن موجود است.

مقبره شیخ بهائی

بهاء الدین محمد عاملی معروف به **شیخ بهائی**

از اعقاب **حارث همدانی** صحابی معروف حضرت **امام حسین** (ع) است. وی در بعلبك بسال ۹۵۳ متولد شد و در هفت سالگی با پدرش بایران آمد و در سیاست و فرهنك ایران نقش بسیار مهمی داشت. **شیخ بهائی** وزیر **شاه عباس کبیر** است. این مرد نه تنها در سیاست بلکه در فلسفه، علم و ادبیات نیز دارای استعداد زیادی است. وی صاحب تألیفات علمی متعدد و مهمی است که از آن میان کشکول وی شهرت (نه اهمیت) بیشتری دارد.

مقبره او بین موزه و صحن نو قرار دارد. ساختمان مقبره پیش از شهریور بیست آغاز شده و در سال ۱۳۲۳ انجام یافته است. در ورودی مقبره بطول ۳/۶۶ و عرض ۱/۷۵ بسبك بسیار ممتازی منبت کاری شده است. سازندهٔ این در هنرمند توانائی بنام **استاد حیدر گلپایگانی** است. داخل آرامگاه بسیار مجلل است، دیوارها و سقف آن آئینه کاری شده و زیر سقف آن جدولی تشکیل یافته که از آثار نمایان فن آینه کاری است. ازاره و فرش آن از سنگهای مرمر تربت حیدریه است.

تالار تشریفات

در مغرب مقبرهٔ شیخ بهائی تالار مجلل تشریفات آستانقدس قرار دارد. سالن تحتانی تشریفات ۴/۵ × ۶ × ۱۷ متر است که ساده ولی باشکوه ساخته شده است. پلکانی که این سالن را به تالار فوقانی میپیوندد با سنگهای مرمر بسیار نفیس که ماهرانه حجاری شده ساخته شده و محجر بندی گردیده است. تالار فوقانی که ۴/۵ × ۹/۴ × ۲۳/۴۰ متر است دارای سقفی است ۱۸ مربعی که در میان مترنسهای ۹ طاسه و ۶ طاسه ساخته شده و در اطراف آن جدولهای بسیاری گچ بری شده است. درصدر تالار قابی است از سنك مرمر بطول ۴٫۵ و عرض ۴٫۲۰ متر که تمثالی از حضرت

امیر رادر بردارد واین تمثال با پرده‌ای زربفت مستور است و جز درمراسم اعیاد پرده برداشته نمیشود. قالیهای نفیس، گچ بریها، تزئینات گرانبها وچهل چراغ بزرك تالاررا بسیار باشکوه ومجلل نموده است.

مهمانسرا

درقسمت شرقی موزه مهمانسرای سه طبقه‌ای بطول ۴۰ متر و عرض ۱۲ متر برای پذیرائی مهمانان در دست ساختمان است.

مناره ها

در آستانقدس دو مناره طلا بچشم میخورد که ساختمان خاصی دارد. معمولا مناره‌هارا درطرفین گنبد ونزدیك بآن میسازند ولی این دو مناره بفاصله‌های مختلف ساخته شده است. یکی نزدیك گنبد بالای ایوان نادری درجنوب صحن کهنه و دیگری بفاصله نسبتاً زیادی درشمال صحن کهنه برفراز ایوان عباسی. گرچه از نزدیك این عدم تقارن احساس میشود ولی درساختمان آن عمداً این ناهمآهنگی اعمال شده است تا از خیابان تهران که همه زوار از این راه واردمشهد میشده‌اند دراولین برخورد با گنبد و مناره‌ها (گدسته‌ها) گنبدرادروسط ودومناره‌رادرطرفین آن بصورت قرینه یکدیگر به بینندزیرا آن «عدم تقارن از نزدیك» برای ایجاد این «تقارن از دور» بوجود آمده است و این فکر بسیار درستی بوده است زیرا اولا قرینه‌سازی بیشتر دردورنما زیباست بخصوص که منظره بزرك‌تر ازانسان باشد.

انسان از نزدیك محاط برساختمانهای بزرك است و وزیبائی تقارن را در نمی‌یابد و از دور محیط برآن است و آنرا بخوبی احساس میکند.

گذشته از آن حساس‌ترین حالات در زوار هنگامی پدید میآمده که‌پس‌ازماهها طی مسافت و برخورد باخطرات و حوادث بسرمنزل مقصود میرسیده‌اند واولین دیدار و نخستین برخورد بامعشوق که‌همیشه تپش بیشتری دارد باوردبخیابان تهران رخ میداده است وبرای همین لحظهٔ بسیار حساس بوده است که هوشیارانه این طرح‌را انتخاب کرده‌اند .

منارهٔ نزدیك گنبد از آثار **شاه‌طهماسب اول‌صفوی** است که آنرا طلاپوش کرده است بعداز وی که طلاهایاریخته بوده ویا ربوده شده‌بوده **نادرشاه‌افشار** به‌تعمیر آن‌پرداخت. ارتفاع این مناره ازکف صحن کهنه ۴۰٫۵۰ مترو پیرامون خارجی آن ۱۳متر است زیرمأذنه برگرد مناره کتیبه‌هائی بخط ثلث بنائی دیده‌میشود. کتیبه ثلث بخط «بهاءالدین محمد الخادم است‌درسنه ۱۱۴۲ ».

مناره‌دیگرکه بربالای ایوان عباسی قرارداد ساختهٔ‌نادر شاه است‌وهمو آنرا طلاپوش کرده‌است وازنظر ساختمان‌کاملا قرینه مناره‌اول است . کتیبه‌آن‌بوسیله «امیر سیداحمدالحسینی سرکشیك‌وکلب عتبه‌علیه‌روضه رضویه محمدجعفرالخادم فی‌شهر رمضان‌المبارك ۱۱۶۴» نوشته شده است.

درهای آستانه

درحرم ورواقها مجموعا سه‌جفت درازچوب‌شمسا وجود دارد که ازقیمتی‌ترین درهای آستانه است.دوجفت درطلاپوش‌و

۱۷ جفت نقره‌پوش باچوب ششماد .

این‌درها هریك یادگار کسی یازمانی است ونیز ازنظر هنری هرکدام خصوصیاتی دارد که بایدموردتوجه قرارگیرد.

درهای طلا

۱ـ درپیش روی‌امام‌بین دارالحفاظ‌و حرم باروکش طلا.

این در بدستور **ناصرالدینشاه** نصب شده است. نوزده بیت از قصیده سروش بطلا برآن نقش‌شده‌و در کاشیهای پیرامون آن شعر جالبی ازخواجه نصیرطوسی بچشم میخورد:

گوئی این خرم حرم خلدی‌بودپررنك‌وبو

لیك خلدی بر درش‌یکدسته ابلیس لعین!

برپیشانی درشعر **ابونواس** شاعر معروف‌عرب درمدح امام‌نوشته‌شده‌است. قبلا بجای‌آن دری از طلای مرصع بود که **فتحعلیشاه** تقدیم کرده‌بود ولی**محمد حسن خان‌سالار**در ۱۲٦٤ آنراکنده وباطلای آن و دیگر طلاهائی که ازآستانه ربوده بودبنام‌خوددر مشهدسکه‌زد.

۲ـ درپائین پای امام بین گنبد**حاتم‌خان** وحرم .

این در ازطلای خالص است وتاریخش ۱۲۸۴قمری.در ترنجهای آن احادیث‌شیعی‌نقش شده است.

درهای نقره

۳ـ درپشت سر، بین توحیدخانه وحرم، که‌مشبك‌است و طرفین آن با پنجره نقردساخته‌شده است. این‌دربتاریخ۱۲۹٤ درتولیت**میرزاسعیدخان‌متولی** وزیر خارجه ازنقره‌هائیکه درخزانه موجود بوده ساخته‌شده‌است.

٤ـ دربین دارالسیاده ودارالحفاظ که بدستور **سلطان مرادمیرزاحسام‌السلطنه**ساخته شده است.

۵- درنقره میان راهرو کشیکخانه ودارالحفاظ. این در بدستور همین **حسام‌السلطنه** ساخته شده است .

۶- در بین مسجد گوهرشاد و دارالسیاده که بدستور **امین‌الدوله** زن **ناصرالدینشاه** هنگام تشرف بآستانه همراه پادشاه در ۱۲۸۴ ساخته‌شده. درترنجهای آن آیات و احادیث نوشته شده است.

۷ - درمیان راهروسقاخانه ودارالسیاده که بدستور **امین اقدس** زن دیگر **ناصرالدینشاه** ساخته اند. درترنجهای آن بطلا اشعار واحادیثی نوشته شده‌است.

۸ - درمیان کفشداری صحن کهنه وایوان طلا که بر آن قصیدهٔ بسیار محکمی بسبك خراسانی نقش کرده‌اند باین مطلع:

این درعالی که سود جبهه خود را

در بـر آن نه رواق گنبد مینـا

ساختمان درازمان سلطنت **محمد شاه** وتولیت **حاجی میرزا موسی خان** است.

۹ - دری که ایوان طلارا براهروسقاخانه متصل میکند.

۱۰ - دری که ایوان طلای صحن کهنه را بقرائتخانه وصل میکند وبدستور **مظفرالدوله** ساخته شده است .

۱۱ - دری که ایوان طلارا بتوحیدخانه وصل میکند. این درراامیر **نظام گروسی** معروف تقدیم کرده وبخط خود برروی آن آیاتی را نوشته است تاریخ آن ۱۲۷۱ قمری است.

۱۲ - دری که توحید خانه را به گنبدالهوردیخان می‌پیوندد. زن **سهام‌الدوله** حاکم بجنورد آنرا درسال ۱۳۲۰ قمری تقدیم کرده است .

۱۳ - دری که راهروکشیکخانه را بمدرسهٔ علینقی متصل

میکند. این دررا **بصیر الملك شیرازی** درزمان تولیتش از نقرهٔ موجود درخزانهٔ آستانه ساخته است .

۱٤ ـ درمیان ایوان طلای صحن نووراهرودار السعاده که در تولیت **میرزا جعفرخان مشیر الدوله** ساخته شده است .

۱۵ ـ درورودی بدارالسعاده ازطریق راهرو این رواق که اززمان **ناصر الدین شاه** قاجار ودر ۱۲۷۰ بسعی **شریف الحسینی** سرکشیك پنجم آستانه ساخته شده است.

۱٦ ـ دری که صحن کهنه را به کفشداری بزرك متصل میکند. بانی آن **مشیر الدوله** است ودر تولیت **میرزا کاظم آقا** داماد ناصرالدینشاه بسال ۱۳۲۳ قمری ساخته شده .

۱۷ ـ درمیان صحن عتیق و کفشداری کوچك که بانی آن **آصف الدوله** است .

۱۸ ـ دربین صحن نوو کفشداری قائنی ها که بانی آن **حاجی سید محمد رئیس التجار یزدی** است ودر ۱۳۳۵ قمری ساخته شده .

درهائیکه از چوب شمشاد ساخته شده :

۱۹ ـ دری که راهرو سقاخانه را بدارالسیاده متصل میکند ودرپشت درنقره‌ای که **امین اقدس** زن **ناصر الدینشاه** تقدیم کرده قراردارد. این درازچوب شمشاد بسیارعالی است با منبت کاریهای ماهرانه وزیبا. برپیشانی چهارچوب این درنوشته شده است:

«امر بتجدید الباب من خالص ماله العبد المذنب الراجی ناصر الدوله والدین شمس الدین السحبانی تقبل الله منه فی تاریخ سنة خمس وثلثین وسبع مائه (۷۳۵) بعمل **استاد علی نجار**

نیشابوری»

چنانکه می‌بینیم این ازقدیمیترین درهای آستانه است که ازچوب ساخته شده وششصد وپنجاه سال همچنان برجاست.

۲۰ ـ دری که ایوان طلای صحن کهنه را به توحیدخانه متصل میکند. این در پشت در نقره‌ای **امیر نظام گروسی** قراردارد ومنبت کاری زیبای آن قابل ملاحظه است.

۲۱ ـ درمیان توحید خانه وحرم (غیرازدرنقره‌ای که در همینجاهست) ازچوب شمشاد نفیس بامتن مشبك، درپیرامونش اشعاردعبل خزاعی شاعر معروف شیعه نقش شده است.

این درهاهم ازنظرقدمت (که هرسه مقدم برتاریخ ساختمان ضریح فولادی است) وهم از نظرمنبت کاریهای ظریفی که باقلم انجام شده ازشاهکارهای هنری برجسته بشمارمیرود.

۲۲ ـ درجواهر نشان:

درجواهر نشانی که اکنون پیش‌روی امام مقارن بالاسر بدیوار نصب است یادگار **فتحعلیشاه قاجار** است که درسال ۱۲۳۳ قمری بشکرانهٔ تسلط برخراسان وغلبه بر **خان افغان** وزیر **محمود شاه** تقدیم داشته است.

طلای این در را **محمدحسن خان سالار** سابق الذکر در ۱۲٦٤ ذوب کرد وبا دیگر طلاهائی که از آستانه ربوده بود بنام خود در خراسان سکه زدولی **حسام الدوله** درسال ۱۲٦۸ این در را باطلای ضخیم پوشانید وبادانه های درشت فیروزه ویاقوت و زمرد و لعل تزئین کرد ودرتولیت **وزیر نظام** در سال ۱۲۷۰ قمری برروی بدنه ضریح مطهرجای گرفت.

رواق های آستان قدس

دارالسیاده

در ضلع غربی حرم واقع است بطول ۳۲٫۸۶ متر و عرضهای مختلف : در وسط ۱۹٫۳۰ و در قسمت‌های شمالی و جنوبی ۷٫۷۶ متر و ارتفاع تا زیر طاق سرسرا ۲۰٫۸۷ متر.

این رواق مجلل از یادگار های **گوهرشاد خاتون** زن بزرگوار **شاهرخ میرزا** است و بنابراین دارالسیاده همزاد مسجد بزرگ گوهرشاد است.

دیوارهای این بنا بدستور گوهرشاد خاتون با مرمر سفید در حدود دو پا از سطح زمین بالا آمده است . یکرشته آجرهای کاشی در آن بکار رفته و در قسمت نهائی دیوار کتیبه هائی بخط نستعلیق نوشته شده است. بالای این کتیبه‌ها یك ردیف گچکاری شده و بر روی آن آئینه کار گذاشته‌اند . در شمال شرقی آن پنجره‌ای از نقره قرار دارد که از آن جا مزار امام را میتوان دید.

دارالسیاده نمایشگاهی از هنرهای تزئینی معماری است که هریك در نهایت مهارت و زیبائی در آن خودنمائی میکند. از نظر اهمیتی که این هنرها در ابنیه اسلامی و بخصوص بناهای اسلامی ایرانی دارند و نیز از نظر آنکه بینندگان آستان قدس شناخت نسبتاً کلی از این هنرها داشته باشند بطور بسیار خلاصه‌ای هریك را معرفی میکنیم:

مقرنس کاری و رسمی بندی

مقرنس سازی از هنرهای ظریف و زیبای ایرانی است و ساختن آن بسیار فنی و دشوار است. قسمتی را که میخواهند مقرنس

کاری کنند ابتداء دقیقاً اندازه گیری میکنند وسپس برروی زمین مسطحی طرح آنرا رسم مینمایند وارتفاع آنرا بطورمساوی تقسیم میکنند، وباصطلاح چندتخته تشکیل میدهندوهر تخته روی همان قسمتهای متساوی بطورعمودی بالارفته ودرهرطبقه بهمان میزان که بالامیرود دایره‌ها کوچکتر میگردد و ازشماره طاسه ها و شمسه‌ها کم‌میشود تابیك شمسه بزرك‌منتهی‌میشود و شمسهٔ آخرین عرقچین نام‌دارد.

شمسه، چنانکه ازنام آن پیداست، بمنزلهٔ خورشیدی‌است وطاسه‌ها اشعهٔ آن که ازشمسه میدرخشد. وجود خورشیدواشعه آن شاید یادگاری از هنر واندیشه باستانی ایرانیان‌باشد که‌سابقهٔ آن بماقبل تاریخ نیزمیکشد ودرآثار اولیهٔ‌هنرایرانی‌خورشید جایگاهی معتبردارد.

سقف

سقف دارالسیاده بسه‌بخش تقسیم‌میشود که در میان هر بخش‌دائرهٔ بزرگی ترسیم شده‌است. دایرهٔ وسطانه کاسه‌ودودایرهٔ طرفین هرکدام هفت‌کاسه است که بااسلوب‌خاص وبسیاراصیلی رسمی وپیرامون آن‌مقرنس‌بندی شده‌است.

آئینه کاری

غالب این‌آئینه‌ها ساده است واشکال‌هندسی مختلفی درآن رسم گردیده که‌آنرا اصطلاحاً گره‌میخوانند. قسمت‌دیگرآئینه کاری رنگین‌است که درآن‌اسلیمی، خطائی، وترنج‌بندی وخط وکتیبه دیده‌میشود .

در ضلع شرقی‌دارالسیاده ازآنجا که بطرف دارالحفاظ میروند صفحه‌ایست که بربدنهٔ‌آن آئینه‌های نقاشی‌شده ورنگین بکاررفته ودربالای درورودی ترنجی‌است که بخط‌ثلث نوشته‌شده

ودرزیر آن کتیبه: «کلمهٔ لااله...» ودردوطرف دردوقاب بزرك در آن طرح اسلیمی تودار ولچك ترنج ساخته شده ودرقسمت شمالی وجنوبی صفه نیز دوقاب بزرك وجود دارد که متن آن دارای طرح اسلیمی تودار جالبی است.

روبروی این صفه (مغرب دارالسیاده) صفه دیگریست بسیار زیبا دارای کتیبه‌ها، خطها ونقشهای بسیار هنرمندانه، این آئینه‌کاریها درسالهای اخیر انجام یافته است .

منبت کاری وحجاری

کتیبهٔ بزرگی که برروی آن با خط بسیارزیبائی اشعاری نقش شده است ازقسمت چپ درورودی شمال رواق تاسمت راست، آن میآید وگرد رواق دور میزند. اشعار از **ملك الشعراء صبوری** پدر مرحوم استاد **ملك الشعراء بهار** است. در دو طرف شرقی وغربی دارالسیاده دردوصفه کتیبه‌های سنگی وجوددارد که ازنظر هنر حجاری درنهایت زیبائی است .

معرق کاری

دورادور این رواق ازکاشیهای معرق بسیارنفیسی پوشیده شده است. این کاشیها دارای نقشهای مسدس ومثلث است وطوری بکار رفته است که ازترکیب آنهاستاره‌های تو درتوئی بوجود آمده است.

قلم زنی

درهای نقرهٔ دارالسیاده نمودارهای روشنی اززبردستی هنرمندان ایرانی است. قلمکاریهای ظریف وزیبائی که برروی این درها دیده میشود بسیار شگفت آور است. نقشها وطرحهای آن دارای سبك اصیل ومشخصی است وخطوط ثلث ونستعلیق آن بسیار ماهرانه حك شده است.

منبت کاری و کنده کاری روی چوب

دری که در شمال دارالسیاده است و بنام **امینه اقدس** مشهور است نمونه عالی این هنر است که متاسفانه در اثر لمس دائمی آن بوسیله زواری که برای تبرك بر روی آن دست میکشند و آنرا میبوسند قسمتی از نقشهای ظریف آن سائیده شده و اخیراً مرمت گردیده است.

ترمیم دارالسیاده از شانزده سال پیش آغاز شده و در نوروز ۱۳۴۳ بپایان رسید.

مقبره های رجال معروف

عده ای از رجال مشهور در شاه نشین دارالسیاده مدفونند از قبیل . **حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار** بانی مدرسه سپهسالار و بهارستان تهران که در ۱۲۹۸ قمری حاکم خراسان شد و در همین ایام در مشهد وفات یافت، از علمای نامور **شیخ محمد خالصی و حاجی سید عباس شاهرودی** در اینجا مدفونند.

دارالحفاظ

زوار معمولا از دارالحفاظ وارد حرم میشوند، در اینجا دعا میخوانند و «اذن دخول» میگیرند و سپس برای انجام زیارت بحرم وارد میگردند. این رواق بزرك نیز از یادگار های **گوهرشاد خاتون** است. دارالحفاظ میان دارالسیاده و حرم پیش روی امام قرار دارد. طول آن ۱۸ و عرض آن ۸٫۶۵ و ارتفاع آن تا زیر سقف ۲۲٫۸ متر و تا پشت بام ۲۴٫۴۶ متر است. قطعات سنگی که بر روی آن آیاتی از قرآن نقش بسته و با گلها و نقشهای زیبا زینت شده ازاره رواق را از کف تا ارتفاع ۱٫۷۰ متر پوشانیده است. بالای ازاره با خطوط نستعلیق اشعاری از **قاآنی** شاعر

عهد ناصری نوشته شده است .

قبل از زمان **قاجاریه** دیوارهای رواق باهنرمندانه‌ترین آثار صنعت کاشیکاری و بخصوص کاشیهای چینی که از نظر نفاست در حد کمال این صنعت است پوشانیده شده بود ولی ذوق سطحی و هنر چشم گیر قاجاری این زیبائیها را ناروا پامال کرد و آنهمه کاشیهای نفیس زمان گوهرشاد که مظهری از ریزه کاریهای هنرمندانه‌ای در نقش و طرح و پخت و تراش بشمار میرفت جای خود را بآئینه کاریهای فعلی داد.

دارالحفاظ بوسیلهٔ دری که به در پیش رو معروف است بحرم متصل میشود. این در با صفحات طلا پوشیده شده و خطوط و نقوش زیبائی آنرا زینت داده است.

پیرامون این در، بر دیوار دارالحفاظ، کتیبه‌هائی است از کاشیهای چینی مانند که از بیماری آئینه کاری قاجاریه در امان مانده و یادگاری از کاشیکاریهای گذشته این رواق است که در نوع خود بی نهایت نفیس و زیباست و جزء شاهکارهای این صنعت محسوب میشود و چون بر کاشیهای صفوی که در ایران معمول است تقدم دارد از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت است.

آئینه کاریهای فعلی که جای کاشیهای نفیس سابق را گرفته کار **سلطان مراد میرزای حسام السلطنه** است بسال ۱۲۶۹ **قمری**. دارالحفاظ بادری از نقره که اخیرا نصب شده است بمسجد گوهرشاد متصل میشود.

مقبره‌های رجال معروف

معروفترین مردی که در این رواق مدفون است **عباس میرزا نایب السلطنه** ولیعهد **فتحعلیشاه** قهرمان روشنفکر و تجدد خواه قاجار است که در ۱۲۴۹ وفات یافت.

ازرجال دیگر یکی همین **حسام السلطنه** بانی آئینه کاری رواق است وهمچنین **میرزاجعفرخان مشیر الدوله، فریدون میرزافرمانفرماورکن الدوله**.

دارالسعاده

این رواق درپائین پای امام واقع است بطول ۱۲ متر وعرض ۱۰ متراز مشرق بایوان طلای صحن نو وازمغرب بگنبدحاتم خان متصل میشود وازشمال به گنبد اللهوردیخان راه دارد.

دارالسعاده دارای دو قسمت است. قسمت اول بحرم و گنبد حاتم خان متصل است، قسمت دوم همین قسمتی است که بانی آن اللهیارخان است که در سال ۱۲۵۱ بر خراسان حکومت داشته.

گنبد حاتم خان

حاتم خان اردوبادی تبریزی ملقب به **اعتمادالدوله** وزیر **شاه عباس کبیر** بوده است وی درسال ۱۰۱۰ برای خود دراینجا این آرامگاه را ساخت ودرسال ۱۰۱۹ که درقلعه دمدم فوت کرد در اینجا مدفون شد. طول آن ۱۳ وعرضش ۵ متر است.

دارالضیافه

درشمال شرقی دارالسیاده و مشرق مقبرهٔ **اللهوردیخان** واقع است. طولش ۱۸ وعرضش ۱۵ متراست. در سال ۱۳۲۰ قائم مقام سادات رضوی آنرا مرمت کرده است. پیش ازدوران بیست ساله این رواق چنانکه ازنامش پیداست سالن تشریفات و پذیرائیهای رسمی آستانه بوده است.

توحیدخانه

متصل برواق پشت سر امام است بطول ۱۶٫۵ وعرض ۷٫۵ مترو ازشمال باپنجره‌ای ازفولاد بصحن کهنه وصل میشود. بانی

آن مولا محسن فیض کاشانی فیلسوف و دانشمند بزرگ زمان شاه سلیمان صفوی است.

مسجد بالاسر

ازرواق بالا سرامام که بگذریم بفضائی میرسیم پوشیده از سنگ مرمریشم بطول ۷ وعرض ۵ متر که بتوحیدخانه متصل است. پنجره‌ای از نقره میان مسجد ودارالسیاده قرار دارد. بنظر میرسد که این همان مسجدی باشد که **ابن بطوطه** در رحلهٔ خوداز آن یاد میکند وآنرا در ۷۳۴ دیده‌است. ومیگوید « برمشهد مکرم قبهٔ بزرگی است که در جوار آن مدرسه‌ایست و مسجدی... » **بیهقی** تصریح میکند که این مسجدرا ابوالحسن دبیر ساخته ووی درزمان غزنویان بوده است.

مسجد پشت‌سر

میان مسجد زنانه وتوحید خانه واقع است بطول ۱۴ وعرض ٤ مترغالبا زنان دراینجا تجمع میکنند وبه دعا وروضه وگفتگومیپردازند.

مسجد زنانه

درجنوب دارالسعاده وجنوب شرقی حرم واقع است بطول ۸ وعرض ٦ متر.

گنبد اللهوردیخان

اللهوردیخان یکی‌ازامرای بزرگ **شاه عباس** بوده است. وی‌پدر **امامقلی‌خان**، **سپهسالار** مشهور شاه عباس است که باپرتقالی‌ها جنگهای مردانه کرده وآنهارا ازجنوب بیرون رانده است. گنبداللهوردیخان که برروی گوروی بالارفته‌است‌از داخل بشکل یك‌هشت ضلعی است وازنظرمعماری وکاشیکاری از شاهکارهای هنری محسوب میشود. ارتفاع آن ازکف تاسقف

۱۶٫۲۰ متر است. ازاره گنبد تا ۱٫۹۰ متر ازسنك مرمر وبالا ازکاشی معرق پوشیده است. درداخل گنبد هشت صفه درپائین و هشت صفه قرینهٔ آن دربالاقراردارد.

گنبداپك میرزا

گنبد اپك میرزا که برروی رواق تشریفات بناشده است درمشرق دارالحفاظ وجنوب غربی گنبد حاتم خان واقع است و براهرو کشیك خانه شهرت دارد.

رواق‌های جدید

در قسمت متصل بمسجد بالاسر محیط بسیار محدودی وجود داشت که با ازدحام زوار برای آنکه نمازرا در این مسجد برگزار کنند ایجاد ناراحتی میشد.

درسال ۱۳۴۳ بعضی راهروها ودولابچه‌ها ودیوارها و غرفه‌های میان ایوان طلا ومسجد بالاسر همه برداشته شد و رواقی وسیع ومجلل بوجودآمد که‌مساحتش ۱۱۰ مترمربع است ودرضلع شمالی مسجد بالاسر واقع‌شده. سقف آن بتون مسلح و بطرز خوانچه‌بندی ساخته‌شده‌و آینه‌کاری‌ها ومقرنس‌بندیها و تزیینات‌دیگرآن نمونهٔ پیشرفت این‌هنرها درزمان ماست.

درشمال دارالسیاده درسال ۱۳۴۳ رواقی احداث شد که بین کفشداریها وایوان‌طلای‌صحن کهنه‌واقع‌است. مساحت آن ۱۴۰ متر است.

درصحن تشریفات آستان‌قدس رواق‌جدیدی بوجودآمده است متصل به‌دارالسدورودارالعزه که اکنون‌مشغول‌تزئینات و کاشیکاریهای آنند. این‌رواق میان‌موزه وصحن‌نو واقع‌است.

رواقهای‌جدیدرا بتناسب‌اسم نایب‌التولیه‌های‌زمان، دارالسرور (دکترشادمان)، سپهبدعزیزی(دارالعزه) ورواق‌دیگری‌را بدون

هیچ‌وجه معقولی «دارالشکر» نام‌نهاده‌اند.

راهرو سقاخانه

ازشمال دارالسیاده وارد بنای کوچکی میشوید بطول ۳ متر که براهرو سقاخانه متصل میشود . این راهرو ۶٫۵۸ متر است.

پیش ازین سنگاب بزرگی دراینجا قرارداشت که‌مردم‌از آن آب مینوشیدند و اکنون آنرا بموزهٔ آستانقدس منتقل کرده‌اند و از برجسته‌ترین آثار تاریخی و هنری پیش از مغول است.

درچوبی که راهرو سقاخانه‌را بدارالسیاده‌متصل میسازد ازشمشاد منبت است ارتفاع آن۳متر و بقطعات کوچك منبت کاری شده و در یك صفحه بزرك چوب نصب شده و بسیار گرانبهاست .

ساختمان این صفه یاراهرو را **بسلطان محمد بن مسعود** ازامرای **سربداریه** منسوب کرده‌اند.

حرم

حرم‌وگنبد کنونی رابرای هارون ساخته اند ولی امروز به‌امام هشتم شیعیان اختصاص یافته است .

دراینجا هنرمندان زبردست آخرین قدرت خودرا درخلق آثارزیبای هنری خویش بکاربرده‌اند . ونیز مردمی رامی‌بینید باقیافه هاولباسها ، آرایشها ، زبانها و لهجه های گوناگون که پیوامون ضریح میگردند ویاکسان دیگری که بادلی سرشاراز ایمان‌آرام درگوشه‌ای ایستاده وبه مکاشفه فرورفته‌اند . اینجا دیگر حرم هارون نیست . حرم پیشوائی است که قربانی‌رژیم اوشد .

ساختمان حرم

پایهٔ دیوارهای کنونی همانست که **مامون** بر گور پدرش در ۱۹۳ قمری بنیان کرده است . این پایه ها که از گل سرخ ترکیب یافته درطول قرن‌ها گنبدی بدان سنگینی را بردوش خود دارد بی آنکه گذشت روزگار با زلزله‌ها و جنگها و غارتها در آنها اثری کرده باشد.

میگویند پسر وزیر **سلطان سنجر** بیماری سختی داشت. اورا برای استراحت بجلگهٔ طوس آوردند روزی در عقب شکاری به مزار امام نزدیک میشود ، آهو بدرون مزار پناه میبرد ، اسب شکارچی در آستانه حرم از رفتن بازمی‌ایستد و وزیرزاده هرچه میکوشد اسب پای ازپا برنمیدارد. احساس میکند که داستان مرموزی درکار است واسب را جاذبهٔ نیروئی دیگر چنین میخکوب کرده است. هیجان سراپای اورا فرامیگیرد وپس از آرامش احساس میکند که شفا یافته است . داستانرا به پدرمیگوید وپدر بسلطان سنجر . پادشاه دستور تجدید بنا وتوسعه آستانه راصادر میکند وقدیمترین کتیبه‌ای که بردیوارهٔ حرم بچشم میخورد کتیبه‌ایست که یادگار همین داستان است وتاریخ ۵۱۵ که کهنه ترین تاریخی است که در آستانه بچشم میخورد در آن نقش شده است.

ابن بطوطه صاحب رحلهٔ معروف که در ۷۳٤ پس از خرابیها ومرمت‌های پیاپی آستانه رادیده است مینویسد: «پس از جام بسوی طوس راهی شدیم... بعد بشهر مشهد الرضا کوچ کردیم واین شهر بزرگ است ودارای میوه وآب فراوان وبرمرقد قبه‌ایست عظیم ودراطراف وجوانب آن مسجد ومدرسه است که دیوارها از روی ظرافت با کاشی ساخته شده وبرروی قبر صندوق است ازچوب که از صفحات نقره پوشانیده شده ودرمقابل مضجع حضرت

قبر هارون الرشید واقع شده. قنادیل نقرهٔ زیادی در درون گنبد آویزان شده وهروقت رافضی (شیعی) برای زیارت داخل میشود پاپا بقبر هارون میزند و **به حضرت رضا** سلام میدهد. »

انجمن هکلویت داستان سفر **روی دو کلاویو** را که بعنوان سفیر از طرف دربار **کاستیل** در ۱۴۰۵ میلادی نزد **امیر تیمور** آمده است انتشار داد. **وی** در آنجا بگنبدی اشاره میکند که از نقره پوشیده شده واضافه میکند که «بواسطهٔ وجود همین قبر است که شهر مملو از تعداد زیادی زائر است که هر سال بآنجا میروند».

سرگذشت حرم را در تاریخ مشهد و نیز در بخشی که بنام «آستانه درزیر ضربات تاریخ» تدوین کرده‌ایم میتوانید بیابید. در اینجا بشرح ساختمان وتزئینات وآثار هنری آن میپردازیم :

پس از تجدید بنای چهارم آستانه بدست **سلطان محمد الجاتیو** زلزله‌ای شدید بساختمانهای آستانه و مسجد صدمه فراوان زد وشاه **سلیمان صفوی** بدستیاری **شاه شجاع** بنای اصفهانی همه را مرمت کرد وشرح این داستان بر صفحات برنج مطلا درداخل دارالسیاده بالای در ورودی بدارالحفاظ ثبت شده است.

دیوار غربی حرم را که اخیرا برداشته‌اند تاریخ مرمتهای دزران‌های مختلف در آن بخوبی بچشم میخورد: دیوارهای آجری حرم ابتدا بندکشی شده بود بعد در زمان دیگری روی همان بندکشیها گچ اندود کرده وروی آن را بسبک معمول نقاشی و رنك آمیزی کرده‌اند . روی این ورقهٔ گچ را یکبار دیگر باز گچ اندود کرده‌اند که احتمال دارد از دوران **آل بویه** باشد . نقاشی روی گچ دوم ظریف‌تر وعالی تر است وبرای سومین بار دیوارهای حرم گچ کاری شده وبالاجورد وطلاوشنگرف وزنگار روی آن بطرز

زیبائی نقاشی شده است که احتمالا از کارهای دوران **صفویه** است.

نادرشاه در ۱۱۵۵ طلاکاری و نقاشی حرم را تجدید کرد و لوح آن در پیش روی امام نصب است. نقاشی طلا و لاجورد و شنگرف و زنگار که سبک رایج زمان صفوی است در زمان **قاجاریه** بدل به آینه می شود و در تولیت **عضد الملك** (**زمان ناصرالدین شاه**) روی این نقاشی ها و طلاکاریهای نفیس و زیبای حرم را گچ میگیرند و روی آنرا آئینه می بندند. شرح این ابتکار! بر لوحی از برنج در بالای در پائین پای امام نصب شده است. پس از این آئینه کاری است که در دیگر رواق ها نیز دست بآئینه کاری میزنند.

مختصات حرم

بنای کنونی حرم مربع و هر ضلع آن ۱۱ متر است. ارتفاع حرم تا زیر مقرنس ۱۸/۸۰ متر است و تا سر طوق گنبد ۳۴ متر. ازارهٔ حرم بارتفاع ۹۲ سانتیمتر از کاشیهای ممتاز پوشش یافته. ضخامت دیوارها ۲/۸۰ و از آجر قزاقی و ملاط و گچ ساخته شده.

بعلت اینکه این حرم بر اساس گور **هارون الرشید** ساخته شده و امام پس از وی در بالاسر وی دفن گردیده است. ضریح طبعاً در وسط حرم قرار ندارد. قبل از تغییر اساسی اخیر ضریح در فاصله ۸۵ سانتیمتری از دیوار غربی و بفاصله ۳٫۳۰ متر از ضلع شمالی و جنوبی و در پائین پا بفاصله ۵٫۲۰ متر از دیوار شرقی قرار داشت. بنابراین چنانکه پیداست با فاصله کمی که بین ضریح و دیوار غربی بوجود آمده بود طواف زوار را بخصوص در ایام و ساعاتی که زوار بیشتر بزیارت میآیند سخت مشکل میکرد و عبور از این تنگنا موجب ناراحتی آنان میشد.

در سال ۱۳۴۳ برای تعویض این قسمت طرحی بسیار ماهرانه تهیه گردید. اهمیت کار در این بود که میبایست دیوار غربی که ۲٫۹۰ متر ضخامت داشت و گنبد سنگین حرم را بر دوش میکشید برداشته شود بی آنکه بتعادل گنبد آسیبی برسد. اهمیت بیشتر اینکار در طرز اجرای نقشه بود که میبایست بی آنکه حرم تعطیل گردد و در مراسم زیارت و طواف و دعای روزانه مشکلی ایجاد گردد دیواری با این ضخامت از زیر گنبد بیرون کشیده میشد. با برداشتن این دیوار بیش از دو متر از فضائی که قطر این دیوار ۲٫۹۰ متری گرفته بود بفضای حرم ضمیمه شد و بدین ترتیب قریب ۳۰ متر مربع بر وسعت حرم اضافه گردید. اکنون عرض این تنگنای سابق که ۸۵ سانتیمتر بود به ۳٫۰۵ متر رسیده است.

علاوه بر این سه دهانه با بعاد ۴ متر و ۱٫۷۰ متر بین حرم و مسجد بالاسر بوجود آمده است.

آثار هنری حرم

چنانکه از تاریخ پیدا است اولین بار دیوارهای حرم را **سلطان سنجر سلجوقی** با کاشیهای نفیس و ممتازی که بکاشی سنجری معروف است پوشانیده است.

خوشبختانه از این کاشیهای سنجری هنوز آثاری برجاست و آن کتیبه ایست که تاریخ ۵۱۵ هجری قمری در آن دیده میشود.

بر روی کاشیهای دیواره حرم تاریخهای بعدی عبارتست از ۶۱۲ که سالی است که **سلطان محمد خوارزمشاه** خود را برای هجوم به بغداد آمادهٔ حرکت از ایران میکند ولی مغولها از پشت هجوم میآورند و آن طوفانهای خونین برمیخیزد.

دیوارهٔ حرم از ارتفاع دو متری ببالا (بعد از قسمت کاشیکاری)

بدستور **ناصرالدینشاه** وبدست **میرزاصادق قائم‌مقام نوری** آئینه کاری شده‌است.

ازکاشیهای دیواره‌های حرم پیداست که قبلا کتیبه‌ها و نوشته‌هائی برآن‌رسم بوده‌که بمروراز میان رفته‌است . بالای ازارهٔ کاشی دورحرم، برروی کاشی‌های چینی بسیار ممتازو نفیسی، کتیبه‌ای است‌برجسته که‌از در پیش‌روی امام (دیوار جنوبی) آغازمیشودوبطرف مشرق میرود وتا درپائین پای امام راه‌خودرا ادامه‌میدهد، پشت‌صفه **شاه‌طهماسب‌صفوی**(دیوار شمالی‌حرم) قسمتی‌ازآئیهٔ«انا ارسلناك.. »وتاریخ‌کتابت آن نیز نوشته شده است با این عبارت « اثنین من جمادی الاخرستین وسبعمائه‌هجریه» (۷۶۰ هجری قمری)

درکتیبه زیرآئینه‌کاری برروی سنگی ازمرمربعرض ۳۲ سانتی مترقصیدهٔ مفصلی بخط **میرزا حسینقلی خوشنویس** کنده شده است بتاریخ ۱۲۸۷ که قصیده اگرچه دراوج هنر شعری نیست اما کتیبه دراوج هنرحجاری وخطاطی است.

برجبههٔ درجنوبی داخل حرم برروی صفحه‌ای از طلا اشعار **ابونواس** شاعرمعروف عصر **هارون ومامون** که هنگام ورود امام به مرودرمدح امام سروده بخط ثلث برجسته‌نوشته شده‌است .

کاشیهای حرم برخی مربع است‌که برروی‌آنها خطوط رقاع وثلث بانقشهای‌اسلیمی‌برجسته دیده میشود. برخی‌مسدس ومثمن‌وبرخی‌دیگر کوکبی‌شکل‌است وخطوط‌آن غالبا برنگهای طلائی‌بسیارزیبائی‌نوشته شده است.

کتیبهٔ‌بسیارمهمی که درحرم بچشم میخورد زیرگنبدبرسر دیوارهای حرم است‌که حرم را دور میزند. این‌کتیبه‌که ۸۰

سانتی‌متر عرض دارد بخط ثلث است از بزرگترین خطاط دوران صفوی علیرضا عباسی.

حرم دارای چهار صفه است درچهار طرف که از آنجا آمد ورفت میکنند وبر بالای هریك ازصفه ها صفه کوچك دیگری (غرفه‌مانند) وجود دارد که حرم از آنجا روشنائی میگیرد.

کف حرم درسال ۱۳۲۷ باسنگهای صاف نزدیك به‌صیقلی که دارای نقشهای طبیعی سیاه و سفید وابری است فرش شده است .

نمای دومحراب درپیش‌روی امام (بردیوارجنوبی‌حرم) ساخته شده‌است که ازنظرهنری‌بسیار برجسته است. این‌محرابها ازکاشیهای چینی‌نفیسی ساخته شده وروی‌آن کاشیها آیاتی‌ازقرآن بخط کوفی وثلث وغیره نوشته‌اند. درپایان محراب نزدیك کف باکاشی‌برجسته نوشته‌اشده: «فی‌ربیع‌الاخرسنةاثنی عشروستمائة» = (۶۱۲ هجری قمری) درصفه غربی حرم درطرف بالاسر نمای محراب دیگری نیز باکاشیهای‌بسیار گرانبها دیده میشود که بخط کوفی‌وثلث‌برنك‌لاجوردی‌و زمینه سفید آیات‌واحادیثی متناسب با محراب ، برجسته برآن نوشته‌اند.

گنبد

گنبد بزرك ودرخشانی که برروی حرم امام‌قراردارد،

بزرگترین و نمایان‌ترین مظهر شهر مشهد بشمار میرود.

گنبد مطهر از نظر هنر معماری و بخصوص هنر تزئینی اسلامی نیز از آثار نمایان و برجسته ایران است.

نخستین بار چنانکه در تاریخ حرم و آستانه گفتیم **مامون** بر مزار پدرش حرم و گنبدی بنا کرده است و آخرین بار **سلطان محمد خدابنده (الجایتو)** آنرا پس از ویرانیهای پیشین تجدید ساختمان نمود.

تا زمان **شاه طهماسب صفوی** سطح خارجی گنبد با کاشیهای گرانقیمتی تزئین یافته بود ولی در سال ۹۳۲ **شاه طهماسب اول** این کاشیها را برچید و بجای آن خشتهای طلا کار گذاشت ولی پس از آن **عبدالمؤمن خان ازبك** که بخراسان هجوم آورد طلاها را ربود و آخرین بار **شاه عباس** بسال ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۶ آنرا ترمیم کرد و با طلا پوشاند.

مشخصات گنبد

ارتفاع گنبد از کف حرم تا بالای گنبد ۳۱٫۲۰ متر است. پیرامون خارجی گنبد ۴۲٫۱۰، از ابتدای طلاکاری تا تیزه گنبد ۱۶٫۴۰ متر، ارتفاع سرطوق گنبد ۳٫۵۰ و از اول طلاکاری تا زیر بازو بندی ۴٫۷۹ متر.

گنبد دارای دو لایه است: لایه زیرین که از درون حرم پیداست مقعر و مقرنس است.

پوشش دوم که بر روی اولی نشسته است همان است که در زمان صفویه ساخته و تذهیب گردیده است.

رویه گنبد با الواح مسی که صفحات نازك طلا روی آن را گرفته پوشیده شده است. مجموع شماره این الواح ۷۷۷ است.

کتیبه‌ها و نقشها

کتیبه بزرگی بصورت یك نوار گنبد را دورمیزند. این کتیبه که عرضش ۹۰ر۱ متر است بخط **علیرضای عباسی** بزرگترین خطاط زمان صفوی است که بسبك ثلث نوشته. ترجمهٔ کتیبه این است: «یکی از توفیقات بزرك خداوندسجان اینستکه سلطان اعظم، سرور ملوك عرب وعجم، صاحب نسبت پاك نبوی وحسب درخشان علوی، خاك پای خاندان این روضهٔ منورملکوتی، مروج آثار اجداد معصومش، سلطان بن سلطان ابوالمظفرشاه عباس حسینی موسوی صفوی بهادرخان را توفیق داد تاازدارالسلطنهٔ اصفهان پای پیاده بزیارت این حرم اشرف آید و به‌تزئین این بقعه از مال خالص خویش مفتخر گردید درسال ۱۰۱۰ وپایان یافت در سال ۱۰۱۶».

کتیبه‌دیگری، که‌درعهد**شاه سلیمان**وپس اززلزله‌معروف بسال ۱۰۸۶ ترمیم یافته است، برپیرامون خارجی گنبد، بالای چهارترنج، نوشته‌شده‌دراین کتیبه‌ازوقوع زلزله وشکاف گنبد و ریختن خشتهای طلای آن در۱۰۸٤ وترمیم وتذهیب مجددآن بدستورشاه سلیمان در ۱۰۸٦ یاد شده است. این کتیبه بخط **محمد رضاامامی** خطاط معروف این‌زمان‌است. درقسمت‌پائین گنبدچهارترنج بچشم میخورد که کتیبه‌ها دردرون آن جای‌دارد.

ضریح

برروی صندوق مرقد امام دوضریح روی هم قرارگرفته است. ضریح روئی‌ازفولاد جوهری است که بسیار باارزش واز

نقره گرانبهاتراست.

ضریح درونی که جواهر نشان است وازمفرغ ساخته شده و سنگهای زبرجد ویاقوت درآن بکاررفته است. این ضریح را **شاهرخ** نوادهٔ **نادرشاه** درسال ۱۱۶۰ هجری نصب کرده است وکتیبه آن که در طرف بالا زرکوب شده ازبانی وتاریخ ساختمان آن سخن میگوید.

سابقاً بر روی این دو ضریح ضریح سومی نیز وجود داشت که از نقره ساخته شده بود ودردوران بیست ساله آنرا برداشتند و نقره آنرا همراه طلاهای کتیبه‌های زرینی که برآن نقش بسته بود بتهران بردندو پشتوانهٔ اسکناس قرار دادند.

سقف ضریح از شیروانی چوبینی پوشیده شده وروی آنرا طلا گرفته‌اند. در میانه این شیروانی زبانه طوقی ازطلااست که جواهر نشان است.

ضریح جدید

درسال ۱۳۳۶ بااهتمام آقای **حافظیان** برای جمع آوری مواد وهزینه‌های لازم ونظارت **حاجی محمدتقی ذوفن اصفهانی استاد** شروع بساختمان ضریحی مجلل وگرانبهاشد که ازنظرهنری بسیارجالب توجه است. این ضریح که اکنون بر روی مرقد مطهر قراردارد پس ازدوسال ونیم کاردردیماه ۱۳۳۸ (نیمه شعبان ۱۳۷۹ قمری) نصب گردید.

مشخصات ضریح جدید

مصالحی که درساختمان این ضریح بکاربرده شده عبارتست از: نقره با عیارنود باستثنای سلمی‌های زیر گلدان لبه ضریح که بعلت لزوم استحکام آن عیار کمتری دارد بوزن ۳۳۸۴۸۸ مثقال. طلای عیار ۱۸ بوزن ۷۰۵۲/۱۰ مثقال . معادل یك تن

مفرغ. بیش ازدوتن چوب گردوی خشك بسیارقدیمی که ازبرش سه تن چوب بدست آمده استو بیش ازدوتن آهن. بنابراین وزن ضریح جدید درحدود هفت تن میشود.

ضریح جدید ازچهارده دهانه تشکیل شده است . ارتفاع ضریح ازکف ۳٫۶۰ متر، طول آن ۴٫۰۰ مترو عرضش ۳٫۰۶ متراست .

میان هردو زاویه ازپنجره های ضریح یك صفحهٔ بیضی ازطلا که مجموعا ۱۸ عدد میشودنصب شده است وبرروی هریك احادیثی بخط **شیخ احمد زنجانی** مرقوم شده است .

برروی هریك از دهانه های ضریح ازپیش روی امام یکی ازاسماء چهارده معصوم برصفحه‌ای ازطلا بخط ثلث بوسیله حاج شیخ احمد زنجانی نوشته شده وگرد هریك از صفحات فیروزه نشان شده است .

درچهار گوشه ضریح چهارخوشه انگورازطلا نصب است که وزن مجموع آن ۱۲۵۰ مثقال میباشد.

دورادورلبه ضریح صفحاتی ازطلای ناب بوزن چهارهزار مثقال، که برآن سوره یس بخط ثلث آقای **فضائلی اصفهانی** نوشته شده‌است، کار گرفته‌اند.

بربالای کتیبه سوره یس برلبه ضریح ۴۴ برك ازنقره ملمع بطلا بین ۴۴ گلدان ملمع بطلا بطرز بسیارزیبائی نصب شده و در نمای هر یك صفحه‌ای محدب و مدور ایجاد گردیده که برروی هرکدام یکی از «اسماء الحسنی» نوشته شده و زمینه صفحات مزبور میناکاری لاجوردی شده و گلهای رنگینی برآن نقش کرده‌اند وخطوط برجستهٔ آن راآب طلا داده‌اند . این اسماء بخط ثلث بقلم شیخ احمد زنجانی معصومی نوشته شده.

سقف ضریح از نقره است که با طلا آنرا پوشانیده‌اند و آنرا با گلهای درشت و برجسته‌ای در وسط تزئین کرده‌اند. چهار کتیبه بخط ثلث بقلم **محمد رضوان** کتیبه نویس کنونی آستانه برروی صفحات طلا در چهار سوی سقف بچشم میخورد.

سقف ضریح از داخل بارنك روغن سفید و آبی بصورت زیبائی تزئین شده ودورا دور آن بخط ثلث سفید بر زمینهٔ لاجوردی و همچنین بخط کوفی طلائی آیهٔ نور نوشته شده‌است. در کتیبه دیگری چهل و چهار اسم خداو دردرون آن پنجاه وشش اسم دیگر خدا که مجموعا ۱۰۰ اسم میشود نوشته شده‌است. هرگاه حروف اول چهل و چهار اسم را بردیف بنویسند این عبارت بدست میآید:

«سنه غ ش ع ط (۱۳۷۹) هجری بسعی سید ابوالحسن حافظیان فراهم و نصب شد»!

حروف اول پنجاه وشش اسم را اگر کنار هم بنویسیم و مکررات آنرا حذف کنیم این جملهٔ مناسب بدست میآید:

«صراط علی حق یمسکه» (راه علی حقی است که بدان تمسك میجویند).

صندوق مطهر

ابن بطوطه که دیدار خودرا ازمشهدوحرم امام در رحله معروفش آورده است درباره حرم میگوید: «مشهد امام رضا قبه بزرگی دارد. قبر امام درداخل زاویه‌ایست که مدرسه و مسجد در

کنار آن است و... روی قبر ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آنرا باصفحات نقره پوشانیده اند...»

بنابراین آنچه مسلم است برروی مرقد امام قبل از قرن هشتم صندوقی چوبی قرار داشته است. برخی گفته اند که نصب صندوق در سال ۵۰۰ هجری صورت گرفته است وحتی گفته اند از همان آغاز دفن حضرت صندوقی برروی مرقد مطهر نصب کرده اند و این بسیار طبیعی بنظر میرسد.

برخی گفته اند که **انوشیروان مجوسی اصفهانی** که ازصاحب منصبان **سلطان محمد خوارزمشاه** بود مامور میشود که نزد **سلطان سنجر** برود و با عبور ازمشهد درجوار امام از بیماریی که رنج میبرد شفامی یابد و مسلمان میشود و بسپاس این عنایت صندوق نقره ای برمرقد امام نصب میکند.

ابتدا **شاه طهماسب اول** صندوقی که با تنکه ضخیم طلا پوشیده شده بود بر روی مرقد نصب میکند و یا همان صندوق سابق را طلاپوش مینماید. بعد در زمان **شاه عباس** صندوق جدیدی طلا پوش میشود و با کتیبه ای بخط **علیرضای عباسی** و نقشهای گلبرك بسیار زیبا بر روی مرقد قرار میگیرد. در قسمت پائین پای امام بر روی این صندوق این عبارت نوشته شده است: «کلب آستان شاه ولایت عباس الحسینی الموسوی الصفوی تقدیم نمود سنه ۱۰۲۲»

نادر میرزا و نصرت الله میرزا نوه های **نادرشاه** تنکه های طلای صندوق را با قندیل بزرك زرین وقفل مرصع که نادرشاه بنذر فتح هندوترکستان درسال ۱۱۵۳ هجری قمری تقدیم کرده بود با دیگر تزئینات قیمتی تصرف کردند و بنام خود طلاها را سکه زدند. مردم که از تصرف این طلاهای غصب شده خودداری میکردند هرچه را از آن می یافتند پنهانی بمرحوم **میرزا مهدی مجتهد** میسپردند

واوهرچه‌راتوانست‌جمع کند مجددا برجای‌خودنصب کرد. البته این‌مجاهدت بقیمت جانش تمام شد زیرا بدست‌نصرت‌الله میرزا کشته شد.

درسال ۱۳۱۱ شمسی این‌صندوق برداشته‌شد و بموزه انتقال یافت‌وکتیبه‌های طلا که‌بخط علیرضاعباسی بود بدستورشاه‌فقید با تنکه‌های‌ساده‌طلا بوزن ۳۶ هزارمثقال، ونقره‌های آستانه که ۶۰ هزار مثقال وزن داشت بتهران منتقل و پشتوانه اسکناس شدودرمقابل‌آن املاک‌قشقائیها در منطقه درگز خریداری‌ووقف آستانه گردید. این کتیبه‌هامجددا پس‌ازشهریور بآستانه‌مسترد شد.

درهمان سال که صندوق شاه‌عباسی رابرداشتند صندوقی از مرمر که ازیازده‌قطعه سنك‌ترکیب یافته‌بودبجای‌آن نصب کردند سنگهای‌مرمر این‌صندوق سبز لیموئی است واز مرمرهای نفیس خراسان‌است(ازمعدن‌شاندیز) ابعادآن عبارت‌است از ۲٫۱۰ متر طول و ۱٫۶۰ عرض و ۹۵ سانتیمتر ارتفاع.

درکف‌صندوق پاکاره‌ای‌ازجنس همان‌سنك مرمر صندوق گذاشته‌اند. داخل‌ضریح ازبلور فرش شده‌و این فرش بلورین را **فتحعلیشاه** درسال ۱۲۳۸ قمری نصب کرده‌است.

مراسم وتشریفات دربار آستانه

مقامی که‌حضرت رضا بعنوان‌ولایتعهد مأمون داشته استو بخصوص‌رژیم‌سلطنتی که قرنها است‌درایران‌وجوددارد موجب‌شده است که‌بااصطلاحات ومراسم‌درباری وسلطنتی ازمقام‌امام تجلیل

کنند. امام‌رضا «السلطان‌علی‌بن موسی‌الرضا سلطان‌خراسان...» خوانده‌میشودوحرم‌وآستانه«دربار ،دربارولایتمداروبارگاه‌و...» این‌طرزتلقی بصورت یك‌سلسله مراسم‌و تشریفات اداری‌و رسمی خودنمائی‌میکندکه چون‌جالب ودرنوع‌خود بی‌نظیراست‌دراینجا بطورخلاصه نشان‌داده‌میشود:

کشیك

ماموران اداره حرم وبیوتات آستانه دارای پنج کشیك هستندوهرکشیك مدت‌بیست‌وچهار ساعت درآستانه انجام وظیفه میکندوپس‌ازگذشت‌این‌مدت جای‌خودرابه‌کشیك دیگر میدهد.

قبل‌ازدوران بیست ساله ماموران آستانه سه‌دسته‌بودند :

۱ـخدام

خدام‌کسانی هستندکه اداره‌داخل حرم‌بعهده آنان است.

۲ـفراشان

اینان‌مامور بیوتات ورواقهای‌متصل بحرم هستند.

۳ـدربانان

این‌گروه دردوصحن انجام‌وظیفه‌میکنند.

شماره‌این سه‌گروه پیش‌از دوران‌بیست‌ساله بیشماربوده و بخصوص‌خدام‌و روسای‌کشیك دارای نفوذ واعتباربسیاربودند.در دوران‌بیست ساله بدنبال تحولات اساسی که‌درکارآستانه پدید آمداین سه‌دسته‌که بطور افتخاری‌کار میکردند اخراج شدندو تصمیم‌گرفته شدکه بجای‌آنان عده‌ای محدودبا شرائطی معین‌و حقوق مشخص بطور رسمی استخدام شوندتاهم دارای مسئولیت باشندوهم راه‌سوء استفاده ازاین‌مقام بسته‌باشد . ازین رو بجای خدام، فراشان‌و دربانان‌دوگروه زیراستخدام‌گردیدند:

۱ـ پاسداران

که بجای خدام انجام وظیفه میکردند.

۲ـ پاسبانان

که جانشین فراشان شدند.

۳ـ سرایداران

مامور آشپزخانه ـ مستراحها ـ باغهای آستانه و بیمارستان شاهرضا شدند وهمگی لباسهای اونیفورم دارند .

ولی بعدها عده‌ای از خدام، فراشان ودربانان بخدمت سابق بازگشته وبطور افتخاری بانجام وظیفه مشغول شدندو درکنار ماموران استخدامی این ماموران افتخاری نیز خدمت میکنند .

اکنون خدام مامور بازکردن وبستن درهای حرم هستند، از ساعت ۱۰ تا ۱۱ شب مشغول بستن درها میشوند تاساعت دوصبح حرم بسته است ودرین مدت نظافت و گردگیری و گلابزنی وشستشو وغیره شروع میشود .درموقع زیارت اگر احتمالا جائی آلوده شوداین عده عمل «کرگیری» را انجام میدهند.

پاسداران در داخل حرم مامور انتظامات و حفظ زوار ازسرقتها وتصادفات وگم شدنها وغیره اند. دردوطرف هردری از حرم دوپاسدار ایستاده اند.

فراشان همان وظائفی راکه خدام درحرم دارند اینان در رواقها انجام میدهند پاسبانان حفظ انتظامات واداره صحنین ونظارت برقبور وتدفین جنازه‌ها رابرعهده دارند.

غیرازاین شش گروه : خادم ـ پاسدار ـ فراش ـ پاسبان ـ دربان ـ سرایدار که هریك دارای پنج کشیك هستند دسته‌های دیگری نیز در

آستانه‌ماموریت‌های خاصی‌را انجام میدهند:

حفاظ

دردارالحفاظ بردیف‌دردوضلع‌می‌نشینندورحل‌های‌بزرگی باشمعدانهای برنجی‌درجلوشان‌قرار داردوبتلاوت قرآن مشغول میشوند. دراین‌موقع‌خدام‌موظفند درصفه‌بنشینند وتلاوت‌قرآن‌را استماع کنند. بعداز ختم‌قرآن خطیب‌باشی حفاظ و صدرالحفاظ خطبه میخوانند.

یکی‌ازقراء قرآن‌درضمن‌تلاوت «دوازده‌امام‌خواجه‌نصیر-طوسی»رابا صدای‌بلندمیخوانند ودرختم همگی بآواز بلند او را همراهی میکنند.

کفشبانان

این عده مستخدم رسمی‌آستانه‌اند و درکفشداریها انجام وظیفه‌میکنند. در مسجد گوهرشاد دوکفشداری، درصحن نونیزدو تاودرصحن کهنه‌چهار کفشداری وجوددارد.

موذن‌ها

این‌عده مامور گفتن‌اذان‌درمناره‌های آستانه‌هستند.

نقاره‌چی‌ها

چنانکه گفتیم‌اززمان بابرشاه درآستانه نوبت میزنند وهر صبح‌وشام اعیاد وشبهای ماه رمضان(غیر ازایام سوگواری)نقاره میزنند.

آشپزخانه

آشپزخانه‌حضرتی هرروز تاصدو پنجاه نفررا اضافه بر کارمندان‌داخلی آستانه‌اطعام میکندوزوارغالبا برای‌تبرك دوست دارندیك‌باراز‌ین‌غذا بخورند.

اداره تشریفات

تشریفات آستانه وظیفه‌اش ادارهٔ پاسداران ، پاسبانان و سرایداران‌است و نیزهدایت زوارو پذیرائی ازمهمانان آستانه بر عهدهٔ این‌اداره است.

اداره‌تشریفات تحت‌ریاست‌رئیس تشریفات که‌ازطرف نایب التولیه‌تعیین‌میشوداداره‌میگردد.

مراسمی که‌درآستانه برگزارمیشود اگرمراسم جشن‌باشد برگزاری‌آن‌بعهدهٔ ادارهٔ تشریفات‌است‌واگر مراسم عزاداری و سوگواری‌است برعهدهٔ خدام قدیمی .

غباررو بی

یکی‌ازمراسم‌بسیاردقیق ومهم‌آستانه«غباررو بی» ضریح‌است که‌سالی‌یکبارانجام‌میشود. دراین مراسم‌ابتدا در صحن‌هاورواقها وحرم‌همه‌بسته‌میشود کلیه فراشها، دربانها وخدام و روسای شهرو صاحب‌منصبان‌وروحانیون باحضور نایب‌التولیه درمراسم شرکت میکنند. درین‌موقع‌درضریح‌را باز کرده‌چندتن‌از روحانیون‌مشهور وارد ضریح‌میشوند و کلیه‌نذرها را(پولهاواشیائی‌راکه‌زواربداخل ضریع‌افکنده وتقدیم‌امام کرده‌اند) درکیسه‌های‌مخصوصی‌جاداده‌در برابرحضارمهروموم میکنندوصاحبمنصبان کیسه‌ها رادرخزانه‌باز کرده‌صورت برمیدارندو پولهارا بحساب‌آستانه میریزند واشیاء نفیس‌وجواهرات‌را بخزانه‌تحویل میدهند .

«ساجد»

مرکزیت آستان قدس ، توجه فراوان مردم وتمرکز

زوار روزیارت روزانه آستان قدس وازطرفی وجود رواقها وصحنها و بیوتات متعدد ووسیع ومفروش آستانه ازاحتیاج بساختن مساجد معتبر در نقاط مختلف شهر کاسته است زیرا زوار غالبا در پیرامون آستان قدس منزل میکردند وساکنان شهر نیز چون غالبا هر روز ویا لااقل هر هفته بزیارت میرفته اند نمازهای یومیه ومراسم مذهبی جمعه رادر آستان قدس انجام میداده اند. بخصوص مسجد بزرگ وپرشکوه گوهرشاد که ازاوائل قرن نهم یعنی اززمانیکه مشهد بسرعت رو به توسعه میرفته در کنار آستان قدس وجود داشته است احتیاج بمسجد را تاحد بسیاری رفع میکرده است وازین جهت است که مساجد دیگر مشهد غالبا فاقد اعتبار هنری وقدمت تاریخی است .

مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد ۵۰ × ۵۵ متر است ودارای چهار ایوان و چند شبستان بزرگ میباشد:

ایوان مقصوره:

ایوان جنوبی مسجد را که بلند ترین ایوان مسجد است «مقصوره = کوتاه» مینامند واین یك صنعت ادبی است (تسمیه قلب = نامگذاری معکوس) این ایوان دارای دو گنبد بسیار زیباست بادو مناره . دردهنه بیرونی ایوان کتیبه ایست بخط **بایسنقر** فرزند **شاهرخ** بزرگترین ثلث نویس این دوران . ایوان بارتفاع ۲۵٫۵ متر است. دهنه آن ۱۲ متر وطولش ۳۴ متر وارتفاع مناره ها ۴۳ متر وارتفاع گنبد نیز ۴۳ متر است. خطوط دیگر از **محمدرضا امامی اصفهانی** است (بتاریخ ۱۰۸۷) خطاط معروف دوران صفوی .

تا چندین سال پیش در وسط صحن مسجد، مسجد دیگری بنام پیرزن (بتلفظ عموم ولی بیوه زن بنا بکتابت مطلع الشمس) بود بشکل مربع هر ضلع ۱۲ که در چهار طرف آن چهار حوض قرار داشت وآب نهر

خیابان از آن میگذشت . برای توجیه وجود مسجدی در درون مسجدی دیگر میگویند اینجا منزل پیره زنی بوده که حاضر نشده است آنرا بگوهرشاد بفروشد وپس ازمرگش آنرا وقف کرده است تا مستقلا بصورت مسجدی باشد واین داستان سرگذشت طاق کسری و کجی آن رادرخاطره ها زنده میسازد.

دردرون ایوان محرابی است با کتیبه ای از کاشی معرق که با خط کوفی زرد آیة الکرسی نوشته شده است . در پائین گلدسته ها قصیده ای است بخط نستعلیق برروی کاشی در ۱۸ بیت باین مطلع:

در آستان ملك پاسبان خسرو طوس
رضا ولی خدا شاه آسمان خرگاه

ودرآخر بیتی است که درنوع خود اعجازآمیز است چون ماده تاریخ ساختمان گلدسته راکه حاص گفتن اذان است با این تناسب وسادگی شگفت انگیز سروده است:

سرازدریچه موذن برون نمودوسرود
« اذان اشهدان لااله الاالله »

ایوان دارالسیاده:

ایوان شمالی مسجد است .دربالای سردر نقره انیس الدوله باکاشی معرق بخط زرد نوشته است «قدوقع تعمیرهذاالمسجدالجامع فی ایام دولة الخاقان الاعظم **شاه عباس الصفوی** الحسینی من عین مال المغفورالمبرور **خواجه سفر الجیلانی** بسعی الفاضل الصالح المتقی مولانا **حسین الخادم الجیلانی** طلبا لنیل ثواب الاخروی کتبه **محمد حسین الشریف**»

در طرف راست این کتیبه نوشته شده است «الامرة بعمارة هذاالمسجدصاحب الرشدوالرشادالمظمه **گوهرشاد**» .ودرطرف چپ آن: « قدوقع تعمیرهذاالمسجد الجامع فی ایام دولة الخاقان

شاه‌عباس من عین مال المغفور **خواجه سفر جیلانی**».

از کتیبه و پیشانی ایوان برمیآید که درزمان **شاه سلیمان صفوی** این «بیت ومقام» عمارت شده است (۱۰۸۷) این کتیبه نیز بخط **محمدرضا امامی اصفهانی** خطاط معروف این دوران است.

ایوان غربی

درهریك ازدو طرف روبقبله وپشت بقبله سه طاق وجوددارد که اسماءالله درآن نوشته شده است. سورهٔ «سبح اسم» باکاشی معرق کتابت یافته.

ایوان شرقی

تمام خطوط این ایوان ازکاشیهای معرق بسیار نفیس وزیباست. ایوان دارای چند غرفه است که برپیشانی هر یك آیات قرآن نوشته شده. کتیبه دورایوان چنین پایان میپذیرد:

«کتبه **ابراهیم** فی سنة هزارو دویست وسی وشش» ودر دو طرف ایوان کلمه «علی» بخط بنائی درشکل مربعی بچشم میخورد.

بر کلیهٔ پایه‌های مسجد تالب غرفه ازکاشی‌های معرق بسیار زیبا «الله الباقی» نوشته شده.

معمار این مسجد **قوام‌الدین بن زین الدین طیان شیرازی** است که مسجدروی خواف را نیز اوساخته ومعمارمعروف دربار گوهرشاد بوده است.

منبر صاحب الزمانی

منبر صاحب‌الزمانی یامنبر صاحب‌شاه که در داخل ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد قراردارد درسال ۱۲۴۲ زمان فتحعلیشاه قاجار بدست استاد محمدخراسانی ساخته شده ویکی ازشاهکارهای برجسته هنرمنبت کاری چوب است.

مسجد شاه

در آخر بازار سرشور مسجدی کهنه با مناره های سرشکسته بچشم میخورد . تاریخ بنای این مسجد ۸۵۵ است . این مسجد دارای گنبدی است که کاشیهای آن غالبا ریخته ولی کتیبهٔ زیبای آن هنوز بچشم میخورد . زیر کتیبه صفه ایست که از آنجا وارد این بنای مربع میشوند . دراطراف دهنهٔ این صفه نوشته هائی است شامل صلواتها و آیات قرآن . گلدسته هایش دارای ترنجهای متعددی است که اسماءالله در آن هنوز دیده میشود .

قبلهٔ این مسجد انحراف دارد و این امر موجب شده است که معتقد شوند که این مسجد راوها بیها ساخته اند ، عرض مسجد ۲۵ وطولش شش زرع است . فضای مسجد وسیع بوده ولی بتدریج از آن کاسته شده . بر روی کاشیهای ایوان این عبارت خوانده میشود :

«**الامیر ملکشاه** اعزالله معارج دولته»

درطرف راست بالای ایوان نوشته شده . « عمل **احمد** پسر **شمس الدین محمد** معمار تبریزی به تاریخ ۸۵۵»

اکنون قسمت بالای مناره خراب شده ومسجد درشمار آثار باستانی نگهداری میشود .

مسجد امام رضا

این مسجد در کنار قبرستان قتلگاه مشهد واقع است . بر سنگی که در دیوار غربی خارج مسجد نصب است خطی از **علیرضای عباسی** بزرگترین خطاط دوران **صفویه** بچشم میخورد .

بنای مسجد در زمان **شاه عباس** بوده است در سال ۱۰۱۱ ولی معروف است که **امام رضا (ع)** در آن جا نماز خوانده است و بر فرض که این روایت از نظر تاریخی درست نباشد بر قدمت بسیار آن گواهی میدهد .

مسجد آب انبار

این مسجد در پائین خیابان واقع است و بر روی یك آب انبار ساخته شده . کتیبهٔ مسجد که از کاشی معرق زرد رنك است بخط **علیرضا عباسی** خطاط معروف است . ساختمان درزمان **شاه عباس ثانی** است بسال ۱۰۵۲

مسجد نائب

در بالای خیابان نزدیك مدرسه نواب مسجدی است دارای یك صحن وسه شبستان که همزمان بامدرسه نواب ساخته شده است ولی درسالهای اخیر تجدید بناشده وآثاری از ساختمان قدیمی هنوز برجاست .

ازمساجد دیگر مشهد : **مسجد صدیقیها** دربازار بزرك مسجد محراب خان که ازمساجد دیدنی است ، مسجد مقبل درسراب که بانی آن **ابوتراب خان مقبل السلطنه** است .

مسجد بالاسر

این مسجد که بحرم مطهر متصل است قدیمیترین مسجد موجود درمشهد است .

بنقل ازاستاد **دکتر فیاض** استاد دانشگاه تهران بانی آن **ابوالحسن دبیر** معاصر سلطان **محمود غزنوی** است (رجوع کنید به بخش مربوط به آستان قدس) .

مدارس قدیمه

شهر مشهد ازآن رو که برمحور **قبر امام رضا** علیه السلام .

ساخته‌شده است اصولا یك‌شهر شیعه زاد است وبنا براین آثارمذهبی آن ازآنروکه‌تماما شیعی‌است نمیتواند دارای قدمت زیاد باشد زیرا علیرغم قدمت‌مذهب‌شیعه‌حکومت وآزادی قطعی‌شیعه‌درتاریخ ایران ازروزگـارصفویه ببعداست وازین رومدارس‌قدیمه مشهد نیز ازین زمان عقب ترنیست .

این مدارس ازنظراهمیت و اعتباری‌که داشته‌اند ودارند قابل مطالعه اند زیرا مشهدیکی ازبزرگترین حوزه‌های علمی اسلامی بوده و هست وعلمای بزرك و مراجع پرنفوذ عالم شیعی بسیار دراین شهر بتحصیل وتدریس وزعامت مذهبی‌پرداخته‌اند.

دراینجا به‌ترتیب زمانی مدارس قدیمه مشهد را معرفی میکنیم :

مدرسه‌بالاسر ۸۰۰ ✿

این مدرسه ازآنروکه دربالا سرامام واقع‌شده باین نام شهرت یافته است . بانی‌آن‌چندتن ازشاهزادگان **ازبك**اخلاف **امیرتیمور** بوده‌اند ودر ۱۰۹۱ زمان‌**شاه سلیمان**بامر**میرزا محمد** وزیرخراسانی ترمیم اساسی یافته است .

مدرسه‌پریزاد ۸۳۰ ✿

درهمان سال‌که‌گوهرشاد زن بلند همت شاهرخ میرزابه بنای مسجدگوهرشاده‌مشغول‌بود پریزاد خانم کنیزوی نیز دست اندرکار بنای این‌مدرسه، نزدیك‌همین‌مسجد، بودوموقوفاتی‌بآن اختصاص‌داد .

مدرسه در۱۰۹۱ بامر **نجفقلی‌خان** بیگلربگی‌قندهار مرمت‌گردیده‌این مدرسه حالت خاصی دارد . میگویند پریزاد خانم اینجا رابرای سکونت علما وفضلائی‌که بعنوای زیارت‌یـا تدریس ووعظ بمشهد میآمده‌اند ساخته است تادرایام اقامت در

✿ تاریخهای‌ذکر شده تقریبی است .

آنجاسکونت کنند ومساله مسکن وپذیرائی برای آنان یامهمان داران آنان موجب زحمتی نباشد . اکنون نیزطلاب بیش ازسه ماه حق ندارند درحجره‌های آن سکونت کنند .

مدرسه دودر ۸۴۳

ازآثار زمان **شاهرخ** است ، همزمان بامسجد گوهرشاد ساخته شده‌است .

بانی آن **غیاث‌الدین یوسف خواجه‌بهادر** یکی از امرای‌خراسان‌است ودر۱۰۸۸ بامرشاه سلیمان صفوی‌مرمت‌شده. مدرسه دارای دوگنبداست که‌یکی ازآن دوبردوی گوربانی آن قرار دارد . این مدرسه از قدیمی ترین مدرسه هایی‌است که‌امروز درمشهد وجوددارد . اکنون یکی‌ازمدارس‌فعال‌وزنده شهرمحسوب میشود ودربازاربزرگ‌واقع است.

خیرات‌خان ۱۰۵۸

درزمان‌شاه‌عباس‌دوم بوسیله‌**خیرات‌خان** (خیرات‌حسان) بناشده است . این‌مدرسه‌دربست‌پائین‌خیابان واقع‌است .

مدرسه میرزا جعفر ۱۰۵۹

دارای کاشیهای معرق وسبك‌معماری بسیار ممتاز وجالب است وبزرگترین مدرسه‌مشهد محسوب میشود . بانی‌آن‌**میرزا جعفر** نامی بوده‌است‌که میگویند درهندخدمتکار هندیان‌بوده است .پس‌ازمرك‌ارباب اموال اوراحراج‌میکنندو صندوق کهنه‌ای را بی‌آنکه از درون‌آن اطلاعی داشته باشند بحراج میگذارند میرزاجعفر که ازجواهرات ونفایس صندوق مطلع بوده است‌آنرا باندك بهائی میخرد وازآن سرمایه‌ای‌میسازد وبتجارت‌میپردازد وپس ازبیست سال قصدترك هندوستان میکند وازقسمتی‌ازاموال اواین مدرسه‌بزرگ‌ساخته‌میشودوموقوفات بسیاری‌برآن اختصاص

داده‌میشود . (رجوع کنید بداستان مدرسه پائین‌پا یا سعدالدین)
مدرسه میرزا جعفر در۱۲۸۵ بدستورظهیرالدوله وزیرخراسان مرمت گردیده است .

مدرسهٔ نواب ۱۰۷۶

بوسیلهٔ **نواب میرزا صالح** که نقیب سادات رضوی‌بوده است درزمان **شاه سلیمان‌صفوی** ساخته شده است . ازمدارس معتبر وفعال مشهداست‌ودرخیابان نادری(بالاخیابان) قراردارد.

پائین پا یامدرسهٔ سعدالدین ۱۰۷۸

داستان‌بنای این مدرسه‌نیز باداستان مدرسهٔ**میرزاجعفر** بسیار همانند است . **سعدالدین** ایرانی بینوائی بود که‌درهند گدائی میکرد . روزی پیر مردی هندی باو میگوید که چشم تورامی‌بندم و بخانه‌ام میبرم تا آنجا کارکنی و این مبلغ هم بتومزد خواهم داد . گدای ایرانی قرار رامی‌پذیرد .درخانه بدستورهندی چاهی حفرمیکند و روزها مسکوکات وجواهرات را در آن پنهان میسازد و درپایان هرروز چشم اورامی‌بندندو در شهر رهایش میکنند . روزی برای اینکه بفهمدخانه کجاست درضمن کار گربه‌ای را میکشد و پوست‌میکندوآن پوست‌را از جواهرات پرمیکندوبه بیرون‌خانه پرتاب میدهدواحساس‌میکند که پشت دیوار منجلابی است که پوست در آنجا افتاد. پس از پایان کار از وسط شهر بسراغ خانه میرود و بالاخره پس از جستجو ها منجلاب وپوست گربه وبالاخره خانه‌رامی‌یابد ولی صبرمیکند تا پیرمرد صاحبخانه میمیرد و ورثهٔ او بی اطلاع از گنجهای پنهانی خانه رامیفروشند و گدای زیرك ایرانی با محتویات آن پوست گربه خانه را میخرد و گنجها را بایران

حمل میکند و باقسمتی از آن مدرسهٔ پائین پارامیسازد!

افسانه هائی از قبیل افسانهٔ سعدالدین و میرزاجعفر از آن دسته افسانه‌هائی است که دروغ بودنش بیشتر ازراست بودنش ارزش دارد زیرااگر راست باشد حوادثی است شنیدنی‌ولی‌اگر دروغ باشد(که بیشتر هم‌دروغ مینماید)میرساند که گروهی که از راههای غیر مشروع باغصب وتجاوز و سرقت اموال هنگفتی بچنك میآورده‌اند با ساختن‌این‌آثار خیریه‌ونیز ساختن‌اینگونه افسانه های هندی میکوشیده‌اند تاجمع آوری این همه ثروت را درنظر مردم توجیه کنندو بدینوسیله تطهیرشوند تاشائبهٔ«از کجا آورده‌ای ؟! » اذهان را مشوب نسازد و نیز معتقد شوند که این مدرسه یا مسجد یا آب انبار یاموقوفهٔ دیگر ازمال‌پاك وطاهر ساخته شده است.چنانکه‌پادشاهان صفوی غالبا برای‌رفع این شائبه برروی بنای خیری که‌میساخته‌اندبصراحت‌مینوشته‌اند که از خالص مال شخصی مادرم یا خودم ساخته شده است...!

فاضلخان

مدرسه معروف و بزرگی بوده استو مدرسین بنام‌داشته و دانشمندان بسیاری در این مدرسه‌تحصیل کرده‌اند. بانی‌مدرسه **ملا عبدالله تونی است معاصر شاه عباس دوم.** دردوره بیست ساله برای احداث فلکه اطراف آستان قدس این مدرسه ویران شد. مدرسه فاضلخان در محل مهمانخانه طوس وقسمتی از فلکه که مجاور آنست و مسافرخانه ها و مغازه های مقابل مهمانخانه قرار داشته است .

بانی مدرسه برروی سنگی شرایط پذیرش طلبه رانوشته‌و صریحا با ذکر علت، ورود طلاب عرب، مازندرانی وهندی را ممنوع کرده است .

عباسقلی خان ۸-۱۰۷۷

بانی آن **عباسقلی خان** بیگلربگی مشهد در زمان سلطنت **شاه سلیمان صفوی** بوده است مدرسه در پائین خیابان واقع است و مسجدی نیز ضمیمه آن است که در کتیبه پیشانی آن تاریخ بنا و نام شاه سلیمان نوشته شده است .

باقریه ۱۰۸۳

در کتیبهٔ سنگی در مدرسه بخط رقاع نوشته شده است که مدرسه درزمان سلطنت **شاه سلیمان صفوی** ساخته شده بسال ۱۰۸۳ بانی آن **ملامحمد باقر سبزواری** شیخ الاسلام زمان شاه سلیمان از علمای معروف شیعه است وسرمایه آن را **مولامحمد بدیع** پرداخته است . مدرسهٔ باقریه در بالا خیابان واقع است.

مدرسه بهزادیه ۱۰۸۵

بدستور **ملک بهزاد خان** معاصر **شاه سلیمان صفوی** ساخته شده است . این مدرسه به مدرسه **حاج حسن** معروف است ودر بالا خیابان قرار دارد . تاریخش در کتیبه مدرسه که بخط رقاع نوشته شده سال ۱۰۹۰ است و این اختلاف تاریخ شاید از اعتبار کردن آغاز وانجام بنا ناشی شده باشد.

مدرسه سلیمان خان

این مدرسه تنها مدرسه ایست که اززمان قاجاریه درمشهد وجوددارد وتاریخ بنای آن ۱۱۱۵ هجری زمان **آقامحمدخان قاجار** وبانی آن **سلیمان خان اعتضاد الدوله** قاجار است . مدرسه سلیمان خان درکوچه حمام شاه واقع است .

ابدال خان (بقول صاحب مطلع الشمس عبدلی خان).

صاحب مطلع الشمس میگوید بانی این مدرسه دستورداده بود در اطاقها طاقچه نسازند زیرا طلاب از فرط تنبلی حالت

برخاستن و کتاب از طاقچه برداشتن و مطالعه کردن ندارند و باید مجبور باشند که کتابهایشان را روی زمین بچینند تا همیشه در دسترسشان باشد.

این مدرسه در کنار مقبرهٔ **پیر پالا ندوز** واقع است در پائین خیابان.

* * *

دیدنیهای مشهد

آرامگاه نادر

نادر (۱۱۶۰ـ ۱۱۰۰) که به ناپلئون شرق معروف است، هنگامیکه ایران با انقراض صفویه و تسلط محمود و اشرف افغان روزگار تباهی را می گذراند، نادر از خطه خراسان برخاست.

مدعیان محلی را خاموش کرد، اصفهان را از افاغنه رهائی داد، امپراطور عثمانی را شکست و در ۱۱۴۸ در دشت مغان مجلسی ترتیب داد و در آن جای به فتوای حاضران خود را پادشاه ایران خواند.

شورشیان خوارزم و قفقاز و ماوراء النهر را خاموش کرد، قندهار را گرفت و در ۱۱۵۱ محمدشاه سلطان هند را شکست داد و مجددا تاج سلطنت را به وی تفویض کرد. چون فرزند رشید خود نادرقلی میرزا را از روی سوءظن کور کرد، احوالش دگرگونه شد و در تندخوئی مبالغه کرد، وسرانجام در یازدهم جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ به دست پنج تن از سران قزلباش کشته شد. نادر در نظر داشت که برسر گور خود بنائی همانند تاج محل در هند

بسازد، و دستور داد که از مراغه سنگهای آن را حمل کردند، ولی در زمان حیاتش کار بنای آرامگاه پایان نیافت و پس از مرگش اخلاف او چنان منحط بودند که حتی باغ را بین خود تقسیم کردند و فروختند، درهادار بودند و موقوفات آنرا تصاحب کردند. درزمان استانداری قوام السلطنه بر گوری عمارتی بنا شد که شایسته مرد نامداری چون او نبود. بنای باعظمت کنونی در سالهای اخیر از درآمد عوارضی که از زوار مشهد گرفتند ساخته شد.

پیر پالاندوز

درخیابان صفوی مشهور به «پائین خیابان»، در کوچهٔ شور، مرقدی است متعلق بیکی ازعرفای بزرگ که کرامات بسیار از او نقل کرده‌اند. ساختمان گنبدو آرامگاه او را **سلطان محمدخدابنده** (الجایتوی مغول متوفی ۷۱۶) شروع کردودر ۹۸۵ تکمیل شد.

سنگ سفیدمربعی که در بالای سردر آرامگاه اونصب شده آغاز کار ساختمان بنا را حکایت میکند. صندوق قبروی درطرف بالای مزار واقع است، نه وسط بقعه، نمای گنبدتا نیمه از کاشی آبی خوشرنگی پوشیده‌شده واخیرا از طرف اداره باستانشناسی مختصر ترمیمی شده است.

پیر پالاندوز چنانکه از سنگ مزارش پیداست **محمد عارف عباسی** نام داشته‌ودر ۹۸۵ هجری وفات یافته. درتاریخ سلسله عرفای **ذهبیه** بنام شیخ محمد پیر پالاندوز برمیخوریم که

ازپیران این طایفه بوده است . قرآن بسیارخوشخط هفت‌سوره‌ای بخط وی در دست آقای اصغرزاده است که نشان میدهد درخط ثلث استاد بوده‌است .

وی برای امرارمعاش خودپالاندوزی میکرده‌است درحالیکه از نظر معنوی ریاست داشته و مورد توجه‌مردم بوده‌است.

گنبد خشتی

در محله نوغـان مقبره‌ایست کـه بعلـت ساختمان خشتی گنبد آن باین نام‌معروف است .در اینجا **امامزاده‌محمد** مدفون است که به۱۸ واسطه به حضرت سجاد (ع) میرسد . بنااز ساخته‌های دوران **شاه‌عباس** است . این‌مزاربخصوص از آن‌روکه درقلب‌مشهدقدیم قرار گرفته‌است‌مرجع خواستهاوآرزوها و رفع مشکلات و بیماریها وگرفتاریها و قرضهاونذرهای‌بسیار مردم است و بیشتر حاجات خصوصی‌که عظمت امام‌رضامانع از عرضه آن میگردد باین امام زاده‌رجوع‌میشود از قبیل بازشدن بخت دختران دم بخت یاپیردخترها، کسب محبت شوهرها،ادای قرضها ، رفع شرهای‌مرموز وبلیات سحرآمیزو تشدیدیاتخفیف دوستی ها و عشق‌ها و ...

برخی‌نقل‌کرده‌انده که‌وی‌امامزاده نیست ویکی‌از اطباء سپاه هارون بوده که‌درراه مرواز اینجا که میگذشته مرده و در همینجا که‌قسمتی‌از شهرتاریخی‌نوقان‌بوده دفن گردیده‌است.

ارك-باغ‌ملی

ارگ

مرکز قسمت جدیدشهر مشهد درزبان مردم به« ارگ»

معروف است و آن عبارتست از خیابان پهلوی ومیدان سوم اسفند (دروازه ارك وکوچه ارك و ....) باغ ملی معروف مشهد نیز در همین محله قراردارد و باتوجه بنقشه قدیمی شهرمشهد این محله در خارج شهرواقع بوده است وازمحله‌های جدید دوران بیست ساله بشمارمیرود .

ارك دولتی همینجا یعنی دقیقادرمحل فرمانداری و ستاد ارتش فعلی، ومیدان ارك محل بانك ملی کنونی بوده‌است وچنانکه از روایات شفاهی و کتبی برمیآید این ارك ساخته **ملك محمود سیستان** است که پس از حملهٔ افغانها وپیش از طلوع **نادر** در خراسان قیام کرده وداعیه سلطنت داشته ولی از آنجا که بخت بداورا، بدست نادرشاه پیروز، می‌شکند ، درتاریخ بسیار بدنام شده است وگرنه شاید پیش از نادر وی قهرمان مبارزه باافاغنه میشد.

باغ ملی

پارك معروف شهر مشهد است که سابقا متعلق بارك دولتی بوده و در زمان **مسیو للوی** بلژیکی، متصدی دارائی خراسان، بصورت باغ عمومی در آمده و درتصرف شهرداری قرار گرفته است . آب قنات رکن آباد که ازقناتهای مشهور شهر است از میان باغ میگذرد. اخیرا منبع آبی نیزدرگوشه شمالی آن، که ازچاه عمیقی که حفر کرده‌اند آب میگیرد، ساخته‌اند که پیش از لوله کشی عمومی شهر مورد استفاده بسیاربود .در وسط باغ بنای زیبائی است که در دوران بیست ساله ساخته شده و قرائت خانه و کتابخانه فرهنك تاچندی پیش درآنجا بودو امروز بصورت کافه‌رستوران درآمده است .

درختان کهن و گلکاری‌های نوین همراه بافواره‌ها وحوضهای متعدد بباغ زیبائی وصفای خاصی بخشیده‌است، گرچه دستکاریهای

جدید ازحالت‌شرقی آن بسیار کاسته است.

شیخ طبرسی

در ابتدای خیابان طبرسی‌مقبره‌ایست متعلق به‌شیخ **امین الدین ابوعلی فضل بن حسن** که‌درفقه وتفسیرقرآن ازاساتید نامورشیعه است .وی در۵۲۳از مشهدبسبزوار رفته در ۵۴۸ در این شهروفات‌یافته‌است وجنازه وی را دراین مکان که‌قسمتی‌از قبرستان قتلگاه‌مشهدبوده‌و امروز بنام«باغ‌رضوان» معروف است دفن کرده‌اند. این‌محل به«مغتسل‌الرضا»مشهوربوده زیراحضرت را در اینجا غسل‌داده‌اند واکنون نیزغسالخانهٔ مشهد در کنار آن است .

گنبد سبز

در خیابان خاکی،وسط فلکه‌ای، آرامگاه بزرگی دیده میشودکه قبل ازکشیدن این خیابان در میان باغ بزرگی قرار داشت‌وبمناسبت‌رنگ‌فیروزه‌ای گنبدآن‌باین‌نام‌شهرت‌یافته‌است، در برابر گنبد طلا (گنبد آستان‌قدس) و گنبدخشتی.

اینجا مدفن **محمدمومن** عارف استر آبادی است که بسال ۹۰۴ وفات یافت.وی استادبزرگانی چون **مجلسی‌اول** وصاحب‌ذخیره‌و**فیض**بوده‌است درسال۱۰۱۱**شاه‌عباس**برگوراو این‌بنارا میسازد . این مکان قبل‌نزیکی ازقبرستانهای‌مشهد بنام

قبرستان میرهوا بوده که امروز اثری از آن نیست ودرقلب شهر افتاده است .تاریخ بنای مزارش در این بیت آمده است :

سال تاریخ این خجسته بنا بیت معمور قلب مومن دان ـ ۱۰۹۱

و این تاریخ متعلق بزمان سلطنت **شاه عباس ثانی** است و شاید هر دو درست باشد و بنای شاه عباس ثانی بنای سابق را تکمیل کرده است.

این محل خانقاه صوفیه نیز هست وهنگامیکه دروسط فلکهٔ خیابان نیفتاده بود و باغی و حریمی داشت محل سکونت عده زیادی از درویشان بود و مراسم و مجالس مفصل تر و گرم تری در آن برگزار میشد .

فصل سوم

حومه مشهد ومناطق ییلاقی آن

سدهای اطراف مشهد

چشمه های معروف

کوهسنگی

مشهور ترین وزیباترین گردشگاه کنارمشهد کوهسنگی است که‌شهرخودرا تاآنجا کشانده‌است دردامنه کوههای جنوبی مشهد دو تپه بزرك کنارهم قراردارد بنام کوهسنگی. در پیش پای این دوتپه ،در دوران بیست ساله عمارتی ییلاقی ودرجلو آن استخر بزرگی ساخته‌اند، که باگلکاریهای زیبا تزئین‌شده‌است. منظره این‌عمارت بادوتپهٔ پشت آن‌ودرختکاریهاو گلکاریهای کوهسنگی‌هتل رامسررا بیاد میآورد .

استخر کوهسنگی بطول ۱۰۰ و عرض ۶۰ متر و عمقهای مختلف از آب قناتهای گناباد پر میشود و این آب از بلندی کوهسنگی بسوی شهر سرازیر میگردد . در مسیر این‌آب ، از کوهسنگی بشهر، بولوار بزرك وبسیار با صفائی است با چهار پیاده رو وسواره روی بعرض ۱۸ متر، درختان درهشت‌صف‌منظم قد برافراشته وسربهم آورده اندومنظره‌ای را ساخته‌اندکه‌غالبا

آنها که آنرا دیده‌اند به «دالان بهشت» تعبیرش کرده‌اند.

اکنون عمارت کوهسنگی از طرف شهرداری بصورت هتل رستوران در آمده و باساختمانهای دیگری که در اینجا میشود گردشگاه کوهسنگی برای تفریح وحتی اقامت زوار و سیاحان کاملا مجهز میگردد.

بخصوص که شهر چون خودرا بدامن کوهسنگی میکشاند برآبادی مناظراطراف بولوارافزوده میشود.

ایوان کوهسنگی

از استخر کوهسنگی بفاصله پانصدمتر که بسوی تپه های کوهسنگی بالامیروید در سمت‌چپ ایوانی می‌بینید که به ایوان کوهسنگی معروف است. این ایوان در ۱۰۴۷ قمری بامر **شاه صفی** ساخته شده است. دراینجا **سیدابراهیم ناظر**، جدسادات رضوی (خاندان مشهوری که ازاعقاب امام‌رضاهستند) و جمعی دیگر مدفونند. قبل‌از آنکه کوهسنگی بصورت تفرجگاه‌زیبائی برای مردم‌شهردرآید قبرستان بودوازدوران بیست‌ساله‌دیگر دفن اجساد درآنجاممنوع‌شد.

کشف‌رود

کشف روداز دوکیلومتری‌شمال‌شهر میگذرد. این‌رودخانه

از چمن‌رادکان که النك گاوباغ نام‌دارد ودرهفتاد کیلو متری مشهد واقع است سرچشمه میگیرد وتاسرخس دویست وچهل کیلو متر راه می‌پیمایدو از آن جاوارد هریرود (تجن) گشته به افغانستان میرود .

پل شهر طوس درمسیر جاده مشهد-طوس و نیزپل شاهی نزدیك‌خواجه ربیع که‌ازبناهای ایام صفوی‌است ازپلهای‌تاریخی است که برروی کشف رودساخته شده است . توده مردم مشهد به‌کشف رود که درتاریخ آنراخشك رودنیز میخوانده‌اند «دریا» میگویند .

آنچه در حوزه مشهد برساحل کشف رود است

آهنگان

غیرازمیل رادکان که مشروحا از آن یاد کرده‌ایم بین طوس‌وکلات میل‌دیگری‌است‌بنام آهنگان (آخنجون) که‌برخلاف میل‌رادکان کاشی درآن بکاررفته است .

میل‌سنگور

در حاشیه کشف رود هیجده کیلو متری شمال‌شرقی مشهد .

چلاغد

یاچلاغی،دراین ده‌بنائی است مقبره مانندداراى گنبدی عرقچینی در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی‌مشهد .

لنگرك

۲۴ کیلومتر بعدازچلاغدساختمان‌خانقاهی‌است‌شبیه به‌میلهای

رادکان وآهنگان که درزمان **تیموریان** ساخته شده وچنانکه آقای مولوی لوح آن راخوانده‌اند مدفن **بابازنگی‌شیراست** وچنین مینماید که ازعرفای بزرك بوده‌است .میلی‌هم بر روی‌آن از سنك نصب شده بارتفاع قریب‌پنج متر که نوشته‌ای باخط‌خفی متعلق به نیمه‌دوم قرن‌نهم بر آن‌حك‌شده‌است.این‌میل مانند بقعهٔ هارونیه‌هشت‌ترك‌دارد.

این آثار باستثنای چلاغد وبابا زنگی همه‌در ساحل چپ رود قراردارد.

چهل قهقهه

در نزدیکی شهر طوس بسوی‌مشهد مرغزارزیباو گسترده‌ای است که‌در آن قریه‌ای بنام قهقهه‌وجوددارد‌ودارای‌قلعه‌ای‌مستحکم است . این‌قلعه‌چهاردروازه دارد.خشتهائی که در ساختمان آن بکار رفته دراندازه‌های ۷ × ۴۰ × ۴۰سانتیمتری‌است‌و نشان میدهد که‌چنانچه‌صاحب مطلع‌الشمس حدس‌میزند‌این‌ناحیه‌شهری یالشکرگاهی بزرك‌بوده‌است .

آرامگاه فردوسی(شهر طوس)

قدیمترین‌متن روشن‌ودقیقی‌یکه‌از**فردوسی**سخن گفته است

چهارمقالهٔ **نظامی عروضی** است .وی داستان تدفین فردوسی را چنین نقل کرده است:

«جنازه فردوسی را بدروازهٔ رزان همی بردند. در آنجا مذکری بود در طبران (شهر طوس) تعصب کرد و گفت من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برند که اورا فضی (شیعی) بود .وهر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند (فقیه) در نگرفت . درون دروازه باغی بود ملك فردوسی، او را در آن باغ دفن کردند امروز هم در آنجاست ومن در سنهٔ عشر وخمسمائه (۵۱۰) آن خاك را زیارت کردم.

امروز دیگر آثار نمایانی از شهر طوس جز همین باغ که آرامگاه فردوسی در آن است وبقعه‌ای بنام بقعهٔ هارونیه برجا نمانده است .

درسال ۱۳۱۳ برمقبرهٔ فردوسی آرامگاهی زیبا که طرحی شبیه به آتشکده داشت ساختند وبرای تجلیل ازمقام این حماسه سرای بزرك جهانی بمناسبت هزارهٔ وی کنگره‌ای درمشهد تشکیل گردید که در آن مستشرقان و ایرانشناسان معروف دنیا شرکت کردند و شاه فقید شخصا در این کنگره حضور یافت .

درسال ۱۳٤٤ تصمیم گرفته شد که بنای جدیدی بر روی آرامگاه وی بسازند و باین جهت اکنون بنای پیشین برچیده شده است.

بقعهٔ هارونیه

در کنار جاده مشهد ـ شهر طوس، نزدیك آرامگاه فردوسی، بنائی است مقبره‌مانند بنام بقعه‌ها رونیه که تاحدی طرح یك آتشکده

رادر نظر مجسم میکند .

دکتر جوکس نماینده کمپانی هند شرقی که در سال ۱۸۲۱ میلادی همراه **مسیو فرزر** بایران آمده است در سفرنامه خود مینویسد: «روز ۲۳ ماه فوریه ۱۸۲۱ بطرف طوس رفتم تا خرابه این شهر را تماشا کنم... دو سه چیز در اینجا اهمیت داشت وجلب نظر مرا نمود . بزرگتر از همه بنای مربعی است که از آجر ساخته شده و بالای آن گنبدی است . این بنا تقریبا دروسط محوطه شهر طوس قرار دارد و بسیار بلند و باعظمت است و شبیه بمقابر سلاطین پاتان در حوالی دهلی هندوستان میباشد . رویه گنبد بمرور خراب شده ولی ازدرون در نهایت خوبی مانده است ...

صاحب مطلع الشمس میگوید که این «از ابنیه قدیمه وزمان آبادی شهر طوس باقی مانده . تقریبا دروسط شهر واقع وازپائین مربع متساوی الاضلاع که ازهر طرف ۱۲ ذرع است... گنبد این بقعه دوپوش بوده است ...»

هرتسفلد آلمانی در «ابنیه و آثار تاریخی ایران» مینویسد: «احتمال میرود که درعهد **سلجوقیان** وقبل ازحمله **مغول** بنا شده باشد وشاید بواسطه حمله مغول باتمام نرسیده باشد» (ص ۱۱)

این بقعه شباهت بسیار زیادی بمقبره **سلطان محمد خدابنده الجایتو** در سلطانیه دارد ونیز شبیه آرامگاه سلطان سنجر در مرو است. بنا براین هیچ دلیل روشنی در دست نیست که چرا این بقعه را هارونیه مینامند. شاید چون در تاریخ بقعه هارونیه بحرم فعلی امام رضا اطلاق میشد رفته رفته این اسم ، که با اختصاص بیش از پیش بقعه و گنبد فعلی بامام مفهوم خود را ازدست میداد، تغییر مسمی داده و بر بقعه باشکوه ولی مجهولی که ازشهر طوس بجا مانده اطلاق شده است باین اعتبار که معتبرترین بنائی که ازطوس مانده قاعدتاً بایداز

آن مشهورترین شخصیتهائی که با این شهر پیوندی دارند باشد .

خواجه ربیع

درشش کیلومتری شمال غربی مشهد آرامگاه باشکوه خواجه ربیع واقع است که اززیارتگاههای بسیار مشهور شهر است . نام **خواجه ربیع** در تاریخ ربیع بن خثیم (بروزن قریش) است. وی جزء تابعین (اصحاب اصحاب پیغمبر اسلام) ویکی ازهشت تن زاهد نامی تاریخ اسلام بشمار میآید (زهاد ثمانیه). وی تربیت یافته ودوست صمیمی **ابن مسعود** صحابی بسیار مشهور پیغمبر است. **شیخ بهائی** درنامه‌ای که **بشاه عباس صفوی** مینویسد وی را از شورشیان علیه رژیم **عثمان** خلیفه سوم شمرده است . دراوائل حکومت **حضرت علی** درری حکومت داشت ودر جنك صفین با چهار هزار سپاهی ایرانی علیه **معاویه** بکمك علی (ع) شتافت. دراین زمان که درشمال ایران طغیانهائی علیه حکومت اسلامی برپاشده بود حضرت امیر وی را بحکومت قزوین منصوب کرد.

هنگامیکه لشکر اسلامی خراسان بجهاد با کفار میرفت خواجه ربیع که در آن میان بود در طوس وفات کرد ودر همین نقطه دفن شد .سال مرك وی را ۶۱ و ۶۳ نوشته‌اند

امام رضا در طوس بزیارت این سردار پاکدامن حضرت امیر رفت . پس اززیارت قبر وی این جمله را که گوشه‌ای لطیف ودرعین حال غم انگیز اززندگی سیاسی خود وی را در بر دارد فرمود که:

ماحصل لی من القدوم بخراسان الازیارة ربیع بن خثیم (آمدن

بخراسان برای من سودی نداشت مگر زیارت ربیع بن خثیم!)

شیخ بهائی، شاه عباس را وامیدارد که آرامگاه پرشکوهی برقبر خواجه بنیان کند و آرامگاه فعلی بدین ترتیب در ۱۰۳۱ بدست **الـغ الرضوی خـادم** ساخته شده و کتیبه هائی بقلم **علیرضای عباسی** بر آن نوشته شده است. شکل بنا هشت پهلو است و ارتفاع گنبد ۱۸ متر است و دارای کاشیهای ممتاز صفوی. صحن مزار باغ بسیار وسیعی بوده که بمرور زمان از آن کاسته شده گرچه امروز نیز این باغ وسیع و بسیار باصفا است. چون ساختمان آرامگاه احتیاج بترمیمهای اساسی داشت در ۱۳۱۰ شروع بتجدید ساختمان کردند. کار تعمیر و ترمیم بالاخره پس از ۳۴ سال یعنی شهریور ۱۳۴۴ پایان یافت. از جنبهٔ معماری ساختمان خواجه ربیع منبع الهام تاج محل محسوب میشود.

مصلی

مصلای پائین خیابان

در بیرون دروازه پائین خیابان مصلای بزرگی است که از بناهای **شاه سلیمان صفوی** است و در سال ۱۰۸۷ هجری قمری ساخته شده و شباهت زیادی به مصلای طرق دارد.

مصلای طرق

مصلای طرق قدیم ترین مصلای مشهد است و بنای آن در سال ۸۳۷ قمری صورت گرفته است.

طرق

درپنج کیلومتری شهر مشهدامروز مزرعه‌ای بزرك بچشم میخورد که آخرین آبادی قبل‌از مشهد است .درقدیم اینجا محل تلاقی‌راههای چندی بوده‌است که بمشهد میآمده وازاین‌نظر شاید باین‌اسم‌موسوم شده‌است(اگرریشه‌فارسی نداشته‌باشد؟)

درسفرهای کاروانی،طرق گرچه بسیارنزدیك بمشهد است خودمنزلی‌محسوب میشده‌وچندکاروانسرای بزرك که‌هنوز دراین محل‌وجوددارد نشانه‌اهمیت این منزل درگذشته است . یکی از کاروانسراهای بزرك طرق ساخته **شاه سلیمان صفوی** است که امروزمتروك‌است‌ودوکاروانسرای‌دیگریکی‌ازشاه‌عباس‌است‌ودیگری ازاسکندر بیك.

تپه نادری

روبروی‌کاروانسرای طرق‌تپه‌مصنوعی بزرگی‌است معروف به‌تپه‌نادری که قریب‌سیصدوپنجاه مترارتفاع دارد وباسنگچینهای پله‌مانندمیتوان ببالای‌آن‌رسید .دراین‌تپه استخوان‌بدن انسان و حیوان، کوزه‌شکسته،سفال‌وذغال وخاکستروخشت‌خامهای‌بزرك و قطورفراوان‌بچشم میخورد وبطوریکه صاحب مطلع‌الشمس حدس زده است:

«بنیان‌این‌تپه‌مصنوعی‌بطوریکه‌ازقرائن‌وآثار مفهوم ومعین

میگردد اولا ازدوهزارسال قبل از این است .شاید **نادرشاه** یکوقتی درنزدیکی آن تپه اردوزده باشد» وباین جهت به تپه نادری موسوم شده است

خواجه اباصلت

درکنارجادهٔ مشهد ـ تهران بفاصله ۱۲ کیلو متری شهر آرامگاه **خواجه اباصلت هروی** بچشم میخورد .این جا از قرنهای پیش مزارومورد توجه شیعیان بوده است وچنانکه امروزه نیز معمول است گروهی برای تقرب بخواجه وصیت میکرده اند که در کنار وی برای همیشه آرام گیرند واین ازسنك قبرهای کهنی که درپیرامون آرامگاه خواجه هست کاملا مشهوداست ونشان میدهد که حتی بسیاری ازعرفای بزرك نیز دراینجا مدفونند چنانکه یکی ازسنك قبرها متعلق است به درویش علی متوفی بسال ۷۲۶ قمری.

خواجه اباصلت فرزند **صالح(یا سلیمان)** هروی است. سرگذشت زندگیش تاریك است. تاریخ اسلام اورا گاهی غلام، گاهی برده و گاه محدث ومتکلم وراوی بسیار مشهورودانشمند مینامد ونیز در برخی ازمتون اورا از ثروتمندانیکه علما رامینواخته است معرفی کرده اند ولی توده تنها اورا خادم ومحرم **امام رضا** میداند که در دم مرك حاضر بوده وامام هنگامیکه آثار زهرانگوری را که درمجلس مامون خورده بود حس میکند بخواجه اباصلت دستورمیدهد فرشهای اطاق راجمع کندودرهارا به بندد تا، نه همچون ولیعهد، بلکه همچون غریبی بیکس در اطاقی برهنه برخاك بمیرد .

ازمجموع گفته‌های مورخان در باره خواجه اباصلت چنین بر میآید که وی با آنکه دانشمند و غنی بوده است آنقدر با امام نزدیك بوده که گاهی سمت خدمتکاری وی را هم تعهد میکرده است و اینگونه روابط را میان شاگرد و استاد و مرید و مراد در تاریخ اسلام فراوان می‌یابیم.

همین خصوصیت موجب محبوبیت خاص وی در نظر شیعیان شده است. زوار، پیش از آنکه بشهر در آیند و بخدمت امام برسند، بر سر مزار وی ساعتی توقف میکنند و باین «بنده صالح و پرهیزگار خدا» درود میفرستند. مقبره و گنبد و صحن آرامگاه وی بهمت مردی بنام **کربلائی محمد علی درویش** که با نفوذی که در میان توده داشته توانسته است از آنان کمکهای مادی لازم را بگیرد، تجدید بنا شده است.

وفات خواجه اباصلت را بسال ۲۳۶ قمری یعنی سی و چهار سال پس از امام نوشته‌اند.

خواجه مراد

در جاده مشهد-تهران، سه کیلو متر که از خواجه اباصلت میگذریم، بآرامگاه **خواجه مراد** یکی دیگر از نزدیکان امام رضا (ع) میرسیم.

نام خواجه مراد **هرثمة بن اعین** است و خواجه مراد لقبی است که مردم بوی داده‌اند زیرا بکرامات وی سخت مومن و پای بند **بندند.** آرامگاه وی در کنار جاده نیست، اندکی دورتر، در شکاف کوه پنهان است و تنها گنبد سبز و کوچك آن از کوه سر بیرون آورده است.

در کنار آرامگاه وی که در کمرگاه ساکت ودور افتاده کوه قرار دارد چشمه آبی است وچند درخت تنها.

ایوان داخل آرامگاه بهمت متولی خواجه اباصلت آینه کاری شده است و بر پیشانی بنا بکاشی نوشته اند : «مقبره شریفه هرثمة بن اعین مشهور به خواجه مراد راوی شهادت حضرت رضا که در سنه ۲۱۰ وفات یافته »

کشاورزان این ناحیه پس از برداشت محصول هر سال بمزار وی میروند وقربانی میکنند ومراد میطلبند .

سنگ بست

مقبرهٔ ایاز

برسر راه تهران ـ مشهد پس از خواجه اباصلت به دوراهی تهران ـ فریمان میرسیم که سنگ بست نام دارد . درطرف شرقی جاده آرامگاهی نمایان است که از نظر قدمت یکی ازمعتبر ترین بناهای تاریخی شهرستان مشهد بشمار میرود . **هرتسفلد** مستشرق آلمانی مینویسد :

«قبر دارای گنبد ومناره ای ازعهد **محمود غزنوی** است که بدست **ایاز** (مشاور ومعشوق نامی سلطان محمود) ساخته شده است وبیکی ازصوفیان معروف تعلق دارد . پیرامون آن آثار کاروانسرا ومدرسه نیز پیدا ست . درداخل گنبد کتیبه ای بسیار زیبا بچشم میخورد.» ولی آنچه درمیان توده مشهوراست اینجامد فن خود ایاز است . مناره آن از نظر سبك معماری بسیار جالب است. کتیبه های

مناره بخط کوفی است و با آجر ساخته شده است و کمتر کتیبه ایست که خطوط آن با آجر ساخته شده باشد . آقای عبدالحمید مولوی میگویند که این مقبره متعلق به **ارسلان جاذب** عمید خراسان درزمان **سلطان محمود غزنوی** است . بر دیوارهای بقعه کلمه «محمود» مکرر نوشته شده که هم یکی از اسامی خدا است وهم نام سلطان غزنوی .

چشمه گیلاس

چشمه گیلاس ، که تلفظ ادبی آن گلسب است ، چشمه‌ای است در حومه شهر **طوس** . **یزدگرد** ملقب به بزه کار پدر **بهرام گور** در کنار همین چشمه از اسب لگد میخورد و میمیرد . شاید کلمه گلسب با این داستان بی پیوند نباشد .

آب این چشمه همان است که از میانه شهر مشهد میگذرد و اولین بار بهمت **امیرعلیشیر نوائی** برای گذراندن آن از مشهد اقدام شده و طرح نیمه تمام او بدست شاه عباس صفوی انجام پذیرفته است و اکنون همین آب بنام نهر خیابان (۱) از قلب شهر مشهد میگذرد . صاحب مطلع الشمس میگوید « آثاری هست که این آب از شهر طوس میگذشته و **فردوسی** بزرگ ابتدا قصد داشته که از صله **محمود غزنوی** در ازای شاهنامه این آب را بطوس آورد وچون ناکام میمیرد دخترش باصله محمود آرزوی پدر را برمیآورد و آب چشمه گیلاس را بطوس میآورد ووقف عام میکند . دختر فردوسی ابتدا بستر آب را که بیست متر از سطح کنونی پائین تر بوده بکمک مهندسان زمان

---

۱ ـ خیابان نام ده بزرگی است که مزرعهٔ آن از این آب مشروب میشود

بالاآورده‌است تا آب برشهرطوس سوارشود .

فاصله‌چشمه گلسب یاچشمه گیلاس تامشهد ۴۸ کیلومتر است وازنقاط دیدنی وباصفای جلگه طوس محسوب میشود .

ییلاقات مشهد

یکی اززیباترین ودیدنی‌ترین مناظرطبیعی رادرییلاقات سرسبزونیمه‌وحشی‌مشهدمیتوان‌دید. کوه‌نیشابور میان جلگه‌طوس وجلگه نیشابور سرچشمه حیاتی وپربرکتی است که ازهردوسو باین دوجلگه خرمی وآبادانی بسیار می‌بخشد .ازدودامنه‌شمالی وجنوبی‌آن‌چشمه سارهاورود خانه‌های بسیار بسوی این‌دو جلگه سرازیر میشود .دره‌هائی که ازدامنه این کوه بسوی‌جلگه‌طوس پائین‌میآید وبسترروددخانه‌ای‌راتشکیل میدهدمملواست‌از درختها وباغهای پرمیوه وانبوه واحیانا مزارعی‌سیرآب وسر سبز. ودر همین دره‌های پرصفااست که زیباترین ییلاقات‌مشهد قرارگرفته است. درهردره‌ای، درمسیررودخانه‌ای که دربسترآن‌جاری‌است یك‌یاچند ده‌قراردارد که معمولا محل‌زندگی باغداران ودرخت کاران‌است وبخصوص درتابستان مردم شهرباین‌آبادیهای سردو سبزپناه‌میآورند .

دره‌هائی که‌ازدامنه کوه‌نیشابوربسوی‌جلگه‌طوس (که‌مشهد نیزدرآن است) پائین‌میایندعبارتنداز :

۱ـ دره اندره‌زی

۲ـ دره‌اخلومدکه سیب‌آن بسیار معروف است وآبشاری

بلندازتیزهٔ کوه فرومیافتد(بارتفاع ۱۷ وباآبشار بالای آن ۲۳ متر) .
مردم آنجا معتقدند که در حمله اعراب بخراسان مردم هرگاه موردحمله سپاهیان قرارمیگرفتند باین دره پناه میآوردندوچون هنگام خطر همواره یکدیگررا ندامیکردند که : «خالدآمد ـ خالد آمد» این دره رفته رفته به اخلومد مشهورشد وخالدسردار عرب در جنگهای این محل بوده است. اخلومد تامشهد ۸٤ کیلومتر فاصله دارد.

۳ـ دره آبغد که رودخانه چناران درآن جاری است .

٤ـ گلمکان یا گرمکان که چشمه سبز از کوه نیشابور در آن جاری است .

٥ـ کاهوودولت آباد

٦ـ شاندیز (شاهان دژ)، ابرده بالا، ابرده پائین وزشك .
ازشاندیز تامشهد ۳٦ کیلو متراست .

۷ـ نغندر (نوغان دره)

۸ـ طرقبه (ترغوذ ـ ترغبذ ـ طرقبد)، عنبران (انبران) وجا غرق

۹ـ مایان که شاه تود آن بسیارمعروف است

۱۰ـ مغان وخان رود

۱۱ـ پیوه ژن که آلوی آن بسیارمعروف است .

طول برخی ازین دره ها به چهل کیلومترمیرسد . ازمعروف ترین ییلاقات مشهد دردرجه اول طرقبه است در ۱۸ کیلو متری جنوب غربی شهر که نزدیکترین وپررفت وآمد ترین ییلاق مشهد است . راه شهر بطرقبه اسفالته است واکنون بصورت شهری درآمده.

گوچه نزدیکترین ییلاق وکیل آباد است در ۱۵ کیلو متری شهر که مشهدخورا بسرعت بآن سومیکشد واین فاصله هرروز کمتر میشود وازین روبصورت تفریحگاه شهر درآمده وجنبه ییلاقی خود

راازدست داده‌است . غالبا جمعه هاوروزهای تعطیل مردم بوکیل آبادمیروند ویك‌روز یانصف روزی‌رابشنا دراستخرهای آن‌وکوه پیمائی واستراحت‌درزیردرختهاوکنارجویبارهای آن‌میپردازند .

سدها

درشهرستان مشهد چهارسد معروف وجوددارد :

۱ـسدباسنقری در دهنه اخلومدکه یادگار قرن هشتم است ، ولی فعلاازآن استفاده‌نمی شود .

۲ـبندگلستان که‌نزدیك ده‌ییلاقی گلستان‌است .

بنای این سدرابرخی **بشاهرخ** پسر **امیرتیمور**وبرخی بزن وی **گوهرشاد** وعده‌ای‌هم‌به‌کنیز گوهرشاد بنام **گلستان** نسبت میدهند . ولی آقای **عبدالحمید مولوی** که در شناخت جغرافیای تاریخی وآثارباستانی خراسان اطلاعات‌وسیعی‌دارند اخیرابسندی‌برخورده‌اند که‌درصفحه۲۱۳ کتاب «اسنادومکاتبات تاریخی‌ایران» گردآوری آقای**عبدالحسین نوائی** نقل‌شده‌است وآن متن فرمانی‌است‌که **سلطان‌ابوسعیدگورکانی** خطاب بمردم مشهد صادرکرده‌است وازآن چنین برمیآیدکه سدرا او بنا کرده وچون‌قسمتی‌ازاراضی آبگیراین‌سد وقف‌مسجد گوهرشاد بوده است**قطب‌الدین‌محمدخوافی**رامامور کرده‌تاباهمکاری **جلال الدین‌یوسف حاجی** کارزمینهارایکسره‌کنند !وهمه‌را بمالکیت‌شاه‌درآورند .

فرمان تاریخ نداره وچون‌قتل‌ابوسعید در۸۷۳رخ داده بنای این سدرامیتوان بتقریب حدس زد . این سلطان ابوسعید نبیرهٔ امیرتیموراست‌وقاتل گوهرشاد خانم .

این سدهنوزکاملامورداستفاده است . عرض‌دهانه‌درپائین وکف‌بند ۶۰ر۳۰ وعرض‌دهانه‌بنددربالای سد۱۰۱متر. ضخامت

بنا در بالا ۱۵ متر و در پائین سد در حدود ۲۵ متر. ارتفاع سد ۱۵ متر است.

مالکیت گلستان به یازده سهم تقسیم شده که هفت سهم آن موقوفه آستانه و چهار سهم بقیه از آن مسجد گوهرشاد است.

۳ - سد فریمان

در ۷۵ کیلومتری شرقی شهر مشهد بر سر راه مشهد به هرات شهر جالبی وجود دارد بنام فریمان. این شهر در دوران بیست ساله بنیان شده و تعداد بیست ده در پیرامون این شهر جزء املاک خالصه شد و در ده فریمان بنیان شهری بسیار مدرن را با اسلوب علمی شهرسازی ساختند و هر اداره‌ای در مشهد موظف گردید ساختمان اداره‌ها نند خود را در فریمان بسازد و بدین ترتیب در مدت کوتاهی شهری کاملا نو با ساختمانهای زیبا و رستورانی بسیار بزرگ و مجهز و خیابانکشیهای منظم بوجود آمد ولی پس از شهریور ۲۰ تب تند فریمان ناگهان فرونشست و چنان شهر فراموش گردید و خیابان ها بویرانی افتاد که شهر چند ساله بخرابه های چند هزار ساله میمانست.

در ۱۱ کیلومتری فریمان سدی است که بخصوص در ایام بهار دریاچه پشت آن بسیار وسیع و منظره کوهستانی آن تماشائی است.

۴ - سد طرق

در طرق، آبادی جنوب مشهد بر سر جاده تهران - مشهد، سد قدیمی است که اکنون از آن بهره برداری میکنند. آقای **مولوی** ظن قریب بیقین دارند که این سد را **امیرعلیشیر نوائی** ساخته است زیرا دو آسیاب با آب این سد میگردد که یکی را وی ساخته و بنام وی معروف است و دیگری منسوب به **میرشیخم** از رجال معاصر او است.

شاهان گرماب

چشمه بزرك آب معدنی

در ۷۲ کیلومتری شهرمشهد، دریك نقطه کوهستانی، چشمه آب معدنی است که درحدود دوزوج آب دارد . این آب که درحدود ٤٥ درجه سانتیگرادحرارت طبیعی دارد تافاصله سی وشش کیلو متری به حمامهای دهات پیرامون خود آب گرم میرساند . آب شاهان گرماب برای معالجه بیماریهای جلدی ورماتیسم بی نهایت موثر است . ازنظرمردمی که غالبا ازآن استفاده میکنند آب معدنی این چشمه درشفای این بیماریها وحتی بیماریهای عصبی وغشی وامراض استخوانی وغیره نیز نه تنها موثراست بلکه معجزه میکند .

تاثیر شگفت انگیزی که آب معدنی این چشمه برروی امراض، بخصوص امراض جلدی داشته است موجب پیدایش افسانه های مذهبی فراوانی شده است ازجمله اینکه **حضرت امیر** درجنگی که با کفار دراین سرزمین داشت دستورداد زخمیهای بسیار جنك را که جراحات هولناکی بر بدنشان وارد آمده بود همه را در این آب اندازند (چشمه این آب نیز قبلا بامعجز خود حضرت شکافته شده بود). زخمیها همینکه بآب فرومیرفتند شفامی یافتند و دیگر آثاری هم ازآن جراحات برروی بدنشان باقی نمیماند .

استخر بزرگی بطول ۱۷ وعرض ۸ قدم برای استحمام ساخته شده وبرروی آن نمای باشکوه وبزرك فعلی بناشده است .

این بنا که بشکل یك استخر بزرك سرپوشیده درآمده بامر **شاه سلیمان صفوی** ساخته شده ودر پیرامون استخر ۱۲ شاه نشین رخت کن بوجود آمده است . دراطراف این نما بتازگی

چندخانه‌ساده ساخته‌اند تا کسانیکه برای استحمام بشاهان گرماب میآیند بتوانند دراینجا هرچندروز که بخواهند اقامت کنند .

بهترین جاده‌ای که می‌توان از آن به‌شاهان گرماب رفت ، جاده فریمان است زیرا جاده اصلی شاهان گرماب کوهستانی و خطرناك است.

چشمه سبز

این چشمه ازوسط جلگه‌ای میجوشد که ازاطراف دیوارهای کوهستانی آنرا درمیان گرفته‌اند . دریاچه‌ای که چشمه درآن میریزد یك کیلومتر طول و ۱۰۰ تا ۳۰۰ متر عرض دارد دربالای دریاچه چشمه های کوچکی میجوشد که مشهور ترین آن چشمهٔ «اشتها» است . دراین نقطه درختی وجود ندارد و کسانیکه میخواهند دراینجا استراحت کنند باید حداقل چادر و پوشش همراه داشته باشند. برخی ازمورخان محل لگدخوردن **یزدگرد** را از اسب چشمه سبز میدانند نه چشمه گیلاس .

اهمیت چشمه سبز درخوشی آب وهوا و گوارا بودن آب آن است. اسم اشتها برای یکی ازچشمه‌های آن تصادفی انتخاب نشده است ویکی از دلائل مورخانی که معتقدند حادثه مرك **یزدگرد** درچشمه سبز اتفاق افتاده نه درچشمه گلاب اینست که وی بیمار بود و برای استراحت انتخاب نقطه‌ای خوش آب وهوا و کوهستانی برایش تجویز شده بوده و بنا براین انتخاب چشمه سبز طبیعی تر بنظر میرسد .

غار مغان

درسمت جنوبی شهر بفاصله سی کیلومتر غاری است دردره مغان که بسیار دیدنی است بادهلیزها وراهها وپیچ وخمهای بسیار . در میان این غار آبی است وستونهای بزرك استالاکتیت واستالاکمیت. هنوز تحقیق کافی ازطرف باستانشناسان دراین مورد نشده است وتنها سیاحان وورزشکان معمولا از آن دیدن میکنند ولی شکل

غار بخصوص نام آن این تصور را که اینجا مسکن مغان یا احتمالا انسانهای اولیه بوده است اندکی تقویت میکند .

رادکان

در ۶۰ کیلومتری غربی طابران وهشتاد وپنج کیلو متری غربی نوقان است واکنون قصبه ایست کوچك از توابع بلوك رادکان. **خواجه نظام الملك طوسی** وزیر معروف **سلجوقیان** ازهمین رادکان است . ازچمن یا النك رادکان رودخانه معروف کشف رود سرچشمه میگیرد واین همان رودی است که از شهر طوس وکنار مشهد میگذرد وپس از پیمودن دویست وچهل کیلومتر بسرخس میرسد وآنجا درمحل پل خاتون به هریرود می پیوندد. قلعه کنونی رادکان را **رضاقلی میرزا** پسر **نادرشاه** تجدید بنا کرده است . رادکان ازشهرهای معروف وبسیار مهم خراسان بوده است .

میل رادکان

درسه کیلومتری قصبه رادکان برجی است بنام میل (مناره) رادکان که از آثار بسیار قدیمی است وبنا بقول صاحب مطلع الشمس «این برج بظن قوی مقبره یکی ازسلاطین یارجال بزرك جهان بوده است». **هرتسفلد** مستشرق آلمانی درانجمن آثار ایران مینویسد که میل رادکان مقبره یکی ازحکام **مغول** خراسان بوده است و درسال ۶۸۰ قمری درابتدای سلطه مغول ودرموقعی که رادکان پایتخت خراسان بوده ساخته شده است. **گدار** مستشرق فرانسوی نیز تصریح کرده است که این میل برروی آرامگاه زنی ساخته شده است ولی مطلع الشمس آن را از آثار دیلمی هامیداند.

این میل ۲۵ متر ارتفاع دارد . قطر بیرونی آن ۴۰ و قطر درونیش ۲۸ متر است . شکل میل از داخل هشت بر است و از بیرون تا ارتفاع دو متر و نیم مدور و از آن پس دارای سی و شش ترك است، هر یك بشکل نیم ستونی تا زیر گنبد . درزیر گنبد حاشیه‌ای از کاشی و آجر منبت کاری شده و کتیبه‌ای بخط کوفی داشته که ریخته است. گنبد آن مخروطی شکل است. برج دارای دو طاق بر روی هم بود که زیرین خراب شده. برج دارای دو در است یکی به ویرانه‌های عماراتی باز میشود که گویا مسجد جامع شهر بوده است . بنا گویا از همان آغاز ناتمام مانده زیرا درون آن از هر گونه تزیینی عاری است .

النك رادکان

النك رادکان چمنزاری است که سرسبزی و زیبای آن شهرت تاریخی دارد و بسیاری از پادشاهان و سرداران در لشگر کشیهای خود در این النك (چمنزار) اردو زده‌اند . تذکره دولتشاهی نقل میکند که وقتی **سلطان سنجر** در این النك اردو زده بود گنجشکی بر سایبان سلطان آشیانه کرده و تخم گذاشته بود ، هنگام حرکت که فرا رسید سلطان فراشی را مامور کرد که بماند تا گنجشك تخم باز کند و بچه‌هایش را بزرك کند و آشیانه را ترك گوید» که پریشانی گنجشك را روا نداشت لاجرم ذکر خیر او باقی ماند و خواهد ماند».

از وقایع مهمی که رادکان بخاطر دارد اینست که در سال **۴۶۳ آلب ارسلان** فرزند بزرك **ملکشاه سلجوقی** را بر تختی از طلای سرخ نشاندند و در حضور اشراف و حکام بلاد که بدانجا فرا خوانده شده بودند عهد ولایتعهدی وی را یکبار دیگر تجدید کرد که بار دیگر طبقات انام بولایت عهدی این شاهزاده بیعت کنند و لوازم تهنیت و پیشکش (؟ !) بجای آرند . دیگر از خاطرات این چمنزار جلوس سلطان **تکش** در رادکان بر تخت سلطنت است بسال ۵۸۵ هجری.

فصل چهارم

شهرستانهای خراسان

سبزوار

بیهه یا بیهق نام قدیم سبزوار است ونیز برناحیه‌ایکه در مغرب نیشابور واقع است اطلاق میشود ولی از ۶۰۰ هجری قمری سبزوار وارث شهر کهن بیهق میگردد .

احمدرازی صاحب هفت اقلیم میگوید« تادویست‌سال‌پیش در سبزوار میدانی‌بود معروف بمیدان دیوسفید ومیگفتند که‌درین میدان رستم باسهراب مصاف داده‌است.»

سبزوار در زمان مغول ویران شد و در دوران **صفویه** رونق گرفت و حاکم نشین ولایت بیهق شد. سبزوار یکی از کانونهای اولیه تشیع‌در ایران بود واز نظرطرفداری‌ازخاندان علی (ع) وتعصب درتشیع‌در تاریخ ضرب‌المثل شده است . این داستان معروف‌است که **سلطان تکش‌خوارزمشاه** که بسبزوار آمده‌بود مردم سبزواررا تهدیدکرد که چون‌شیعی‌مذهبند ازغضب سیاست سلطان در امان نخواهند بود؛ مردم اظهارداشتند که نه چنین‌است، آنان نیزمذهب اهل تسنن دارند.سلطان گفت اگر راست‌میگوئید یك سبزواری بیاورید که‌نام یکی‌ازخلفای سه‌گانه

داشته باشد ، مردم بجستجو پرداختند و نیافتند . تنها مرد آبله‌رو کله طاس وچپ چشم ومفلوکی را پیدا کردند که اتفاقا ابوبکر نام‌داشت . اورا آوردند وبعنوان حجت برسلطان عرضه کردند ، سلطان خنده‌اش گرفت و گفت همین ابوبکر شما برتشیع شدید شمادلالت دارد .

ایلات سبزوار ازطایفه **بغایری** هستند وسبزوار مدتها دارالملک حکام معروف به **سربداریه** بود که درتاریخ تشیع ایران قبل از صفویه اهمیت فراوانی دارند . سر سلسله سربداریه **امیرعبدالرزاق بن خواجه فضل‌الله باشتینی** (منسوب به **باشتین** یکی ازقرای سبزوار) است . وی در دستگاه سلطان **ابوسعید** پسر **سلطان محمد خدابنده** تقرب یافت وپس ازمرگ سلطان درباشتین قیام کرد **علاء الدین محمد** وزیر خراسان را کشت ومردم قریه راجمع کردو گفت «فتنه عظیم بپاشد واگر مساهله کنیم همه کشته میشویم بمردی خود را بر سردار دیدن هزاربار بهتر ازآن که بنامردی کشته شدن» ونام سلسله سربداریه ازهمین جمله بیرون آمد . وی در ۷۲۸ سبزوار راتصرف کرد و بنام خود خطبه خواند وسلسله شیعی سربداریه راتشکیل داد ودایره نفوذآنان گاه تادورترین نقاط خراسان کشیده می‌شد . **امیرتیمور** ابتدا بااینان ساخت ولی سربداریه علیه اونیزطغیان کردندوامیرتیمور سبزوار را برسرآنان خراب کردواز اجسادمردم دیوارهای ویران شده قلعه را تجدید بنا کرد ودردو دروازه شرق وغرب ازسرهای مردم دو منارساخت وبرروی آن مشعلی برافروخت و تا مدتها این برجهای افتخار پابرجا بود .

سربداریه درترویج مذهب تشیع کوشش بسیار کردند . **ابن بطوطه** میگوید: اینان میکوشند تا تسنن رابردارندوتشیع را

جانشین آن‌سازند ، یعنی‌سه قرن‌پیش‌از**صفویه** خواستندرسالتی را که صفویه بانجام رساندندعملی‌سازندو توفیق نیافتند .

دراوایل‌جلوس **شاه عباس** صفوی **عبد المؤمن خان ازبك** که مشهد را غارت کرده واشیاء نفیس‌آستانه را ربود، بر سبزوارنیزحمله‌آورد وبنابقول صاحب تاریخ **ریاض السیاحه** «اهلش راتماماقتل نمود»(ص۲٤۳)

قلعه سبزواررا **امیروجیه الدین مسعود** سربداری بنا کرد . پایه‌برجهای قلعه‌ازآجروباقی ازخشت‌خام‌است. کوچه‌های سبزوار اغلب‌سنگفرش وپاکیزه‌است وازمیان‌آن‌جوهای سنگچین و منظم‌آب سه قنات معروف **عبدالرحمن-قصبه‌وعمیدآباد** میگذرد .

کاروانسراهای سبزوار یکی‌کاروانسرای**پامنار**است ودیگری‌کاروانسرای **حاجی محمد زمان**و سومی‌کاروانسرای **شریعتمدار**معروف. دردروازه نیشابور **حاجی فرامرزخان** کاروانسرائی‌بسیار عالی‌برای زوارو مسافران بناکرده است-در **دروازهٔعراق** رباط مستحکم وبا اهمیتی است یادگار **میرزا ابراهیم شریعتمدار** .

اركسبزوار درشمال شهربر روی تپه‌ای مصنوعی ساخته شده که‌آثارآن هنوز برجاست .

سبزواربر لب‌کویر قرارگرفته است؛هوایش‌گرم وخشك است‌وگاه‌بادهای خاك‌آمیز تندی هوارا تیره میسازد ولی‌آسمان شب‌کویر بخصوص درتابستانها زیباترین چشم اندازها را پدید میآوردوچون بخارآب‌درهوا بسیارکم است‌درخشش‌ماه‌وستارگان جلوه‌ای‌بی نظیر دارد . گر چه سبزوار از شهرهای درجه دوم خراسان‌است وبخصوص راه‌آهن‌تهران-مشهدرا طوری‌کشیده‌اند که‌این‌شهردر حدودپنجاه‌کیلو متراز‌آن‌دورافتاده بااینهمه یکهی

ازمعتبرترین کانونهای تولیدی وتجارتی خراسان بشمارمیرودو غالب مردم‌فعال‌این‌شهر کاسب‌وتاجرند وهرسال مقدارزیادی‌پنبه پشم ، ابریشم ،غله ،زیره وکتیرا ازآن‌صادرمیشودبخصوص‌زیره سبزوار بسیار مرغوب است‌ودربازارهای جهان جای خودراباز کرده‌وتاحدی فقدان درآمدتریاك را از نظر کشاورزی جبران میکند .

مسجد جامع

این مسجد ازبناهای سربداریه است که ازقرن‌هشتم برجا مانده است ولی ازساختمان محراب چنین برمیآید که‌پیش‌ازاین سلسله نیزاینجا مسجد بوده‌است وسربداریه‌آنرا توسعه داده‌اند زیرامحراب مقصوره ابتدابسبك اهل تسنن ساخته شده‌بودوبعد محراب کوچکتری درمیان این‌محراب بسبك تشیع ساخته‌اند.

طول مسجد ۵۰قدم وعرض‌آن‌چهل‌قدم‌است. دهانه‌مقصوره نه مترو فرش‌اندازآن نوزده‌مترو ارتفاع‌ایوان درحدودهیجده‌متر است . این ایوان رابعدها تجدیدبنا کرده‌اند .

مسجد جامع قدیم

این مسجد بنام‌پامنار معروف‌است ونزدیك‌مدرسه **حاجی ملاهادی اسرار** قراردارد . درشمال‌مسجدمناری بسیارقدیمی برپاست بارتفاع ۱۵٫۵ متروبالای آن کتیبه‌ای بخط کوفی بچشم میخورد وایوانی متصل باین مناربوده که‌آثارآن هنوزپیداست‌و میرساند که اینجا مسجدی بسیار قدیمی بوده‌است . متصل‌بمناره دیواری نیز بوده که ویران‌شده وقدمت‌این‌مسجد را تأییدمیکند براین دیوار کتیبه‌ای گچ بری شده . طاق‌شبستان کنونی برهمان پایه‌های قدیمی‌بالارفته‌است . شبستان ۲۱ × ۲۵ قدم‌است‌وصحن کوچکی که‌در جنوب‌شبستان‌است‌ازبناهای اخیراست : هرتسفلد متعقداست‌که این مناره از بنای سربداریه است در حدود سال

۶۰۰ هجری.

مدرسه فصیحیه

بانی این مدرسه **حاج عبدالصانع سبزواری** است و در سال ۱۳۲۶ قمری آنرا باتمام رساند. مدرسه ۳۶ حجره طلبه نشین دارد و دو مدرس (تالار تدریس) در طبقهٔ بالا و طبقهٔ پائین. حاجی ملاهادی سبزواری آخرین فیلسوف بزرگ تاریخ ایران در این مدرس تدریس میکرده است.

مدرسهٔ کهنه

بنای مدرسه از گچ و آجر است. چهارصفه دارد که بر بالای هر یك ایوانی قرار دارد، سردر خارجی مدرسه کاشی کاری بوده که ریخته است. مدرسه در زمان **معزالدوله** ساخته شده. سردر مدرسه طاقی است بزرگ که سقف آن مقرنس کاری شده و دیوارهای آنرا با کاشی پوشانده اند.

مزارهای سبزوار

در وسط بازار سبزوار دو بقعهٔ وصل بهم دیده میشود منسوب به دو امامزاده. یکی از اینها و متعلق است به یحیی پسر امام **موسی بن جعفر** (ع) که گنبد کوچکتری دارد بارتفاع بیشتر از ده متر. این بقعه به بقعهٔ دیگری راه دارد. بقعهٔ دومی منسوب است به امامزاده **حسن** از نواده های **امام محمدباقر**. بنای این بقعه مربع است و کتیبه ای بسیار ظریف و هنرمندانه بر آن گچ بری شده است. در وسط بقعه صورت قبری است از گچ. در اینجا کتیبه ای بخط کوفی وجود دارد. ساختمان بنا از زمان **غازان خان** است و تاریخ ثمان و سبعمائة = ۷۰۸ بزحمت هنوز خوانده میشود.

مزار دیگری که در دروازه ارك واقع است متعلق است بامامزاده **فضل بن زید.**

مزار سبز یا گنبد سبز مدفن **شاه حبیب الله** است. در جنوب شهر سبزوار نیز مزار دیگری است منسوب به **امامزاده شعیب** و در همین نقطهٔ شهر مزاری است معروف بمزار **پیر حاجات** که از زهاد و صاحبان کرامات بوده است و اکنون مردم سبزوار بکرامات وی بسیار معتقدند.

مقبره حاجی ملاهادی سبزواری

حاجی ملاهادی سبزواری از فلاسفه بزرك تاریخ اسلام است و بر آخرین مردی میدانند که در تاریخ اسلام بعنوان فیلسوف بزرك اسلامی خوانده میشود؛ خانه وی در دروازهٔ نیشابور است و در همین جاست که **ناصر الدینشاه** بملاقات وی آمد. آرامگاه وی اکنون در بیرون دروازهٔ نیشابور برسر راه زوار مشهد است. **میرزا یوسف مستوفی الممالك** تکیه و بقعه‌ای برسر مرقد وی بنا کرده است.

شاهزاده یحیی

آرامگاه وی در وسط شهر سبزوار نمایان است و چون مورد توجه و احترام فراوان اهالی است از ویرانیهای روزگار مصون مانده است.

خسرو گرد

بیهق ـ شهری است که اکنون سبزوار جای آنرا گرفته و در چند کیلومتری مغرب سبزوار قرار داشته است. بیهق را صاحب کتاب تاریخ بیهق ساختهٔ **بهمن بن اسفندیار** میداند و پیش از قرن هفتم مرکز ولایت بیهق بوده و سبزوار قصبهٔ کوچکی بوده است

درمشرق آن. ازاین شهر امروز تنها مناره‌ای برجامانده است وچون مردم دیگر بیهق را فراموش کرده‌اند آنرا بنام نزدیکترین دهی که در آنجاست منارخسرو گرد مینامند . منار خسرو گرد سی متر ارتفاع دارد و سکوی پای منار مکعبی است که هر ضلعش پنج متر است. پیرامون منار در دوجا کتیبه‌ای بخط کوفی دارد و چنین مینماید که متعلق بمسجدی بوده است. **ناصرالدینشاه** در بازگشت از خراسان دستور داده است آنرا مرمت کنند .

هرتسفلد مستشرق آلمانی میگوید «این مناره در ۵۰۵ هجری یعنی در اواخر دورانی که خسرو گرد مرکز و پایتخت بیهق بوده است بتوسط یکی از امراء سلطان سنجر سلجوقی ساخته شده و احتمال میرود که متعلق بمسجد یا مدرسه بوده است»

منار خسرو گرد یکی از زیباترین مناره‌های ایران است . کتیبهٔ منار را **خانیکف** در سال ۱۸۵۸ توانسته است بهتر بخواند. عبارت کتیبه این است . «بپایان رسید در سال ۵۰۵ هجری» و این زمانی است که سلطان سنجر فرمانفرمای خراسان بود .

استیر

در شش کیلو متری غرب خسرو گرد ، کنار جاده تهران مشهد، دهی است بنام استیر که اصل آن سدیر یا سه دیر بوده است و چنین برمیآید که در اینجا راهبان مسیحی سه دیر ساخته بوده‌اند .

در کنار استیر دو بنای تاریخی دیده میشود یکی معروف به «پیر استیر» که آرامگاهی بشکل مربع است و درچهار دیوار آن هشت طاق کوچك ساخته‌اند و بر روی بقعه گنبدی است بارتفاع تقریبی ۱۵٫۵ متر. سه صندوق کهنهٔ چوبی متوازی هم در وسط بقعه نهاده شده است ومیگویند شش نفر از علمای اولاد **کمیل ابن زیاد** در اینجا مدفونند . در زیر هر صندوق قبر دو نفر تشخیص داده میشود

در بیرون بقعه سنك قبری بر دیوار نصب شده متعلق به **سلطان حسین خواجه جمالی**. پهلوی این بقعه بنائی است به شکل مربع، هر ضلع شش متر، که بعدها هشت اطاق در پیرامون آن ساخته‌اند. و بر روی این هشت اطاق گنبدی بارتفاع ده متر برآورده‌اند. در دیوار جنوبی صورت محرابی است کوچك بشکل مربع که قبلا اطاقی بوده است ودرزیر طاقها کتیبه‌ایست بخط نسخ که اسامی امامان و احادیث و کلمات قصار نوشته شده است.

مردم اینجارا مسجد میخوانند ولی سبك ساختمان بهیچوجه بامسجد مناسب نیست و باهیچیك از سبکهای مختلفی که درساختمان مساجد اسلامی دیده میشود تشابهی ندارد. چندجای نصب چراغ نیز در دیوارها هست و برخی گمان میکنند که اینجا مرکز ریاضت راهبان مسیحی بوده است وشاید سه دیر معروف درهمینجا بوده است و آنچه مسلم است یکی از این سه دیر همان بنائی است که امروز آنرا به اولاد کمیل منسوب میکنند.

فرومد

فرومد یا فریومد بر سرراه **ابریشم** معروف که شاهراه تجارتی بزرك تاریخ بوده است قرارداشته وپل ابریشم که برروی رودخانه شور بسته شده بود اکنون درچهل کیلومتری آن واقع شده است. (جادهٔ ابریشم ازشمال ایران میگذشته **وچین** را به **اروپا** متصل میکرده است. دربرابر **جاده ادویه** که ازجنوب ایران میگذشته **وآسیا وافریقا** را بهم پیوند میداده است.)

وجود آثار رباطهای شاه عباسی در نزدیکی فرومد نشان میدهد که تا آن زمان فرومد درمسیر شاهراه بزرك خراسان قرارداشته است

اکنون فرومـد قریب چهارهـزار نفر جمعیت دارد.

مسجدفرومد

درفرومدمسجدی بسیار بزرك وپر شکوه وجوددارد که متاسفانه بسرعت روبویرانی است ،معروف است که درزیراین مسجد گنجی نهفته است وهمین اعتقاد موجب شده که درجستجوی آن برویرانی مسجد بیفزایند . آنچه مسلم است آلات وآثار باستانی بسیاری از آن کشف شده است ومردم فرومداز طلاها وجواهراتی که ازاین مسجد یافته اند بسیارسخن میگویند .افرادی بارها بصورت درویش وغیره بعنوان بیتوته درمسجد شبها درآن بحفاری پرداخته اند وهرچه داشته برده اند. چنین بنظر میرسد که این مسجد درآغاز معبدی زرتشتی بوده وبعدها بصورت مسجد تغییرشکل یافته است. ایوانهای باندوفضای کوچك داخل آن باآتشکده بیشتر میماند تابمسجد این فکرازدیرباز درمیان مردم رواج یافته است که این مسجد نماز ندارد زیرا بسیار مزین ومنقش است واین میرساند که تزیینات وآثار هنری بسیاری درمسجد بوده که متأسفانه روزگار ونادانی مردم روزگارهمه را بباد داده است. مسجددارای گنبدی بزرك بوده که قریب صدسال پیش فرو ریخته است.

این مسجددرقرن ششم قمری ساخته شده است . آثار گچبریها تزیینات، محراب وخطوط بسیار ممتازی که درآن است حکایت از زیبائیها وتزیینهای اولیهٔ آن میکند.

کلات نادری

بخشی ازشهرستان درگز است .کوهستانهای خشن این

سرزمین ازدیرینه ترین ایام تاریخ ازنظر سوق الجیشی دارای اهمیت فراوان بوده وبسیاری از وقایع حماسی و جنگی اساطیر و تاریخ ایران دراین منطقه رخ داده است .

حصار کلات وساختمانهای داخلی آن تاریخی مبهم وبسیار کهن داردواز بناهای شگفت انگیز جهان است .قدیمترین متنی که اکنون دردست داریم ودرآن از کلات یادشده شاهنامهٔ فردوسی است.

کلات همواره درتاریخ دژمحکم جنگاوران بزرك بوده است پس ازاسلام **ابوعلی سیمجور وفایق** سردار شورشی علیه **امیر نوح بن منصور سامانی**، در ۳۸۵ پس از شکست از **ناصرالدین سبکتکین** پدر **محمود غزنوی** درحوالی طوس، در قلعهٔ کلات حصاری میشود .

کلات درمنطقه‌ای واقع است که «گذشته» باهمان رنك وبوی دیرینه‌اش درآن بچشم میخورد وایران پیش از اسلام را میتوان احساس کرد .

آثار تاریخی کلات

باروی دربند ارغوانشاه

ساختمانی است آجری دانه‌دار که بشکل مخروطی ناقص بارتفاع ۳۵ متر از کف ژرف رودو هشت متر از کف زمین بالا رفته است. این بارومحل سکونت ودیده بانی قلعه بیك بوده وقلعه بیگی سمتی بود که تااواسط دوران مظفرالدین شاه دراین محل وجودداشته است. قلعه بیك مامور حفاظت قلعه کلات بود و هشت آبادی درون کلات رادیده بانی میکردوورود بکلات ودیدن عمارات وآبادیهای آن باجازه وی بود.

شاید ارغوانشاه همان ارغوانشاه فرزند آباقاجان پادشاه پسر هلاکوخان که سلسله ایلخانیان راتشکیل دادند باشد. این ارغوانشاه باتکودار ملقب بسلطان احمدعمومی وخود برسرسلطنت نزاع داشت ودر پیرامون جلگه طوس باهم جنگیدند. ارغوانشاه شکست خورد وبقلعه کلات پناهنده گشت (بسال ۶۸۳ قمری) سلطان احمد که میکوشید اورا دستگیر سازد میدانست که فتح کلات که قلعه‌ای مستحکم وتسخیرناپذیر است بااعمال زور ممکن نیست به تزویر پرداخت ویکی از سرداران خودرا بنام الیناق که در حیله وسیاست شهرت داشت مامور فریب ارغوان کرد. الیناق در ماموریت خود توفیق حاصل کرد وارغوانشاه راازقلعه بیرون کشید وبحضور سلطان احمد برد وبالاخره اورازندانی کرد.

سلطان احمد تکودار چون باسلام گرائید، موجب نارضائی شدید سران مغول شدوزمینه رابرای ارغوانشاه زندانی وی آماده کرد وامرای مغول پنهانی باوی همداستان شدند وسلطان مسلمان شده را دستگیر کردند وارغوانشاه را بجای او بسلطنت برگزیدند.

کتیبه سنگی

ازباروی دربندارغوانشاه که میگذریم به کتیبه‌ای میرسیم که درطرف راست درارتفاع پانزده متری زمین است. برروی این کتیبه سنگی ۲۴ مصراع شعر کنده شده که چهارمصراع آن بزبان فارسی وبقیه بترکی درمدح نادرشاه افشاراست. این اشعاررا گلبنی افشار شاعرمعاصر نادرسروده است چهارمصرع شعرفارسی آن پس از بسم الله الرحمن الرحیم وهوالعلی الاعلی:

ابتدا احمد خدای احدوفردوقدیم
قادر لم یزل عالم دانا و حکیم
مصطفی خلق و مسیحادم ویوسف طلعت
بوعلی دانش وحاتم کف ولقمان حکمت

این کتیبه بخط نستعلیق بر کوه کنده شده وازنظر حجاری بسیارعالی است ، تاریخ آن در کتیبه نیامده است ولی ازقرائن تاریخی چنین بر میآید که بایداز سالهای ۱۱۵۵-۱۱۵۷ باشد . چون کتیبه در فضای بازاست از گزند بادو باران مصون نمانده است .

کاخ خورشید.

بزرگ ترین بنای کلات که اکنون پدیداراست کاخ خورشیداست که قصر سلطنتی نادرشاه افشار بوده وخود وخانواده اش مدتی در آن اقامت داشته اند . کاخ درمیان باغ قراردارد و پیش از چهار باغ دیگر در پیرامون این باغ بزرگ بوده است. دیوارهای باغ تاارتفاع یکمتر باسنك بالاآمده است وازآن ببعد ازآجرساخته شده. این آجرهارا غالباً بعدهار بوده اندویاخود ریخته است وجای آنرا چینه گل کرده اند کاخ درنظر اول یکپارچه ازسنك مینماید . درون آن با آجرهای محکمی ساخته شده که ازبتون مسلح سخت تراست . نمای خارجی را با سنگهای حجاری شده ساخته اند این سنگها هر یك دومتر طول ویکمتر عرض دارد وقطر هر کدام ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است.

قصر خورشید سه طبقه دارد. ارتفاع سه طبقه ۲۵ متراست ولی درسال ۱۲۹۹ قمری (۱۸۸۱ میلادی)طبقه سوم را زلزله شکافت وبعدها چون مرمت نشد بکلی ریخت . بنای قصراستوانه مانند است و سنگهای نمای آن مرمرسیاه است که گردیا برجی تراشیده شده. طبق تحقیقات پرفسور لکهارت انگلیسی سنگهای مرمرسیاه را کـه برروی پوشش خـارجی قصرخورشید بکـار برده اند . بدستور نادرشاه ازمراغه وآذربایجان بدینجا حمل کرده اند وهرقطعه آن ۶۰ خروارو زن دارد و با توجه به وضع کوهستانی ناحیهٔ کلات وراههای دشوار وصعب العبور آن شگفتی این کار بیشتر نمایان میشود . این دستور به مسابقه ای همانند است

که نادر برای حمل سنگاب بزرگ حوض اسمعیل طلائی از هرات بمشهد درمدت حداکثر دوازده روز طرح کرده و بالاخره نه روزه حمل آن انجام شد.

قصر خورشید شانزده اطاق دارد. طبقه اول بخدمتکاران اختصاص داشته و دو طبقه دیگر خاص پادشاه و شاهزادگان و حرمسرا بوده است. این دو طبقه باریزه کاریها، مینیاتورها، تذهیبات و گچ بریهای بسیار مزین بوده است که متاسفانه همه ریخته و فقط در داخل برج که در وسط عمارت است طاق نماها و دیوار ها هنوز تا حدی آثار تزئینی و هنری خود را محفوظ داشته است. قسمتی از طلاکاریهای ظریف کاخ را برای ربودن طلای آن تراشیده و نابود کرده اند. هنوز تصاویری از شاهزادگان نادری در برج وسط عمارت برجاست. این نقشها شاهزادگان نادری را هر یك سوار بر اسبی عربی نشان میدهد که شاطری نیز پیشاپیش آنها در حرکت است. یکی از این عکسها متعلق به رضاقلی میرزا ولیعهد نگونبخت نادر است که بامر پدر میل در چشمانش کشیدند و کورش کردند. درسمت شرقی طبقه زیرین دالان تاریکی است ۲ × ۵ متر باهوای گرفته و بدون روزنه که میگویند نادر سرداران و شاهزادگان متخلف را در آنجا زندانی میکرده است.

ساختمان کاخ خورشید متعلق بسال ۱۱۵۵ تا ۱۱۶۰ قمری است زیرا نادر پس از آنکه در سال ۱۱۵۵ در جنك داغستان شکست خورد و فرزند رشیدش رضاقلی میرزا را کور کرد از نظر روحی بسیار شکسته و افسرده شده و بقول ملك الشعرای بهار «خروس زمانه» شکسته بال بکلات رفت و به این کوهستان پناه برد و قصد کناره گیری از سلطنت داشت و چون میخواست برای همیشه در کلات اقامت کند در ظرف شش سال کاخ خورشید - باروی بند ارغوانشاه - کتیبه سنگی - مسجد کبود گنبد - هفت کیلومتر آب

لوله کشی ـ سه طاق آجری و بنای آن بربالای ژرف‌رود ـ سد شرقی آسیابادی ـ و ۳۶۵ آب انبار آجری و آبادی و خشت را ساخت.

مسجد کبود گنبد

این مسجد از ساختمانهای نادرشاه است. گنبدش کبود و آسمانی رنك است ودر کنار آن دهی است بهمین نام که مرکز بخش است. این گنبد که از نظر معماری بسیار با اهمیت است رو بویرانی میرود و فقط در سال ۱۲۵۰ قمری پلنك توش خان از اعقاب طهماسب قلی خان سردار نادری تعمیراتی در آن کرده است.

لوله کشی آب

چون آب ژرف رود در هیجده کیلو متری کلات درده آبگرم یا گرماب یااستی سو باآب گوگردی غلیظ و گرمی مخلوط میشود آب آن برای آشامیدن ناگوار است. نادر برای استفاده ازآب خالص دستورداد ازهفت کیلو متری کبود گنبد با لوله‌های سنگی که از ۲ تا ٤ متری زیر زمین میگذرد آب رودخانه قره‌سو را بکاخ خورشید بیاورند.

سد رودخانه یاسدشرق

درچهار کیلو متری شرقی کبود گنبد سدی است برژرف رود بارتفاع هفتاد متر که با سنك و ساروج ساخته شده است بنا بسیار قدیمی تراز زمان نادر بنظر میرسد و باحتمال بسیار قوی ازیادگارهای سلجوقیان است وعرض آن دربالای بند درحدود ده متراست. سد دارای سه دهنه است وهنوزاستواروپا برجاست

و اکنون با ترمیمات مختصری قابل استفاده است . آب این سد را برای آبیاری صحرای ترکستان که اکنون درخاك شوروی است میبردند . طبق قرارداد آخال در ۱۸۸۱ میلادی همه آبادیها ودهات این منطقه ازایران جداشده وفقط دهیکه توت درمرز شوروی برای ایران باقیمانده است.

آبادی خشت

درهفت کیلومتری شمال کبود گنبد برقله کوه ودرمرتفع ترین نقاط کوهستانی کلات که دید ممتدی بطرف ترکستان شوروی دارد آبادی خشت بچشم میخورد واز خشت تا ٤٠ کیلو متری صحرای ترکستان زیر نظر قرار میگیرد . نادر برای حفظ جواهرات وگنجینهای خود این قله را انتخاب کرد ودر آن عمارات محکمی ساخته وبعد ها محل نشیمن چهل خانوار گردید . چون ساختمانهای این‌ده همه ازخشت پخته(آجر) ساخته شده آبادی بهمین نام شهرت یافته است . بااینکه‌ده‌در قله است ولی مزارع دیم‌کاری آن بوسعت ٦ × ١٢ کیلو متر است . آب آشامیدنی درده نیست و باظرف ازشش کیلو متری میاورند وآب دراینجا کاسه‌ای قرض‌داده میشود .

نادر پس‌از انتخاب آبادی خشت بعنوان گنج‌خانه‌خود از میان نیروی سواره وپیاده وتوپخانه‌خودعده‌ای رابپاسداری آن برگزید وبرای تامین آب آشامیدنی آنان در پائین دره‌ها با اسلوب صحیح بمقدار ایام سال ٣٦٠ آب انبار سر پوشیده ساخته شد. این‌آب‌انبارهارابا‌آجر وساروج محکم‌بنا کرده‌اند وبا آب باران وبرف پرمیشود.

در خشت چند آسیای بادی نیزساخته‌اند که امروزآثار آن‌هنوز برجاست . خزائن ودفینه‌های نادر بالای یك قله بلند

برلبه پرتگاه خطرناکی چرخشت وارساخته‌شده‌است .

قوچان

قوچان ازشهرهای بسیارقدیمی خراسان است که‌در تاریخ بصورت (خبوشان) معروف‌است .

شهرستان‌قوچان‌امروزشامل بخشهای **شیروان** و **باجگیران** است . ـ ۴۵۵ده دراین شهرستان وجود دارد که ازآن میان ۹۲ ده دارای مدرسه ودوده دارای درمانگاه و ۱۸۴ ده دارای حمام است .

ایزیدورخاراکسی میگوید «قدیمی‌ترین‌پایتخت **پارتها** **استاکا** یا **ارساکا** بود که درمحل قوچان فعلی‌قرارداشته» و بنابراین این‌شهرازشهر **صددروازه** نیزقدیمتراست. وی ادامه میدهد «در قرن ۱۲ میلادی قوچان مهمترین بلادناحیه**استوا** بود واستوا مطابق آستابنه یاآستاسنه است . در قرن ۱۲ در دوره ترقی **خوارزمشاهیان** قوچان یکی از مهمترین نقاطی بوده که درسرراه‌قسمت‌مرکزی خراسان‌واقع‌شده بود.این شهر درکسب اهمیت خود علاوه‌بروضع‌جغرافیائی‌مرهون‌حاصلخیزی زمین است .

در**تذکرهٔدولتشاهی** مینویسد :«**اتسزخوارزمشاه** در ۵۵۱ در**خرم‌دره** خبوشان ناگهان‌درگذشت »

حبیب‌السیرمیگوید:«**چنگیزخان**شنیدکه سلطان**محمد** **خوارزمشاه** از راه خراسان **بعراق** گریخته است .سه‌تن‌از سرداران خودرا در پی‌اوفرستاد**سویدای** که‌یکی از سه‌سردار بود **بطوس**وسپس **برادکان** شتافت‌چون مرغزاروجریان‌انهار

رادکان اورا خوش آمد متعرض این ولایت نشد امادرخبوشان واسفراین بقتل‌وغارت پرداخت»

واقعه مهمی را که مردم‌قوچان هنوز از یاد نبرده‌اند و بصورت‌یك حادثه معاصر ازآن نام‌میبرند **قتل نادرشاه افشار** است . نادر که درپایان کاردر اثرفشارهای‌روحی پس‌ازشکست **گرجستان** و کورکردن فرزندبرومندش رضاقلی خان‌وخیانت برخی از یارانش بدبینی شدیدوخشونت بیشتری پیدا کرده بود برهمه حتی نزدیکانش بسیار سخت میگرفت و سفاکیهای بیجا میکرد ، این وضع موجب شدکه سران کرد های قوچان با **علیقلی‌خان** برادر زاده نادر همدست شوندوطغیان کنند . نادر روز یکشنبه‌یازدهم‌جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ برای درهم‌شکستن شورش اینان بقوچان حمله برد . در **فتح آباد** قوچان شبانه بخوابگاه‌او ریختندوسرش راجدا کردند .

واقعهٔ دیگر حمله **عباس‌میرزا** نایب السلطنه قهرمان جنگهای ایران و روس است که برای در هم شکستن مقاومت ایلخانی مغول که در شهر حصاری شده بود قوچان‌را بتوپ‌بست ودر سال ۱۸۳۳ میلادی برج و باروی آنرا ویران ساخت‌و با جنك‌و کشتاربسیاربرشهر مسلط گردید. آخرین حادثه‌تاریخی قوچان‌قتل کلنل‌محمدتقی‌خان‌پسیان‌است.

مردم‌قوچان

قبل‌از آنکه‌کردهای **زعفرانلووشادلو** بنواحی‌قوچان وبجنورد بیایند طایفه **گرایلی** (در اصل گرائیت‌ایلی)درآنجا مسکن داشتند ولی پس‌از ورود کردها گرایلی ها تمرکزایلی خود را از دست دادند و پراکنده شدند . گرایلی ها همسایه مغولها بوده‌اند وازنظر زبان ومذهب ونژاد باآنان پیونددداشتند

ولی از نظر تمدن پیشرفته ترازمغولهای چنگیزخانی بودند .
قراقوم قبل از تصرف مغولهای چنگیزی پایتخت **اونك‌خان** پادشاه ایل گرایلی بود .اونك خان همان **کسی**استکه‌چنگیز - خان پس‌ازمرك پدرش بوی پناه میبرد وچند سال دردستگاه‌وی حمایت میشود . بالاخره‌میان‌چنگیز وپسران ونك خان دشمنی میافتد وچنگیز ازبیم‌جان بقبیله خودفرارمیکندودرآنجانیروئی بسیج کرده بجنك اونك‌خان بازمیگردد . اونك خان که‌درین زمان پیرو شکسته شده بود دربرابر چنگیزخان جوان و مصم بزانو درمیاید وبدست اوکشته میشود وقراقوم پایتخت حکومت چنگیزمیگردد.

هلاکوخان در حمله بایران ازهرده خانواده مغولی یك خانواده راهمراه خود میاورد ویکی از این طوایف همین گرایلی هاهستند که بهمراه هلاکوخان بخراسان آمدند و در نواحی قوچان وبجنورد اقامت کردند .

در اوایل روزگار **صفویه**، **ازبکان** از ضعف‌حکومت و اشتغال فراوان رژیم جوان صفوی ودوری پایتخت از خراسان استفاده کرده سراسرنواحی شمال شرقی ایران رامورد تاخت وتاز وقتل وغارتهای پیاپی قراردادند .غارتهای **عبدالمومن خان‌ازبك**درمشهدوشورش‌خطرناك**شیبك خان** که**شاه‌اسمعیل** برای شکستن او ازبابرشاه پادشاه کابل و **هرات** مددخواست از آن جمله است .

شاه عباس برای آنکه مردانی جنگاور وشجاع را در برابرهجوم دائمی ازبکها قرار بدهدو **هرات ومرو وچمچه ومهنه وباورد ونساء ودرون** را که درناحیه**آخال** است و امروز در تصرف روسها قرارگرفته ازیورشهای ازبکها محفوظ

بدارد به **شاهقلی سلطان** جدایلخانیان زعفرانلو لقب امیر الامرائی سرزمین آخال را عطا کرد و چهل هزار خانوار از کردهای **چمشکزك** را که دوسه سالی در **ورامین** الکا داشتند باین نواحی کوچ داد. درسلطنت **سلطان حسین** که مرکزیت ایران بازمتزلزل شد این طوایف برگرایلی‌ها که درشهرهای قوچان و بجنورد وشیروان و **سملقان** مسکن داشتند شوریدند و جانشین آنان گردیدند. زعفرانلوها قوچان وشادلوها سملقان و **بجنورد**، **کیوانلوها** کلات و **درگز** و **جانی قربانیها** ناحیه بین شمال مشهد تاشمال قوچان را تصرف کردند. درقریه **سکه** ازتوابع قوچان ساداتی زندگی میکنند که شجره نامه‌ای دارند که در نهصدو بیست واند نوشته شده وحکایت میکند که از اعقاب **شیخ نجم الدین کبری** هستند وازاین طریق **بامامزاده علی اصغر** فرزند **امام علی بن حسین** علیه السلام میرسند. پادشاهان صفوی همواره آنانرا تجلیل میکرده اند ودوفرمان از **شاه عباس** و **شاه سلیمان** مبنی برمعافیت دائمی آنان ازپرداخت مالیات دریافت کرده اند.

قوچان خراب شد.

درخراسان تصنیفی است معروف که همه آنرا میخوانند «قوچان خرابه للو...»

این تصنیف از یك واقعهٔ تاریخی دردناکی حکایت میکند. قوچان اصلی شهری بوده است درجنوب شهر کنونی که امروز به **کرده محله** یا قوچان خرابه موسوم است. عباس میرزا نایب السلطنه این شهر را محاصره کرد و با توپ ویران ساخت و آنچه را از زیر آتشبارهای وی بجای ماند زلزله مهیبی درسال ۱۲۶۷ بکلی محوساخت و بیش از دوهزار تن در زیر آوار جان دادند و بدینترتیب شهر قوچان بکلی خراب شد. از

تصادفات بسیار جالب اینستکه ماده تاریخ آن اینست «قوچان خراب شد» ۱۲۶۷

قوچان جدید خراب شد

پس ازآنکه قوچان خراب شد مردم مجددا بعمارت پرداختندوشهری نو ساختند ولی بازدر۱۲۸۸ یعنی بیست‌ویکسال بعداز زلزله اولی زلزله هولناك دیگری بجان‌شهرافتادو قوچان جدیدهم خراب‌شدو تاریخ‌آن عبارتست‌از: «قوچان‌جدیدخراب شد»-۱۲۸۸ !

شهرقوچان

قوچان از نظر شهرسازی منظم ترین شهر ایران است ساختمان شهر پس ازویرانی‌اخیر بتقلید از عشق آبادساخته‌شده است ، خیابانها منظم وکوچه ها همه راست وقرینه و باصطلاح میلان‌است . در وسط قوچان جدید تپه‌ای است‌مشهوربه**تپه‌ارك** که عمارت حکومتی‌در آنجا بوده است ولی بعدها که گروهی از ایل**فیوج**درآنجامسکن‌میکنند به «**قرشمال‌محله**»مشهور میشود .

قوچان ،شهرکردنشین خراسان ،ازشهرهای‌نادری‌است که درآن‌سه زبان فارسی ، کردی و ترکی رواج عام‌دارد.

چاه سعدوقاص

درنزدیکی قوچان وصل به **چمن‌لیلی** قریه ایست بنام «**یام**» که‌درکنارآن تپه‌ای‌مصنوعی دیده‌میشود ببام «**یام تپه**» مردم اینجا معتقدند که **سعدوقاص** سردار عرب در جنگهای

اسلام که فاتح ایران بوده‌است درچاهی که‌درین تپه قرارداشته افتاده وبهمین علت به چاه سعدوقاص مشهور شده‌است. اینمطلب گرچه درست نمینماید ولی وجود اینگونه اساطیرو افسانه‌های تاریخی دراطراف ناحیه‌ای ازقدمت بسیارآن حکایت‌میکند.

آثار بسیار از قبیل تپه‌های مصنوعی ـ برجها ـ و بقایای قلاع قدمت این نقطه را بروشنی تأییدمیکند .

مزارهای قدیم‌قوچان

مزارسلطان‌ابراهیم: این‌مزار منسوب‌است‌به ابراهیم فرزندحضرت‌رضا(ع)ومیگویندابتدا**سلطان‌محمدخوارزمشاه** بنای مزاررا آغاز کرده است‌وپس‌از عمارت قبه‌حمله‌مغول‌آغاز شده وساختمان‌مزارمتوقف ماندوساختمان نیمه‌تمام درطی‌دوقرن بوسیله‌حکام‌وخانهای محلی بانجام رسیده‌است. زلزله‌سال۱۲۶۷ گنبدو دیوارهای‌حرم راویران ساخت‌وایلخان این زمان که‌از ایل زعفرانلو بود برهمان‌پایه‌های قدیم آنرا تجدیدعمارت کرد ولی‌باز زلزله ۱۲۸۸ آنرا ویران‌کردو درسال۱۳۰۰ صاحب مطلع الشمس میگوید« قبه را برچیده‌اند و این ایام مشغول ساختن میباشند . »مخارج‌عمارت گنبد ازموقوفه امامزاده‌است.

چندورق قرآن بایسنقری را که از شاهکارهای‌هنرخط درتاریخ‌اسلام‌است‌دراینجاپنهان‌کرده بودند که بوسیله شاهزاده افسر کشف وبموزه آستانه سپرده‌شد .

نیشابور

و باغهای نیشابور ،افسوس‌که من
آنهارانخواهم‌دید! آندردژید

جغرافیا

شهرستان نیشابور ازشمال به‌کوه بینالود (معروف بکوه

نیشابور) ، از غرب بسبزوار ، از مشرق به بخش فریمان در شهرستان مشهد ، بخش کدکن در شهرستان تربت حیدریه واز جنوب بکاشمر محدوداست.

رشته کوههای بینالود که ازشمال نیشابور میگذرد از شمال غربی سرولایت تا جلگه رخ امتداد دارد و مرزمیان مشهد و نیشابور را مشخص میکند. بلندی مهمترین قله آن ۳۳۰۰ متر است درجنوب غربی شهرستان نیشابور ارتفاعات طاغنکوه و کوه جسته سبزوار رااز نیشابور جدامیسازد.

درحوزه نیشابور رودخانه دائمی وجودندارد. رودخانه های موسمی همان است که از بینالود ازدامنه جنوبی آن بطرف جلگه نیشابوردر ایام بهارسرازیرمیشوند.

شهر نیشابور برسرراه شوسه وراه آهن تهران ـ مشهداست راه شوسه مشهد به نیشابور سراسراسفالته است.

فاصله نیشابور تامشهد ۱۳۷ وتا تهران ۷۷۶ و تاسبزوار ۱۷۶ کیلومتراست . ارتفاع آن ازسطح دریا ۱۱۹۳ متراست یعنی ۱۸۲ متر بلند تر ازمشهد.

تاریخ نیشابور

معروف است که نیشابور راشاپور (اول یادوم) ساخته است برخی معتقدند که نیشابور همان شهر نسایای پارت است ولی آنچه تقریباً مسلم است نیشابور مرکز قسمت ابر شهر بوده است در برابر ایرانشهر واین نام بخودشهر نیز اطلاق میشده است بنابراین نام کنونی نام ابتدائی شهر نیست وشهر بر زمان شاپور وحتی

ساسانیان مقدم است(۱)

نیشابور درقرن‌سوم وچهارم میلادی‌اعتبار فراوان‌داشته‌و یزدگرد دوم آنرا اقامتگاه‌خود قرارداده‌است.

نیشابور بدست مسلمین درسال ۳۱ هجری فتح میشود. از این‌هنگام باهمه اعتباری‌که این شهر داشته ازنظر سیاسی تحت الشعاع مرو و بلخ بوده‌است.

پس‌از اسلام برای اولین بار نام نیشابور درقیام مشهور ابومسلم علیه رژیم بنی‌امیه بعنوان یك‌مرکز سیاسی ونظامی مهم برسرزبانها می‌افتد. ابومسلم درسال ۱۳۱ هجری وارد نیشابور میشود وحکومت آنرا دردست میگیرد ومسجدی درآن میسازد،

پس‌از آن نیشابور باقیام‌سردار شورشی خراسانی‌طاهر بن حسین‌مشهور به‌طاهرذوالیمینین که جنك مأمون راعلیه برادرش امین بپیروزی کشانده بودو بپاداش‌آن مأمون حکومت‌شرق‌ایران رادرسال ۲۰۵ هجری بوی‌سپردشهرت میگیرد. سلسه طاهریان که بدنبال طغیان طاهر که متمایل به تشیع بود بوجود آمد در خراسان‌اولین‌سلسله‌ایرانی‌است که‌پس‌ازحمله‌عرب درایران‌پدید میآید عبدالله‌طاهرمردلایق این سلسله نیشابور را مقر حکومت خوددرخراسان قرارداد و«طوری در خراسان حکومت‌کرد که پیش‌ازوی کسی نکرده بود» وی مردم دوست وطرفدار علم بود و«عقیده داشت که همه‌دوستداران علم‌را باید بساحت علم‌دسترس

۱ـ بانی‌نیشابورطهمورث دیوبندبوده بمروردهوررو بخرابی نموده؛اردشیربن‌بابك‌ساسانی‌جائی‌دیگرشهری‌ساخت وعمارات رفیع دروی‌طرح انداخت. شاپورکه‌درآن‌وقت نافذالفرمان خراسان بود آنجارا ازپدر درخواست نمود. اردشیر از فرزند مضایقه‌کرد چون شاپور پادشاهی‌غیوربود بعدازپدرآن‌شهر برانداخت ودرجای قدیم شهرعظیم‌بنانمود»(ریاض‌السیاحة)

باشدو تشخیص لایق از نالایق به پیشگاه خود علم واگذار شود »
(یعقوبی)

طاهریان بدست صفاریان بر افتادند ولی صفاریان هم پایتخت خودرا نیشابور قراردادند (۲۷۹)

سامانیان که برخراسان چیره میشوند پایتخت خودرا به بخارا میبرندولی خراسان این سوی جیحون راامیری که سپهسالار لقب میگرفت اداره میکردو مقر حکومتش نیشابور بود.

ازآن پس نیشابوراز نظر سیاسی تاحدی بمحاق میرود گرچه ازنظرعلمی دراوج کمال وعظمت بوده است.

پس ازخاموشی زمان غزنویان نیشابور درحکومت سلجوقیان بازسر برمیآورد وتبدیل بیك مرکز علمی وسیاسی جهانی میشود.

طغرل در۳۲۹ نیشابور راگرفت و پایتخت خود ساخت آلب ارسلان مدتی درآنجا اقامت کرد. درسلطنت همین الب ارسلان است که بهمت خواجه نظام الملك طوسی وزیر لایق ونامی او و ملکشاه نیشابور اعتبارعلمی مهمی یافت ویکی ازدو نظامیه معروف در نیشابور ساخته شدکه ازهمه سوی جهان متمدن دانشجو می پذیرفت.

دراین زمان درشهرسیزده کتابخانه معتبر بوده است.

تکانهای شدید زلزله رانیز نباید در سرگذشت نیشابور نادیده گرفت (۱) در ۵۳۰ هجری زلزله نیشابوررا ویران ساخت در۵۳۸ این شهرآتش گرفت وازبخت بدنه سال بعدازآن غزان وحشی بنیشابور تاختند و بقدری کشتند و ویران کردند که از نیشابورچیزی برجای نماند وبقیة السیف آن یورش ویرانه هارا رها کرده ودر کنارآنها شهرجدیدی ساختند.

۱ــ تاریخ یمینی نقل میکندکه نیشابوراز آغاز ۱۸ بار بزلزله ویران شده است (تاقرن پنجم)

پس‌ازآن حمله مغول آغاز میشود ونیشابور که هنوزآثار جراحات‌عمیق غزبر بدنش بود گرفتار درندگی مغول‌شد. تولوی پسر چنگیز بانتقام خون داماد چنگیز که باتیر کشته شده بود برسر شهرریخت وتنها چهار صد صنعتگر را برای خدمتکاری جدا کردند وبقیه‌را کشتند. پس ازویرانی‌شهرآنرا یکسره بآب بسته وشخم‌زدند. درمحل‌ویرانیها چهارصدمغول را گماشتندتاهر که‌پنهان شده‌بوده ازشمشیر بگذرانند(۲)پس‌از قیام سربداریه علیه‌مغول در۷۳۸ نیشابورازسلطه حکمرانی مغول نجات یافت‌و جزوقلمروحکومتی‌سربداریه شد.

با این همه ضربات کشنده نیشابور توانسته است برخلاف تصور، حتی پس‌ازحمله مغول اعتبارخودراتاحدی بدست آورد چنانکه حمدالله مستوفی (در۷۳۱ : تاریخ گزیده)وابن‌بطوطه (در۷۵۷ هجری:رحله) نیشابوررادیده‌اندوآنرایکی‌ازپرجمعیت ترین شهرهای خراسان دانسته‌اند وازمسجدعالی وچهارمدرسه آن نام‌برده‌اند. دراوایل‌صفویه عبدالله‌خان وعبدالمومن‌ازبك و قبل‌ازتسلط قاجاریه احمدشاه‌افغان‌آنرا بازچنان ویران‌ساختند که بقول **بارتولد** « یك منزل قابل سکونت در شهرنماند ».

ازاین پس‌دیگرنیشابورنتوانست باهمه موفقیت جغرافیائی خوبی که‌داشت‌قدعلم کندبطوریکه **فریزر** در۱۸۲۱ نقل‌میکند نیشابور دراین‌سال‌پنجهزارنفربیشترجمعیت‌نداشته‌است.

هیئت‌اعزامی موزه متروپولیتن‌آمریکا بیك‌سلسه کاوشهائی درشهرقدیم نیشابوردست‌زده است که‌گرچه بسیارناقص‌است‌ولی‌از نظراهمیت برخی‌آثارمشکوفه‌خلاصه‌ای ازآنرا دراینجامیآوریم.

آثاریکه هیئت مزبور بدست آورده همه متعلق به‌نیشابور

۲ـدوازده روزمقتولین‌را شماره‌کردند سوای‌اطفال‌ونسوان هزارهزاروهفتصدوچهل‌وهفت‌هزاربود.(روضة‌الصفا)

بعدازاسلام است.

۱ـ کاسه‌هائی که بدست آمده غالبا از گل سرخ ساخته شده دارای ظرافت خاصی است . برروی برخی از آنها خطوط کوفی بچشم میخورد ، این کاسه‌ها بی‌شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ، برخی از آنها بکاسه‌های ساوه وسامره وبرخی بکاسه های سنك ساسانی شبیه‌است وبنا براین میتوان گفت که نفوذ ساسانی دراین ناحیه بعد ازاسلام صورت گرفته است . برخی ازاین ظروف بسبك ظروف چینی نزدیك است ونفوذ هنر چینی رادراین دوره میرساند ومتعلق بقرن اول اسلامی است.

۲ـ درناحیه سبزپوشان سکه‌هائی بدست آمده وقدیم‌ترین تاریخی که بر آنها نقش بسته ۱۵۳ هجری است که آغاز ساختمان رادرین ناحیه میرساند. سکه‌هائی ازابومسلم نیز بدست آمده که نام «عبدالرحمن» بر آن ضرب شده است .

مزارهای نیشابور

عطار (۵۱۳ ـ ۶۱۷)

«سخنش تازیانه اهل سلوك است»
(شیروانی، ریاض السیاحة)

فریدالدین محمدبن ابراهیم عطار نیشابوری : شاعر و دانشمند وعارف ایران است . وی ازنظر آثاری که درادب وعرفان دارد پرکارترین شاعر ایران بشمار میآید . مقام وی درشعر عرفانی باندازه‌ای بلنداست که حتی درچشم مولوی :

عطار روح بود وسنائی دوچشم او ما ازپی سنائی وعطار آمدیم

ودرجای دیگر خودرا بااو چنین می‌سنجد :

هفت شهر عشق را عطار گشت ماهنوز اندرخم یك کوچه‌ایم

ونیز :

گرد عطار گشت مولانا شربت‌ازدست‌شمس بودش‌نوش

ازآثارمشهوراویکی به نثر «تذکرةالاولیاء» است درشرح حال عرفای بزرك که نه‌تنها ازنظرتاریخی بلکه ازنظرسبك نویسندگی بسیارخواندنی است و دیگری منطق‌الطیراست به شعر وبسیاری مثنویهای عرفانی‌وعشقی‌دیگر .

عطار چنانکه‌ازنامش‌پیداست درنیشابوردکان‌عطاری‌داشت (دکان‌عطاری درقدیم معادل داروخانه‌امروزبوده‌است.)میگویند علت انقلاب عرفانی روح عطارآن بوده است که روزی درویشی بداروخانه عطاروارد‌میشودوچیزی‌میخواهد، عطارباوچیزی عطا میکند وبازباردیگر وباردیگر وهربارعطار«درویش‌سائل‌راچیزی میدهد تاروزی‌عطارکه ازاصرار درویش بتنك‌آمده بود میگوید «ای درویش چراحرص‌میورزی ؟ » درویش میگوید «ای‌شیخ‌تو با این تعلق چگونه خواهی مرد ؟ » شیخ در پاسخ میگوید : «توبااین حرص وآرزوچگونه‌میمیری ؟ » درویش میگوید «چشم عبرت‌بین بگشاومردن‌درویشان‌ملاحظه‌نمای» این‌میگویدوکشکول زیرسرمیگذاردوالله‌رامیخواند وجان‌میدهد وعطارکه‌ازاین‌حادثه برمیشود دکان را بتاراج میدهد ودر راه عشق گام مینهد .

عطار از قربانیان یورش وحشیانه سپاهیان مغول است . میگویندمغولی‌اوراسیرمیکند ، دیگری‌اورا بهزاردینارمیخواست ازاوبخرد. عطارمیگوید مرانفروش که‌قیمت من‌زیاده براین است آنگاه‌مغول دیگروی‌رابه مشت کاهی‌خریدارمیگرددوعطارمیگوید بفروش که بیش‌ازین نمی‌ارزم ، مغول غضبناك میشود واورابقتل میرساند .

افسانه جالبی که‌درمرك اومشهوراست اینست که پس‌ازآنکه مغول سرعطاررامیبرد‌اوسرخودرا بدودست برمیدارد ونیم‌فرسنك میدود تاآنجاکه‌اکنون مرقداوست میایستدودرهمین‌نقطعه ازپای درمیآید ، قاتلش که بسختی‌ازجنایت‌خودپشیمان‌میشود کشته‌خویش را بااحترام بخاك میسپرد وتاپایان حیات‌برسر مزار او اقامت میکند .

خیام

منجم ، ریاضی‌دان و شاعر معروف ایران است . خیام که امروز دردنیا بنام شاعرمعروف‌شده‌است درتاریخ بعنوان‌یك‌نابغه ریاضی وهیئت اعتبار دارد .

خیام وحسن‌صباح (رهبرمخوف اسماعیلیه , حشیشین) و خواجه نظام‌الملك به«سه‌یاردبستانی» معروفندکه دربزرگی هر یك‌راهی پیشه‌کرد ، حسن‌رهبریك‌انقلاب مذهبی‌خونین‌وپیشوای نهضت تروریستی ضددولتی ،خواجه‌یك‌درباری سیاستمدار وخیام شاعری گوشه گیرومتفکر گردید .

خواجه‌نظام‌الملك‌برخلاف رابطه خصومتی‌که باحسن‌صباح داشت دوستی باخیام راکه ازسیاست برکنارماند وروزگاررابه اندیشه وحیرت‌وشراب گذراند همچنان حفظ‌کرد وگویندبرای امرارمعاش‌چندقریه بوی‌می‌بخشد .

درآثارعلمی خیام اندیشه‌تازه بسیاراست ولی درربا‌عیات مشهورش اندیشه تازه نیست اما دلهره و اضطراب فلسفی دائمی انسان رادربرابرهستی وحیات بزیبائی فراوان بیان‌کرده‌است‌و وبعقیده نگارنده هنری‌ترین رباعی وی‌این‌است .

(گرچه مشهورترین آن نیست) :

یارب بدل‌اسیرمن‌رحمت کن　　برخاطرغم‌پذیرمن رحمت کن

بر پای خرابات رومن بخشای بر دست پیاله گیر من رحمت کن

بجنورد

بجنورد در جلگه‌ای است ازشمال غربی بشرق کشیده ، زیر پای آن کوه **الاداغ وصعلوك** ودرسمت راست آن کوه **آق مشهد** وسمت چپش کوه **خان بالغ** قرار دارد .

آب **عین اللطف** شهر بجنورد رامشروب میسازد . هوای بجنورد بسیار معتدل وخوش است . مزارع پر برکت ودرختان میوه دار آن درخراسان مشهوراست. مردم بجنورد بیشتر ازطایفه **گرایلی** وکردهای **شادلو** هستند . داستان ورود این طوایف رادرآنجا که ازقوچان سخن میگفتیم بیان کرده‌ایم . مردم بجنورد نیز بفارسی وکردی سخن میگویند .

تاریخ

بجنورد دراصل بیژن گرد تلفظ میشده‌است واین اسم بسیار قدیمی مینماید زیرا (گرد) بمعنی شهر وآبادی است وبنابر این بجنورد شهر بیژن معنی میشود . بیژن گرد بعدها به بوزن گرد وبوزنجرد وبعدها بجنورد تغییر شکل مییابد .

درشمال غربی بجنورد کنونی تپه‌ای مصنوعی وآثار بسیار کهنی ازشهر قدیمی بچشم میخورد که «بیژن یورت» خوانده میشودو میرساند همان بیژن گرد است وبجنورد قدیمی دراینجاواقع بوده است . این تپه رامردم «کهنه کند» مینامند واین نام فارسی کهن در میان مردم کردزبان بجنورد حکایت ازآن دارد که پیش از صفویه اینجا بعنوان بجنورد قدیمی وویرانه‌ای تلقی میشده که شهر فعلی

پس‌ازآن ساخته شده‌است .

شهر کنونی بجنورد نوبنیاداست وسه قرن بیشتر ازعمرش نمیگذرد وتولیخان دوم آنرابنا کرده است .

بجنورد درشورش معروف **حسن‌خان ستار بجنوردی** ویرانی بسیاردیده ولی بعدترمیم یافته است .

آثار تاریخی بجنورد

نارین قلعه

برروی تپه کهنه‌کند ازبناهای بسیاردیدنی است . عظمت ودقتی که درساختمان نارین قلعه پدیداراست نشان‌میدهد که‌بنای آن‌باید بسیار قدیمی باشد وشایدازآثاری است که ازبیژن گرد باقی مانده .

آرامگاه‌سلطان سیدعباس

درجنوب شهربجنورد بقعه معتبری وجوددارد که برروی تلی بناشده ودرختان کهنسال ازپیرامون آن سربرکشیده انداین آرامگاه مدفن‌سلطان‌سیدعباس‌فرزند **امام‌موسی کاظم** است .

برلوح قبرامامزاده‌نوشته‌اند :

«هذامرقد مرحمت‌وغفران پناه‌سلطان سیدعباس‌ابن موسی الکاظم فی‌ثلاث مایه .»

تنها تاریخی‌که دراین‌بنا بچشم میخورد سال۱۲۲۳است و چنین مینمایدکه این تاریخ مربوط بسال تجدید بنا یاترمیم آن باشد.

جرمقان

درپیرامون آرامگاه سلطان‌سیدعباس آثاربسیاری‌ازیك‌شهر

قدیمی نموداراست . این شهر بنام جرمقان معروف بوده است و یکی ازشهرهای آبادوبزرك خراسان بشمارمیرفته وبدست سپاهیان مغول بکلی ویران شده است ـ ازویرانه‌های آن غالبا سکه‌هاوآثار ذیقیمت وتاریخی بیشماری یافت میشود .

وجوداین خرابه وتپه‌های مصنوعی که گنجهاوسکه‌هاوآثار پرارزش رادردل خودپنهان‌دارند موجب پیدایش شغلی بنام گنج یابی شده‌است وگنجیابها گروهی‌هستند که باحفریات‌وکندوکاو- هائیکه‌دراین‌خرابه‌هامیکنند گنجهاویادگارهای‌عزیزتاریخ‌ایران رامیجویندوآنهارا درهم‌میشکنند وتنها طلاونقره وجواهرهائی‌را که بدست‌میآورند بثمن بخس میفروشند .

جلیان ـ بابا توکل

درراه بجنورد بشیروان بجلیان میرسیم جلیان دردره‌ای محصوروپناهگاهی‌سخت‌وطبیعی‌قرارگرفته‌است وازهرسودیواره- های بلندکوهستانی آنرادرآغوش خوددارند .

جلیان درقدیم اهمیت‌فراوان‌داشته‌وشهربجنورد وسملقان‌و اسفراین‌ازتوابع‌آن بشمارمیرفته است . قوچان‌حاکم نشین‌بالا وجلیان‌حاکم نشین پائین‌ولایت بوده‌است .

درجلیان پائین، مقبره ایست مشهوربه‌مقبرهٔ **باباتوکل** که ازعرفا وزهاد بزرك بوده‌است ، این رباعی‌که میگویند در خانهٔ‌کعبه مسطور بوده دربارهٔ اوست :

هم کان مروتی و هم برهانی
هم دست ولایتی و هم سلطانی
مشهور تری زآفتاب ثانی
قطب دو جهان توکل جلیانی

درشمال مقبرهٔ‌بابا توکل‌مدفن **امیرشمس‌الدین‌محمد**

بن امیر نظام الدین ولی بیك نمایان است . وی شاید همان فرزند امیر ولی بیك باشد که یکی از امرای نامی **سلطان حسین میرزای بایقرا** است لوح قبر وی را که سنگی از مرمر سیاه شبه رنك ومستطیل است واز نظر حجاری وکنده کاری و زیبائی خط بسیار عالی است مردم از زیر خرابه‌های قبهٔ این امیر برداشته وبر روی قبر بابا توکل نهاده‌اند. برحاشیه این سنك قبر نوشته‌اند .

تاریخ سال نهصد وسی بود کز قضا
شد نورچشم عالمی ازدیده‌ها نهان
شمعی که بود بزم شرف روشن از رخش
در پیرهن کشید سر خویش ناگهان

جاجرم

درجنوب غربی بجنورد واقع است . مردم آن ازچندین طایفه‌اند : **مقصودلی‌ها** که تیره‌هائی از **گرایلی‌ها** یند که در زمان **آقامحمدخان قاجار** باینجا کوچ کرده‌اند . **گنجه‌ای‌ها** عربهائی که از **بسطام وشاهرود** آمده‌اند، **از بکها** از **خوارزم شاکریها** از **بخارا** . **فخرائی‌ها** ، **شیخ الاسلامی‌ها** که از **سادات حسینی** هستند **مضانلوها** که ازاعیان ایل گرایلی هستند ودرزمان **نادرشاه** بعلت هجوم **ترکمنها** باینجا رانده شده‌اند .

مسجد جامع جاجرم

مسجد جامع جاجرم یکی ازمساجد قدیمی اسلامی بشمار میرود . صحن کوچکی دارد ولی دارای شبستان وصفه‌های بزرك است . بر بالای صفه جنوبی آن در زیر سورهٔ توحید نوشته شده

است «بتاریخ بیستم ماه سته سبع‌وسبعین و ؟» کلمه بعد خوانده نمیشود. ولی صاحب‌مطلع‌الشمس‌در ۸۵ سال پیش که آنرا دیده بهتر توانسته است بخواند . وی‌میگوید بظن قوی‌این کلمه باید خمسائه باشد واگروی آنرا درست‌خوانده باشد تاریخ بنای‌مسجدیاحتی تجدید بنا یاترمیم آن‌است بنابراین‌ازآثارماقبل‌مغول‌است .

مقبره علی بن مهریار

ازدروازه‌شرقی‌جاجرم بطرف‌جنتای‌وجوین بقبرستانی کهنه میرسیم که‌آثار چند بقعه تاریخی‌درآن نموداراست . یکی‌ازاین بقه ها که‌شناخته میشود متعلق به‌علی بن‌مهریار است که مردم‌او را خواجه‌مهریارمینامند . وی ازیاران نامی ائمه شیعه بخصوص حضرت رضا (ع) بوده ازجانب‌امام نهم سمت نمایندگی‌داشت و ازاصحاب سربشمار میآمد وی کتب‌بسیاری درعلوم مذهبی تالیف کرده‌است . آجرهای‌روی مقبره که‌آیات قران‌برآن بطرزبسیار زیبائی نقش‌شده بدست **افغانها** ویران‌شده وریخته‌است وبعد ها آجرهارا بطورنامنظمی برروی قبرنصب کرده‌اند .

رباط سونج وقلی

رباط سونج که‌درتاریخ ازآن بسیار یادشده است در ۳۶ کیلومتری غرب جاجرم است . رباط قلی‌هم که درکنار شاهراه قدیم خراسان واقع شده است ازسنك خارا بناگشته واستحکام فراوانی دارد .

جاجرم درتاریخ اسلام‌دارای‌اهمیت وقدمت فراوانی‌است شاعران و دانشمندان ناموری از اینجا برخاسته اند از جمله **بدرالدین جاجرمی** شاگردمعروف **مجدهمگر** که‌شاعرتوانائی

است همچنین **ابوالقاسم عبدالعزیز مستوفی ۴۴۰** و **ابواسحق ابراهیم جاجرمی** از علمای حدیث که در نیشابور تدریس میکرد متوفی بسال ۵۴۴ .

هوای جاجرم بسیار گرم وزیرپای آن کویر است که از آنجا بادهای سوزان میوزد . نمك جاجرم را بگرگان و بجنورد وجوین میبرند .

کاشمر (ترشیز)

نام قدیمی این شهر ترشیز است درجنوب غربی مشهد، مشهور است که آنرا بهمن پسر اسفندیار ساخته است. هنگام قیام **حسن صباح** ازجملهٔ قلعه‌های محکم «ملاحد» (اسمعیلیات پیرو **حسن صباح**) بوده است .هلاکوخان درعبور ازخراسان ترشیز را ویران ساخت.

ازمیوه‌های معروف ترشیز آلو بخارا است .انگور وانار و کشمش سبز وآنغوزهٔ آن معروف است. ابریشم و تنباکو درآن بعمل میآید.

قریهٔ کشمر (کاشمر) نزدیك شهر ترشیز (کاشمر فعلی) واقع است. سرو تاریخی کشمر بدین قریه منسوب است وآن سروی است که بنا برسنت وروایات زرتشت از بهشت آورده بود.

یکی شاخ سرو آورید ازبهشت
بپیش درشهر کشمر بکشت (شاهنامه)

متوکل عباسی هنگامیکه جعفریه سامره را میساخت **بطاهر ذوالیمینین** حاکم خراسان فرمان داد که درخت را قطع کند و ببغداد فرستد .جمعی ازمجوس ۵۰ هزار دینار میدادند تا ازقطع آن مانع شوند .طاهر ایرانی برای خوشایند خلیفه قبول نکرد .اما

درخت بیك منزلی بغداد که رسید متوکل را پاره پاره کردند.

در کاشمر مناری است متعلق بقرن هفتم و هر تسفلداز آن در «آثار ایران» یاد میکند. این منار متعلق به مقبره ایست در پای آن.

خواف وزوزن

نام سابق آن که فعلا مرکز بخش است «روی» بود وسنگان و دشت زوزن از توابع آن است.

۱ـ **مسجد خرگرد** گویا یکی از نظامیه‌های معروف است، خواجه نظام الملك آنرا در ۴۵۰ هجری ساخته است و اکنون درشش کیلومتری خواف ومتأسفانه در اثر عدم توجه رو بویرانی است ولی آثاری از کاشیها و تزیینات معماری که در آن هنوز باقی است نشان میدهد که در این بنا تا چه حد هنر وظرافت بکار رفته بوده است. کتیبهٔ مسجد محفوظ مانده.

۲ـ **مدرسه خرگرد** بمدرسه غیاثیه شهرت دارد و از آثار قرن نهم هجری و تقریباً همسال مسجد گوهرشاد است. کاشیهای بسیار نفیس دارد.

تربت جام

تربت جام در ۱۶۵ کیلومتری جنوب شرقی مشهد کنار مرز افغانستان است. شهرستان تربت جام ۹۹ هزار نفر جمعیت دارد این

شهر نیز مانند تربت‌حیدریه بنام‌شیخ بزرگی که در آن مدفون‌است شهرت‌یافته و آن‌شیخ‌احمد جام ملقب به‌ژنده پیل‌است که ازعرفای بسیار نامی قرن‌پنجم‌هجری‌است . نام‌تاریخی تربت‌جام زام‌یاسام بوده‌است که‌بجام تغییر یافته‌است.

شیخ احمد جامی در ۴۴۱متولد شده. در بیست ودوسالگی انقلابی روحی دروی پدیدمیآید واورا بکوهستانهای‌جام‌میکشاند وهیجده‌سال‌در آنجا با نزواوریاضت‌میپردازدو بمقامات‌بلندعرفانی میرسد وخرقه از دست **شیخ ابوطاهر** فرزند **شیخ ابوسعید ابی‌الخیر** میپوشد و بارشاد خلق مامور میشود.

شیخ جام معاصر شیخ **احمد غزالی** و خواجه **یوسف همدانی‌وشیخ‌نجیب‌الدین سهروردی** و بسیاری ازعرفای معروف‌تاریخ‌ایران است. وفات‌او بسال ۵۳۶رخ‌داده وماده تاریخ مرگش«احمد جامی‌قدس‌سره»شده‌است.

بقعه‌ای که‌اکنون بر مزار شیخ‌احمد است بدستور خواجه **علاءالدین محمد** عمارت‌شده‌درفرهنگ‌جغرافیائی‌بنای مزاررا **به‌سلطان‌سنجر** نسبت‌داده‌اندواین‌هردوممکن است. وصل بمقبره مدرسه‌ومسجدی (که‌شاید خانقاه باشد) هست که‌بخصوص گچ‌بری محراب مسجد بسیاردیدنی‌وزیباست. قرآن بزرگی هم درآنجا نگهداری میشود. درایوان‌آب انباری‌که دراین بنا موجوداست کتیبه‌ای بخط **علیرضا عباسی** دیده میشودکه به‌نستعلیق‌نوشته شده و از این جهت در میان آثار وی بسیار جالب است.

سمنگان

سمنگان‌در حوزه جام قرارگرفته‌است ویك‌نقطه تاریخی‌و اساطیری‌است. **فردوسی** درداستان**سهراب**از آن‌یادمیکندزیرا

مادرسهراب دختر پادشاه سمنگان بوده است .

چنین داد پاسخ که تهمینه‌ام
تو گوئی که از غم بدو نیمه‌ام
یکی دخت شاه سمنگان منم
زپشت هژبر و پلنگان منم

حوزه تربت‌جام دارای ۳۹۰ ده است که در آن میان ۸۸ مدرسه ـ چهار درمانگاه و ۷۶ حمام وجود دارد. اکثر مردم تربت‌جام سنی مذهب و پیرو ابو حنیفه‌اند .

تربت حیدریه

تربت‌حیدریه میان تربت‌جام ـ نیشابور ـ مشهد و قاین قرار گرفته است . قبر مولانا قطب‌الدین حیدر درین شهر است و بهمین جهت شهر را « تربت حیدریه » مینامند یعنی خاك (مدفن) قطب‌الدین حیدر.

بنای این شهر از اسحق خان است که با آقا محمد خان و فتحعلیشاه قاجار معاصر بوده است . هنگامی که وی برج و باروی شهر را ساخت سه هزار خانواده از طایفه قرائی در آن مسکن داشتند .

قرائیها ریشه عرب دارند و امروز خانواده بسیار معروفی هستند که در شهر و پیرامون آن پراکنده‌اند.

پدر اسحق خان بانی شهر تربت نجفقلی خان نام داشته و چوپانی میکرده است و ابتدا در خدمت طایفه قراتاتار که از ترکستان همراه امیر تیمور بخراسان آمده بودند میزیست و چون جنگی و دلیر بود گروهی را مرکب از صد سوار گرد خود جمع کرد. چون

نادرشاه افشار قصد داشت قراتاتارها را که پس از تیمور پراکنده بود جمع کند نجفقلی خان هفت تا هشت هزار نفر از آنان را بدستور نادر متمرکز ساخت وخود رهبری آنان را بعهده داشت و بدینترتیب قدرتی بهم زد. نجفقلی پسرش اسحق خان را مامور کرد در قریه کوچکی که مزار قطب الدین حیدر در آن است کاروانسرائی بنا کند تا مسافران را بکار آید و اسحق خان برای انجام آن ماموریت پول کلانی از پدر گرفت ولی بجای کاروانسرا در تربت قلعه‌ای نظامی ساخت وحصارهای بسیار محکمی بر گرد قریه کشید وخود در آن پناه گرفت و بشدت مشغول تحریك طایفه قراتاتارو ایجاد تفرقه در نیروی پدر گردید. اسحق خان بالاخره موفق به ازمیان بردن پدرشد وخود در خراسان قدرت واستقلال کافی بدست آورد.

اکنون شهرستان تربت حیدریه از بخشهای کدکن ـ فیض آباد ـ خواف ـ ورشتخوار تشکیل شده است. حوضه آن ۱۹۶ هزار نفر جمعیت دارد. جمعیت شهر ۱۹۸۳۰ نفر است. حوزه تربت ۵۵۳ ده دارد که ۱۰۰ ده دارای مدرسه و ۶ ده دارای درمانگاه و ۲۶۹ ده دارای حمام است.

سرخس

قدیمترین متن فارسی که از سرخس سخن میگوید «حدود العالم من المشرق الی المغرب» است از مولفی گمنام بتاریخ ۳۷۲ «سرخس شهریست بر سر راه و اندرمیان بیابان نهاده و ایشان را یکی خشك رود است که اندرمیان بازار میگذرد و بوقت آب خیز اندرو آبرود جائی باکشت و برز بسیار است و مردانی قوی ترکیب اند و جنگی. خواسته ایشان شتر است.»

حمدالله مستوفی در «نزهة القلوب» میگوید «سرخس ساخته افراسیاب است و آبش از رودخانه‌ای که از هری بطوس میاید» نام باستانی سرخس «ساریکا» بوده است بر سر راه مرو به نیشابور و عراق عجم است و ناصرخسرو در سفر معروف خویش از سرخس عبور کرده است.

از خاطرات فراموش نشدنی این شهر قتل فضل بن سهل ذوالریاستین است که وزارت مامون را داشت و برای سازش میان شیعیان ورژیم بنی‌عباس بسیار کوشید ولی هنگامیکه مامون از ائتلاف با امام رضا پشیمان شد و نفوذ شدید شیعیان و ایرانیان را در دستگاه خویش علت اصلی نارضائی اعراب بخصوص امرای بغداد دید در بازگشت از مرو ببغداد دستور داد که فضل را در حمام کشتند و این حادثه مقارن فوت اسرارآمیز امام رضا صورت گرفت.

در قرارداد آخال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۹۹ قمری) تصریح شده است که سرخس و اراضی حدود آن با ایران متعلق است با وجود این در سال ۱۸۸٤ ـ ۱۳۰۲ روسها قسمتی از سرخس را اشغال کردند و آنرا چنانکه امروز هست بدو نیمه تقسیم نمودند «سرخس ایران و سرخس روس».

اراضی سرخس را هریرود مشروب میکند. هریرود یا رود مالان از کوه بابا سرچشمه میگیرد و از مشرق بمغرب افغانستان جاری است. در نزدیکی کوهستان مغرب هرات مسیر خود را عوض میکند و از سرخس وارد ایران میشود. این رودخانه تا پل خاتون بنام هریرود معروف است و از اینجا تا سرخس که بطرف شمال غربی وارد خاك شوروی میگردد تجن نام میگیرد.

آثار تاریخی

۱ـ رباط شرف ـ شرف الدین ابوطاهر سعد بن علی بن عیسی

قمی ملقب به وجیه‌الملك وزیر سلطان سنجر سلجوقی این رباط را ساخته است وبنا براین از قدیمیترین رباطهائی است که امروز درایران وجوددارد .

شرف‌الدین ابتدا دردستگاه خواجه نظام الملك طوسی بود.

بنای رباط متعلق بسالهای بین ۴۹۰ تا ۵۲۱ ودر کتاب آثار سیران بتفصیل ازآن یادشده است .

(رجوع کنید به رباطهای خراسان)

۲ـ مقبره شیخ لقمان سرخسی

شیخ لقمان درقرن چهارم میزیسته وبا ابوسعید ابوالخیر وشیخ ابوالفضل سرخسی معاصر بوده است . امروز مردم سرخس اورا بابالقمان میخوانند . مقبرهٔ این عارف بزرك قبلا درکنارشهر سرخس قرارداشته‌است ولی رفته‌رفته که‌سرخس کوچکترشده‌است مقبره ازآن دور افتاده است .

مقبره بابالقمان دارای مدرسه ولنگر وخانقاه بوده است که بمرورزمان ازمیان رفته‌واکنون‌خودمقبره نیزرو بویرانی‌است بنای مقبره یادگار سلطان سنجر سلجوقی درقرن ششم‌هجری‌است ودراوایل قرن هشتم آنرا مرمت کرده‌اند . مقبره دو طبقه دارد طبقه دوم دارای غرفه‌هائی‌است که‌برای سکونت‌عرفاء ومسافران ومردم رهگذر وغریب اختصاص دارد . آجرهائی که درساختمان آن بکاررفته‌است بسختی‌سنك‌است. مردم هفته‌ای‌یکبار بزیارت‌این عارف میایند . مراد می‌طلبند ـ نذرمیکنند ـ شمع میافروزندو ومراسمی برپا میدارند .

اطلاعات و نیازمندیها

وسایط نقلیه

۱ ـ تاکسی: از ایستگاه راه‌آهن بهر نقطه شهر یکنفر ۵ ریال دو نفر و سه نفر ۱۰ ریال

ازفرودگاه یکنفر ۱۰ ریال دونفروسه نفر ۲۰ ریال

درداخل‌شهر ازهر نقطه بنقطه‌دیگر یکنفر ۵ ریال ۲ و ۳ نفر ۱۰ »

نرخ تاکسی

۱ـ وکیل آباد	۱ نفر	۱۰ ریال
۲ـ عنبران وطرقبه	۱ نفر	۱۵ ریال
۳ ـ جاغرق	۱ نفر	۲۰ ریال
٤ ـ زشك	۱ نفر	۳۰ ریال

حومه‌شهر

نرخ کرایه یکنفر مسافر

۱ ـ وکیل آباد ـ با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هر نقطه به وکیل آباد ۱۲ ریال

۲ ـ عنبران وطرقبه ـ بااتومبیلهای کرایه واتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هرنقطه به‌عنبران وطرقبه ۱۵ریال

۳ ـ جاغرق ـ با اتومبیلهای کرایه و اتومبیلهای فولکس واگن ۱۲ نفری از هر نقطه به جاغرق ۲۰ ریال

۴ ـ زشك با اتومبیلهای کرایه واتومبیلهای ۱۲ نفری‌فولکس واگن ازهرنقطه به زشك ۳۰ریال

موسسات فرهنگی

دانشگاه مشهد	خیابان دانشگاه
دانشکده ادبیات	« ابوسعید
« پزشکی	« دانشگاه
« علوم	« اسرار
« الهیات	« اسرار
دبیرستان کشاورزی	طرق
دانشسرای مقدماتی پسران	خیابان شاهرضا
« تربیت بدنی	«
هنرستان صنعتی	فلکه

باشگاهها

۱ ـ باشگاه بهداری	خیابان کفائی
۲ـ « افسران	پهلوی
۳ـ « نفت	کوی کفائی
٤ـ « دانشگاه	خیابان احمد آباد
۵ـ « فرهنگیان	« پهلوی
٦ـ « درجه داران	در شرف تاسیس است

باشگاههای ورزشی

مهران	میدان چرخ
سعد آباد	میدان سعدآباد
سرپوشیده	میدان چرخ
پهلوی	خیابان کوهسنگی
فردوسی	« کفائی

بازی‌ها و ورزشها

تنیس ـ در باشگاه پهلوی خیابان کوهسنگی

گلف ـ « «

شنا ـ استخرهای سعدآباد ، پهلوی ، لشکر ، دبیرستان کشاورزی و وکیل آباد

ماهیگیری ـ درسواحل کشف رود

کوهنوردی ـ بوسیله سازمان کوهنوردی وابسته بسازمان تربیت بدنی

اسکی ـ پیست اسکی برروی تپه‌های وکیل آباد

زورخانه‌ها

۱ـ مقبره	باغ نادری
۲ـ عیدگاه	عیدگاه
۳ـ بهمن	خیابان تهران

پمپ‌های بنزین

۱ـ میدان شاه (مجسمه)

۲ـ انتهای خیابان طبرسی

۳ـ خیابان تهران

٤ـ جادهٔ فرودگاه

۵ـ خیابان سعدآباد

گرمابه‌های لوکس

۱ـ پارس	میدان سراب
۲ـ ویلا	خیابان احمدآباد
۳ـ کاکا	« پهلوی
٤ـ زیبا	« فردوسی
۵ـ صدف	« شاهرخ
٦ـ مرمر	کوی سعدآباد

بانك ها

ردیف	بانك	آدرس	تلفن
۱	بانك ملی ایران	خیابان پهلوی	۵۰۲۱
۲	« عمران	« شاهرضا	۵۰۵۱
۳	« صادرات	فلکه جنوبی	۲۱۷۱
٤	« سپه	« «	۲۲۰۰
۵	« رهنی	خیابان جم	۲۱۹۵
٦	« رفاه کارگران	« دانشگاه	٤٦۳۰
۷	« تهران	فلکه جنوبی	۵۰۰٦
۸	« پارس	« «	٤۸۳٤
۹	« بازرگانی ایران	« «	۲۱۸٤
۱۰	« اعتبارات کشاورزی وعمران روستائی	خیابان جنت	۲۱۷٦
۱۱	« اصناف	خیابان تهران میدان دقیقی	٤۱۹۰
۱۲	« اعتبارات ایران	خیابان پهلوی	۵۰٤٦

شرکت‌های بیمه

ردیف	شرکت‌های بیمه	محل	تلفن
۱	شرکت بیمه ایران	خیابان پهلوی	٦۵۸۳
۲	بیمه اینگستراخ شوروی	« گلستان	۲۹۵٤
۳	بیمه امید	« پهلوی	

هتلهای شهر مشهد

شماره	نام هتل	نشانی	طبقه	قیمت اطاق یك تختی	قیمت اطاق دو تختی	قیمت اطاق سه تختی	تلفن
۱	هتل سپید	خیابان تهران فلکه دقیقی	۲	۱۰۰ ریال	۱۵۰ ریال	۲۰۰ ریال	۳۰۸۷
۲	« باختر	« پهلوی	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۳۷۸۷
۳	« یکستاره علی‌زاده	« نادری	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۶۰۲۵
٤	« کاخ یکستاره	« «	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۲۵۰۶
۵	« ستاره آبی	« «	«	۸۰ «	۱۲۰ «	۱۵۰ «	۵۶۵۸
٦	« توکلی پور	« «	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۲٤٦۵
۷	« شهسوار	کوچه میرزا شهاب	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۳۳۲۹
۸	« مرمر	کوچه سبزواری	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۲۷۳۳

شماره	نام هتل	نشانی	درجه	قیمت اطاق یك تختی	قیمت اطاق دو تختی	قیمت اطاق سه تختی	تلفن
۹	هتل فردوسی	خیابان شاهرضا	۲	۱۰۰ ریال	۱۵۰ ریال	۲۰۰ ریال	۴۱۶۷
۱۰	« نادری	« « نو	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۳۷۱۹
۱۱	« پارس	« پهلوی	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۳۲۰۱
۱۲	« ملائکه	فلکه شمالی جنب خیابان طبرسی	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	۳۶۲۰
۱۳	« زهره	کوچه چراغ برق	«	۱۰۰ «	۱۵۰ «	۲۰۰ «	--

کنسولگری ها

ردیف	کنسولگری ها	محل	تلفن
۱	کنسولگری آمریکا	خیابان شاهرضا	۴۰۵۶
۲	« آلمان	« بهار	۵۸۷۸
۳	« افغانستان	« پهلوی	۴۴۰۴
۴	« انگلستان	« پهلوی	۴۷۷۱
۵	« پاکستان	« کوهسنگی	۴۴۹۴
۶	« شوروی	« تهران	۲۸۹۱

مسافرخانه‌ها

درجه ۱

مسافرخانه امیر کبیر — خیابان تهران کوچه آقا زاده

مسافرخانه تقدیسی — اول خیابان طبرسی

مسافرخانه مخصوص اهرابی — کوچه سیگاری فلکه جنوبی

مسافرخانه خصوصی اهرابی — « « «

مسافرخانه فارس — فلکه جنوبی جلوخان مسجد گوهرشاد

مسافرخانه ماه — بازارچه حاج آقاجان

مساخرخانه جهان — بست سفلی داخل کوچه بن بست

درجه ۲

مسافرخانه دانشور — فلکه جنوبی پشت بانك بازرگانی

« برادران گرمرودیان « « «

مسافرخانه گوهرشاد	فلکه جنوبی
« درخشان رضوی	کوچه چراغ برق
« اهرابی	فلکه جنوبی
« پارك	« «
« خوجه	کوچه گندم آباد
« پارس	خیابان تهران کوچه آقازاده
« خادم	« « «
« محمدی	« « نزدیك میدان دقیقی
« حفظ الرضا اسکندریه	کوچه دربند علی خان
« سلوك	کوچه تقی بنگی
« میهن	« «

رستورانها

۱ـ سالن غذاخوری هتل پارس		خیابان پهلوی جنب شهربانی
۲ـ « « باختر		« جنب اداره پست و تلگراف
۳ـ « « نادری		« شاهرضا نو
۴ـ « « فیروزه		« «
۵ـ « « سپید		« تهران
۶ـ « « کوه سنگی		کوه سنگی
۷ـ « « باغملی		باغملی
۸ـ رستوران اطمینان فقط چلوکباب		ـ خیابان سوم اسفند
۹ـ « امید « «		« پهلوی ـ روبروی دادگستری
۱۰ـ رستوران زنجانی «		« فلکه جنوبی جنب بانك بازرگانی
۱۱ـ طریقت		زیرزمین مهمانخانه ملائکه ـ فلکه شمالی

۱۲ـ رستوران کرامت اول فلکه جنوبی
۱۳ـ « پارس خیابان پهلوی
۱٤ـ « معین‌درباری « پهلوی ـ روبروی فرهنگ
۱۵ـ « قدس فلکه‌جنوبی

کافه‌ها

اتحاد ـ کافه‌قنادی خیابان‌پهلوی‌روبروی‌اطاق‌بازرگانی
چمن « « « « مقابل دادگستری
لاله زار نو ـ کافه‌قنادی « « جنب «

خطوط اتوبوسرانی شهرمشهد

ازسال ۱۳٤٤ ازطرف‌شهرداری‌مشهد اقدام بتأسیس‌شرکت واحد اتوبوسرانی شده‌است . باجه‌های‌بلیط فروشی بسیارلوکس ورانندگان‌بااونیفورم های‌آبرومندواتوبوسهای‌نوونظم‌ومسئولیتی که پیداشده‌است‌وضع اتوبوسرانی مشهد رابصورت‌نمونه‌درآورده است .

اکنون درمشهد ۸ خط اتوبوس کارمیکند ونرخ اتوبوس برای هرنفر یکریال‌ونیم است .

مسیرخط ۱

میدان احمدآباد ـ خیابان ششم‌بهمن ـ میدان۲۸مرداد فلکه حضرت وبالعکس

مسیرخط ۲

میدان عدالت ـ فلکه حضرت ـ خیابان نادری ـ میدان

شاه ـ دروازه قوچان ـ میدان ورزش سعدآباد ـ پل‌خاکی ـ خیابان سعد آباد ـ فلکه سراب ـ فلکه بیمارستان شاهرضا (مراجعت‌ازهمین مسیر)

مسیر خط ۳

انتهای کوی‌طلاب‌ـخیابان‌طبرسی ـ فلکه‌حضرت‌ـخیابان نادری ـ خیابان شاهرضا ـ خیابان خسروی ـ خیابان‌پهلوی ـ چهارراه لشگر ـ پنج راه شاهپور (مراجعت ازهمین مسیر)

مسیر خط ۴

انتهای خیابان طبرسی ـ فلکه حضرت ـخیابان نادری ـمیدان شاه ـ خیابان دانشگاه ـفلکه ششم بهمن‌ـکـوه سنگی (مراجعت ازهمین مسیر) نرخ ۲ ریال

مسیر خط ۵

میدان ضد هوائی‌ـ میدان۲۸ مرداد‌ـ خیابان فردوسی‌ـ فلکه‌حضرت ـ خیابان نادری ـ خیابان شاهرضا ـ راه آهن ـ برگشت‌خیابان‌عشرت‌آبادمیدان‌شاه‌ـخیابان‌نادری‌ـفلکه‌حضرت ـ موزه

مسیر خط ٦

فلکه حضرت‌ـخیابان نادری‌ـمیدان‌شاه ـخیابان خواجه ربیع‌ـ کوی‌آتش‌نشانی ـ بالعکس.

مسیر خط ۷

موزه-خسروی نو-خسروی-پهلوی-جم-جهانبانی-میدان سعدی-میدان شاه-نادری-فلکه حضرت-موزه

مسیر خط ۸

فلکه حضرت-خیابان نادری-میدان شاه-خیابان پهلوی-سوم اسفند-چهارراه لشگر-خیابان ششم بهمن-میدان ۲۸ مرداد خیابان نخریسی-گلخطمی و بالعکس

توضیح-اتومبیلهای فولکس استیشن کرایه در خیابان طبرسی جهت ایاب وذهاب بحومهٔ مشهد آماده است.

دوائر دولتی

۱- اداره استانداری	خیابان استانداری
۲- دفتر فنی استانداری	« کوه سنگی
۳- فرمانداری	« پهلوی
٤- ستاد لشگر	« پهلوی جنب اداره پست
٥- سازمان نیروی مقاومت ملی	« شاهرضا نو
٦- شهربانی	میدان ارك جنب بانکملی
۷- مهندسی بهداشت	میدان شاه
۸- شهرداری	میدان شاه
۹- بهداری	پشت بیمارستان شاهرضا
۱۰- پست و تلگراف	خیابان پهلوی مقابل بانکملی
۱۱- دارائی	اول خیابان جم

۱۲ـ آموزش و پرورش	خیابان پهلوی چهارطبقه
۱۳ـ تربیت بدنی	میدان چرخ سابق (خیابان فردوسی)
۱۴ـ لشکر ۶ خراسان	دیدگاه لشکر
۱۵ـ سازمان برنامه	خیابان کوهسنگی
۱۶ـ دخانیات	خیابان پهلوی
۱۷ـ سازمان آب	خیابان استانداری
۱۸ـ اداره دامپروری	میدان شاه
۱۹ـ » راه	خیابان کوهسنگی
۲۰ـ » کشاورزی	میدان شاه
۲۱ـ » راهنمائی و رانندگی	خیابان کوهسنگی
۲۲ـ » ثبت اسناد و املاك	جنب گمرك سابق ـ خیابان پهلوی
۲۳ـ » آمار	خیابان پهلوی روبروی شیر و خورشید
۲۴ـ » انتشارات و رادیو	خیابان رازی کوچه دبستان همت
۲۵ـ » بیمه	جنب شهربانی خیابان خیام
۲۶ـ سرجنگلداری	فلکه گوهرشاد
۲۷ـ شرکت ملی نفت	انتهای خیابان گوهرشاد
۲۸ـ اداره صنایع و معادن	خیابان کوهسنگی
۲۹ـ » غله و نان	سیلو
۳۰ـ » کار	خیابان دانشگاه
۳۱ـ » قند و شکر	خیابان پهلوی (محل گمرك سابق)
۳۲ـ » تلفن خودکار	» شاهرضا
۳۳ـ سازمان امنیت و اطلاعات	کوهسنگی
۳۴ـ فرهنك و هنر	» شاهرضا

کلانتری‌ها

بخش ۱ خیابان پهلوی روبروی دبیرستان شاهرضا
بخش ۲ خیابان بهار (سی‌متری)
بخش ۳ « نادری
بخش ٤ « طبرسی مقابل گنبد خشتی
بخش ٥ « سعدآباد خیابان گوهرشاد
بخش ٦ « سفلی کوچه حاج ابراهیم
بخش ۷ « عشرت‌آباد چهارراه عشرت‌آباد
بخش ۸ کوهسنگی خیابان کوهسنگی

برزنهای شهرداری

برزن ۱ خیابان خاکی گنبدسبز
برزن ۲ خیابان تهران
برزن ۳ « شاهرضا نو
برزن ٤ « طبرسی
برزن ٥ « گوهرشاد
برزن ٦ پائین خیابان ـ کوچه حاج ابراهیم
برزن ۷ فلکه ششم بهمن (مجسمه اعلیحضرت همایونی)
برزن ۸ میدان خیابان ضدهوائی

موسسات خارجی

اداره همکاری فنی امریکا ـ خیابان شاهرضا نو
بیمه اینگستراخ ـ خیابان شاهرضا جنوبی جنب میدان گنبدسبز

انجمن روابط ایران و انگلیس ـ خیابان پهلوی
بیمارستان امریکائی ـ خیابان شاهرضا نو

صرافیهای عمده مشهد

صرافی حفظ الرضائی ـ فلکه جنوبی
صرافی رجبیون ـ نزدیک حمام شاه
صرافی رضازاده ـ بازار ـ مقابل سرای سلطانی

بنگاههای خیریه

پرورشگاه فرح ـ جاده وکیل آباد ۲۰۵۲
شیرخوارگاه ـ خیابان ششم بهمن ۴۸۰۹
شیر و خورشید سرخ ـ خیابان ششم بهمن ۴۷۱۰

مراکز غیر مسلمان

۱ ـ کلیسیای ارامنه گریگوری ـ نشانی میدان سوم اسفند مقابل شیر و خورشید سرخ
۲ ـ کنیسه یهودیان ـ نشانی کوچه باغ مستوفی
۳ ـ کلیسیای مسیحی ـ نشانی خیابان شاهرضا نو
۴ ـ کلیسیای انجیلی ـ پشت باغ ملی

بیمارستانهای بیمه

۱ ـ بیمارستان شاهرضا ـ فلکه بیمارستان شاهرضا
۲ ـ بخش سوانح ـ کوچه دبیرستان فروغ
۳ ـ بیمارستان بیماریهای واگیر ـ کوچه دبیرستان فروغ

٤ـ بیمارستان شماره ۲ بهداری ـ خیابان طاهری (سعدآباد) دروازه قوچان

۵ـ بیماریهای آمیزشی ـ دروازه سراب

٦ـ بیمارستان لشکر ـ خیابان ششم بهمن

۷ـ بیمارستان شاهین فر ـ کوچه ایستگاه سراب

۸ـ بیمارستان امریکائی ـ خیابان شاهرضا نو

۹ـ بیمارستان منتصریه ـ خیابان جنت

۱۰ـ تیمارستان شهرداری انتهای خیابان عشرت آباد

۱۱ـ شیرخوارگاه شهرداری ـ انتهای خیابان ششم بهمن

آزمایشگاه‌ها

۱ـ آزمایشگاه بیمارستان شاهرضا ـ بیمارستان شاهرضا

۲ـ آزمایشگاه درمان ـ خیابان خسروی

۳ـ آزمایشگاه بهداشت ـ گلکاری سراب

٤ـ « گیتی ـ خیابان پهلوی

۵ـ « رازی ـ خیابان خسروی

٦ـ « پاستور ـ خیابان پهلوی

۷ـ « اسفند ـ فلکه سوم اسفند

۸ـ بانک خون ـ فلکه سوم اسفند

داروخانه‌ها

ردیف	داروخانه	آدرس	تلفن
۱	داروخانه شرق	فلکه جنوبی	۳۵۴۱

۲	داروخانه‌شفا	خیابان‌پهلوی	۵۶۸۱
۳	« شمس	بازارسرشور	۳۳۶۰
۴	« صحت	خیابان‌نادری	۲۹۶۸
۵	« طوسی	« تهران	۲۷۸۵
۶	« فردوسی	« نادری	۵۴۸۰
۷	« گوهرشاد	« سعدی	۳۳۶۷
۸	« محمدیه	« طبرسی	۲۹۵۷
۹	« مرکزی	« تهران	۴۸۳۹
۱۰	« مهر	« علیا	۳۳۳۴
۱۱	« نور	« فلکه‌جنوبی	۳۴۱۸
۱۲	« نوررضا	« شمالی	۳۴۴۱
۱۳	« نوین	« پهلوی	۲۳۲۱
۱۴	« نیرو	« پهلوی	۴۸۸۷
۱۵	« وثوق	« خسروی	۲۴۳۱

داروخانه‌های شبانه‌روزی

ردیف	داروخانه	آدرس	تلفن
۱	داروخانه گوهرشاد	خیابان سعدی	۳۳۶۷
۲	« افشار	میدان‌شاه	۵۸۰۵
۳	« نوررضا	فلکه‌شمالی	۳۴۱۸
۴	« سینا	اول‌خیابان‌تهران	۲۷۸۳
۵	« مرکزی	اول‌خیابان‌تهران	۴۸۳۹

بخش تزریقات

ردیف	تزریقات	آدرس	تلفن
۱	تزریقات سبزواری	خیابان پهلوی چهارطبقه	۴۰۴۹
۲	« پاستور	« خسروی	۵۹۶۷
۳	« طلوع	« تهران	۲۷۹۶
۴	« خانم برازنده	« گوهرشاد	۴۱۸۶
۵	« عطاءباشی	« خسروی	۲۵۳۵
۶	« مدیران	« طبرسی	۵۲۹۶
۷	« ساعدی	« بازارسرشور	۶۱۹۸
۸	« انتظاری	« خیابان خسروی	—

درمانگاه‌ها

شماره	درمانگاه	آدرس	شماره تلفن
۱	بهداری راه‌شرق	خیابان شاهرضا	۴۷۵۹
۲	درمانگاه جوادالائمه	« طبرسی	۴۶۱۹
۳	« رازی	« نادری	۸۲۲۲
۴	« سل	میدان‌شاه	۴۹۸۱
۵	« غفاری	« دقیقی	۵۶۳۶
۶	« مرکزی	خیابان پهلوی	۸۲۲۲
۷	« صالح	« طبرسی	۴۹۶۷
۸	« شماره ۱	شهرداری پهلوی مقابل شهرداری	—
۹	« شماره ۲	« خیابان تهران برزن ۲	—

۱۰ درمانگاه شماره ۳ » دروازه دریا دل جنب تکیه علی اکبریها ـ
۱۱ » » ٤ » کوچه حوض خواجه جنب حمام حاج قلی ـ
۱۲ » » ٥ » سعدآباد خیابان گوهرشاد ـ
۱۳ » » ٦ » پائین خیابان اول کوچه حاج ابراهیم ـ
۱٤ » چشم پزشکی بیمارستان بهداری دروازه قوچان ـ
۱٥ درمانگاه تیمارستان شماره ۱ بهداری ـ
۱٦ درمانگاه جراحی صحن جدید ـ
۱۷ درمانگاه خیریه عیدگاه خیابان تهران ـ عیدگاه ـ
۱۸ درمانگاه خیریه بروجردی » صفوی ـ
۱۹ درمانگاه صاحب الزمان » خواجه ربیع ـ

سینماها

۱ ـ ایران ـ خیابان پهلوی جنب اداره دادگستری
ساعت شروع سانس اول بهار و پائیز ٦ بعد از ظهر
تابستان ٥ر۷ بعد از ظهر
زمستان ٥ر٥ بعد از ظهر

۲ ـ رادیوسیتی ـ خیابان خسروی
۳ ـ فردوسی ـ خیابان پهلوی
ساعت شروع سانس اول بهار و تابستان ۷ تا ٥ر۷ بعد از ظهر
پائیز و زمستان ٦
٤ ـ کریستال ـ خیابان پهلوی جنب فرمانداری مشهد
٥ ـ متروپل ـ خیابان پهلوی جنب فرمانداری مشهد
٦ ـ هما ـ خیابان پهلوی

۷ـ آسیا ـ کوچه‌مقابل باغ‌ملی
۸ـ سینما سعدی ـ خیابان پهلوی روبروی شیر و خورشید سرخ
۹ـ مولن‌روژ ـ خیابان استانداری

تماشاخانه‌ها

تماشاخانه گلشن ـ خیابان خسروی ـ ٤ درجه بلیط دارد بقیمت‌های ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۵۰ ریال .

جاهای دیدنی شهر

الف ـ مشهد در یك روز

۱ـ آستان قدس
۲ـ موزهٔ آستانقدس فلکه جنوبی
۳ـ آرامگاه شیخ بهائی داخل صحن نو
٤ـ جامع گوهرشاد مجاور حرم مطهر
۵ـ آرامگاه نادر خیابان نادری
٦ـ آرامگاه پیرپالان دوز پائین خیابان کوچه‌شور
۷ـ « شیخ‌طبرسی انتهای خیابان طبرسی
۸ـ مسجدشاه جنب بازار بزرك کنار حمام‌شاه
۹ـ باغ ملی خیابان پهلوی
۱۰ـ گنبدسبز خیابان خاکی

ب ـ مشهد در دو روز

۱۱ـ کوه سنگی ۶ کیلومتری شهر

۱۲ـ مصلی بیرون دروازه پائین خیابان در ۲ کیلومتری شهر
۱۳ـ خواجه ربیع انتهای خیابان خواجه ربیع ۵ کیلومتری شهر
۱۴ـ خواجه اباصلت ۵ کیلومتری شهر در جاده تهران
۱۵ـ « مراد ۷ کیلومتری شهر در جاده تهران
۱۶ـ آرامگاه فردوسی طوسی ۲۷ کیلو متری شهر در جاده قوچان

ج ـ مشهد در سه روز

۱۷ـ چشمه سبز ۳۶ کیلومتری شهر
۱۸ـ چشمه گلسب ۲۴ کیلو متری شهر
۱۹ـ غارمغان ۴۰ کیلو متری شهر
۲۰ـ شاهان گرماب ۴۸ کیلومتری شهر دارای آب معدنی
۲۱ـ بندفریمان ۷۴ کیلومتری شهر
۲۲ـ بند گلستان ۱۶ «

د ـ مشهد در چهار روز

۲۳ـ ییلاقات
۲۴ـ کلات نادری

راه آهن ـ طول خط راه آهن تهران ـ مشهد ۹۲۶ کیلومتر است و بر رویهم ۴۹ ایستگاه در مسیر آن قرار دارد که قطارهای عادی در آن ایستگاهها توقف می کنند . این ایستگاهها عبارتند از : تهران ، ری ، بهرام ، ورامین ، پیشوا ، ابردژ کویر ، گرمسار ، یاتری ، ده نمك ، سرخدشت ، لاهور ، بیابانك

سمنان ، میان دره ، آب گرم ، گرداب ، هفت خوان ، لارستان بنوار ، امروان ، سرخده ، دامغان ، زرین ، کلات خوان ، شاهرود ، بسطام ، شیرین چشمه ، گیلان ، بکران ، جهان آباد ابریشم ، جاجرم ، آزادوار ، سنخواست ، جوین ، نغ آب ، اسفراین، بیهق ، سبزوار، فردوسی، عطار ، نیشابور، خیام، کاشمر ابومسلم ، تربت ، فریمان ، نادرشاه ، مشهد .

ایستگاه راه آهن

ایستگاه راه آهن درشمال شرقی شهرو درملتقای خیابان دانشگاه وشاهرضا نو واقع شده است .

برنامه حرکت قطار که درفصول مختلف متفاوت است ولی در تمام سال روزانه یك الی دو قطار بین تهران ـ مشهد آمدوشد مینماید.

فرودگاهها

فرودگاه مشهد از نظر درجه بندی جزء فرودگاه های درجه۲ داخلی ایران حساب می‌شود . فرود گاههای درجه۳ در بیرجند وسبزوار وجوددارد. شهرهای نیشابور، قوچان، وتربت جام دارای فرودگاههای درجه چهار(پروازهای موقتی)هستند تربت حیدریه یك فرودگاه نظامی دارد .

فرودگاه مشهد

فرودگاه مشهددر۲ کیلومتری جنوب شرقی شهردر کنار راه شوسه تهران ودرزمین‌های گلخطمی قراردارد . خیابانهائی

که بفرودگاه منتهی میشود عبارتنداز خیابان طهران ـ خیابان پهلوی ـ دانشگاه که این هرسه خیابان بهار را که اکنون بنام خیابان ششم بممن نامگذاری شده قطع میکند .

برنامه حرکت وساعت ورود وخروج هواپیما در فصول مختلف تغییر میکند و باید از هر کت هواپیمائی ایران فلکه شمالی سئوال نمود.

هواپیمائی

هواپیمائی ملی ایران فلکه جنوبی تلفن ٤٤٤٥
هواپیمائی کشوری جاده مشهد ٤٧٩١

تلفنهای راه آهن دولتی ایران

راه آهن	٤٦٨٣
رئیس	٤٦٨٤
اطلاعات	٤٦٨١
بهداری	٤٩٦١
امورمسافرت	٤٦٨٨
پلیس ناحیه	٤٦٨٦

بهای بلیط مسافرت

هوائی:

مشهد بتهران یکسره ١٤٠٠ دو سره ٢٨٠٠ ریال
مشهد به زاهدان یکسره ١٢٠٠ دوسره ٢١٦٠ ریال
مشهد به کراچی یکسره ٥١٤٠ دوسره ٩٤٦٠ ریال

راه آهن :

	عادی	سریع السیر
درجه ۱	۹۴۰ ریال	۱۰۲۰ ریال
« ۲	« ۵۶۰	« ۶۵۰
« ۳	« ۳۸۵	« ۴۶۵

اتوبوس

کرایه اتوبوس مشهد به تهران درحدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ ریال است.

تعطیلات

تنها روزی که استثنائاً درمشهد تعطیل عمومی اعلام میشود ۲۹ صفر روز شهادت حضرت رضا (ع) است.

فاصله‌ها از مشهد

تهران	۹۹۷	تربت جام	۱۶۵
سمنان	۶۸۹	درگز	۲۷۰
دامغان	۵۷۷	کلات	۱۲۰
شاهرود	۵۰۷	کاشمر	۲۴۱
سبزوار	۲۵۳	طبس	۶۰۲
نیشابور	۱۳۷	فردوس	۳۸۷
گرگان	۶۱۴	بشرویه	۵۳۰
بجنورد	۲۸۶	قاین	۳۸۷
قوچان	۱۴۵	بیرجند	۴۹۵

چناران	٦٠	زابل	١٠١٣
سرخس	١٩٢	زاهدان	٩٦١
تربت‌حیدریه	١٦٢	تایباد	٢٢٩

اسلام‌قلعه مرزافغانستان ٢٥٣

کتابشناسی خراسان

خراسان علیرغم اهمیت فراوانی که پیش از اسلام و در دوره های مختلف اسلامی داشته آنچنان که شایسته آنست مورد توجه‌مستشرقان‌ومورخان‌اسلامی‌ونویسندگان متاخر قرار نگرفته است ازاین‌جهت کتاب یاتحقیق جامعی درباره این استان بزرك ایران وجودندارد وبرای‌مطالعه آن‌بایدکتب بسیار راورق‌زدو آنچه‌را بکارمیآیدازمآخذگوناگون بدست آوردومطالب‌پراکنده راجمع آوری‌نمود. خوانندگانی که‌مایلند بیش‌ازآنچه‌در کتاب آمده است‌باخراسان‌آشنائی پیدا کنند میتوانند بمنابع زیرکه درتالیف‌راهنمای خراسان مرجع نویسنده بوده است رجوع کنند:

١ ـ مطلع الشمس٣جلد ـ اعتمادالسلطنه‌وزیر انطباعات ناصرالدینشاه .

٢ ـ آثارتاریخی کلات وسرخس ـ مهدی بامداد

٣ ـ آثارایران٤جلد ـ آندره گدارمستشرق معاصرفرانسوی

٤ ـ آثارالرضویه ـ صورت‌وقفنامه‌های آستان قدس ـ میرزا اسمعیل خان .

۵ـ آثار ملی ایران ـ هرتسفلد مستشرق آلمانی
۶ـ ابن یمین و ابنیه تاریخی فرومد ـ محمدعلی شفیعی
۷ـ شرح حال ابن یمین فریومدی ـ رشید هاشمی
۸ـ ابنیه و آثار تاریخی ایران ـ هرتسفلد آلمانی
۹ـ از قصر شیرین بطوس (بفارسی و فرانسه) چاپ ۱۳۱۳
۱۰ـ سفرنامه ژنرال سایکس نویسنده تاریخ ایران
۱۱ـ زندگی حضرت رضا ـ ۲ ج ـ ابوالقاسم سحاب
۱۲ـ مرآة البلدان (قاموس جغرافیائی جهان) ۴ ج ـ اعتماد السلطنه صاحب مطلع الشمس
۱۳ـ فهرست جواهرات آستان قدس رضوی خطی سال ۱۳۰۰ قمری متعلق بکتابخانه آستان قدس بشماره ۸۴۴۶
۱۴ـ نادرنامه ـ قدوسی
۱۵ـ ایرانشهر ۲ ج
۱۶ـ راهنمای موزه ـ حبیب الله صمدی
۱۷ـ سفرنامه خراسان ـ حکیم الممالك ـ چاپ ۱۲۸۶
۱۸ـ سفرنامه ـ ناصرالدینشاه بمشهد ـ میرزا علینقی خان چاپ ۱۲۸۶
۱۹ـ سفرنامه کلاویخو ـ ترجمه مسعود رجب نیا ـ چاپ ۱۳۳۷
۲۰ـ جغرافیای مفصل ایران ـ رزم آراء
۲۱ـ فردوسی التواریخ ـ خطی ـ ملا نوروز علی بطلمی
۲۲ـ مجله آستان قدس (غالب شماره‌ها) سردبیر فخرالدین حجازی
۲۳ـ مجله «نامه فرهنگ» نشریه آموزش و پرورش خراسان

سرد بیر تقی بینش
۲۴- تاریخ بیهق-ابوالحسن بیهقی
۲۵- تاج المصادر - زوزنی- مقدمه آقای بینش راجع به خواف و وزوزن
۲۶- رحله ابن بطوطه
۲۷- سفرنامه ناصرخسرو
۲۸- تمدن ساسانی- ج۱- سعید نفیسی
۲۹- بدرفروزان
۳۰- عالم آرای عباسی
۳۱- حدود العالم من المشرق الی المغرب- مولف؟ سال ۳۷۲ قمری (اولین متن فارسی دری) بتصحیح سید جلال تهرانی
۳۲- حدیقة الرضویه ۲ جلد- شیخ حسن هروی (ادیب هروی)
۳۳- انقلاب طوس
۳۴- دانشوران خراسان- غلامرضا ریاضی
۳۵- راهنمای مشهد «
۳۶- منتخب التواریخ- آخوند حاج ملاهاشم
۳۷- فواید الرضویه - حاج شیخ عباس قمی
۳۸- ریاض السیاحه - شیروانی
۳۹- تاریخ قهستان - آیتی
۴۰- تاریخ نیشابور - مویدثابتی
۴۱- سرزمینهای خلافت شرقی- لسترنك
۴۲- تاریخ قوچان- خطی- شاکری
۴۳- روضات الجنات
۴۴- تاریخ نیشابور (ترجمه از عربی) ابوعبدالله محمد طهمانی نیشابوری (قرن پنجم)

صفحه	سطر	غلط	درست
۳	۸		چه
۱۳	۱۲	قوچاق	قوچان
۱۷	۱۴	۶۴۸۰۰۰	۱۶۴۸۰۰۰
۳۳	۵	نقارخانه	نقاره‌خانه
۳۹	۴	نکاه	نگاه
۴۴	۷	رسی	رسمی
۶۱	۲۳	عاشووا	عاشورا
۸۳	۱۱	بایسنقرین‌شاهرخ	بایسنقربن شاهرخ
۸۶	۱۸	گدسته‌ها	گلدسته‌ها
۸۶	۱۹	به‌بینند	ببینند
۸۷	۲۴	شمسا	شمشاد
۱۰۵	۹	آثیه	آیه
۱۰۶	۲	علیسرضاعبای	علیرضاعباسی
۱۰۶	۱۳	نوشته‌اشده	نوشته شده
۱۰۸	۱۸	معروف	معروف
۱۱۶	۶	استعماع	استماع
۱۱۶	۱۱	کغشبانان	کفش‌بانان
۱۴۲	۷	تمانیه	ثمانیه
۱۴۵	۱۵	مینمامد	مینامد

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۴۶	۹	دوویش	درویش
۱۵۰	۱۶	شاه‌تود	شاه‌توت
۱۵۰	۲۳	گوچه	گرچه
۱۵۱	۶	باسنقری	بایسنقری
۱۶۰	آخر	یکهی	یکی
۱۶۸	۳	عمومی‌وخود	عموی خود
۱۷۵	۵	ونك‌خان	اونك‌خان
۱۸۴	۷	درمانکاه	درمانگاه
۱۸۵	۳	نقطمه	نقطه
۱۸۶	۸	خرسان	خراسان
۱۸۷	۲	قرق	قرن
۱۸۷	۱۸	مایه	مائه
۱۹۰	۹	بقه	بقعه
۱۹۱	۱۰	اسمعیلیات	اسمعیلیان
۱۹۱	۱۵	فریهٔ	قریهٔ
۱۹۶	۱۲	۸۸۱	۱۸۸۱
۲۰۷	۸	تهپران	تهران
۲۲۲	۳	بممن	بهمن

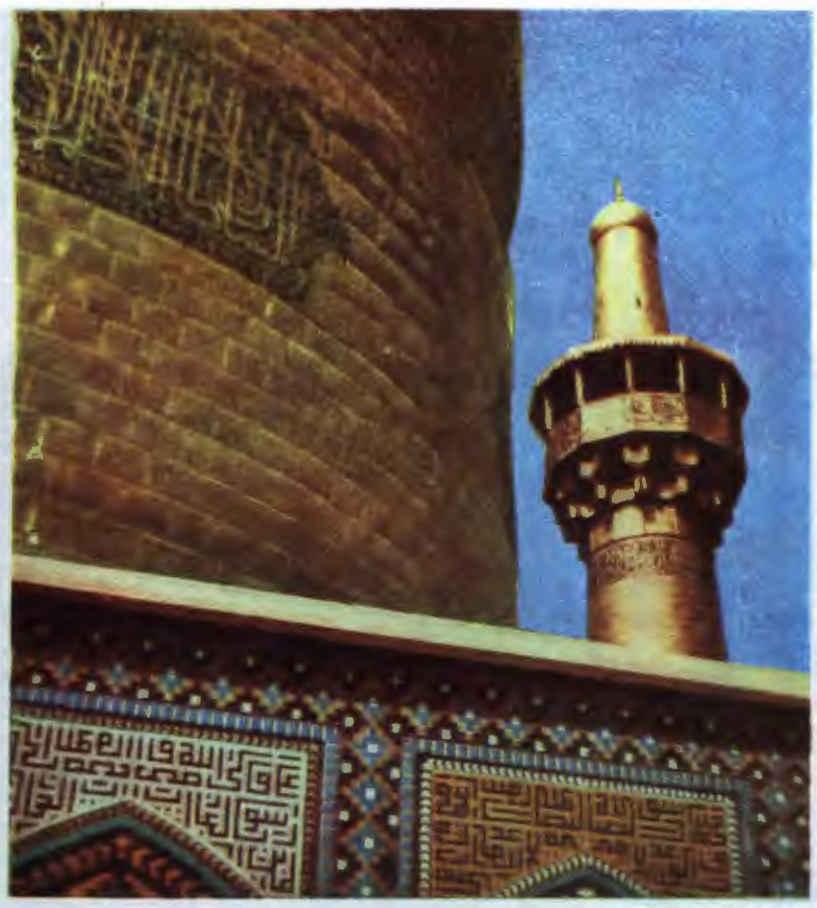

مشهد ـ منار و گنبد طلای آستان قدس رضوی

مشهد - صحن مسجد گوهرشاد

نیشابور ــ آرامگاه خیام

مشهد ــ قسمتی از ضریح آستان قدس رضوی

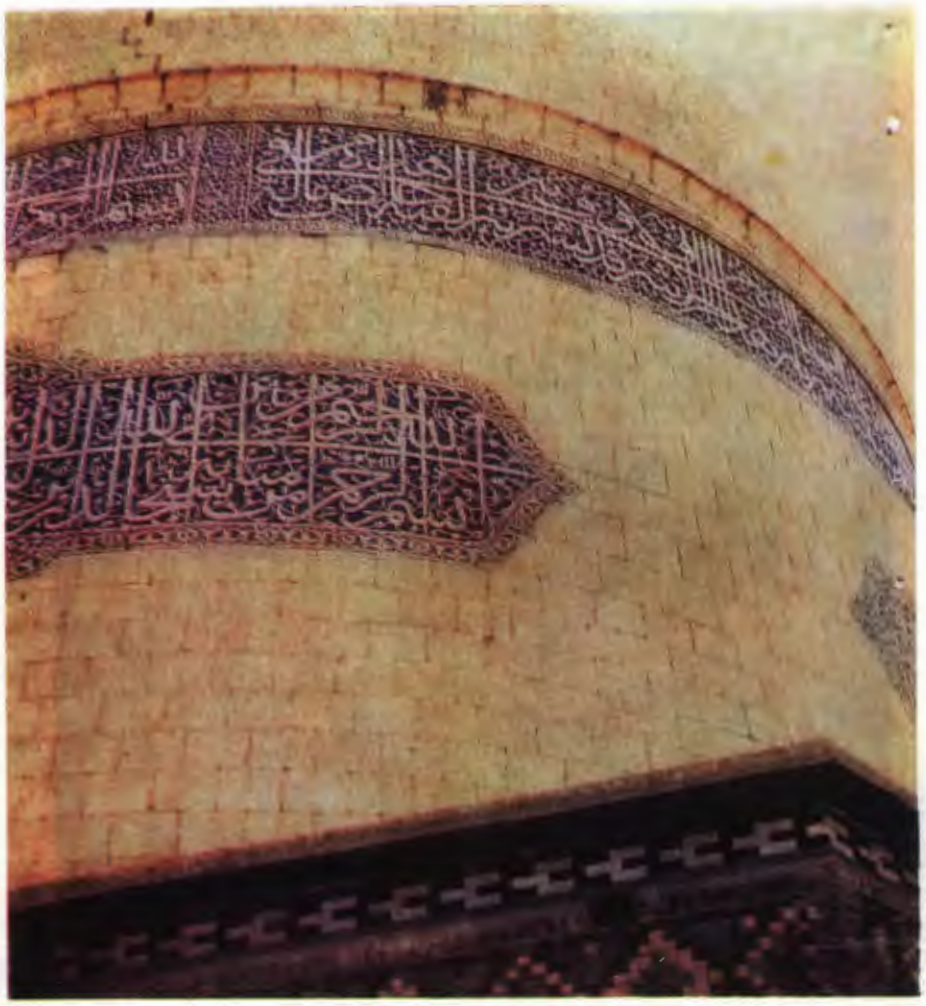

مشهد ـ گنبدطلای استان قدس رضوی

مشهد ـ قسمتی از ایوان خواجه ربیع

مشهد- قسمتی از کاشیکاری مسجد گوهرشاد

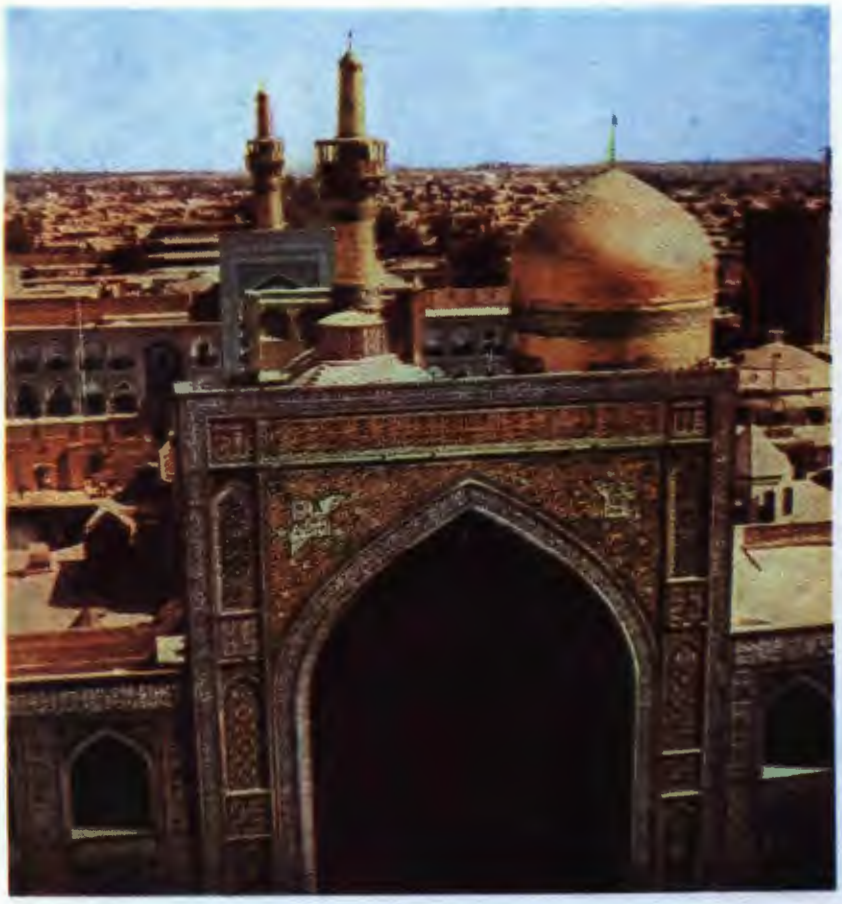

مشهد ـ آستان‌قدس‌رضوی

مشهد ـ آستان‌قدس‌رضوی

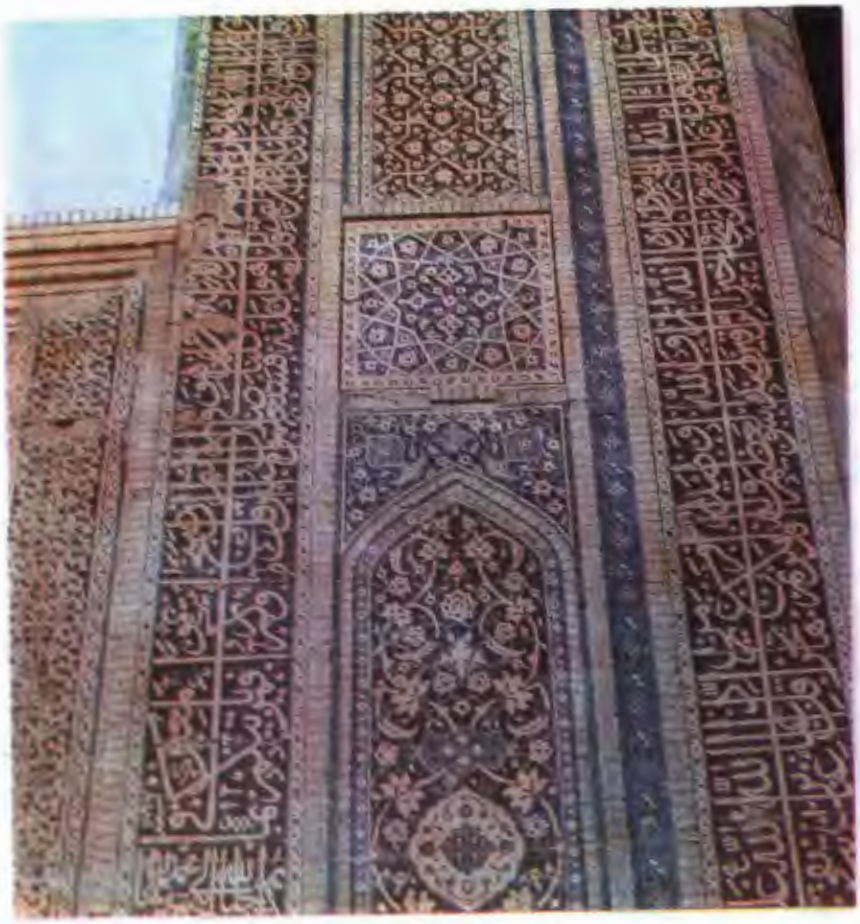

تربت‌جام ـ کاشیکاری ایوان تربت‌شیخ احمد جامی

نیشابور ـ امامزاده محروق

مشهد- صحن مسجد گوهرشاد

مشهد ـ گوشوار خواجه ربیع

نیشابور ــ آرامگاه شیخ عطار

تربت‌جام ـ کاشیکاری ایوان تربت‌شیخ احمد جامی

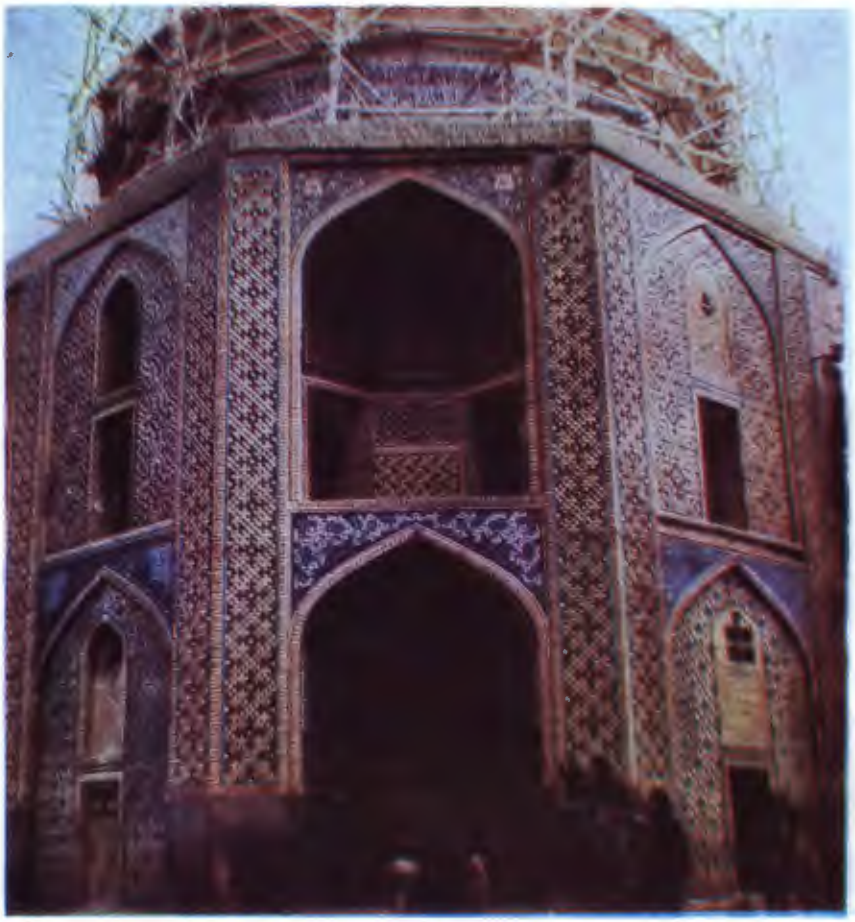

مشهد_ خواجه ربیع

تایباد سنگ مزار شیخ زین الدین

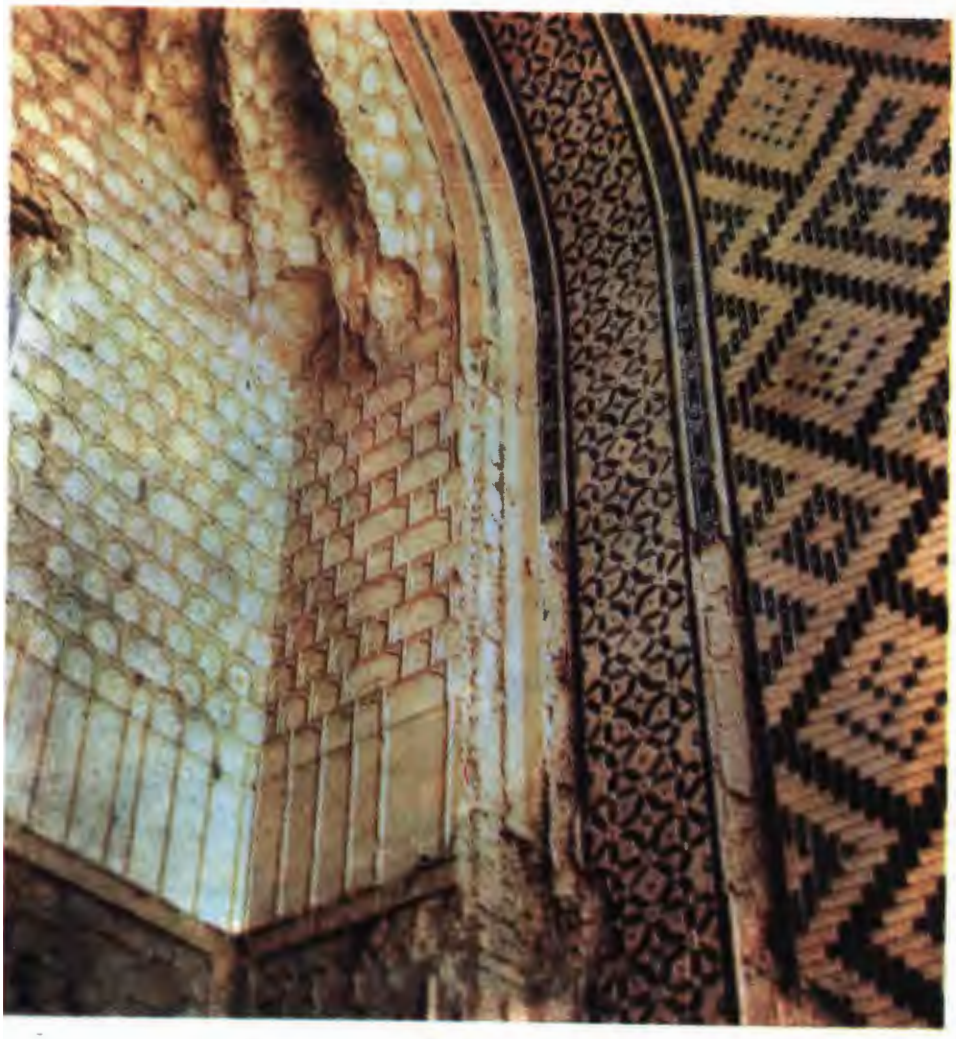

خواف قسمتی از کاشیکاری ایوان مدرسهٔ «خرگرد»

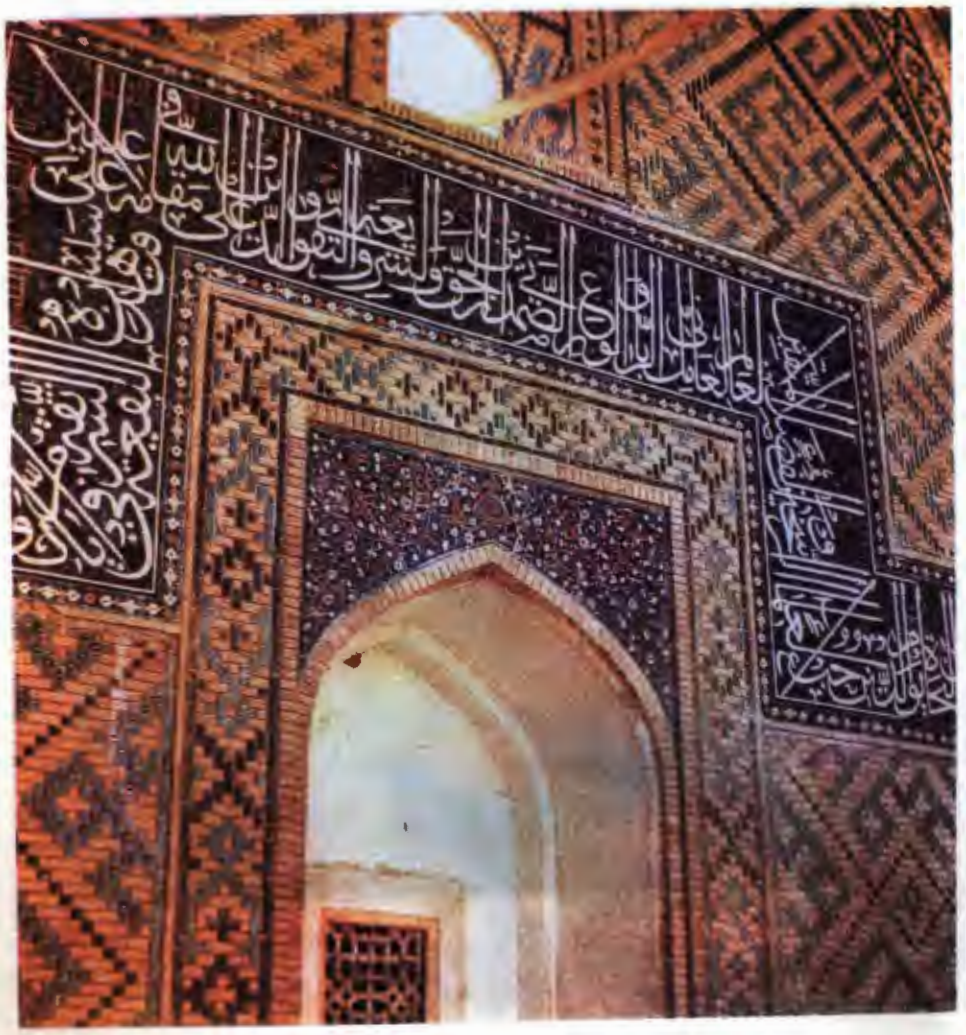

تایباد ـ قسمتی از ایوان بقعهٔ شیخ زین الدین

تایباد ـ قسمتی از صحن بقعهٔ شیخ زین الدین

خواف نمای مدرسه خرگرد

تربت جام ـ سنگ مزار شیخ احمد جامی

خواف ـ قسمتی از کاشیکاری ایوان مدرسه «خرگرد»

خواف - مدرسهٔ «خرگرد»

تایباد ـ قسمتی از کاشیکاری ایوان بقعهٔ شیخ زین الدین

...س ۱۳۷۶
...تخصصی ادبی

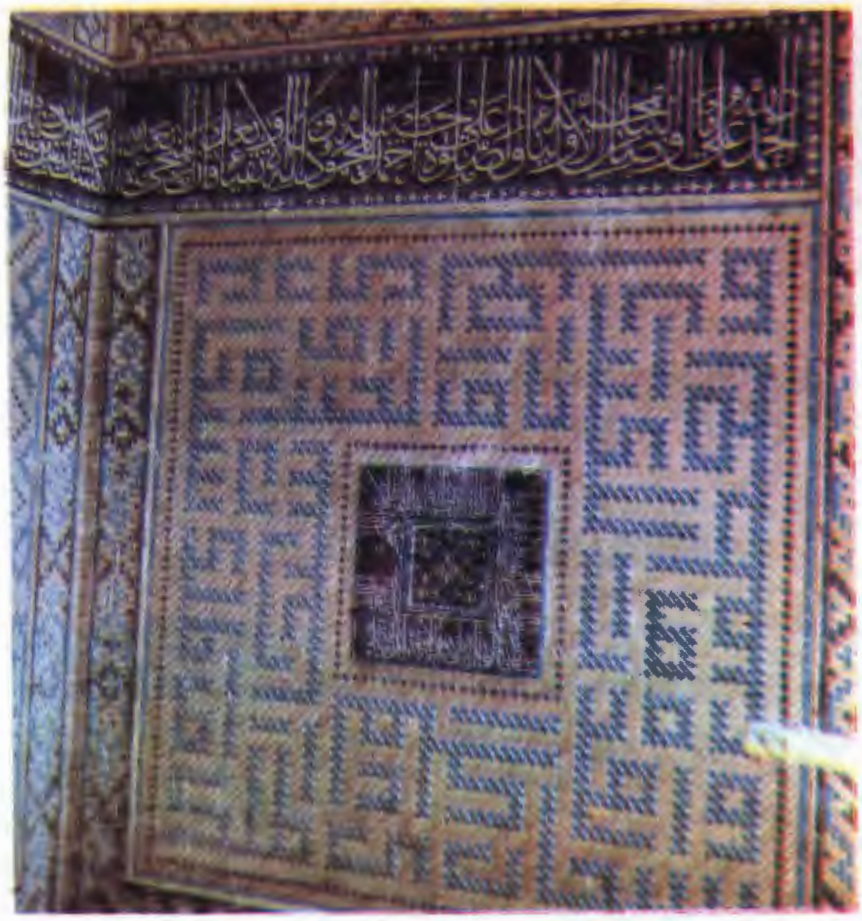

تایباد ـ کاشیکاری ایوان بقعهٔ شیخ زین الدین

کتابستان
@ketabestaneman